

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

توسعه
راهبرد



پژوهشکده تحقیقات راهبردی

راهبرد یاس سابق
شماره پیاپی ۵۷ - بهار ۱۳۹۸

● صاحب امتیاز

دکتر سیدمرتضی نبوی

● مدیر مسئول

دکتر محمدخوش چهره

● سردبیر

دکتر حسن سبحانی

● امتیاز: علمی - ترویجی. طبق نامه شماره ۳/۱۱۵۵۲ مورخ ۸۶/۱۲/۲۷ و نامه تمدید

امتیاز (به شماره ۳/۲۵۹۰۶ مورخ ۹۱/۲/۱۱) وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

● ناشر: مرکز پژوهشی مطالعات راهبردی توسعه و پژوهشکده تحقیقات راهبردی

● حروفچینی و صفحه آرای: قربان تاجریان

● نشانی: تهران - خیابان فلسطین شمالی - پایین تر از زرتشت - پلاک ۵۵۴ - طبقه ۳

کدپستی: ۱۴۱۵۷۵۴۳۹۴ - تلفن: ۸۸۹۹۱۱۷۷ - نمابر و سامانه پیام کوتاه: ۰۲۱۸۸۹۹۱۸۰۲

www.tsrc.ir
rahbordeyas@gmail.com
www.rahbord-mag.ir

آدرس اینترنتی:

پست الکترونیک:

سامانه ارسال و پی گیری مقالات:

این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه می شود:

www.isc.gov.ir
www.magiran.com
www.saminattech.ir

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام

بانک اطلاعات نشریات کشور

سامانه یکپارچه مدیریت نشریات ایران

● چاپ: انتشارات پژوهشکده تحقیقات راهبردی

● قیمت: ۶۰۰۰ تومان

هیأت تحریریه فصلنامه راهبرد توسعه

- ❖ دکتر سید مصطفی ابطحی: استادیار دانشگاه آزاد اسلامی
- ❖ دکتر حسن عابدی جعفری: استادیار دانشگاه تهران
- ❖ دکتر محمد خوش چهره: استادیار دانشگاه تهران
- ❖ دکتر داوود دانش جعفری: استادیار دانشگاه علامه طباطبایی
- ❖ دکتر سید سعید زاهد زاهدانی: دانشیار دانشگاه شیراز
- ❖ دکتر حسن سبحانی: استاد دانشگاه تهران
- ❖ حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر حسن علی اکبری: استادیار دانشگاه امام حسین (ع)
- ❖ دکتر حسین عیوضلو: استادیار دانشگاه امام صادق (ع)
- ❖ دکتر محمدرحیم عیوضی: استاد دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)
- ❖ دکتر حسین کچویان: دانشیار دانشگاه تهران
- ❖ دکتر علی لاریجانی: استادیار دانشگاه تهران
- ❖ دکتر محمدجواد لاریجانی: استاد پژوهشگاه دانش‌های بنیادین
- ❖ دکتر علی مبینی دهکردی: عضو هیأت علمی مؤسسه بین‌المللی مطالعات انرژی
- ❖ دکتر امیر محبیان: استادیار دانشگاه آزاد اسلامی
- ❖ دکتر منوچهر محمدی: استاد دانشگاه تهران
- ❖ حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر غلامرضا مصباحی مقدم: استادیار دانشگاه امام صادق (ع)
- ❖ دکتر محمدحسین ملایری: استادیار پژوهشی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام
- ❖ دکتر عباس ملکی: دانشیار دانشگاه صنعتی شریف
- ❖ دکتر سید مرتضی نبوی: عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

داوران این شماره: آقایان دکتر حسن سبحانی، دکتر میثم موسائی، دکتر علیرضا واعظی،

دکتر هادی حکیمی، دکتر طاها عشایری، دکتر حمید پاداش، دکتر سعید ملکی.

چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی

با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی، در چشم‌انداز بیست ساله: ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل.

راهنمای تهیه و ارسال مقالات

خواهشمند است برای ارسال مقاله، به این موارد توجه بفرمایید:

- ۱- نام و نام خانوادگی، میزان تحصیلات، رتبه علمی، شغل، نشانی، کدپستی، شماره تلفن و پست الکترونیکی خود را در برگه‌ای جداگانه قید و ضمیمه مقاله نمایید.
- ۲- حجم مقاله بیش از ۳۰ صفحه و کمتر از ۱۰ صفحه (صفحه ۳۰۰ واژه‌ای) نباشد.
- ۳- در صورت ارسال مقالات ترجمه شده، تصویر متن اصلی مقاله و فهرست کامل منابع آن (با مشخصات دقیق کتاب‌شناسی) را به همراه ترجمه مقاله ارسال فرمایید.
- ۴- برای سهولت در ارزیابی و ویرایش، مقاله بر روی کاغذ A4 و با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها و میان سطرها، حروف‌چینی شده و یک نسخه پرینت به همراه فایل مربوطه ارسال گردد.
- ۵- مقاله‌های ارسالی از حیث ساختار لازم است مشتمل بر بخش‌های زیر باشد:
الف- **چکیده:** چکیده‌ای ۲۰۰ تا ۳۰۰ کلمه‌ای به همراه واژگان کلیدی تهیه شود و ترجمه انگلیسی آن نیز ارائه گردد.
ب- **پاورقی‌ها:** توضیحات بیشتر در مورد موضوع، معادل‌های خارجی اسامی و اصطلاحات مبهم و مهجور با عنوان «پاورقی‌ها» در پایین صفحه مربوطه آورده شود.
ج- **منابع:** فهرست منابع فارسی و غیرفارسی در پایان مقاله، به طور جداگانه (در ادامه همدیگر؛ ابتدا منابع فارسی و در ادامه منابع غیر فارسی) به ترتیب حروف الفباء آورده شود:
- کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار)، **نام کتاب**، نام مترجم، شماره جلد، محل انتشار: نام ناشر، نوبت چاپ.
- مقاله: نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، **نام نشریه**، شماره نشریه.
د- **ارجاعات:** ارجاعات به صورت درون‌متنی پس از نقل مطلب به صورت زیر آورده می‌شود:
- منابع فارسی: (نام خانوادگی، سال نشر: شماره صفحه)
- منابع انگلیسی: (نام خانوادگی، سال نشر: شماره صفحه)، با این توضیح که در اولین مورد به کاربردن نام خانوادگی، عبارت فارسی نام نویسنده در داخل متن به صورت فوق ذکر شده و به صورت لاتین در پاورقی ذکر می‌گردد.
- در صورت تکرار استفاده، ارجاع به صورت کامل، همانند بار اول، نوشته می‌شود و از کاربرد واژه‌های همان، پیشین و مانند آن خودداری شود.
- چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال بیش از یک اثر انتشار یافته باشد، این دو اثر با ذکر حروف الفبایی پس از سال انتشار از یکدیگر متمایز شوند.
۶- راهبرد توسعه در پذیرش یا رد، اصلاح و ویرایش مطالب و نیز نحوه چینش مقالات آزاد است.
۷- ارسال مقاله برای فصلنامه راهبرد توسعه به منزله تعهد نویسنده مبنی بر جدید بودن مطلب و عدم انتشار آن در نشریه دیگری است.
۸- مقالات ارسال شده بازگردانده نمی‌شود.
۹- هرگونه استفاده از مطالب مندرج در این فصلنامه با ذکر کامل نام منبع بلامانع است.

فصلنامه علمی - ترویجی راهبرد توسعه، مجله‌ای است نظری و تجربی که به مسایل مختلف توسعه در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد و هدف از انتشار آن، زمینه‌سازی برای پیشرفت ایران و دستیابی به اهداف چشم‌انداز بیست ساله است. راهبرد توسعه مفتخر است که آوردگاه اندیشه‌ها باشد. به همین منظور هیأت تحریریه فصلنامه راهبرد توسعه، از کلیه استادان، صاحب‌نظران و پژوهشگران برای ارسال مقالات علمی و پژوهشی خود جهت چاپ در این فصلنامه، دعوت به عمل می‌آورد.

فهرست مطالب

- ❖ سخن سردبیر..... ۵
- ❖ میزگرد: هدف گذاری توسعه متکی بر اسلام سیاسی ۷
- ❖ تأثیر شاخص های توسعه انسانی بر رشد اقتصادی در بین کشورهای اسلامی ۴۵
علیرضا تمیزی
- ❖ جنبه های اقتصادی فرآوری پسماندهای شهری با نگرشی بر کشورهای پیشروی جهان (مطالعه موردی: کلان شهر اراک) ۷۰
رضا احمدی
- ❖ پهنه بندی توسعه یافتگی از منظر برنامه ریزی منطقه ای دفاعی استان سیستان و بلوچستان: مدل آنالیز استان..... ۹۸
احسان درستکار / سیروس نبیونی / علیرضا عباسی
- ❖ آینده نگاری و سناریوسازی ظهور نسل پیر در آینده و مراقبت های لازم با توجه به دیجیتالی شدن امور رفاهی در نظام جمهوری اسلامی ایران در آینده ۱۲۷
حبیب الله سالارزهی / باقر کرد / احسان نامدار جویمی
- ❖ تدوین وضعیت توسعه فضایی در شهرستان رشت با تاکید بر الگوی راهبرد توسعه منطقه ای (RDS) ۱۵۴
مجید یاسوری / مریم سجودی
- ❖ توسعه ویژگی های شخصیتی کارآفرینی: تحلیل محتوای کتاب کارگاه کارآفرینی و تولید دوره متوسطه نظری از منظر میزان انعکاس ویژگی های شخصیتی کارآفرینی ۱۸۳
جواد آقامحمدی
- ❖ آینده نگاری زندگی کاری و ارتباط کار و زندگی با رویکرد دلفی ۲۰۵
احسان نامدار جویمی / سید علیقلی روشن / نور محمد یعقوبی

سخن سردیبر

توسعه‌یافتگی که به تجربه بشر در یکی دو قرن اخیر، برای خروج از وضعیتی توأم با فقر و ناکارآمدی و اسیر قوانین ناشناخته طبیعی بودن، اطلاق می‌شود؛ از وجوه و جنبه‌های مختلفی قابل مطالعه و بررسی است. به خصوص که در این «صیروت» توانسته است جهانی از فراوانی و وفور، توأم با کارآمدی و تخصص و دانش پشتیبان فهم قواعد و سنت‌های حاکم بر طبیعت را، به ارمغان بشریت بیاورد.

بدیهی است شناخت توسعه‌یافتگی مستلزم شناخت غرب است. آن هم نه غرب جغرافیایی و مصطلح، که غرب مستظهر به یک موقعیت جغرافیایی یعنی اروپا و به یک دین یعنی مسیحیت و به یک فلسفه یعنی نهضت روشنگری و به یک نژاد یعنی نژاد سفید و بالاخره به یک نظام اقتصادی یعنی کاپیتالیسم است (سرژ لاتوشه، غربی‌سازی جهانی، ۴۵). از این روی گستره مباحث بنیادین در فهم توسعه بسیار متنوع و عمیق می‌گردد. در عین حال مطالعه تغییرات حاصله در سبک زندگی و پیش و دیدگاه‌های انسان توسعه یافته، از آن حیث که ریشه‌دار و تعیین کننده بوده است، هم قابلیت بررسی و هم ضرورت انکارناپذیر دارد. در صعوبت ادراک توسعه‌یافتگی همین بس که عده‌ای بسیار، از توسعه مقوله‌ای جدای از مثل غربی‌ها شدن، ادراک نکرده‌اند و همین درک، سرنوشت تلخ «انفعال» و «شیفتگی» را برای آنان و جوامعشان به ارمغان آورده است. بدین سبب شناخت «توسعه»، هم برای فهم آن و هم برای نقد آن، از بایسته‌های دوران ما می‌باشد.

راهبرد توسعه این هر دو مهم را، از اهداف خود می‌پندارد و بر آن است تا آئینه‌ای برای انعکاس مطالعات و پژوهش‌هایی باشد که در فهم توسعه یافتگی و تجارب مبتنی بر مفاهیم منجر به توسعه، مدد رسان می‌باشند. در عین حال نقد توسعه از وجوه مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن، و جستجوی راهکارهایی که توسعه را نه مثل دیگران شدن، که بر آمدن و ارتقاء بر حیات ارزش‌ها و هنجارهای خود می‌داند، از اهداف فصلنامه راهبرد توسعه است. ما از پذیرش مقالاتی که پژوهشی است اما در عین حال، ترویجی و کاربردی از تئوری‌های توسعه و مسائل و نظرات مرتبط با آن است، استقبال می‌کنیم. قاعدتاً محدوده موضوعی مقالاتی که «علمی - ترویجی» باشند باید به توسعه در وجوه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن معطوف باشد و صد البته باید این مهم در مقالات دیده شود که توسعه یک کل غیر قابل تجزیه به وجوه آن است و تقسیم بندی‌ها، صرفاً نوعی قرارداد برای سهولت مطالعه و پژوهش است. آرزوی ما آن است که از طریق فصلنامه «راهبرد توسعه» و به وسیله مقالات علمی - ترویجی دریافتی، به فضای محتاج به عمیق بررسی شدن توسعه در کشورمان، چنان کمک نمائیم که در ادامه راه، و مشخص و واضح‌تر شدن اهداف توسعه‌ای کشور، به اهداف سند چشم‌انداز نزدیک و ان‌شاء‌الله در مسیر فهم الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت قرار گرفته باشیم.

میزگرد

آقایان: دکتر فیروز اصلانی،^۱ دکتر علیرضا صدرا^۲ و دکتر سید مرتضی نبوی^۳ در میزگرد علمی راهبرد توسعه با عنوان:

هدف گذاری توسعه متکی بر اسلام سیاسی

سردبیر: موضوع میزگرد این شماره فصلنامه راهبرد توسعه، «هدف گذاری توسعه متکی بر اسلام سیاسی» است که ناظر به اهمیت بیانیه راهبردی مقام معظم رهبری با عنوان «گام دوم انقلاب» انتخاب شده است. در این میزگرد می خواهیم به رویکرد توسعه ای جمهوری اسلامی ایران پردازیم؛ اینکه چه نوع توسعه و پیشرفتی مدنظر جمهوری اسلامی است و برای تحقق آن چه راهبردی را دنبال می کند؟ یا عبارت دیگر نرم افزار اجرای مدل توسعه ای نظام جمهوری اسلامی ایران چیست؟ آیا این راهبرد یا نرم افزار متکی بر اسلام سیاسی انتخاب شده است؟ برای پاسخ به این پرسش ها در ابتدا می خواهیم به نوع تلقی جهان دو قطبی از تحقق انقلاب اسلامی پس از پیروزی این انقلاب در سال ۱۹۷۹ میلادی پردازیم؛ اینکه در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، جهان دو قطبی که درگیر جنگ سرد بود، چه تلقی از این انقلاب داشت؛ آیا انقلاب اسلامی ایران را رژیم سیاسی قلمداد می کرد و یا اینکه نوعی چالش فکری برای آنها بود؟ آقای دکتر صدرا بفرمائید.

صدرا: در ابتدا باید به این نکته تاکید داشته باشم که انقلاب اسلامی بی بدیل ایران و نظام جمهوری اسلامی بدیع ایران مرحله تأسیس، تثبیت و دفاع مقدس و توسعه زیربنایی را با موفقیت

۱ - دانشیار حقوق عمومی دانشگاه تهران

۲ - استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران

۳ - عضو مجمع تشخیص مصحلت نظام

پشت سر گذاشته است که می‌توان آن را مرحله «جهاد اصغر» نامید، چراکه بیشتر سلبی و در راستای زمینه‌سازی است؛ گذار از نظام طاغوتی به اسلامی و دفاع از خود برای فراهم ساختن زمینه‌ای پیشرفت. بیانیه راهبردی رهبر معظم انقلاب اسلامی که «گام دوم انقلاب» نام گرفته است، در واقع جهاد اکبر است. گام اول انقلاب جهاد اصغر بود؛ در این مقطع جهاد ما سلبی و دفاعی بود و موانع را بر می‌داشتیم اما در گام دوم باید جهاد اکبر را شروع می‌کنیم و در جهت دولت‌سازی، کارآمدسازی و در نهایت تمدن‌سازی حرکت کنیم. در فاز جهاد اصغر از مرحله بدوی وارد مرحله مدنی شدیم و در فاز جهاد اکبر باید به سمت توسعه و مرحله متعالی حرکت کنیم. هر طرح راهبردی باید سه فاکتور اساسی چشم‌انداز، چالش و راهبرد را داشته باشد که با هم مرتبط هستند و به اجرایی شدن طرح کمک می‌کنند. در گام دوم انقلاب، مقام معظم رهبری به درستی این سه فاکتور اساسی را تبیین نموده‌اند؛ چشم‌انداز گام دوم انقلاب «تمدن‌سازی» است. چالش گام دوم انقلاب، «کارآمدسازی» است و راهبرد گام دوم انقلاب «الگوسازی پیشرفت» است. ناظر بر همین مطلب می‌توان به سؤال اول این میزگرد مبنی اینکه «نوع تلقی جهان دو قطبی از تحقق انقلاب اسلامی چیست؟ نوعی رژیم سیاسی یا نوعی چالش فکری؟» پاسخ داد. وقتی انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید و شعار «استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی» را سر داد، قدرت‌های جهانی و جهان دو قطبی متوجه این شعار و فریاد انقلاب اسلامی ایران شد. آمریکا و قدرت‌های غربی متوجه شعار انقلاب اسلامی شدند چون این مقدار از هوشمندی را داشتند که خطر انقلاب اسلامی ایران را بر اساس این شعار درک کنند اما خردمند نبودند. بخاطر همین بی‌خردی نیز در طول ۴۰ سال اخیر تمام تلاش و تجهیزات خود را علیه انقلاب اسلامی ایران به کار بستند اما موفق نبودند. به عنوان مثال از صدام حمایت کردند اما در نهایت صدام برای آنها هزینه‌گزافی در پی داشت و به اهداف خود علیه انقلاب اسلامی ایران نرسیدند. در واقع قدرت‌های استکباری (بلوک قدرت جهانی) به ظاهر متعارض؛ الف. هم شرقی و ب. هم غربی (با شعار نه شرقی و نه غربی)، هوش‌ابزاری لازم را داشتند و بر همین اساس نیز جهان را اداره می‌کردند اما خردمندی و هوش‌دوربرد را نداشتند. «آندره فوتن» در کتاب

«یک بستر و دو رؤیا»، به این موضوع بدرستی اشاره می کند؛ به تعبیر آندره فونتن «در یک بستر آرمیده و دو رؤیا برای خود و برای جهان می دیدند ...» که ناگهان پیرمردی می آید و رویای شیرین آنها را بهم می زند.

انقلاب اسلامی ضد استکباری بیگانه و ضد استبدادی سلطنتی ایران از آغاز و از بنیاد با شاعر هم شعور خیز حکمت آمیز و هم در عین حال شور و حرکت آفرین استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی ایران به عنوان اهم شالوده ها و شاخصه های خود، الگوی پیشرفت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی؛ معنوی و اخلاقی متعالی خاص خویش را ارایه داد. اگر به شعار این نهضت توجه کنیم، متوجه می شویم که چرا بلوک قدرت جهانی در طول ۴۰ سال که از پیروزی انقلاب اسلامی می گذرد، همواره تلاش کرده اند علیه این نهضت کار کنند. هر چند چون خردمندی لازم را ندارند، به نتیجه نرسیده اند.

عنصر اول این شعار استقلال است که ابعاد آن استقلال از وابستگی، سلطه و نفوذ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است؛ یعنی استقلال از بلوک قدرت جهانی (با شعار نه شرقی و نه غربی)، دیگری استقلال از نگاه، نظریه و مکتب (اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) مدرنیسم در هر دو شاخه بظاهر متعارض اعم از؛ الف- لیبرالیسم کاپیتالیسم و ب- سوسیالیسم کمونیسم مارکسیسم. همچنین استقلال از الگوی (روابط و رفتاری و مدل ساختاری و نهادی) بظاهر متعارض؛ الف- هم الگوی سرمایه سالاری (۱٪ بر ۹۹٪) حداقلی و سیاست عدم دخالت بویژه اقتصادی آن که در آن دولت مجری نبوده، مالک هم نیست و نبایستی باشد و کارپرداز است. ب- هم الگوی دولتسالاری توتالیتریستی حداکثری و سیاست دخالت بخصوص اقتصادی آن که در آن دولت هم مالک و کارفرما، هم مدیر و حاکم و هم مجری و پیمانکار است.

عنصر دوم این شعار، آزادی است؛ آزادی از خود رأیی، خود محوری و بخصوص خود کامگی استبدادی سلطنتی شخصی، خانوادگی و خاندانی، ملوکی (مالک و مملوکی) و موروثی و از توسعه نیافتگی، از توسعه ماندگی و به اصطلاح عقب ماندگی، عقب بردگی و عقب نگهداشتگی یعنی عدم پیشرفت یا توسعه نامتعالی (تک ساحتی نارسا تنازعی ناسازوار) اقتصادی، سیاسی و

فرهنگی؛ معنوی و اخلاقی است.

عنصر سوم این شعار، جمهوری اسلامی است؛ یعنی جایگزینی نگاه، نظریه و نظام سازی الگوی جمهوری بدیع یعنی مردمسالاری دینی اسلامی ایران است. لازمه تحقق این شعار ۱- جایگزینی الگوی توسعه متعالی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، ۲- جایگزینی الگوی نقش راهبردی دولت، دول هادی، دولت امام، الگوی ولایت دولت و مدل دولت معمار، بجای دولت همه کاره حداکثری یا هیچ کاره حداقلی و ۳- سیاست راهبردی، سیاست هدایت و هدایت سیاسی، سیاست امامت و امامت سیاسی، سیاست ولایت و ولایت سیاسی، بجای سیاست دخالت یا سیاست عدم دخالت می باشد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی دو نظریه در آمریکا برای رویارویی با ایران شکل گرفت؛ نظریه اول مربوط به ویلیام سولیوان آخرین سفیر آمریکا در ایران بود و از نزدیک مردم ایران را می شناخت، گفت که باید انقلاب اسلامی ایران را به رسمیت بشناسیم و با آن کنار بیاییم. نظریه دوم مربوط به «زیگنیو برژینسکی» استراتژیست و تئوریسین معروف آمریکایی بود که می گفت باید با انقلاب اسلامی بشدت مقابله کنیم و اجازه ندهیم که این انقلاب به یک الگو برای سایر کشورهای جهان تبدیل شود. همچنین باید هزینه های این انقلاب را به اندازه ای بالا ببریم که اثربخش نباشد. بر همین اساس نیز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را رقم زدند و در تمام این سالها از هیچ تلاشی برای براندازی انقلاب اسلامی و تشدید فشارها علیه نظام جمهوری اسلامی، دست نکشیدند. اما برژینسکی در سال های پایانی خود به این نتیجه رسید که ایران دشمن عاقل آمریکاست و معتقد بود که اعراب دوست آمریکا هستند؛ دوستی که یا دست آنها را می بوسند و یا گاز می گیرد اما ایران تنها کشوری هست که می تواند ثبات منطقه و خاورمیانه را رقم بزند. در میان اندیشمندان و تاریخدانان متفکر معاصر نیز انقلاب اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفت. به عنوان مثال میشل فوکوی فرانسوی، پدر و چهرگان شاخص پست مدرنیسم، که مدعی شالوده شکنی مدرنیسم می باشند و موسس و مروج نظریه گسست تاریخ محسوب می شود، بر خلاف نظریه گسست خویش در کتاب «ایرانی ها چه رویایی در سر دارند؟»، می گوید:

«سرنوشت عجیبی دارد ایران. در سپیده دم تاریخ، این کشور دولت و حکومت را پدید آورد؛ بعدها نسخه آن را به اسلام هدیه داد و مقامات ایرانی در سیمت‌های دیوانی به خدمت امپراتوری عربی درآمدند. اما ایران از همین اسلام مذهبی بیرون آورده است که در طول قرن‌ها به هر چیزی که می‌تواند از اعماق وجود یک ملت با قدرت دولت دریفتد نیرویی مقاومت‌ناپذیر بخشیده است.»

میشل فوکو همچنین در کتاب دیگر خود با عنوان «ایران، روح یک جهان بی روح»، ایران و انقلاب اسلامی ایران را دمیدن روح معنویت و متعالی در جسم مادی و ابزاری توسعه مدرنیستی می‌داند. کما این که از آن تعبیر به معنویت سیاسی می‌کند؛ «اما به جنبش دیگری هم می‌اندیشند که وارونه و عکس اولی است. جنبشی که از راه آن به توان عنصر معنوی را داخل زندگی سیاسی کرد؛ چیزی که ما غربی‌ها پس از رنسانس و بحران بزرگ مسیحیت آن را از دست داده‌ایم. جنبشی است که می‌توان از طریق آن کاری کرد که سیاست همیشه سد راه معنویت نباشد، بلکه به پرورشگاه، جلوه‌گاه و خمیر مایه آن تبدیل شود.»

با توجه به آنچه که گفتم، اگر بخواهیم به این سؤال شما که «چه نوع توسعه و پیشرفتی مدنظر انقلاب اسلامی ایران است؟»، پاسخ بدهم؛ می‌توان گفت توسعه مبنایی و مطلوب انقلاب و نظام انقلابی جمهوری اسلامی ایران، توسعه دوساحتی مادی و معنوی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌باشد. می‌توان این را توسعه توحیدی متعادل و متعالی نامید. توسعه اقتصادی (مادی و ابزاری)، توأمان با توسعه و تعادل (عدالت) سیاسی و اجتماعی در جهت توسعه و تعالی فرهنگی؛ معنوی و اخلاقی است.

سردبیر: آقای دکتر صدرا تصویری از وضعیت نظام جمهوری اسلامی ترسیم کردند، که تصویری بسیار امیدوارانه و روشن بود. این تصویر همسو با بیانات مقام معظم رهبری است که شاید به دلیل کارکرد رهبری جامعه که بر عهده دارند، باید چنین تصویر و چشم اندازی را ترسیم کنند. بر اساس تحلیل آقای دکتر صدرا انقلاب اسلامی در ۴۰ سال اخیر مسیر خود را به درستی طی کرده است و اگر در جامعه مشکلاتی هم وجود دارد، این مسئله مربوط به ساختار

غلط و مدیریت ضعیف و نالایق در برخی سطوح است. تصویری که آقای دکتر صدرا ترسیم کردند، بسیار خوب و ایده آل است. آقای دکتر اصلانی آیا شما هم چنین تصویری از مسیری که انقلاب اسلامی در ۴۰ سال اخیر طی کرده است، دارید؟

اصلانی: در ابتدا باید بگویم که یک اراده الهی در پیروزی انقلاب اسلامی ایران وجود دارد و حضرت امام خمینی (ره) از همان ابتدا عناصر «اسلام» و «مردم» را وارد این انقلاب کردند و بر مبنای این دو عنصر، نظام سیاسی ایران اسلامی را تشکیل دادند. امام راحل (ره) با انفاست قدسیه خودشان ملت ما را از یک ملت تماشایی به یک ملت حاضر در صحنه مبدل کرد و اسلام را از گوشه حجره ها و از حاشیه حکومت و سیاست به متن سیاست و حکومت وارد کرد و با تلفیق دو عنصر مردم و اسلام انقلاب اسلامی را در ایران پیروز کرد اراده خدا تعلق گرفت و این دو عنصر اسلام و مردم که در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در حاشیه متن سیاست و حکومت قرار داشت به متن آمد و انقلاب به دست توده های مردم با رهبری حضرت امام ره پیروز شد. بنابراین نظام جمهوری اسلامی دو عنصر مردم و اسلام را با هم تلفیق کرد و این دو عنصر در نوع نظام جمهوری اسلامی متجلی شد. قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران نیز عصاره این دو عنصر است و بر مبنای این دو عنصر تدوین شده است. واقعیت این است که تمام نظام های سیاسی در جهان، اعم از نظام های شاهنشاهی و یک تن سالاری و گروه سالاری، مردم سالاری و نظام هایی که منشاء بشری یا الهی دارند، از یک فلسفه سیاسی برخوردارند و هیچ نظام سیاسی از این امر استثنا نیست؛ نظام جمهوری اسلامی ایران نیز استثنا نیست. فلسفه سیاسی هر نظام سیاسی شامل یک سلسله آرمان ها و ارزشهاست و لازمه تحقق این ارزش ها و آرمان ها، قدرت سیاسی است. اگر قدرت سیاسی نباشد و ساختارها، تشکیلات حکومتی و ابزارهای اعمال این قدرت سیاسی وجود نداشته باشد، آن نظام سیاسی به اهداف و ارزش های خود نخواهد رسید. بر همین اساس ملت ایران اسلامی با رهبری حضرت امام خمینی (ره) و تحت اراده الهی، اقدام به خودتصمیمی و خودسازمانی و تحدید اراده خود کرد. به این نکته باید توجه داشته باشیم که اراده اولیه ملتی که انقلاب می کنند و موجب سقوط یک نظام سیاسی می شوند و نظام سیاسی

جدید تشکیل می دهند، یک اراده آزاد و مطلق است و این اراده مقید نیست اما پس از پیروزی انقلاب برای استمرار نظام سیاسی جدید، لاجرم باید این اراده تحدید و سامان بندی و ساختار بندی شود و پذیرش این محدودیت الزامی است. این محدودیت هم در نوع نظام سیاسی و هم در قانون اساسی که «ام القوانین» آن نظام است، تعریف و تعیین می گردد. بعبارت دیگر قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران یک اراده آزاد و مطلق داشتند و با این اراده می توانستند هر کاری انجام دهند اما از آنجا که انسان به تعبیر من یک «حیوان گزینش گر» است و هر کاری انجام می دهد بر اساس گزینش است، ملت ایران با این اراده سیاسی آزاد و مطلق، پیروزی انقلاب اسلامی را رقم زد و نظام جمهوری اسلامی را انتخاب کرد و در مرحله بعد اراده سیاسی خود را بر اساس این نظام سیاسی و قانون اساسی آن تحدید کرد تا این نظام سیاسی استمرار پیدا کرده و به اهداف خود دست یابد.

برای تشریح این موضوع یک فرمولی را تعریف می کنم؛ در یک زمانه و زمینه خاص، در یک تاریخ و جغرافیای خاص، یک بحران سیاسی خاص در یک جامعه پدید می آید، متفکران و اندیشمندان سیاسی آن جامعه بر اساس جهان بینی خاص خود، اقدام به گزینش می کنند و به آن بحران سیاسی پاسخ می دهد. پاسخ آنها به بحران سیاسی بر اساس یک نظریه سیاسی خاص بوجود می آید. نظریه سیاسی که حضرت امام خمینی (ره) برای پاسخ به بحران سیاسی که در جامعه ایران بوجود آمده بود، نظریه سیاسی ولایت فقیه بود. امام راحل (ره) بر اساس این نظریه نیز دو عنصر «اسلام» و «مردم» را وارد انقلاب اسلامی کردند و عصاره این دو عنصر در قانون اساسی کشور تبلور یافته است. در مقدمه قانون اساسی به این موضوع اشاره شده است و مقدمه نیز همچون اصول قانون اساسی، بخشی از قانون اساسی است و اهمیت دارد. «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می باشد. ماهیت انقلاب عظیم اسلامی ایران و روند مبارزه مردم مسلمان از ابتدا تا پیروزی که در شعارهای قاطع و کوبنده همه قشرهای مردم تبلور می یافت این خواست اساسی را مشخص کرده و اکنون در طلیعه

این پیروزی بزرگ، ملت ما با تمام وجود نیل به آن را می‌طلبد.» در مقدمه قانون اساسی در بخش مربوط به شیوه حکومت نیز آمده است؛ «حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید.»

لذا شاهد هستیم وقتی ملتی انقلاب می‌کند، در واقع اقدام به خودسامانی، خودتصمیمی و تحدید اراده خود می‌کند و این خودسامانی لازمه حیات اجتماعی است و اگر تحدید اراده صورت نگیرد، انقلاب نیز به ثمر نمی‌نشیند و تبدیل به یک حرکت کور می‌شود. همچنان که گفتیم هر نظام سیاسی برای تشکیل نیازمندیک فلسفه سیاسی است و فلسفه سیاسی هر نظام سیاسی شامل یک سلسله آرمان‌ها و ارزش‌هاست. فلسفه سیاسی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران نیز به وضوح در قانون اساسی مشخص شده است.

قانون اساسی ایران مترقی‌ترین قانون اساسی دنیاست و تنها قانونی است که برخاسته از ارزش‌های اسلامی بوده و نظامی با شاخصه مردم‌سالاری دینی ایجاد کرده است. این قانون هرگونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را نفی می‌کند. در واقع جوهره اصلی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برخلاف رژیم‌های ستم‌شاهی عدالت‌محوری است. در این قانون به مردم جهت اداره شهر و روستا نقش مستقیم واگذار شده است و تصمیم‌گیری محلی در سطح استان‌ها و شهرستان‌ها به رسمیت شناخته شده است. در قانون اساسی بین حقوق عامه مردم عادی و رهبران حکومت هیچگونه تفاوتی وجود ندارد به صورتی که طبق ذیل اصل ۱۰۷ قانون اساسی، رهبری برابر قوانین با سایر افراد جامعه برابر است. رهبری نظام اسلامی ایران علی‌رغم اینکه با عنوان ولایت مطلقه فقیه نام برده می‌شود، محدودترین فرد در کشور و حتی در میان رهبران سیاسی جهان است و این نیز در جهان بی‌نظیر است زیرا ایشان تنها موظف به عمل کردن در چارچوب اراده الهی و مصالح مسلمین است و اگر خلاف این مهم عمل کند از ولایت ساقط می‌شود. لذا حرکت و نگاه ایشان باید براساس احکام الهی باشد؛ بنابراین رهبری مادام‌الشرایطی و

محدودترین فرد کشور است و این نیز به برکت رهبری داهیانہ امام خمینی (ره) بوده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سندی است قانونی و شرعی که با پشتوانه‌ای مردمی، چارچوب نظامی اسلامی ایران را ترسیم و اهداف انقلاب اسلامی را که خود مولفه‌ای از قرآن، سنت و کلام معصومین و خاص مردم است بیان کرده است. قانون اساسی در ایران نه تنها مبین ارزش‌ها و اصول دینی است و متضمن سازوکارها و نهادهای متولی دین است بلکه سازوکارها و مراحل سیر نهادهای سیاسی و اجتماعی را که کارکردهای سیاسی و اجتماعی دارند، تبیین و ترسیم می‌کند. در واقع تحقق ارزش‌ها در جمهوری اسلامی نیازمند برخورداری از قدرت سیاسی است که قانون اساسی در حفظ، بسط، توزیع و انتقال و انحلال این قدرت تاثیرگذار است به این معنا که همه این اصول متوقف بر قانون اساسی هستند و در نهایت این قانون نیز محقق کننده اراده توده‌های مردم است.

با این مقدمه می‌توانیم تصویری از مسیری که انقلاب اسلامی ایران طی کرده است، داشته باشیم؛ در یک جمله می‌گوییم ۴۰ سال است که به برکت انقلاب اسلامی، بدون کمک ابرقدرت‌ها و استکبار نفس می‌کشیم.

روزی که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، متفکران، اندیشمندان و سیاستمداران مختلفی در دنیا انقلاب اسلامی ایران را تحلیل کردند، در این میان «ژاک شیراک» تحلیل دقیق را داشت و به نظر می‌رسد انقلاب اسلامی را بهتر از سایر متفکران شناخته است. ژاک شیراک گفت این انقلاب تنها منافع ابرقدرت‌ها را تهدید نمی‌کند، بدنال منافع خاص سیاسی هم نیست، بلکه یک انقلاب ایدئولوژیک است که الگوبخش انقلاب‌های دیگر در جهان خواهد شد.

دو نظام و جهان بینی در جهان وجود دارد؛ نظام استکبار به سردمداری آمریکا و نظام جمهوری اسلامی ایران که نظام مبتنی بر دین اسلام است. دو نظام که هر کدام بدنال مدینه فاضله و آرمان شهر خود هستند اما آنها آرمان‌های خود را بر اساس تفکر و منافع غرب تعریف می‌کنند و انسان را تک ساحتی می‌بینند. اما نظام جمهوری اسلامی آرمان‌های خود را مبتنی بر دین اسلام تعریف می‌کند و انسان را دو ساحتی می‌بیند. جهان بینی نظام جمهوری اسلامی، جهان بینی

الهی و مبتنی بر اصولی است که در اصل دوم قانون اساسی مقرر شده؛ «جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

۱- خدای یکتا (لااله الاالله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او

۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین

۳- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا

۴- عدل خدا در خلقت و تشریح

۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام

۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسوولیت او در برابر خدا که از راه:

الف - اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط براساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین .

ب - استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها.

ج - نفی هرگونه ستمگری و ستمکشی و سلطه گری و سلطه پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می کند.

اصولاً هیچ اندیشه ای بدون نهادینه شدن، تضمینی برای بقا و تداوم آن وجود ندارد. برای این که اندیشه ها و آرمان ها تضمین شود آن ها را به نهاد تبدیل می کنند و نهادهای حافظ و نگهدار ارزش ها و آرمان ها را در قانون اساسی و ساختار منبعث از آن پایه گذاری می کنند. هنر و تیزبینی امام راحل (ره) نهادینه سازی ارزش ها و آرمان های انقلاب اسلامی بود. و این نکته ای است که حتی در همایشی که چند سال پیش در تل آویو برگزار شد، مورد اذعان و اعتراف اندیشمندان صهیونیست هم قرار گرفت. همه نظام های سیاسی در دنیا برای حفظ و تداوم خود، اقدام به تدوین قانون اساسی می کنند و واضعان قانون اساسی در جهت حفظ، تقویت و تداوم نظام خود قدم بر می دارند و هیچ نظام سیاسی در دنیا نیست که در راستای نابودی، تضعیف و توقف ارزش های خود اقدام به قانونگذاری کند یا اقدام دیگری را انجام دهد؛ یعنی براندازی قانونی! غیرممکن است. بر همین اساس نیز نظام جمهوری اسلامی در راستای تقویت و تداوم و

استقرار و استمرار نظام و حفظ مبانی خود، قانون اساسی خود را تدوین کرده است و طبیعی است در جهتی حرکت نمی کند که به تضعیف خود و موجودیت و ماهیتش منجر شود. این نکته پاسخ به افرادی است که می گویند چرا نظام جمهوری اسلامی در همه امور همه بررسی برگزار نمی کند!

نظام جمهوری اسلامی برای تحقق نظام حاکمیت الله و احکام الهی شکل گرفته و بدنبال خروج از ولایت طاغوت و ورود به ولایت الله است. جمهوری اسلامی و تعبیر دیگر آن مردم سالاری دینی، نه جمهوری صرف بود که فقط مردم و اراده صرف بشری نقش آفرین باشد آن هم از نوع دموکراسی غربی و نه تئوکراسی غربی بود که فقط نقش دین آن هم به دست حافظان یا حاملان دین یا مدعیان دین برجسته و تعیین کننده باشد، بلکه خداسالاری مردمی یا مردم سالاری دینی است که با دموکراسی غربی و تئوکراسی غربی هر دو کاملاً متفاوت است و از طریق توده های مردم در جامعه محقق می شود یعنی خداسالاری مردمی یا روی دیگر سکه مردم سالاری دینی که با مردم سالاری یا تئوکراسی غربی هر دو کاملاً متفاوت است. هنر حضرت امام ره این بود که توانست این نظام را با تصرف در نهادهای مدرن و اندیشه های مدرن بوجود بیاورد. حضرت امام (ره) در تعیین نوع نظام سیاسی مردم را دخیل کردند و مردم را به عرصه کشاندند که خودشان برای خودشان در مسیر تحقق احکام الهی تصمیم گیری بکنند خودشان به صحنه بیایند خودشان نقش آفرین شوند که نوعی تمرین مشارکت سیاسی صورت بگیرد و بتوانند در آینده هم از همین نظامشان به خوبی دفاع بکنند. بعد از آن بحث نوشتن قانون اساسی صورت گرفت قانون اساسی هم به لطف خدا با هدایت حضرت امام و تلاشهایی که فقهاء ارزشمندی همچون شهید بهشتی و دیگران انجام دادند تدوین شد و آن دو عنصری که عرض کردم در متن عرصه سیاست و حکومت نبود و در حاشیه بود دقیقاً در جای جای ساختار نظام جمهوری اسلامی در قانون اساسی گنجانده یعنی شما قانون اساسی جمهوری اسلامی را اگر فشار بدهید عصاره آن اسلام و مردم می شود و به هیچ وجه نمی توانید این دو عنصر را از قانون اساسی حذف کنید یعنی حذف آن امکان پذیر نیست آنچنان این دو تنگاتنگ مرتبط به هم در درون قانون اساسی و

تمامی ارکان نظام جمهوری اسلامی تنیده شده است که به هیچ وجه حذف آن امکان پذیر نیست.

در این نظام سیاسی جمهوری اسلامی، قدرت برتر فرماندهی سیاسی از آن خداست علی الاطلاق آن به صورت مطلق متعلق به ذات وجود خداست در قانون اساسی ما در اصل دوم قانون اساسی که پایه های ایمانی نظام را بیان می کند در بند اول آن می گوید: نظام جمهوری اسلامی بر پایه ایمان به «توحید و اختصاص حاکمیت و تشریح به خداوند و لزوم تسلیم در برابر امر او» استوار است. یعنی حاکمیت و تشریح متعلق به ذات خداست. البته حاکمیت با یک چرخه شکل می گیرد این چرخه حاکمیت، چرخه فرمان-اطاعت است، چرخه امر-تبعیت است چرخه دستور-پیروی است چرخه الزام و التزام است. یکی الزام می آفریند دیگری یا دیگران التزام می ورزند. یکی فرمان می دهد، بقیه تبعیت می کنند. یک جایی دستور می دهد بقیه اطاعت می کنند؛ یعنی این چرخه فرمان و اطاعت یا امر-اطاعت، حاکمیت را شکل می دهد. از صدر خلقت تا الان، در هیچ محل یا قریه یا محیط و قلمرو سیاسی امکان ندارد که حاکمیت وجود نداشته باشد. حاکمیت یک فرد یا یک نهاد بوده فرمان می داده و بقیه تبعیت می کردند. این حاکمیت از حالت استعلاء برخوردار است و بر دیگر قدرتها و نیروها برتری و تفوق دارد. اصولاً، در یک جامعه یا قلمرو سیاسی نیروها و قدرت ها و به تعبیری دست ها زیاد است- در فرهنگ اسلامی ما دست نماد قدرت است- ولی به دستی که بالای دست او هیچ دستی نیست، دست حاکمیت می گویند. یعنی همان تعبیری که ابن خلدون مطرح می کند و می گوید «لیس فوق یده ید» بالا دست او هیچ دستی نیست. بالای دست او قدرت دیگری قابل تحمل نیست. این قدرت، قدرت برتری است که فوق آن قدرتی قابل تصور و تحمل نیست. آن دستی که بالای دست آن هیچ دستی نیست دست حاکمیت است که فرمان می دهد و بقیه هم از او تبعیت می کنند. پس قدرت برتر فرماندهی سیاسی در یک قلمرو سیاسی و جامعه سیاسی یا کشور یکی است که حرف اول و آخر را می زند. در جمهوری اسلامی حاکمیت با خداست که فرمان می دهد؛ حرف اول و آخر برای خداست. این را اصل ۲ قانون اساسی ما می گوید:

اختصاص حاکمیت و تشریح به خداوند و لزوم تسلیم در برابر او یعنی حرف نافذ و حاکم حرف خداست. اصل ۵۶ قانون اساسی هم همین را بیان می کند: حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او است که به بشر اذن و اجازه و حق تعیین سرنوشت می دهد تا سرنوشت خودش را مشخص کند و در جامعه سیاسی اعمال کند. بنابراین برترین و مهمترین قانون در نظام اسلامی احکام الله است. اصولاً نظام اسلامی ایجاد شده که احکام الله در جامعه تحقق پذیرد؛ احکام اسلامی بناست در جامعه محقق و پیاده شود. حرکت کلی انقلاب اسلامی در ۴۰ سال اخیر در همین مسیر بوده است.

سردبیر: از نظر شما قانون اساسی، فلسفه سیاسی و ارزش ها و آرمان های انقلاب اسلامی را بوضوح نشان می دهد و مقدمه و اصول و مبانی قانون اساسی، دقیقاً تداعی ارزش ها و آرمان های انقلاب اسلامی است. با این حال باید این نکته را قبول کنیم که وضعیت امروز نظام جمهوری اسلامی و جامعه با آنچه که در قانون اساسی و آرمان شهری که تداعی شده است، فاصله دارد. آیا شما نیز این فاصله را قبول دارید؟ آیا دوگانه اسلام و استکبار که امروز مطرح می شود، اسلامی است که در قانون اساسی آمده و یا اسلامی است که در جامعه پیاده شده است؟ هر چند از آرمان های قانون اساسی فاصله دارد. تفسیر و تحلیلی که شما از حرکت انقلاب اسلامی طی ۴۰ سال اخیر دارید، آیا مبتنی بر وضعیت موجود جامعه است یا مبتنی بر قانون اساسی؟

اصلائی: هر چند قبول دارم که این فاصله تا حدود مطلوب نظام وجود دارد اما باید در ارزیابی مسیری که پیموده شده، پیشرفت ها و الگوپذیری این نظام را هم در نظر گرفت. امروز که داریم وارد دهه پنجم انقلاب می شویم به لطف الهی بدون آمریکا و ابرقدرت ها چهل سال است مسیر رشد و تعالی کشور را طی کرده ایم و علی رغم همه توطئه ها و کارشکنی های دشمنان خارجی و داخلی انقلاب و در رأس آن ها آمریکا، ملت ما پایدار مانده و در دفاع از اعتقاداتش ایستادگی کرده است. این همان نکته ای است که توماس فریدمن از اندیشمندان و تحلیلگران سیاسی آمریکا می گوید: انقلاب اسلامی نه تنها بدون آمریکا، بلکه علی رغم تلاش ها و توطئه های آمریکا با موانعی که بر سر راه آن ایجاد کرده توانسته در عرصه های مختلف سیاسی، فرهنگی،

علمی و فناوری رشد بکند. ملت همچنان در صحنه حضور دارد و به لطف خدا، این انقلاب را که دارای دستاوردهای عظیمی بوده و هست تداوم می بخشد.

در ارزیابی خود همچنین باید دستاوردهای انقلاب اسلامی را بشناسیم؛ ما باید ببینیم چه اتفاقی افتاده و چه حاصل شده است. قبلاً چه بوده ایم و اکنون چه هستیم. قبلاً چه داده ایم و الان چه گرفته ایم، چه از دست داده ایم و چه به دست آورده ایم. چه هزینه ای کرده ایم و چه فایده ای گرفته ایم. باید بدانیم در چه وضعیتی قرار داشتیم تا بتوانیم نعمت های حاصل از انقلاب را در وضعیت کنونی بشناسیم. نگاهی کوتاه به قبل از انقلاب اسلامی نشان می دهد که ما یک ملت تماشاچی بی اراده بودیم و یک کشور کاملاً وابسته به ابر قدرت ها به ویژه آمریکا داشتیم به گونه ای که چهل هزار مستشار آمریکایی بر ایران حکومت می کردند. انقلاب اسلامی به برکت رهبری امام راحل (ره) نه تنها مسیر حرکت کشور و ملت را تغییر داد، بلکه به تعبیر آنتونی گیدنز جامعه شناس شهیر انگلیس، از آغاز دهه هشتاد و با انقلاب اسلامی ایران، فرآیند عمومی جهان روند معکوسی را آغاز کرده و به سمت دینی شدن پیش می رود. به محض پیروزی انقلاب اسلامی، سفارت اسرائیل تعطیل و سفارت فلسطین ایجاد شد. سیاست دفاع از مظلومان عالم و مستضعفان جهان از جمله فلسطینیان در سرلوحه سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار گرفت. در طول این سالها انقلاب اسلامی مسیر پیشرفت را پیمود. به نحوی که به قول ماروین زونیس آثار انقلاب اسلامی از مرزهای ایران فراتر رفته است.

سیر کلی حرکت انقلاب اسلامی کاملاً منطبق با ریل گذاری است که بر اساس فلسفه سیاسی نظام جمهوری اسلامی صورت گرفته است؛ از جنبه رویکرد کلان، نظام منطبق بر قانون اساسی و مواضع امامین انقلاب و سیاست های کلان نظام بوده است. نظام سیاسی جمهوری اسلامی بر اساس یک سری آرمان ها شکل گرفته است و ملت ما به دنبال تحقق حکومت الله و اجرای عدل علی(ع) و استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی حرکت کرده است، تحقق فرهنگ اسلامی در جامعه خواسته توده های مردم بوده است؛ برای تحقق این ارزش ها، نظام سیاسی شکل گرفته است و بر مبنای قانون اساسی، و پیرو آن سیاست گذاری مقام معظم رهبری و قوانین عادی که

در چارچوب سیاست های نظام و قانون اساسی نوشته شده است، همه مسئولان کشور در راستای تحقق این ارزش ها تلاش کرده اند و امروز در بعد سیاست داخلی یک نظام سیاسی مردم سالاری دینی شکل گرفته که توده های مردم و دین اسلام هر دو در آن دخیل هستند. شعارهای اصلی انقلاب - استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی - هم در قانون اساسی و نظام سیاسی نهادینه شده است. در بحث سیاست خارجی دنبال این بودیم که از نظام سلطه ای که تمام دنیا در کف قدرتش بود رها شویم و چنین شد؛ لذا بی جهت نیست «هیگ» - وزیر وقت خارجه آمریکا - با استیصال کامل در رابطه با انقلاب می گوید «چه باید کرد؟ این پیرمرد جماران ما را دیوانه کرده است.»

اکنون نظام سیاسی ما در بعد سیاست خارجی کاملا ضد سلطه است. از اول انقلاب تاکنون، دشمنان خارجی و خانگی انقلاب تلاش بسیاری کرده اند که گفتمان تازه انقلاب اسلامی (جمهوری اسلامی) به زمین بخورد و دوباره سلطه خارجی، همان استبداد داخلی و همان فساد و همان فرهنگ فاسد برگردد و دوباره بیگانه بر اقتصاد و سیاست و جامعه و... مسلط شود.

در بحث تحول اقتصادی در سطح کلان جهت گیری به نفع عدالت اجتماعی و توده های مردمی تغییر یافته است. به حرکت هایی که پس از انقلاب در روستاها و نقاط محروم کشور شکل گرفته، نگاه کنید! نمی گوئیم وضعیت آرمانی و مطلوب است، اما اگر با قبل از انقلاب مقایسه کنیم، در دیدی کلان، کشورمان اعتلای زیادی در بخش اقتصادی داشته است. تلاش برای قطع وابستگی اقتصادی و تغییر جهت گیری کلان به نفع محرومان و توده های مردم واقعیت انقلاب اسلامی است؛ البته به دلیل عدم نظارت دقیق مراجع نظارتی مدت هاست که برخی عوامل نفوذی در مراکز مختلف به قصد کارشکنی و ناراضی تراشی و برگرداندن همان وابستگی قبلی رخنه کرده اند. ولی رویکرد حرکت اصلی کشور، همواره حرکت به سمت محرومان بوده و الان هم هست. اسلام، قانون اساسی، رهبری نظام و سیاست های کلان نظام همه به سمت محرومیت زدایی از توده های محروم است. بنابراین مسیری که پیموده ایم، مسیر درستی بوده است و به پیشرفت ها و دستاوردهای مهمی نیز رسیده ایم و به عنوان یک الگو در منطقه و جهان

شناخته می شویم. تاکید می کنم در بحث انقلاب اسلامی و شکل گیری نظام اسلامی درست جلو آمدیم و در بحث دولت اسلامی هم تا حدی پیشرفت کرده ایم، ولی به دلایلی در زمینه دولتمردان و نیروهای عضو دولت ها در مرحله شکل گیری دولت اسلامی به مشکل برخورد کردیم.

در پاسخ به پرسش شما که چرا از آرمان و ارزش های خود که در قانون اساسی به درستی و وضوح آمده است، تا حد مطلوب آن فاصله داریم؟ از نظر من علت به ساختار یا قانون اساسی بر نمی گردد؛ بلکه علت به افرادی بر می گردد که مناصبی را در اختیار گرفته اند با آن که صلاحیت و توانایی و شرایط لازم را برای تصدی آن منصب و مقام نداشته اند؛ حتی ممکن است در ابتدا آدم های واجد شرایط و خوبی باشند اما در مواجهه با چرب و شیرین دنیا و موقعیت های مختلف، ظرفیت و صلاحیت و شرایط لازم را از دست داده باشند.

تحول با انسان شایسته و واجد شرایط رخ می دهد یعنی سخن از اخلاق و تخلق به اخلاق اسلامی است. نیاز به نیرو و کادرسازی است، نه این که تاکنون چنین نشده اصلاً کشور ما به دنبال نیروسازی و کادرسازی بوده، به دنبال تحول انسان بوده، اما متأسفانه نظام از حیث برخی کارگزارانش، به دلیل ویژگی های تغییر و تحول روحی انسان ها پس از نیل به قدرت و هم به سبب اتکا به آرای عمومی در برخی موارد دچار مشکل شده است. بعضی مواقع ممکن است کوتاهی هایی از سوی همین مسئولان ناخودساخته و غیرمهدب و فاقد شرایط لازم صورت گیرد و مشکل به وجود آورد. زیرا نظام یا سیستم مجموعه اجزای به هم پیوسته است. اگر یک جزء کوچک از یک سیستم کارش را درست انجام ندهد می تواند کل نظام دچار اختلال و کندی چرخش امور شود.

در اداره امور یک نظام، نمی توان تغییر و تحول انسان ها و امیال آنها را هم نادیده گرفت. به تعبیر زیبای مولوی: میل ها همچون سگان خفته اند/ اندر ایشان خیر و شر بنهفته اند نظام را انسان های دارای امیال خفته و قابل تغییر اداره می کنند. چرب و شیرین دنیایی - که دار غرور است - ممکن است در موقعیت های مختلف این انسان ها را گول بزند. انسان انسان است، و

در موقعیت های گوناگونی که قرار می گیرد ممکن است عوض شود. اگر خودساخته نباشد. روی پیشانی هیچ کسی نوشته نشده است که وقتی دنیا می آید تا آخر سالم می ماند. «وَمَا أُبْرِيْ نَفْسِيْ اِنَّ النَّفْسَ لَأَمَارَةٌ بِالسُّوءِ اِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّيْ اِنَّ رَبِّيْ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ» (یوسف، ۵۳)

بنابراین فرد خوب یا افراد خوب که متناسب با قدرت و توانایی آنها مسئولیت های خطیر را بر دوششان می گذارند باید انتخاب بشوند چون بین قدرت و مسئولیت بین قدرت و تکلیف هم سنخیت و هم تناسب باید وجود داشته باشد. هرباری را روی دوش هرکسی نمی شود گذاشت. باید به حد تکلیف آدمها برسند تا تکلیف بر آنها مستقر شود. اگر چنین افرادی انتخاب نشوند، شما بهترین و عالیترین قانون اساسی را که حقوق ملت و حدود دولت را معین می کند، نوشته باشید، این افراد با بی کفایتی و فقدان صلاحیت خود آن را لگدمال می کنند.

در جمع بندی این مبحث به دیدگاه و تحلیل روشنگر مقام معظم رهبری در بیانیه راهبردی گام دوم انقلاب اشاره می کنم که ضمن برشماری افتخارات انقلاب به ریشه یابی مشکلات هم توجه شده است:

«محصول تلاش چهل ساله، اکنون برابر چشم ما است: کشور و ملتی مستقل، آزاد، مقتدر، باعزت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌هایی گران‌بها، مطمئن و امیدوار، دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفتهای علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا در دانشها و فناوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه‌های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوان کارآمد، و بسی و ویژگی‌های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه‌ی جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی است. و بدانید که اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل‌ساله نمی بود - که متأسفانه بود و خسارت بار هم بود- بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمانهای بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی داشت.»

سر دبیر: آقای دکتر نبوی، تلقی جهان دو قطبی از تحقق انقلاب اسلامی چه بود؟ نوعی رژیم سیاسی یا نوعی چالش فکری؟

نبوی: انقلاب اسلامی در شرایطی به رهبری حضرت امام راحل به پیروزی رسید که جهان دو قطبی بود و آمریکا و شوروی به عنوان دو قطب قدرت بر بقیه کشورها مسلط بودند. در چنین شرایطی کسی تصور نمی کرد انقلابی بدون وابستگی به یکی از این قدرتها و با تکیه بر آموزه های دینی به پیروزی برسد. از سوی دیگر انقلاب اسلامی یک انقلاب و یک جنبش جدیدی بود که توانست نظم نوین جهانی را بر هم بزند و با سیاست برخاسته از دین یک نظم جدیدی را ایجاد کند. این نظم جدید را می توان با عنوان «اسلام سیاسی» شناخت که مبین دیدگاه اعتقادی مدرس به مقوله دین و سیاست اسلامی است که معتقد بود «دیانت ما عین سیاست ماست، سیاست ما عین دیانت ماست.»

اهداف حضرت امام خمینی (ره) از نهضت و انقلاب اسلامی، هدف های کوتاه و مقطعی نبود بلکه اهداف ایشان رسالت جهانی داشت؛ هدف اول این نهضت براندازی نظام طاغوتی در داخل کشور بود و هدف بعدی آن ساقط کردن رژیم صهیونیستی در منطقه و سومین هدف بر هم زدن نظم دو قطبی در جهان بود. بحمدالله هدف اول محقق شد و هدف دوم یعنی نابودی رژیم صهیونیستی در حال پیشرفت و انجام است که اکنون می توانید مشاهده کنید که این رژیم در چه انزوایی به سر می برد. زمانی که انقلاب اسلامی پیروز شد در آن زمان یکی از سران رژیم صهیونیستی اذعان داشت که در منطقه زلزله ای رخ داده است که این زلزله می تواند تبعات ویران کننده ای برای ما داشته باشد. آن زلزله همان انقلاب اسلامی بود. هدف سوم نیز در حال تحقق است؛ انقلاب توانسته نظم نوین جهانی را بر هم بزند و می رود که یک نظم جدیدی ایجاد شود. حضرت امام خمینی (ره) با نظم حاکم بر جهان (یعنی نظم دو قطبی) مخالف بود؛ از همین رو شعار نه شرقی نه غربی را مطرح کرد. منظور از این شعار اثبات جمهوری اسلامی بود و نشان می داد که ایشان سوسیالیسم (شرق) و لیبرالیسم (غرب) را معارض گفتمان انقلاب اسلامی و دیگری گفتمان انقلاب اسلامی می دانست و برای انقلاب اسلامی هویتی مستقل قائل بود. امام (ره) با

ادبیاتی که به کار گرفت و نیز تلقی انقلاب اسلامی به انقلاب مستضعفان و پابرهنگان در مقابل مستکبران نه تنها نظریه دموکراسی لیبرال، بلکه نظریه سوسیالیسم را نیز نفی کرد. از دیدگاه ایشان اسلام سیاسی، با محوریت نظریه ولایت فقیه، نیازهای امروز انسان را برطرف می‌کند. امام خمینی (ره)، علاوه بر نفی شرق و غرب و نظام دوقطبی حاکم بر جهان، طاغوت داخلی را که وابسته به غرب بود را نفی کرد، رژیم صهیونیستی اسرائیل را مرکز و علل بدبختی‌های منطقه معرفی کرد و آمریکا را عامل بدبختی‌های جهان دانست؛ از همین رو نفی در گفتمان امام (ره) نفی طاغوت در ایران، رژیم صهیونیستی و رژیم آمریکا است و اینها با گفتمان انقلاب اسلامی در تعارض قرار دارند. لذا با پیروزی انقلاب اسلامی، نوعی مرزبندی میان وضع مطلوب جهان و نظام دوقطبی حاکم بر آن ایجاد گردید. با گذشت زمان نیز بسیاری از پیش‌بینی‌های امام خمینی تحقق یافت و نظام دوقطبی فرو پاشید؛ اتحاد جماهیر شوروی ده سال پس از پیروزی انقلاب فرو ریخت و نظام سرمایه‌داری یا همان لیبرالیسم و مهم‌ترین رکن آن، یعنی سکولاریسم، نیز هم‌اکنون رو به افول است.

حضرت امام خمینی در آن زمان خطر اصلی را نظام سرمایه‌داری جهانی می‌دانست؛ با این حال بحث نه شرقی نه غربی در گفتمان ایشان مطرح بود؛ یعنی امام (ره) نظر خوبی نسبت به سوسیالیسم نداشتند و از همین رو بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی مرزبندی‌هایی هم بین این گفتمان و گفتمان انقلاب ایجاد شد. اصولاً انقلاب اسلامی، دیگری سکولاریسم بود؛ یعنی آنچه در جهان حاکم بود، چه در دیدگاه سوسیالیستی و چه در دیدگاه لیبرالیسم؛ زیرا دیدگاه تمام این گفتمان‌ها بر جدایی دین از حکومت و حضور نداشتن آن در عرصه اجتماعی بود و اصولاً آنها اعتقاد داشتند که زمان دین گذشته است. در نظریه‌های انقلاب نیز به صورت قاطع می‌گفتند که دیگر انقلابی در جهان براساس دین روی نخواهد داد؛ چون انقلاب پدیده‌ای مدرن است و دین مربوط به تاریخ. پیروزی انقلاب اسلامی به ابطال این نظریه‌ها منجر شد و بسیاری از نظریه‌پردازان در نظریه‌هایشان تجدیدنظر کردند. بر این اساس تضاد اصلی گفتمان انقلاب اسلامی با گفتمان مدرنیته و به‌ویژه سکولاریسم حاکم بر آن است.

در پاسخ به سؤال اول که نوع تلقی جهان دو قطبی از تحقق انقلاب اسلامی چه بود؟ باید گفت این تلقی هم نوعی رژیم سیاسی و هم نوعی چالش فکری بود؛ چون هم تفکر انقلاب اسلامی، جهان دو قطبی و ابرقدرت ها را به چالش می کشید و با آنها مخالفت می کرد و هم نظام سیاسی که بر اساس این تفکر سیاسی شکل گرفته بود، نظام و یک رژیم سیاسی بود که نظم سیاسی جهان دو قطبی را بر هم می زد و با آنها مقابله می کرد. نظام سیاسی که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران وجود داشت، نظام طاغوتی و یک نظام سیاسی وابسته به غرب بود و مخالفتی با جهان دو قطبی نداشت. حتی شرق نیز با این نظام کنار آمده بود؛ خاطر م هست که در زمان شاه، تنها یک رادیو مسکو به زبان فارسی پخش می شد که علیه طاغوت برنامه پخش می کرد اما خیلی زود، تعطیل شد. بنابراین با پیروزی انقلاب اسلامی جهان دو قطبی، با این رخداد تاریخی، هم به عنوان یک رژیم سیاسی و هم به عنوان یک چالش فکری برخورد کرد و نظام جمهوری اسلامی ایران و تفکر انقلاب اسلامی را در مقابل خود دیده و بر همین اساس نیز همواره به مخالفت و دشمنی با انقلاب اسلامی ایران پرداخته است.

سردبیر: سؤال دوم میزگرد چرایی مواجهه قدرت های جهانی با انقلاب اسلامی است. آقای دکتر صدرا نظر شما در این خصوص چیست؟

صدرا: در پاسخ به چرایی مواجهه قدرت های جهانی با انقلاب اسلامی مجدداً به این نکته اشاره می کنم که قدرت های جهانی علم و هوش داشتند اما خردمند نبودند. این مفهوم را مولانا در مثنوی معنوی درباره شیطان به خوبی مثال می زند.

علم بودش چون نبودش عشق دین

او ندید از آدم الانقش طین

قدرت های جهانی نیز در مواجهه با انقلاب اسلامی، چنین وضعیتی را داشتند. به عنوان مثال اگر فرانسه این خردمندی را داشت و پیروزی انقلاب اسلامی را پیش بینی می کرد، هیچ وقت اجازه نمی داد حضرت امام خمینی (ره) در پاریس اقامت داشته باشند و در آنجا اقدام به رهبری و هدایت مردم ایران برای پیروزی انقلاب اسلامی کنند.

در برخی مواقع نیز قدرت جهانی در مواجهه با انقلاب اسلامی در حالت غفلت قرار داشتند و امدادهای غیبی درباره انقلاب اسلامی ایران تکرار شده است. نمونه این امدادها را می توان در داستان حضرت موسی (ع) دید. روزی موسی در دوران شیرخوارگی در آغوش فرعون بود، با دست خویش ریش فرعون را گرفت و کشید و مقداری از موی ریش او کنده شد، و سیلی محکمی به صورت فرعون زد، و به گفته بعضی با چوب کوچکی بازی می کرد با همان چوب بر سر فرعون کوبید. فرعون خشمگین شد و گفت: «این کودک، دشمن من است»، همان دم به دنبال جلا دادن فرستاد تا بیابند و او را بکشند. آسیه به فرعون گفت: «دست بردار، این نوزاد است و خوب و بد را نمی فهمد، برای اینکه حرف مرا تصدیق کنی، یک قطعه یاقوت و یک قطعه ذغال آتشین نزدش می گذاری، اگر یاقوت را برداشت، معلوم می شود که می فهمد و اگر آتش را برداشت، معلوم می شود نمی فهمد، آنگاه آسیه همین کار را کرد، موسی دست به طرف یاقوت دراز کرد ولی جبرئیل دست او را به طرف آتش برد، موسی ذغال آتشین را برداشت و به دهان گذاشت، زبانش سوخت، آنگاه خشم فرعون فرو نشست و از کشتن او منصرف شد.

مولانا در مثنوی معنوی به درستی به این موضوع اشاره می کند؛

چون قضا آید شود دانش به خواب مه سیه گردد بگیرد آفتاب.

سردبیر: آقای دکتر نبوی، نظر شما درباره چرایی مواجهه قدرت های جهانی با انقلاب اسلامی چیست؟

نبوی: انقلاب اسلامی تأثیر بسیاری در فروپاشی نظام دوقطبی داشت. در حقیقت شرق با وقوع انقلاب اسلامی و شعارهای آن خلع سلاح شد و فرو پاشید. امریکا که در آن زمان تصور می کرد برنده این ماجراست و زمینه برای یک جانبه گرایی و تسلطش بر جهان از نظر فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی فراهم شده است، طعم شکست را در عراق، افغانستان، لبنان و فلسطین اشغالی چشید و در حال حاضر همه صاحب نظران معتقدند که قدرت امریکا در حال افول است.

باید به این نکته توجه داشت که انقلاب اسلامی پدیده ای محدود به مرزهای جغرافیایی ایران یا حتی منطقه خاورمیانه و کشورهای اسلامی نبود، بلکه پدیده ای جهانی بود. از گفتمان انقلاب

اسلامی اولین جایی که احساس خطر کرد سرمایه‌داری جهانی با گفتمان لیبرال‌دموکراسی بود، یعنی همان طرح جهانی‌سازی؛ به‌طور مثال فوکویاما پیش‌بینی کرده بود که به پایان تاریخ رسیده‌ایم؛ منظور او از پایان تاریخ گسترش و تسلط مکتب سرمایه‌داری در همه جای جهان بود که این گسترش فقط در ابعاد نظامی نیست، بلکه ابعاد اقتصادی و فرهنگی را نیز در برمی‌گیرد؛ به عبارت دیگر همه جهان، اقتصاد و فرهنگ سرمایه‌داری را می‌پذیرند. امریکایی‌ها در زمان تجاوز به عراق، و وزیر خارجه اسرائیل نیز در زمان حمله به غزه، خود را عامل ترویج ارزش‌های جهانی، که در حقیقت همان ارزش‌های امریکایی است، معرفی می‌کردند؛ در واقع آنها این‌گونه پیش‌بینی می‌کردند که با تحمیل قدرت نظامی و اقتصادی خود می‌توانند فرهنگشان را نیز تحمیل کنند. اندیشمندان نظام سرمایه‌داری پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در حقیقت مراسم ترحیم دین را برگزار کردند و معتقد بودند دین دیگر در عصر جدید، جایگاهی ندارد و محال است که به وسیله دین و ارزش‌های دینی انقلابی ایجاد شود، اما زمانی که انقلاب اسلامی، فارغ از دو قطب شرق و غرب، پیروز شد و گفتمان جدید خود را مطرح کرد، سردمداران سرمایه‌داری جهانی احساس خطر کردند و متوجه شدند که گفتمان متضاد مدرنیته، گفتمان انقلاب اسلامی است؛ از همین رو آنها از همان آغاز کوشیدند انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی را با قدرت نظامی و تحریم اقتصادی یا از طریق گفتمان خودش و نمایندگانی که در درون کشور داشتند، از پا درآورند.

یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی در سطح منطقه‌ای و جهان اسلام، بیداری اسلامی بود در پی آن جنبش‌های اسلامی بسیاری به‌وجود آمد و اسلام مجدداً در دستور کار همه کشورهای اسلامی قرار گرفت؛ در واقع در زمانی که این کشورها از مکتب‌های دیگر مثل ناسیونالیسم خسته شده بودند و از طریق آنها نتوانسته بودند از عقب‌ماندگی، وابستگی و استبداد نجات یابند، انقلاب اسلامی دستورالعملی را با شعار استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی پیش پای آنها قرار داد و این سبب شد الگویی برای این کشورها مطرح شود؛ به‌طور مثال به‌رغم اینکه امریکا کشور عراق را اشغال کرد، از دل آن جمهوری اسلامی عراق جوشید، در لبنان نیز حزب‌الله سربرآورد و

برای اولین بار وحدت ملی را در لبنان مطرح کرد و با مقاومت ۳۳ روزه خود طعم شکست را به ارتش افسانه‌ای اسرائیل، که شکست‌ناپذیر می‌نمود، چشانده.

در واقع انقلاب اسلامی هویت مخدوش شده مسلمانان را به خودشان برگرداند و به آن‌ها نشان داد که می‌توانند با الهام گرفتن و با پشتوانه قرار دادن مکتب و رهبری اسلامی به استقلال و آزادی خودشان و به حکومت اسلامی از نوع مردمی دست پیدا کنند. انقلاب اسلامی ایران علاوه بر خاورمیانه در نقاط مختلف جهان از جمله کشورهای آمریکای لاتین و آفریقا نیز تاثیرات قابل توجهی داشته است. انقلاب اسلامی نه تنها کشور ما را متحول کرد بلکه منشاء تحولات بسیاری در کشورهای اسلامی شد و آثار انقلاب ایران را در کشورهای همسایه همچون عراق و ترکیه را می‌بینیم که از جریان اسلام‌گرایی و از روش‌های مردم‌سالاری دینی استفاده کردند و اکنون در بطن یک حکومت لائیک در این کشورها شاهد ظهور یک جریان اسلامی و پیشروی آن هستیم. یا شاهد آثار انقلاب در تونس بودیم که مردم با الگو گرفتن از انقلاب اسلامی ایران توانستند حکومت دیکتاتوری را از این کشور بیرون کنند و این موجی است که هرچه غرب به رهبری آمریکا تلاش کرد آن را منحرف کند و مانع صدور و گسترش آن شود نتیجه عکس داد و برخلاف تلاش و خواست آنها امروز گسترش این پدیده اسلامی را در دنیا شاهد هستیم.

سردیو: سؤال سوم این میزگرد مربوط به چگونگی تکوین دوگانه اسلام و اسکتبار است؛ آقای

دکتر صدرا نظر شما در این خصوص چیست؟

دکتر صدرا: در پاسخ به سؤال باید به این نکته اشاره کنم که اسلام اساساً با سلطه، منفعت و موجودیت و هویت استکبار در ستیز است و انقلاب اسلامی ایران نیز در مواجهه قدرت‌های غربی، سلطه، اعتبار و منفعت آنها را به خطر می‌انداخت. قدرت‌های جهانی سلطه را برای خود عزت می‌دانند اما نوع این سلطه برای قدرت جهانی و کشورهای غربی متفاوت است؛ به عنوان مثال فرانسه بیشتر بدنبال پرستی خود است و در همین راستا ادعای حمایت از حقوق بشر، آزادی و موضوعاتی از این دست را بدنبال می‌کند و نوع سلطه فرانسه نیز در راستای حفظ پرستی این

کشور تعریف می کند بنابراین زمانی که سلطه، پرستیژ این کشور را در خطر قرار دهد، فرانسه دست از سلطه می کشد. اما سلطه انگلیس بر اساس منفعت طلبی و منافع تعریف می شود و سلطه را برای منفعت می خواهد؛ یعنی حاضر می شود به این کشور توهین شود اما دست از منفعت طلبی از راه سلطه نمی کشد. سلطه آمریکا بر عکس کشور انگلیس هست؛ یعنی منفعت طلبی آمریکا در راستای سلطه طلبی این کشور قرار دارد و منفعت را برای سلطه می خواهد؛ یعنی حاضر هست منافع خود را هزینه کند اما سلطه خود را حفظ نماید. بنابراین انقلاب اسلامی در مواجهه با قدرت های جهانی با هر سه نوع این سلطه، برخورد دارد و این کشورها از پیروزی انقلاب اسلامی احساس خطر می کنند و دشمنی آنها با انقلاب اسلامی در طول چهار سال اخیر ناظر بر دوگانه اسلام و استکبار صورت گرفته است.

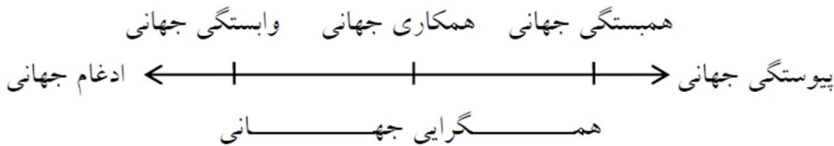
سردبیر: آقای دکتر نبوی تحلیل شما از چگونگی تکوین دوگانه اسلام و استکبار چیست؟

نبوی: امروز رویارویی دوگانه اسلام و استکبار جدی تر شده است. امروز اسلام که پایگاه اصلی آن نظام جمهوری اسلامی ایران است در رویارویی جدی با نظام استکبار به رهبری آمریکاست. شاید این رویارویی در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی، به صورت نمادین و سمبلیک بود اما با گذشت زمان و تاثیرگذاری انقلاب اسلامی در منطقه و جهان، این رویارویی جدی تر شده است. دشمنان ما در دهه اول انقلاب شانس خود را امتحان کردند که انقلاب را از طریق نظامی و تحریم اقتصادی از پا دریاورند و دست به تحریم های اقتصادی زدند و تحریم های علمی را بر ما تحمیل کردند و از آخرین ابزار خود با آن تجربه موفق که در شوروی سابق داشتند استفاده کردند تا انقلاب ما را نیز از طریق همان روش یعنی؛ تغییر نگرش ها و باورها که از آن به جنگ نرم تعبیر می شود از بین ببرند. جنگ را به ما تحمیل کردند تا جلوی انقلاب را سد و انقلاب را دفن کنند اما مقاومت ما در دفاع مقدس باعث شد کشور مجهز شود و از لحاظ دفاعی خود را تقویت کند و باعث سقوط یک دیکتاتوری در عراق و برپایی اسلام در این کشور شود. غربی ها با استفاده از الگوی جنگ نرم با ایجاد انقلاب های رنگین نیز می خواستند در انقلاب انحراف ایجاد کنند که نمونه های تلاش آنها را در سال های ۷۶ و ۷۸ و فتنه سال ۸۸ در ایران

شاهد بودیم که در این زمینه نیز با شکست روبه رو شدند و اکنون مردم ایران به عنوان الگوی مقاومت اسلامی در جایگاه برتری در سطح جهان قرار گرفته اند.

سردبیر: آقای دکتر صدرا، نوع اهداف در سیاست گذاری برای توسعه جمهوری اسلامی با توجه به نقش آفرینی چالش های فکری بین اسلام و استکبار چگونه باید باشد؟

صدرا: وقتی بحث پیشرفت و توسعه مطرح می شود، یکی از مهم ترین مباحث در این زمینه مسئله «جهانی گرایی» است؛ این مسئله همواره به عنوان یکی از چالش های اصلی فکری بین اسلام و استکبار مطرح بوده است و در مورد انقلاب اسلامی نیز آن را شاهد هستیم. برداشت ها و انگیزه های متفاوت و گاه متعارضی در پیگیری پرسه و بلکه پروژه و طرح جهانی گرایی، شکل گرفته و در جریان است؛ نگرش ها و گرایش هایی در طیف و پیوستاری از اشکال گوناگون همگرایی جهانی؛ از همکاری جهانی، در حدّ میانه و وسط، همبستگی جهانی تا سر حدّ پیوستگی جهانی در طرف مثبت و حتی وابستگی جهانی تا حدّ ادغام و همگونگی و یک شکل سازی جهانی، در طرف دیگر و منفی.



بر این اساس، راهبردهای سه گانه جهانی گرایی مطرح می شود؛

- ۱- جهان گرایی حقیقی و همه جانبه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی.
- ۲- جهان گرایی ناقص و نارسا و ناتمام یا تک ساحتی و صرفاً اقتصادی و در نتیجه ظاهری و پنداری.

۳- جهان گرایی متناقض، ناسازوار، تنازعی و در نتیجه کاذب، توهمی و دروغین.

بدین ترتیب، اکنون سه گونه جهانی گرایی در قالب سه راهبرد جهانی، به گونه آمیخته درهم و

ناموزون در جریان است؛

۱- راهبرد جهانی گرایی حقیقی (Globalism) که ماهیتی فرهنگی دارد و خواهان و در پی همبستگی جهانی است. این جریان بیش تر مطلوب فرهیختگان جهان، و معتقد و مدّعی جامعه مدنی جهانی یا مدینه عظمی در اصطلاح فارابی و حتی جمهوری جهانی است. این گرایش به سبب تأکید بر ساحت معنوی، تمدنی و فرهنگی و فرهیختگی، افزون بر ساحت اقتصادی و توسعه مادّی، بیش تر «جهانی گرایی حقیقی» به شمار می رود. می توان حقیقت جهانی گرایی را «جهان داری» و جهان سازی حقیقی دانست.

۲- راهبرد جهانی شدن (Globality) که ماهیتی اقتصادی دارد و خواهان و در پی همکاری جهانی است. این جریان، بیش تر مطلوب اقتصادیان و فن سالاران و سرمایه داران جهانی، و معتقد و مدّعی جامعه اقتصادی جهانی یا بازار جهانی آزاد سرمایه، کار و کالا و احیاناً نیروهای کار است. جهانی شدن، آمیخته ای از جریان های غیر ارادی و ارادی بوده و خواهان گونه ای تقسیم کار و منابع جهانی، نظام کار جهانی و تبادلات آزاد جهانی بر اساس مزیت های نسبی مناطق است. این گرایش به سبب تأکید صرف بر ساحت مادّی، اقتصادی و توسعه ای و نیز به مناسبت توسعه ابزاری و عدم اهتمام به ساحت معنوی، در نتیجه جزءنگر و ظاهرگرا و بنابراین جهان گرایی پنداری یا ظنی شمرده می شود. انریکوداسال، آن را بازاری سازی و انحصار گرایی بازار نام برده که جریانی کاملاً غیر اخلاقی، غیر انسانی و ارزش زدایی شده، بلکه ضدّ ارزشی و ضدّ اخلاقی است.

۳- راهبرد جهانی سازی (Globalization) آمریکایی که ماهیتی سیاسی دارد و خواهان و در پی سلطه، انحصار گرایی و یگانه تازی و وابستگی جهانی است؛ جهانی وابسته و وابستگی جهانی به کانون قدرت جهانی یعنی آمریکا در جایگاه رأس هرم قدرت. این جریان بیش تر مطلوب قدرت گرایان و تنازع گران در صحنه جهانی و در عرصه بین المللی و در رأس آن ها آمریکا و نومحافظه کاران حاکم بر آن است.

اینان معتقد و مدّعی جامعه جهانی تک قطبی و سرمایه سالارانه با سلسله مراتب قدرت و سلطه

اند. این گرایش به همین سبب و به سبب استفاده از شیوه ها و ابزار نو تحقیق علمی و فرهنگی، تطمیع اقتصادی و تکنولوژیکی به اشکال نو و تحت عناوین کمک ها، همکاری های مشترک و تبادلات، به ویژه تهدید و ارباب نظامی و امنیتی و براندازی یا اشغال گری و تجزیه کشورهای و دولت ها، تنازعی و توهمی به شمار می آید؛ به ویژه که از حیث نظری نیز به گونه ای سوفیسم، نیهیلیسم و نسبت انگاری نیازمند بوده، آن را ترویج می دهد.

با توجه به راهبردهای سه گانه جهانی گرایی و چالش های فکری بین اسلام و استکبار، مشخص است که انقلاب اسلامی برای توسعه جمهوری اسلامی ایران سیاست گذاری خود را بر اساس جهانی گرایی حقیقی تعریف می کند که در این جهان گرایی، توسعه فن آوری، تخریبی نیست و به اصطلاح سبز است و توزیع جهانی آن، غیر عادلانه، تبعیض آمیز و ضد انسانی نیست. به تعبیر حکیم فردوسی «جهان گردد آباد با داد او» و نیز

وزان پس جهان یکسر آباد کرد همه روی گیتی پر از داد کرد

در واقع راهبردی که انقلاب اسلامی در سیاست گذاری خود برای توسعه دنبال می کند، همگرایی و همبستگی تا حد پیوستگی جهانی و جهان گستری، همچنین جهانشمولی در شکل جهان داری بر اساس قسط و عدل، یعنی داد و دهش، است؛ در نتیجه ضد سلطه و ستم و استثمار و استکبار است؛ بنابراین، جهان گرایی، نه جهان گستری، جهانشمولی و جهان گرایی پنداری، تک ساحتی و صرفاً اقتصادی و شبه جهان گرایی راهبرد جهانی شدن بوده و نه جهان گیری و جهان گرایی توهمی، تنازعی و جهان خوارانه و در حقیقت، ضد جهانی راهبرد جهانی سازی است.

سردبیر: آقای دکتر نبوی، نظر شما درباره سیاست گذاری برای توسعه جمهوری اسلامی چیست؟

نبوی: در طول تاریخ همیشه اراده ای وجود داشت که کشور ایران پیشرفت نکند و پیشرفت و توسعه گم شده مردم ایران بود. در حالی که مردم ایران پیشینه قوی از توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تمدن اسلامی داشتند و به دنبال پیشرفت و توسعه بودند. اما چرا این اراده وجود نداشته

و یا اینکه اجازه ندادند این پیشرفت و توسعه اتفاق بیافتد، چند علت دارد. ۱- رکن اول پیشرفت و توسعه در کشور تأمین امنیت است؛ یکی از گمشده‌های تاریخی ملت ایران مسئله پیشرفت است و در حقیقت بعد از آنکه نظام مستقر می‌شود و دشمنان خودش را دفع می‌کند این شرط اول پیشرفت - که امنیت است - تأمین می‌گردد. یکی از دلایل پیشرفت نکردن ایران در دوره‌ای که دنیا در حال پیشرفت بود، نبود امنیت در کشور ما بوده است؛ زیرا کشورهای غربی، به‌ویژه آمریکا و انگلیس، و در زمانی روسیه و نیز رژیم صهیونیستی همیشه به دنبال این بودند که کشورهای منطقه، به‌ویژه کشور ما، ناامن و بی‌ثبات باشند تا پیشرفت نکنند؛ برای اینکه اگر منطقه‌ای ناامن باشد، فرصت توسعه و پیشرفت پیدا نمی‌کند. ۲- رکن دوم برای پیشرفت و توسعه یک کشور، استقلال و آزادی است؛ کشوری که مستقل و آزاد باشد می‌تواند مسیر پیشرفت و توسعه خود را هم انتخاب کند. ۳- رکن سوم برای پیشرفت و توسعه کشور، عدالت است. عدالت به این معنا که مردم آن را احساس و لمس کنند و شکاف طبقاتی میان مردم شکل نگرفته باشد. هر زمان که این سه رکن (امنیت، آزادی و عدالت) وجود داشته باشد، یک کشور در مسیر پیشرفت و توسعه حرکت می‌کند. هنر انقلاب اسلامی این بود که به این سه رکن توجه کرد و سیاستگذاری خود برای توسعه جمهوری اسلامی را بر مبنای این سه رکن اساسی تدوین کرد. در بخش تأمین امنیت، جمهوری اسلامی موفق عمل کرد و پیش شرط اول پیشرفت و توسعه را تأمین کرد. در تأمین رکن دوم یعنی استقلال و آزادی نیز اگر ارزیابی منصفانه داشته باشیم، در بخش استقلال خوب عمل کرد و توانست استقلال و تمامیت ارضی خود را حفظ کند اما در بخش آزادی، بنا به شرایط و موقعیتی که نظام جمهوری اسلامی داشت و دشمنان بدنبال روزنه‌های نفوذ و ضربه زدن به نظام بودند، نتوانست مردم را از حقوق کامل خود در بخش آزادی، تأمین کند، اما تلاش کرد و همواره در مقام اعطای این حقوق و آزادی‌ها بوده است. در تأمین رکن سوم یعنی تحقق عدالت نیز رویکرد جمهوری اسلامی اجرای عدالت بوده است. بنابراین انقلاب اسلامی بسترها و پیش شرط‌های پیشرفت و توسعه کشور را فراهم کرده است و امروز باید راهبردهای مشخصی برای پیشرفت و توسعه داشته باشیم. در بیانیه گام دوم انقلاب،

رهبر معظم انقلاب با توصیه هایی به تدوین این راهبردها کمک کرده اند؛ این توصیه ها از این قرار است؛ یک) علم و پژوهش، دو) معنویت و اخلاق، سه) اقتصاد، چهار) عدالت و مبارزه با فساد، پنج) استقلال و آزادی، شش) عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن و هفت) سبک زندگی است.

برای تقویت قدرت نظام برای پیشبرد اهداف و رسیدن به پیشرفت و توسعه نیز سه بُعد قدرت ملی نیاز هست که رهبر معظم انقلاب اسلامی از این قدرت به عنوان «اقتدار» در بیانات خود استفاده می کنند؛ این سه بُعد قدرت شامل قدرت علمی، قدرت اقتصادی و قدرت فرهنگی است. در بخش قدرت علمی، انقلاب اسلامی توانسته است گام موفقی بردارد و با جهش های علمی که در کشور اتفاق افتاده است توانسته خود را در سطح جهان مطرح کند و در بسیاری از زمینه های علمی، در جمع اولین های دنیا حضور داریم. این پیشرفت های علمی نشان می دهد که از اقتدار علمی لازم برای پیشرفت و توسعه برخوردار هستیم. در بخش قدرت فرهنگی نیز توانسته ایم به عنوان یک عامل بازدارنده و دفاعی در برابر تهاجم دشمن به خوبی استفاده کنیم؛ مثلاً در مقاطع حساس تاریخی کشور از جمله تیرماه سال ۷۸ و یا فتنه سال ۸۸ توانستیم از طریق قدرت فرهنگی با تهاجم فرهنگی دشمن مقابله کنیم و بر جنگ نرم آنها پیروز شویم. اما در بخش قدرت اقتصادی، با چالش جدی مواجه هستیم که باید برای تقویت این بخش راهبردهای اساسی تدوین و اجرا گردد. بنابراین نوع اهداف در سیاست گذاری برای توسعه جمهوری اسلامی با توجه به نقش آفرینی چالش های فکری بین اسلام و استکبار، باید مبتنی بر تقویت اقتدار علمی، اقتدار فرهنگی و اقتدار اقتصادی کشور باشد.

سردبیر: آقای دکتر صدرا، نظر شما درباره چرایی و چگونگی مدیریت بهینه چالش های پیش روی انقلاب اسلامی چیست؟

صدرا: از آنجا که رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانیه مهم «گام دو انقلاب» چشم انداز را «تمدن سازی» تعریف کرده اند، مدیریت بهینه چالش های پیش روی انقلاب اسلامی باید در راستای این چشم انداز صورت گیرد. همچنان که گفتیم بیانیه مقام معظم رهبری را که از آن به

گام دوم یاد شده، در حقیقت می‌توان جهاد اکبر پیشرفت مدنی و ملی تلقی کرد که تمام حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را دربرمی‌گیرد. امروز از مرحله انقلاب و نظام‌سازی گذشته‌ایم و وارد فاز دولت‌سازی و جامعه‌سازی اسلامی شده‌ایم و باید در گام نهایی به تمدن‌سازی نوین اسلامی برسیم که در این بیانیه هم به صورت مشخص به این امر اشاره شده است. در چهار دهه نظام جمهوری اسلامی کارآمدی خود را نشان داده است. جمهوری اسلامی به لحاظ زیرساخت که همان اندیشه‌های مکتب اسلام و قرآن، مشی و سنت علوی، قانون اساسی، اندیشه‌ها و آرای امام(ره) و رهنمودهای مقام معظم رهبری است؛ دچار کمبودی نیست. اما مشکل در اجرا و عمل، ساختارهای قانون‌گذاری، اجرایی و اداری کشور بوده که با نارسایی، مشکل و ناسازگاری مواجه است. یعنی اقتصاد لیبرالی یا سوسیالیستی با ساختار اسلامی نمی‌خواند و زمانی که ساختار اجرایی نتواند این تناقضات را برطرف کند، این عوارض آسیب‌رسان می‌شود. کارآمدی ساختاری و راهبردی را معضل و اشکال اصلی کشور است. در کنار این، اشکالاتی نیز در سیاست‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی وجود دارد و چون سیاست‌های کشور یکپارچه نیست و الگو به شکل درستی طراحی نشده در اجرای سیاست‌ها، افراط و تفریط شکل می‌گیرد و ناکارآمدی‌ها از این نقطه نشئت می‌گیرد. این امر باعث می‌شد ظرفیت‌ها به نحو مطلوبی شکوفا نشود و مشکلات اقتصادی مانند تورم، بیکاری، رکود تورمی و ... نه تنها حل نشود بلکه انباشته شود. لذا معتقدم در آغاز دهه پنجم انقلاب اسلامی، مهمترین چالش کشور در این دهه، کارآمدسازی دولت و دولت‌سازی کارآمد است که مقدمه و نقطه آغاز و عزیمت کارآمدسازی ملی است.

یکی از دلایل دیگر نارسایی‌ها و مشکلات ساختاری و مدیریت اجرایی کشور به این علت است که در این حوزه‌ها تحول انقلابی رخ نداده است. هر جا که فرهنگ انقلابی مانند حوزه ارزش‌ها، نگرش‌ها و گرایش‌ها ورود کرده، موفقیت را در پی داشته، اما در رفتارها و عملکردهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این اتفاق کمتر رخ داده است. در واقع جایی که نهادها و ساختارها حفظ شده و صرفاً تغییر شکلی و نه تحول انقلابی رخ داده، مانند آنچه امروز در نظام بانکی و ساختار

اقتصادی شاهد آن هستیم، هزینه‌ها، مفاسد و آثار سوء زیادی به جا گذاشته شده است، اما نهادهای انقلابی با کمترین هزینه بیشترین بازدهی و کارآمدی را داشته‌اند. بنابراین می‌توان گفت این نظام از نظر زیرساختی، ظرفیت‌سازی و ضرورت‌ها و بایسته‌ها کاملاً کارآمد است ولی این نظام از لحاظ ساختاری، یعنی سازمان اداری و اجرایی ما انقلابی نشده است. واقعیت ماجرا این است که ما این وزارتخانه‌ها و امثال آنها را به ارث گرفته‌ایم و در آنجایی که تحول انقلابی ایجاد شده شاهد کارآمدی بودیم و موفق شدیم ولی آنچه را که مربوط به انقلاب نبوده و ما گرفته‌ایم و تحول ندادیم کارآمد نبوده و به جای اینکه تحول پیدا کند ما رفتیم در نظام ساختاری آنها گرفتار شدیم، با مشکل روبه‌رو شده‌ایم.

در جمع بندی این بحث و درباره چرایی و چگونگی مدیریت بهینه چالش‌های پیش روی انقلاب اسلامی، تاکید می‌کنم چالش اصلی، بحث کارآمدسازی ساختاری و راهبردی است و می‌باید در این حوزه کارآمدی‌مان را بالا ببریم تا بتوانیم به اهداف بلند دولت‌سازی و جامعه‌سازی و تمدن‌سازی برسیم. شما می‌بینید دنیا در بحث امنیت مانده است ولی جمهوری اسلامی نه تنها امنیت خودش را تأمین می‌کند بلکه امنیت منطقه را هم تأمین کرده ولی مثلاً اقتصاد را نمی‌تواند درست کند در صورتی که ایجاد امنیت از بحث بازار و اقتصاد بسیار سخت‌تر است. این برای این است که این حوزه را جدی نگرفته است. در هر حوزه‌ای کار را جدی نگرفته و انقلابی عمل نکرده کارآمدی لازم را نداریم و به همین دلیل مردم در برخی بخش‌ها در فشار هستند و باید این مشکلات را طی کنیم، مشکلات اشتغال، اقتصاد، معیشت مردم به راحتی قابل حل است و فقط باید این موضوع را جدی بگیریم. رهبری معظم انقلاب به خوبی این مسائل را دیده‌اند و برای همین روی بحث کارآمدی تأکید دارند ما نیز باید همه روی کارآمدسازی ساختار و مدیریت اجرایی تأکید کنیم.

سردبیر: آقای دکتر نبوی، به نظر شما چالش‌های پیش روی انقلاب اسلامی را چگونه باید مدیریت کرد؟

نبوی: همچنان که مقام معظم رهبری بر مدیریت جهادی تاکید دارند، به نظر من نیز مدیریت

جهادی نسخه موثری است. مدیریت جهادی برگرفته از جهان بینی اسلامی است و انسان بهره مند از این جهان بینی تمام هستی خود را در عرصه عمل به کار می گیرد و می داند که انسان خلیفه خداست و می تواند استعدادها را به عرصه عمل برساند. این استعداد و توان در پیروزی انقلاب، دوران دفاع مقدس و تامین امنیت کشور به تصویر کشیده شد و از همین رو است که امروز برای مدیریت بهینه چالش های پیش روی انقلاب اسلامی، این نسخه قابلیت پاسخگویی دارد و می تواند موفق عمل کند. به نظر من در کنار مدیریت جهادی، در شرایط امروز افراد باید مدیریت اجتهادی نیز داشته باشند که مبتنی بر استنباط افراد از شرایط و فرهنگ ایران اسلامی است و می تواند چالش های پیش روی انقلاب اسلامی را مدیریت کند.

سردبیر: تقابل اسلام و استکبار همواره در تاریخ بوده است؛ پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز که نظم جهان دو قطبی بر هم خورد و جهان سه قطبی ایجاد شد، این جهان سه قطبی با فروپاشی و حذف سوسیالیسم، نوع جدیدی از تقابل دو گانه جدید «اسلام و استکبار» را در جهان معاصر رقم زد. تاریخ گواه این تقابل است؛ ژنرال ژرار فرانسوی وقتی پس از فروپاشی امپراطوری عثمانی وارد مسجد جامع دمشق شد به سوی قبر صلاح الدین ایوبی رفت و قبر او را مخاطب قرار داد و گفت صلاح الدین برخیز ما برگشتیم. این رفتار یادآور و نشانه کینه و عداوت آنها با اسلام است که از پس منازعات گذشته باقی مانده بود.

مباحثی که در این میزگرد تا اینجا مطرح شد، بیشتر مباحث نظری و تئوریک است و بخش نخبگان و روشنفکران جامعه بیشتر با این مباحث آشنا هستند و می توانند آنها را درک کنند اما توده مردم، در ارزیابی خود وضعیت اقتصادی کشور را در نظر می گیرد و محرومان و مستضعفان جامعه که انقلاب اسلامی، انقلاب آنها و حامی آنها بوده است، وقتی با مشکلات عدیده ای مواجه می شوند، شاید تحلیل دیگری درباره مسیری که انقلاب اسلامی پیموده است، داشته باشند و فاصله کمی که مدعوین محترم این میزگرد از دستاوردهای امروز ایران با آرمان هایی که انقلاب اسلامی تعیین کرده بود، ترسیم می کنند و بسیار امیدوارانه و کوتاه است، شاید از نظر آنها این فاصله چندان کوتاه نباشد. این مشکلات اقتصادی و احساس توده مردم

شاید باعث کندی حرکت انقلاب اسلامی در مسیری که تعیین کرده است، شود. به نظر شما چه تحلیلی برای توده مردم باید داشته باشیم؟ چه روش عملیاتی می تواند به بهتر شدن وضعیت این بخش از جامعه منجر شود تا انقلاب اسلامی حامیان اصلی خود را از دست ندهد؟

نبوی: آقای دکتر صدرا ریشه مشکلات و چالش اصلی را «ساختار» اعلام کرد، آقای دکتر اصلانی نیز معتقد است ریشه مشکلات و چالش اصلی، «کار گزار» است. به نظر می رسد نظریه جدیدی که شامل هر دو عامل «ساختار- کار گزار» است، ریشه این مشکلات باشد؛ یعنی در برخی جاها ساختارها مشکل داشتند و در این ساختارها، افراد و کارگزاران خوب قرار گرفته اند اما فاسد شدند. در برخی جاها نیز کارگزاران مشکل داشتند و این کارگزاران در هر ساختاری قرار گرفته اند، فساد ایجاد کرده اند.

اصلانی: راه خروج از وضعیت موجود و حل مشکلات، برگشت به تفکر انقلابی و نیروهای انقلابی است. عنصر انقلابی و معتقد به انقلاب می تواند و باید حامل رسالت ها و ارزش های انقلاب باشد و آن را به سمت تحقق ارزشها و چشم انداز انقلاب حرکت دهد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اظهارنظرهای مختلفی درباره چشم انداز انقلاب اسلامی ایران شده است که به چند مورد آن اشاره می کنم. این اظهارنظرها نشان می دهد که باید به تفکر انقلابی برگردیم.

ریچارد نیکسون رئیس جمهور وقت آمریکا در کتاب پیروزی بدون جنگ می نویسد: «در جهان اسلام از مغرب (مراکش) تا اندونزی در شرق بنیادگرایی اسلامی جای کمونیسم را به عنوان وسیله ی اصلی دگرگون سازی قهرآمیز گرفته است. تغییر در جهان سوم آغاز شده است و بادهای آن به مرحله ی طوفان رسیده است. ما قادر نیستیم آن را متوقف کنیم. نظریه پردازان غربی معتقدند که آرام ساختن طوفان اسلامی تنها در سایه ی استحاله جمهوری اسلامی ایران یا شکست انقلاب اسلامی میسر است».

در دهه ۸۰ نیویورک تایمز نوشت: «ایران با آیت الله خمینی، مسیح وار فریاد رهایی از یوغ سلطه خارجی را سر داده و داعیه تشکیل یک حکومت گسترده مبتنی بر اصول اسلامی را دارد. این مسئله غرب را در عرصه ایدئولوژیک و سیاسی با بحران مواجه خواهد ساخت».

ابا ابان، نظریه پرداز و سیاستمدار مشهور اسرائیلی در روزنامه تایمز لندن این مطالب را عنوان می‌کند: انقلاب اسلامی و پیام‌های آن کوتاه‌اندیشی نیست. کسانی که چشمان خود را به روی واقعیت‌ها بسته‌اند و حقایق را نادیده می‌گیرند باید بدانند که انقلاب اسلامی فصل جدیدی در تاریخ اندیشه‌هاست. من احساس می‌کنم که این اندیشه‌ها بویژه در خاورمیانه شیوع یافته‌اند. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بیانگر پیروزی این اندیشه‌های شایع و رایج است، زیرا که حکومت ایران با تحقق دومین انقلاب بزرگ قرن بیستم به نقش دست‌نیافتنی‌نایل آمده و با اتکاء به این نقش برای مسلمانان تحقیر شده به صورت یک الگو درآمده است. لذا پیروزی این اندیشه‌ها سبب می‌شود که ایران با نیروی پرتو افکن خود به یک کشور کلیدی در منطقه بدل شود.

نکته دیگر که باید به آن اشاره کنم و به نظر یک الهام الهی است که در راهپیمایی‌های اخیر شاهد آن بودیم؛ پلاکاردهایی هست که در دست مردم می‌بینیم که روی آنها نوشته شده است: «آمدیم، چون مشکلات اقتصادی نتیجه انقلاب نیست نتیجه انتخاب اشتباه است» یا «صف گویشت حاصل انتخاب است، نه انقلاب».

یکی از اپوزیسیون‌های ضدانقلاب در دهه ۷۰ در مقاله‌ای با عنوان «انتخابات و دگردیسی جمهوری اسلامی» این موضوع را بررسی کرده و گفته بود تجربه جمهوری اسلامی ایران نشان داده است که هر کسی از صندوق رای بیرون بیاید، به آن التزام و پایبندی دارد. لذا ما باید سراغ انتخابات برویم و تنها نظاره‌گر انتخابات نباشیم بلکه باید وارد عرصه انتخابات شویم و با جریان‌سازی در نتیجه انتخابات تاثیر بگذاریم.

این تاثیرگذاری بر اساس یک فرمولی اتفاق می‌افتد که شامل عناصر اذهان عمومی، افکار عمومی، آرای عمومی، اراده عمومی و اداره امور عمومی کشور است؛ با تاثیرگذاری بر روی اذهان و افکار عمومی، می‌توان بر آرای عمومی تاثیر گذاشت و صندوق آرا را مدیریت کرد و خروجی این صندوق‌های رای نیز اراده عمومی و اداره عمومی کشور را شکل خواهد داد.

در اصل ششم قانون اساسی، التزام به آرای عمومی را به عنوان مبنای اداره امور کشور پذیرفته‌ایم؛ «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آرای عمومی اداره شود، از راه

انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر این‌ها، یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.»

بنابراین نباید اجازه دهیم با توجه به استفاده از فرمول فوق، چتربازهای مخالف ارزش‌ها و مبانی نظام، در آسمان و سپهر سیاسی کشور ظاهر شوند و با تاثیرگذاری بر اراده عمومی، اداره عمومی کشور را بر عهده بگیرند. این امر نیازمند عملکرد دقیق و توجه جدی مراکز و گلوگاه‌های حساس نظام سیاسی به ارزشها و مَرِّ قانون است. به نظر من قانون انتخابات و نظام انتخابات کشور نیازمند بازنگری اساسی است. چند سال پیش در مقاله‌ای با عنوان «نیم‌نگاهی آسیب‌شناسانه به نظام انتخاباتی در جمهوری اسلامی، پل مردم و پول سرمایه‌داران» این موضوع را بررسی کردم. معتقدم اگر قرار است آراء توده‌های مردم بطور واقعی در کشور نقش آفرین باشد باید نهادهای نظارتی و وظایف خودشان را در بعد پاسداری از جمهوریت نظام انجام بدهند. چراکه امکان دارد صاحبان قدرت و ثروت بخواهند به آراء توده‌های مردم دست‌درازی کنند کما اینکه در نظام‌های مدعی دموکراسی این کار صورت می‌گیرد و صاحبان سرمایه و ثروت مانند کارتل‌های اقتصادی و غیره در انتخابات دخالت می‌کنند و آراء توده‌های مردم را تحت تاثیر قرار می‌دهند. در واقع در این نظام‌ها یک مثلثی از ثروت، قدرت و رسانه بر آراء مردم تاثیر می‌گذارند. این تاثیرگذاری به نحوی است که حتی خود منتقدان غربی هم نسبت به نقش آفرینی این سه معترض هستند و از این نوع دموکراسی به عنوان دموکراسی مخدوش یاد می‌کنند. بنابراین برای جلوگیری از این سوءاستفاده و بکارگیری ثروت، قدرت و رسانه در انتخابات، نهادهای نظارتی می‌توانند و باید دخالت کند و جلوی آن را بگیرد. چراکه بناست آراء توده‌های مردم یعنی اراده ملی مورد توجه قرار بگیرد.

براساس اصل ۶ قانون اساسی، اداره کشور با اراده عمومی شکل می‌گیرد. اگر بناست اراده ملت به وسیله آراء مردم در انتخابات شکل بگیرد، بدون نظارت و پایش نهادهای نظارتی امکان پذیر نیست و می‌تواند تحت تاثیر مثلث ثروت، قدرت و رسانه قرار بگیرد. بنابراین نظام مردمسالاری در کشور ما مردمسالاری دینی و به تعبیری مردمسالاری کنترل شده و هدایت شده در

چهارچوب دین است و آراء مردم واقعی است. این نیست و نباید باشد که کسی بتواند در انتخابات تقلب کند، به آراء ملت تعرض کند یا آراء ملت را با پول و سرمایه تحت تاثیر قرار دهد، یعنی عملاً مردم به پلی برای ورود سرمایه داران به نهادهای حکومتی تبدیل شوند. نهادهای نظارتی فرایند و مراحل انتخابات را کنترل می کند تا آراء واقعی و اطمینان بخش از صندوق ها خارج بشود و کارگزاران واقعی و مطلوب مردم در چهارچوب مبانی نظام اسلامی برمسند امور قرار بگیرند.

نکته دوم که باید در اینجا به آن اشاره کنم، اجرای قوانین است؛ وقتی انتخابات به شکل درست آن انجام شود و کارگزاران واقعی و مطلوب مردم انتخاب شوند، این افراد باید در مسیر تحقق حاکمیت الله حرکت کنند و قانون اساسی این کشور و ارزش های مندرج در آن را به طور کامل و درست اجرا کنند؛ در صورت سوء جریان و تخطی از ارزش ها و هنجارها، به طور قاطع و به هنگام با آنها برخورد و از مقام برکنار شوند. اجرای کامل قانون اساسی توسط کارگزاران واقعی و مطلوب مردم، ریشه بسیاری از مشکلات امروز جامعه را می خشکاند و نظام جمهوری اسلامی ایران را به آرمان شهری که مدنظر حاکمیت الله است، می رساند.

نبوی: درست است که امروز نظام جمهوری اسلامی ایران در وضعیت منازعه و درگیری با اسکتبار جهانی است، اما فهم سیاسی مردم نیز بالا رفته است و به واقعیت هایی از نظام جمهوری اسلامی رسیده اند و به این نتیجه رسیده اند که این نظام در بخش های زیادی کارآمد بوده و دستاوردهای خوبی داشته است. مثلاً در تامین امنیت، ظلم ستیزی، حوزه های بهداشت و درمان و... کارآمد بوده و یا برای اولین بار ارتش جهان اسلام را تشکیل داده است که این ارتش را در کشور سوریه و جنگ محور مقاومت با ائتلاف غربی و گروه های تروستی شاهد بودیم. از سوی دیگر مردم این فهم سیاسی را هم پیدا کرده و به این نکته رسیده اند که «آمریکا دیگر یک پناهگاه نیست» و نمی توان به آن اعتماد کرد. سطح دشمن شناسی مردم نیز بالا رفته است. بنابراین با وجود اینکه مشکلات اقتصادی در جامعه وجود دارد، مردم هیچ وقت پشت نظام را خالی نکرده اند و بصیرت سیاسی آنها ارتقاء پیدا کرده است. با این حال خطر هنوز وجود دارد و

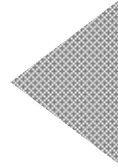
برای تقابل با این خطر، همچنان که رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب به آن اشاره کرده اند، باید «قدرت فرهنگی» خود را تقویت کنیم تا در جنگ نرم پیروز شویم، باید «قدرت علمی» خود را افزایش دهیم تا در مسیر پیشرفت و توسعه گام های بلندی برداریم. در «قدرت اقتصادی» خود نیز باید بازنگری اساسی داشته باشیم چرا که ریشه بسیاری از مشکلات امروز در نظام جمهوری اسلامی در بخش «قدرت اقتصادی» است که به نظر من نیازمند بازنگری و تقویت اساسی است.

نکته دوم درباره نظام حقوقی کشور است؛ به نظر من نظام حقوقی ما دارای قوانین متعارض زیادی هست که باید این قوانین متعارض اصلاح شود. لذا تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور برای تحقق نظام حقوقی کارآمد نیز یک ضرورت است. بعد از اصلاح نظام حقوقی، نیاز به یک سیستم و سازمان اداری شفاف و پاسخگو داریم. در صورت تحقق این نظام حقوقی و سازمان اداری شفاف و پاسخگو، بر بسیاری از مشکلات اقتصادی کشور فائق خواهیم آمد.

سردبیر: از مدعوین محترم که در این میزگرد حضوری عالمانه داشتند، تشکر می کنم.

مقالات

تأثیر شاخص‌های توسعه انسانی بر رشد اقتصادی در بین کشورهای اسلامی



علیرضا تمیزی^۱

(تاریخ دریافت ۹۷/۴/۲۳ - تاریخ تصویب ۹۷/۱۲/۲۵)

چکیده

در طول چند دهه اخیر، مباحث مربوط به سرمایه انسانی و تأثیر آن بر رشد اقتصادی از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. در همین راستا، هدف این مطالعه بررسی رابطه میان شاخص‌های توسعه انسانی بر رشد اقتصادی با رویکرد بین کشوری می باشد. و سرمایه انسانی که به عنوان یکی از ارکان اساسی یک کشور و همچنین یکی از اهداف توسعه محسوب می شود، نقش مهمی در این میان ایفا می کند. در این تحقیق از الگوهای اقتصادی و مدل داده‌های پانلی برای تعیین میزان تأثیرگذاری سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در کشورهای هدف استفاده شده است. شاخص توسعه انسانی با در نظر گرفتن مولفه‌های اساسی چون: سلامتی، آموزش و درآمد سرانه که در برخی متون بعنوان نرم افزار رشد از آن یاد می شود و بدون بهبود آنها توسعه انسانی استمرار نمی یابد و پیش نیاز رشد پایدار است. نتایج مطالعه نشان می دهد که درآمد سرانه و نرخ امید به زندگی بر رشد اقتصادی در بین کشورهای اسلامی تأثیر مثبت و معنی داری دارد. همچنین بررسی نشان می دهد نرخ تحصیلات تأثیر منفی بر رشد اقتصادی در بین کشورهای اسلامی دارد. و در نهایت می توان بیان کرد که شاخص‌های توسعه انسانی بر رشد اقتصادی در بین کشورهای اسلامی تأثیر مثبت دارد. و این پژوهش براساس گزارش توسعه انسانی برنامه سازمان ملل از سال

۲۰۰۰-۲۰۱۵ انجام شده است. و سه شاخص اصلی برای محاسبه شاخص توسعه انسانی: امید به زندگی در بدو تولد، نسبت باسوادی در بزرگسالان و استاندارد زندگی با GNI سرانه، در هر یک از کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه بوده است.

کلمات کلیدی: شاخص‌های توسعه انسانی، رشد اقتصادی، کشورهای اسلامی، رویکرد بین‌کشوری.

۱- مقدمه

رشد اقتصادی از جمله اهدافی است که هر اقتصادی آن را دنبال می‌کند و دلیل این امر نیز دستیابی به منافع و مزایای فراوان است که در روند رشد تحقق می‌یابد. از نقطه نظرتاریخی نخستین مفهوم و عامل تأثیرگذار بر رشد اقتصادی در الگوهای رشد، عامل سرمایه بوده و تغییرات تولید و رشد اقتصادی با تغییرات انباشت سرمایه فیزیکی تبیین می‌شد به گونه‌ای که هرچه تراکم سرمایه فیزیکی در کشوری بیشتر بود انتظار می‌رفت رشد اقتصادی آن هم افزایش یابد. اما تجربه کشورهای پیشرفته و مطالعات مختلف در زمینه رشد اقتصادی کشورها در طول زمان نشان می‌دهد که توضیح نرخ رشد اقتصادی فقط از طریق عوامل مرسوم مانند سرمایه و نیروی کار نتایج دقیق به دست نمی‌دهد و سرمایه انسانی به عنوان یک متغیر اصلی باید وارد مدل رشد شود. از این رو سرمایه انسانی به عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد و ظرفیتهای موجود در رشد و توسعه اقتصادی هر کشور است که این موضوع در بیشتر مطالعات داخلی و خارجی که در این زمینه صورت گرفته نیز تأیید شده است. بنابراین توسعه انسانی بعنوان پدیده‌ای پویا، فرآیند بهبود کیفیت زندگی انسانهاست. امروزه بهداشت و آموزش و پرورش که مولفه اصلی توسعه انسانی‌اند بعنوان بخش نرم‌افزاری رشد و توسعه در کانون توجه قرار گرفته‌اند (فطرس و ترکمنی ۱۳۹۱: ۶۴). از این رو می‌توان بیان کرد که توسعه انسانی یک متغیر سیاستی بسیار مهم است. به طوری که در اغلب مطالعات موجود در این زمینه بر تأثیر مثبت و معنادار بین توسعه انسانی و رشد اقتصادی تأکید می‌شود (ساری و همکاران ۱۳۹۱: ۵۰۵).

۲- مبانی نظری

از جمله مباحث بسیار مهم در اقتصاد موضوع رشد اقتصادی است، زیرا رشد اقتصادی پایه و اساس توسعه است. افزایش درآمد ملی هر کشور باید تحقق یابد تا این افزایش درآمد به بهبود

شاخص‌های توسعه (بهداشت، آموزش و....) بینجامد. از سوی دیگر یکی از اهداف اصلی مطالعه رشد اقتصادی، درک علت تغییرات بسیار زیاد درآمد سرانه در جهان است. بر این اساس می‌توان بیان کرد که ایده اصلی سرمایه انسانی مبتنی بر این نکته است که سرمایه‌گذاری در منابع انسانی سبب افزایش توان تولیدی افراد و در نهایت بهبود رشد اقتصادی می‌شود، البته از نظر تاریخی سرمایه‌گذاری در منابع انسانی به افزایش رشد منجر می‌شود، اسمیت و اقتصاددانان نئوکلاسیک نیز براهمیت سرمایه‌گذاری در زمینه مهارت و تخصص نیروی کار تأکید داشتند. بنابراین رشد اقتصادی براساس مجموعه‌ای از سازکارهای درونی اقتصاد مانند توسعه سرمایه انسانی، ارتقای بهره‌وری، تحقیق و توسعه اتفاق می‌افتد. (برد، ۱۹۹۳: ۲۳) بهبود شاخص‌های توسعه انسانی که باعث افزایش سرمایه انسانی است، بهترین راه افزایش سطح تولید است و مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده تفاوت بین سطوح درآمدی در کشورها، سرمایه است. لذا انباشت بیشتر و سریع‌تر سرمایه می‌تواند نرخ رشد اقتصادی بالایی را به ارمغان آورد. بر این اساس بود که اقتصاددانان توصیه کردند که به منظور کسب رشد اقتصادی مطلوب و بالا، کشورها باید سیاستهای اقتصادی خود را در جهت افزایش موجودی سرمایه فیزیکی و انسانی تنظیم کنند.

۲-۱- رابطه بین توسعه انسانی و رشد اقتصادی

هدف از این بخش بررسی رابطه بین توسعه انسانی و رشد اقتصادی است. به همین منظور و به طور مختصر به تعریف رشد اقتصادی و توسعه انسانی پرداخته می‌شود. رشد اقتصادی، فرایندی است که طی آن ظرفیت مولد یک اقتصاد طی زمان افزایش می‌یابد که در این حالت سطح درآمد و تولید بالا می‌رود. در واقع رشد اقتصادی ناظر بر افزایش ارزش کالا و خدمات تولید شده در یک اقتصاد است. که معمولاً به عنوان درصد افزایش در تولید ناخالص ملی یا درآمد ناخالص ملی اندازه‌گیری می‌شود (باسو ۱۹۹۷: ۱۲)^۱. به طور کلی مطالعات در زمینه رشد اقتصادی شامل سه جریان کلی است که از نظر تاریخی و روش‌شناسی متفاوت می‌باشند. جریان اول: جریان کلاسیک است که از پیشگامان آن می‌توان به دیوید هیوم^۲ و آدام اسمیت را نام برد. این جریان

در قرن هجدهم شکل گرفت و با جان استوارت میل^۱ و کارل مارکس^۲ در اواسط قرن نوزدهم پایان پذیرفت. جریان دوم: نئوکلاسیک است که به تحقق در زمینه رشد با داده‌های آماری جدید که بعد از جنگ جهانی دوم فراهم شد می پردازد. نظرات نئوکلاسیک، پیشرفت تکنولوژی را به عنوان عامل برونزا و انباشت سرمایه را به عنوان عامل درونزای رشد تولید را در نظر می گیرد. آثار موثر در این جریان، متعلق به روبرت سولو^۳، سیمون کوزنتس^۴، موززآبراموتیز^۵، هولیس چزی^۶ و ادوارد دنیسون^۷ است. و جریان سوم: جدیدترین جریان، جریان درونزا است که فرضیات نئوکلاسیک و کلاسیک ها در مورد بازارهای ایده‌ال و بازده نزولی عوامل به ویژه سرمایه را رد می کند، عبارت رشد درونزا در مجموعه متنوعی از کارهای نظری و تجربی پدید آمده در دهه ۱۹۸۰ وارد عرصه اقتصاد شده است. رشد درونزا با تأکید بر این نکته که رشد اقتصادی پیامد سیستم اقتصادی است نه نتیجه نیروهای وارده از خارج، خود را از رشد نئوکلاسیک متمایز می سازد. آنها فعالیت‌های مبتنی بر نوآوری با جهت گیری تجارت در واکنش به محرکه‌های اقتصادی را به عنوان موتور اصل پیشرفت تکنولوژی و رشد اقتصادی در نظر می - گیرد. چهره‌های اصلی این جریان کنت ارو^۸، روبرت لوکاس^۹، جین گروسمن^{۱۰} و الهانا هلیمن^{۱۱} هستند (پژویان و فقیه نصیری ۱۳۸۸: ۱۰۳). به طور کلی مدل‌های رشد درونزا را عمدتاً در دو دسته اصلی تقسیم بندی می کنند: ۱- مدل های R&D که این مدل ها بر تحقیق و توسعه دانش و

۱-DAavid HUME

۲-Johnstuartmill

۳-Carl max

۴-Robert Sol

۵-SimonKuznets

۶-MOozz Abramutz

۷-Cholis cholis

۸-EdwardDenison

۹-Kent Arow

۱۰-Lucas R.E

۱۱-JaneGrossen

۱۲-ElhamHellman

اثر آن بر تولیدات کالا تأکید دارند و آغازگر آنها را می توان ریچارد رومر^۱ بیان کرد. ۲- مدل های سرمایه انسانی (که بر نقش کیفیت نیروی انسانی و با شاخص های مرتبط با آن در تولید تأکید دارند) این مدل ها متناسب به لوکاس هستند (الفتی و بابایی ۱۳۸۱: ۱۷۲).

و توسعه انسانی بعنوان پدیده ای پویا، فرایند بهبود کیفیت زندگی انسانهاست، امروزه بهداشت و آموزش که مولفه اصلی توسعه انسانی اند بعنوان بخش نرم افزاری رشد و توسعه در کانون توجه قرار دارد.

۲-۲- اهداف و شاخص های توسعه اقتصادی اهداف توسعه بسیارند، همچنان که در گردهمایی رهبران جهان در سال ۲۰۰۰ میلادی در سازمان ملل متحد تحت عنوان نشست هزاره، اهدافی را برای توسعه کشورها مشخص گردید. در این نشست بیانیه ای تصویب شد که بر مبنای آن کشورها باید پیشنهاد و اجرای برنامه هایی بپردازند که حرکت کشورهای در حال توسعه را در مسیر توسعه یافتگی تسریع بخشند و اهداف توسعه هزاره را محقق سازد. نتایج این اهداف عبارت بودند از: ریشه کن کردن فقر مطلق و گرسنگی، دستیابی به آموزش ابتدایی در جهان، و توانمند سازی زنان، کاهش مرگ و میر کودکان، بهبود تندرستی مادران، مبارزه با ایدز و دیگر بیماریها، پایداری زیست محیطی و ایجاد مشارکت جهانی برای توسعه است.

۲-۳- انباشت سرمایه انسانی و رشد اقتصادی

مدل های نوین، دریافتهای جدید بر نقش سرمایه انسانی در ارتقای رشد تولید تأکید دارند. در این چارچوب انباشت سرمایه انسانی دارای اثرات برونایی بالقوه است که موجبات تحولات تکنولوژیکی را فراهم می سازد که بیانگر رشد درونزا است. رابرت لوکاس^۲ در تلفیقی جالب این ایده که سطوح سرمایه انسانی مستقیماً تولید را متأثر می سازند را در مدل های رایج رشد برونزا (از نوع سولو) لحاظ نمود. در مدل پیشنهادی وی رشد سرمایه انسانی، نیروی محرکه اصلی رشد اقتصادی است. همچنین اثرات برونایی سرمایه انسانی جایگاه خاصی دارد. او معتقد است

۱-RichardRoemer

۲- LucasR.E

که ارتقای سطح متوسط سرمایه انسانی منجر به تولید بیشتر می‌شود. او چنین اظهار دارد که آحاد مردم در تصمیمات خویش در رابطه با سرمایه‌گذاری نیروی انسانی این اثرات برونی را نمی‌بینند و لذا در انتخاب خویش تنها بر بازده خصوصی سرمایه‌گذاری انسان متکی هستند. و در نتیجه سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی اجباراً پایین‌تر از سطح بهینه اجتماعی آن است و لذا یکی از سیاست‌های مهم دولت، دخالت برای برطرف نمودن این مورد واضح و مهمتر از «شکست بازار» است. دولت لازم است با ایجاد سیاست‌های مناسب زمینه‌های رشد سرمایه انسانی هر چه بیشتر را فراهم سازد.

۲-۴- توسعه منابع انسانی و بهره‌وری

امروزه توسعه منابع انسانی و رابطه آن با بهره‌وری، یکی از بحث‌های مطرح در مدیریت منابع انسانی است. توسعه منابع انسانی به نحو گسترده‌ای به آموزش و توسعه توجه دارد و مبتنی بر این مفروضات است: ۱- افراد نیروی انسانی با ارزش‌ترین منابع سازمان هستند. ۲- توسعه منابع انسانی یک فعالیت درازمدت است و در این باره نقش آموزش بسیار مهم است. ۳- بهره‌وری، به بهترین شکل استفاده از تمام منابع برای بدست آوردن حداکثر ارزش افزوده از آنها مربوط می‌شود. ۴- توسعه منابع انسانی به معنای ذخیره سازی از نظر مهارت، سازمان دهی و تجربه یادگیری به معنای تحقق اهداف کسب و کار است. از این رو از طریق ارتقای مهارت‌ها، دانش، شایستگی، قدرت یادگیری و رشد مستمر سازمانی به رشد افراد منجر می‌شود. سازمان ملل متحد چهار دهه را به عنوان دهه‌های توسعه معرفی می‌کند که نهایتاً در دهه چهارم که از سال ۱۹۹۰ شروع شد محوریت انسانی و کیفیت زندگی او به عنوان عامل اصلی توسعه معرفی می‌کند. نظریه پردازان اقتصادی جهان، انسان را یکی از عوامل توسعه معرفی می‌کنند و نظریه‌های نوین رشد هم بر این نکته تأکید می‌ورزند. این بدان معناست که سرمایه‌گذاری روی ابعاد جسمی و فکری انسان معتبرترین شرط حرکت به سمت توسعه بهینه اقتصادی است. جوامعی که بر تشکیل توسعه انسانی تأکید کرده‌اند از نظر رشد اقتصادی، اشتغال و توزیع عادلانه درآمد عملکرد بهتری داشته‌اند، پیشرفت‌های بدست آمده در تحلیل‌های نظری و تجربی بیانگر توجه فزاینده دست اندرکاران بحث توسعه به جنبه‌های اجتماعی توسعه است.

۲-۵- تعریف و مفهوم توسعه منابع انسانی

نیروی انسانی امروزه، به عنوان یک سرمایه ارزشمند و بالنده مطرح می‌شود که قدرت باز تولید

را دارد. در حقیقت کیفیت کار نیروی انسانی در تمام کشورهای پیشرفته و در حال توسعه سیستم تجهیز و بهسازی نیروی انسانی و حفظ و نگهداری آن به شکل جامع و پویا عمل می‌شود. والتون^۱ منابع انسانی را به منزله مجموعه فعالیت‌های سازمانی که در مدت زمان معینی صورت می‌گیرد و برای ایجاد تغییرات رفتاری در افراد طراحی می‌شود می‌داند (صائبی: ۱۳۸۲: ۱۳۶). از این رو عمده‌ترین منبع استراتژیک هر سازمان و یا جامعه، منابع انسانی آن است. جوامعی در بلند مدت قرین موفقیت خواهند شد که بتوانند منابع انسانی خود را به طور صحیح و اصولی توسعه و پرورش داده و همراه با تقویت دانش و معرفت و مهارت‌های فنی لازم، افرادی پرکار و معتقد و مومن بسازند (میر سپاسی: ۱۳۸۷: ۴۷). دانشگاه مرکز گردآوری و جایگاه پرورش سرمایه انسانی، عامل نوسازی مناسبات اجتماعی و انتقال تکنولوژی، مغز متفکر جامعه و در یک کلام دانشگاه مهد نوسازی اجتماعی و توسعه است. و اساسی‌ترین عامل برقرار نمودن ارتباط نظام‌مند آموزش عالی با جامعه، تربیت و آماده ساختن نیروی انسانی کارآمد، شایسته و دارا بودن مهارت به منظور پاسخگویی به نیازهای واقعی جامعه در زمینه‌های مختلف می‌باشد

۳- بررسی نظریه های پیرامون موضوع مطالعه

نظریه های نوین رشد برآنند که رشد و توسعه اقتصادی نمی‌توانند بدون توسعه منابع انسانی به مسیری مطلوب برسند. افزایش مهارت و قابلیت‌ها از الزامات توسعه اقتصادی یک کشور است و بهبود در توسعه انسانی باعث بالا بردن عملکرد رشد اقتصادی می‌شود. و هر کشور برای حرکت در مسیر رشد اقتصادی به یک آستانه توسعه انسانی نیاز دارد. و در واقع توسعه انسانی بر فرصت‌ها و آزادی های مردم برای انتخاب زندگی‌هایی که ارزشمند تلقی می‌کنند متمرکز است. از این رو نظریه پردازان اقتصادی جهان، انسان را مبدأ توسعه معرفی می‌کنند. آدام اسمیت در کتاب ثروت ملل خود، بر نقش کار در ایجاد ثروت و اهمیت آموزش و پرورش در تشدید آن تأکید کرد. به عقیده وی، انسانها با آموزش به سرمایه ای مبدل می‌شوند که جامعه می‌تواند از توان تولیدی آنها به صورت بهتری بهرمنند گردد و نه تنها خودشان به درآمد بیشتری دست می‌یابند، بلکه جامعه نیز از سرمایه گذاری بروی آنها منتفع می‌گردد.

کوزنتس به عنوان اقتصاددان معاصر معتقد است، که سرمایه انسانی باید همانند سرمایه فیزیکی به عنوان جزئی از سرمایه کل کشور در تحلیل های اقتصادی مورد توجه و محاسبه قرار گیرد از دیدگاه وی، سرمایه گذاری در آموزش منبع مهمی برای تشکیل سرمایه انسانی است که باعث توسعه اقتصادی خواهد شد. شولتز از معروف ترین اقتصاددانان معاصر ملقب به پدر تئوری سرمایه انسانی، بر اهمیت و ضرورت توجه به سرمایه انسانی در تحلیل های اقتصادی تأکید فراوان داشت و معتقد بود بدون کاربرد نظریه ای، توضیح نرخ رشد اقتصادی و چگونگی توزیع درآمد افراد ناقص و نارسا است. به اعتقاد وی توانایی های اکتسابی انسانها مهمترین منبع رشد بهره وری و توسعه اقتصادی سال های اخیر به حساب می آیند.

بکر در کتاب خود با عنوان سرمایه انسانی، جایگاه سرمایه انسانی را در اندیشه اقتصادی مورد بررسی قرار داد. برخی از اقتصاددانان همچون آتور لوئیس^۱ که عرضه نیروی کار را نامحدود فرض می کنند و نیز با تأکید بر توانایی علمی و فنی انسان، این عامل را به عنوان سرمایه تلقی می کنند. لیکن مطالعات تجربی تنها این عامل را موجب رشد اقتصادی تلقی نمی کنند و بر فاکتورهای دیگر هم تأکید دارند (رومر ۲۰۰۶: ۱۳۳)^۲

مینسر به عنوان اقتصاد دانی که نظریه سرمایه انسانی را حتی بیش از شولتز و بکر ارائه کرد، منشأ اصلی قدرت تولید و درآمد فردی را میزان آموزشی می داند که وی دریافت کرده است. به عقیده بسیاری از محققان توجه به آموزش و پرورش و افزایش مهارت ها و بهداشت از الزامات توسعه اقتصادی یک کشور است (آگاروال ۲۰۰۶: ۶)^۳. در واقع بهبود در سطح توسعه منابع انسانی باعث بالابردن عملکرد در توسعه کشورها می شود (دافلو ۲۰۰۲: ۷۹۵)^۴. بنابراین مبنای نظری توسعه انسانی از رویکرد توانایی های شخصی با توجه به بردار عملکرد متفاوت لذت بردن از سطوح مختلف رفاهی بعنوان یکی از بهترین شاخص های رفاهی مد نظر می باشد طبق این دیدگاه درآمد، بهداشت و آموزش و پرورش بعنوان برداری از فرصت های ممکن در دسترس افراد است و رشد درآمد به وضوح سبب افزایش توانایی های فردی و در نهایت توسعه انسانی

۱-Attorney Lewis

۲-Romer200

۳-Agaroal2006

۴-dafloo2002

می گردد (سن ۲۰۰۰:۲۰)

۴- پیشینه تحقیق

لطفی پورو همکاران (۱۳۸۷)، در بررسی سرمایه گذاری روی نیروی انسانی این نتیجه حاصل شده است که سرمایه گذاری در نیروی انسانی و ارتقای کیفیت آن از جمله ارتقای شاخص های سلامت و..... بیشترین نقش را در افزایش رشد اقتصادی دارد.

الماسی، سهیلی و سپهان (۱۳۸۹)، در مطالعه ای درخصوص تأثیر به کارگیری دانش آموختگان آموزش عالی بر رشد اقتصادی ایران و بررسی و رشد را بعنوان یک متغیر درونزا معرفی کردند که تابعی از سرمایه گذاری در نیروی انسانی، سرمایه گذاری فیزیکی و..... است و نتایج این مطالعه گویای آن است که در بلند مدت تأثیر پذیری متغیر رشد از متغیر سرمایه انسانی به مراتب بیشتر از سرمایه فیزیکی است.

سلطان و وحید (۱۳۹۰)، در پژوهشی بعنوان (سرمایه انسانی و رشد اقتصادی) به بررسی ارتباط بین سرمایه انسانی و رشد اقتصادی کشورهای منطقه با استفاده از داده های سری زمانی ۱۹۷۸-۲۰۰۷ پرداختند در این مطالعه از شاخص آموزش تعدیل شده بر حسب سلامت و بهداشت به جای سرمایه انسانی در فرم استاندارد از تابع تولید کاب - داگلاس استفاده شده و نتایج پژوهش بیانگر رابطه بلند مدت و مثبت میان سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در کشورهای منطقه بوده و موید یافته های قبلی می باشد.

فطرس و ترکمنی (۱۳۹۱)، در مطالعات به بررسی تأثیر توسعه انسانی تعدیل شده و پایداری رشد اقتصادی (مقایسه تطبیقی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه) یا روش سیستم معادلات همزمان 3SLS پرداختند. نتایج بیانگر آن است که شاخص توسعه انسانی تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی کشورها دارد.

شهبازی و حسنی (۱۳۹۲)، در مطالعات خود تأثیر سطوح مختلف آموزش (بعنوان یکی از اجزای شاخص توسعه انسانی) بر رشد اقتصادی را با استفاده از آزمون یوهانسون - یوسلیوس وعلیت گرنجری مورد آزمون قرار دادند و نتایج نشان می دهد که در بلند مدت تأثیر آموزش بر رشد اقتصادی قوی تر است. همچنین با افزایش نرخ باسوادی شاغلان، رشد اقتصادی افزایش می یابد.

اسدی و اسماعیلی (۱۳۹۲)، در مطالعه ای به بررسی تأثیر شاخص توسعه انسانی بر رشد اقتصادی ایران طی دوره زمانی ۱۹۷۱-۲۰۱۲ در قالب مدل مارکوف - سوئیچینگ پرداختند. نتایج نشان

می دهد که در زمان رونق، توسعه انسانی تأثیر منفی و در زمان رکود تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد. از این رو می توان بیان کرد که بیشتر مطالعات انجام شده داخلی با تأیید بر اثر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی بوده و در این مطالعات بیشتر سعی شده است به بررسی رابطه علیت میان این دو متغیر پرداخته شود.

دنسون (Denison 2000) در مطالعه منابع رشد در آمریکا طی دوره ۱۹۸۲-۱۹۲۹ سطح تحصیلات را به عنوان شاخصی از سرمایه انسانی در مطالعات خود لحاظ نمود و به این نتیجه رسید که رشد تحصیلات رسمی نزدیک به ۲۵ درصد از رشد درآمد سرانه مردم آمریکا توضیح می دهد. از زمان مطالعه دنسون به این سو مطالعات متعددی صورت گرفته است که اغلب موضوع وجود ارتباط مثبت و مستقیم سطح تحصیلات و رشد اقتصادی را مورد تأیید قرار داده است.

دسپوتیز (Despotic 2002) برای برآوردن شاخص توسعه انسانی از آنالیز پوشش داده برای سرشماری از کشورهای آسیا و اقیانوسه استفاده نموده و سپس الگویی را برای برنامه یزی به منظور دستیابی به هدف برآورد جهانی توسعه انسانی بر پایه اوزان عمومی بهینه برای شاخص های بعدی بدست آورده است و شاخصی که دسپوتیز معرفی کرده، توان سنجش و همبستگی بالایی با شاخص توسعه انسانی دارد.

برگستروم (Brgsterom 2008) تحقیقات انجام شده در مورد نقش سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی با استفاده از تابع تولید غالباً به دو گروه تقسیم می شوند، گروهی که با استفاده از توابع کاپ - داگلاس و الگوی نئو کلاسیک اثر سرمایه انسانی را بر روی رشد بررسی کرده اند و سهم آن را مشخص نموده اند و گروهی نوظهور که با استفاده از همان توابع تولید کلاسیک اثر سرمایه انسانی را بصورت درونزا در الگوی بررسی نموده اند. اما بنابر توصیف این متغیر و اندازه گیری آن محققان نتایج متفاوتی از اهمیت و ارزش آن بدست آورده اند که تا حد زیادی به روش مورد استفاده آنان بستگی دارد، گروه دوم گروهی هستند که نقش سرمایه انسانی در رشد اقتصادی را با استفاده از الگوی رشد درونزا بررسی کرده اند این گروه چهار نقش را برای سرمایه انسانی مطرح می کنند. اول، آن را عمدتاً به عنوان یک عامل جداگانه تولید در نظر می گیرند. در آثار منکیو لامروویل (۱۹۹۲) این نقش بصورت الگوی نئو کلاسیک بررسی شده است. دوم، سرمایه انسانی منبع و منشأ فعالیت های نوآورانه و در نتیجه نهاده مهمی در پی ریزی دانش پایه است که در

نوشته های رومر (۱۹۸۶) نلسون و ورس پانزدهمین دسته هستند. سوم، اندوخته یا ذخیره بیشتر سرمایه انسانی امکان جذب اندیشه های کشف شده در جاهای دیگر را برای کشور آسانتر و در نتیجه بهره برداری از توان بالقوه کشورها را امکان پذیر می سازد آثار نلسون و فلیس و استرلین و آبراملیز در این راستاست. به این معنا که سرمایه انسانی یا دانش نیروی کار ممکن است بهره وری همکاران وی را نیز افزایش دهد.

بالتاجی و موسکن (Baltagi & Moscone 2010) در مطالعه ای با استفاده از روش داده های تابلویی برای ۲۰ کشور عضو OECD طی دوره زمانی ۱۹۷۱-۲۰۰۴ درباره رابطه اقتصادی بلند مدت بین مخارج بهداشتی و درآمد بررسی کردند نتایج پژوهش آنها نشان می دهد که مخارج بهداشتی برای کشورهای مورد بررسی ضروری است.

هال و جونز (Hall and Jones 2010) در مطالعه ۱۲۷ کشور نشان می دهند که همبستگی بالایی بین تولید سرانه و سطح تحصیلات رسمی به عنوان شاخصی از سرمایه انسانی از یک سو و بهره وری کل و سرمایه انسانی وجود دارد.

تاتگلو (Tatoglu 2011) در مقاله ای به بررسی رابطه کوتاه مدت و بلند مدت بین سرمایه گذاری در سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در کشورهای OECD طی دوره ۲۰۰۵-۱۹۷۵ پرداخته است او پس از آزمون های ریشه واحد و هم جمعی پانل کششهای کوتاه مدت و بلند مدت درآمد نسبت به مخارج بهداشتی را برآورد کرده است نتایج مطالعه او حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار در کوتاه و بلند مدت برای کشورهای مورد بررسی بود.

سوئیفت (Swift 2011) در مطالعه ای با استفاده از تجزیه و تحلیل هم انباشتگی چند متغیره جوهانسون طی سالهای ۲۰۰۱-۱۸۲۰ به بررسی رابطه بین شاخص سلامت (امید به زندگی) و GDP سرانه در ۱۳ کشور عضو OECD (سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه) که ریسک تجاری و ریسک اقتصادی هر کشور را مشخص می کنند، پرداخته است نتایج پژوهش او حاکی از آن است که در بلند مدت ارتباط کاملاً مثبت و معناداری بین شاخص سلامت و GDP سرانه در اغلب کشورهای مورد بررسی وجود دارد.

جمیسون ولات (Jemison and louat2012) در یک مطالعه سری زمانی و مقطعی برای ۱۹۸۶-۱۹۶۰ و بررسی آماری ۵۸ کشور نشان می دهند که در توضیح رشد درآمد (GDP) نقش سرمایه گذاری در آموزش مثبت و به لحاظ آماری معنادار است.

باندلا (Bandela2012) در مطالعه خود به بررسی ارتباط بین رشد اقتصادی و توسعه انسانی با استفاده از مدل‌های رگرسیون چند متغیره پرداخته نتایج نشان می دهد که یک رابطه قوی بین رشد اقتصادی و توسعه انسانی وجود دارد.

هو و همکاران (Ho and colleagues2014) در مقاله خود تحت عنوان پویایی شاخص توسعه انسانی، راه های مختلف بهبود شاخص توسعه انسانی از نظر جریان خالص توسعه انسانی در حوزه های رفاه مادی سلامت و آموزش و پرورش را پیشنهاد کرده و با استفاده از مقایسه شاخص توسعه انسانی نشان می دهد که اندازه گیری توسعه انسانی با متغیرهای نامبرده عملکرد بهتر توسعه انسانی را از نظر بهداشت و آموزش و پرورش را نسبت به اندازه گیری های سنتی فراهم می کند.

۵- روش تحلیل داده ها

در تحقیق حاضر سعی بر آن بوده است تا از اطلاعات یکنواخت استفاده شود. و به دلیل محدودیت های موجود ناچار به استفاده از منابع گوناگون هستیم. در مطالعه فوق جامعه آماری شامل کشورها اسلامی منطقه خاورمیانه بوده و داده های مورد استفاده داده های پانل دیتا می باشد.

۶- روش اجرای پژوهش

مدل مورد بررسی با استفاده از مطالعات تجربی مطرح شده به شرح ذیل تصریح شده است، و با استفاده از مدل رشد در علم اقتصاد برای عملیاتی کردن و به منظور تعیین واکنش نرخ رشد اقتصادی نسبت به آموزش (نرخ باسوادی در افراد بزرگسال)، امید به زندگی در بدو تولد و شاخص درآمد سرانه ناخالص ملی (برابری قدرت خرید به دلار)

$$\text{Growth } E_{it} = \alpha + \beta_1 \text{ALR}_{it} + \beta_2 \text{LEB}_{it} + \beta_3 \text{GNI}_{it} + \beta_4 \text{HDI}_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن:

(۳)

رشد اقتصادی: $\text{Growth } E_{it}$

ALR_{it} : نرخ باسوادی در افراد بزرگسال:

LEB_{it} : امید به زندگی در بدو تولد:

GNI_{it} : درآمد سرانه ناخالص ملی:

HDI_{it} : شاخص سرمایه انسانی:

$\beta_1, \beta_2, \beta_3, \beta_4$: ضرایب متغیر های تحقیق:

ε_{it} : خطای رگرسیونی:

در این مدل از امید به زندگی، نرخ باسوادی، درآمد سرانه و شاخص توسعه انسانی به عنوان متغیر مستقل و همچنین از رشد اقتصادی به عنوان متغیر وابسته استفاده شده است. براساس مباحث مطرح شده انتظار می رود انباشت سرمایه انسانی برای رشد اقتصادی اهمیت حیاتی داشته باشد و سرمایه انسانی با علامت مثبت بر رشد اقتصادی اثر بگذارد.

۶-۱- معرفی متغیرهای مدل و نحوه محاسبه و شاخص سازی مدل

الف) امید به زندگی (Life Expectancy Birth)(yaer):

امید به زندگی از بدو تولد، میانگین تعداد سالهایی است که افراد یک جامعه از بدو تولد امید به زنده ماندن دارند و شاخص مطلوبی از توسعه کلی اقتصادی، اجتماعی است و به مثابه یک شاخص بلند مدت بقا می تواند به عنوان یک شاخص مثبت سطح سلامت پذیرفته شود. و نیز به عنوان یک شاخص جهانی مورد قبول قرار گرفته است (کریمی ۱۳۸۴: ۱۵۸).

ج) آموزش (Education)

آموزش و بهسازی نیروی انسانی که سبب می شود تا افراد بتوانند متناسب با تغییرات شرایط و محیطی به طور موثر فعالیتشان را ادامه داده و بر کارایی خود بیفزایند. در این راستا لازم است فرایند، منابع و اقدامات لازم آموزش شناسایی و در یک مدل علمی مناسب برنامه ریزی شود. چراکه آموزش و بهسازی افراد اقدامی راهبردی است که در سطح فردی باعث ارزشمندی و رضایتمندی فردی و نیز باعث بهبود و توسعه می انجامد.

(۴)

$$\text{رفتن به مدرسه } \frac{1}{3} + \text{سطح سواد بزرگسالان } \frac{2}{3} = \text{شاخص آموزش}$$

ص) شاخص توسعه انسانی (HDI):

شاخص توسعه انسانی، شاخصی ترکیبی است که برای سنجیدن موفقیت در هر کشور که در سه معیار پایه از توسعه انسانی شامل زندگی طولانی توأم با سلامتی (بهداشت و سلامت)، دسترسی به دانش و معرفت و سطح زندگی مناسب (استاندارد زندگی) مورد بررسی قرار می‌گیرد. این شاخص کشورها را برحسب کیفیت زندگی شهروندان و نه صرفاً براساس ارقام سنتی درآمد سرانه آنها رتبه بندی می‌کند. و هر ساله گزارشی به نام گزارش توسعه انسانی توسط برنامه توسعه سازمان ملل منتشر می‌شود. که در آن کشورها، در شاخص‌های مختلف مانند شاخص‌های آموزشی، بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مورد مقایسه قرار می‌گیرند پس از محاسبه سه شاخص فوق (امید به زندگی، درآمد سرانه و آموزش) می‌توان HDI را که در واقع متوسط آنهاست با استفاده از رابطه (۶) به روش ذیل محاسبه می‌شود.

(۶)

$$HDI = \frac{1}{3} (\text{شاخص امید به زندگی}) + \frac{1}{3} (\text{شاخص آموزش عمومی}) + \frac{1}{3} (\text{شاخص درآمد سرانه})$$

۶-۲- روش تحلیل متغیرهای تحقیق

مانایی (ایستایی) متغیرها و هم‌انباشتگی

پیش از برآورد مدل در مطالعاتی که با داده‌های پانلی (مقطعی و سری زمانی) مربوط هستند باید مانایی (ثابت بودن توزیع متغیر در طول زمان) متغیرهای مورد مطالعه بررسی شوند زیرا در صورتی که متغیرها مانا نباشد، باعث بوجود آمدن رگرسیون کاذب می‌شوند.

برای تعیین مانایی^۱ متغیرهای مدل از آزمونهای ریشه واحد در داده‌های تابلویی استفاده می‌شود. پایایی متغیرها به معنی ثابت بودن میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سالهای مختلف است. آزمونهای مختلفی برای ریشه واحد یا پایایی در داده‌های تابلویی انجام می‌شوند. فرض صفر آزمونهای لوین، لین، و چو (۲۰۰۲)^۲، هریس و تزولیس

۱-Stationary

۲- Levin-Lin-Chu

(۱۹۹۹)^۱، بریتونگ (۲۰۰۰) و بریتونگ و داس (۲۰۰۵)^۲ و ایم پسران و شین (۲۰۰۳)^۳ و چویی^۴ (۲۰۰۱) به این صورت است که کلیه پانل‌ها دارای ریشه واحد هستند. در حالیکه فرضیه صفر آزمون ضریب لاگرانژ^۵ هدری^۶ (۲۰۰۰) به این صورت است که کلیه پانل‌ها پایا هستند و فرضیه مقابل آن این است که برخی از پانل‌ها دارای ریشه واحد هستند.

هریک از آزمون‌ها، با توجه به تعداد پانل‌ها در مجموعه داده‌ها و تعداد دوره‌های زمانی در هر پانل (مجموعه داده با تعداد زیادی از پانل‌ها و تعداد کمی دوره‌های زمانی، مجموعه داده با تعداد کمی پانل‌ها اما با دوره‌های زمانی زیادی، و مجموعه داده‌ها با تعداد زیادی از پانل‌ها و دوره‌های زمانی) مفروضات مختلفی را می‌سازند. اکثر آزمونها فرض می‌کنند که پانل‌های مربوط به مجموعه داده‌ها متوازن هستند، ولی آزمون ایم پسران و شین و آزمون نوع فیشر برای پانل‌های نامتوازن نیز استفاده می‌شود. در این تحقیق از آزمون لوین-لین و چو برای آزمون مانایی متغیرها استفاده شده است. با توجه به اینکه سطح معنی داری بدست آمده برای آزمون لوین-لین و چو برای متغیر رشد اقتصادی کمتر از سطح خطای ۰.۰۵ می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که متغیر رشد اقتصادی در سطح ایستا می‌باشند. سایر متغیرها نیز در تفاضل مرتبه اول ایستا می‌باشند (جدول ۱).

در این مرحله از آزمون هم‌انباشتگی تابلویی کائو استفاده کرده و هم‌انباشتگی متغیرها در بلندمدت بررسی می‌گردد. همانگونه که ملاحظه می‌شود، آماره آزمون، فرضیه صفر مبنی بر عدم هم‌انباشتگی برای متغیرهای مدل‌ها را رد کرده و رابطه بلندمدت میان متغیرهای مدل را تأیید می‌کنند (سطح معنی داری بدست آمده در جدول ۱ کوچکتر از سطح خطای ۰.۰۵ می‌باشد).

۱- Harris-Tzavalis

۲- Breitung (Breitung and Das) -

۳ -Im-Pesaran-Shin

۴ -Choi

۵- Lagrange multiplier (LM) test

۶- Hadri

جدول ۱- آزمون مانایی و هم انباشتگی متغیر های تحقیق

آزمون لوین- لین و چو			متغیر	
نتیجه آزمون	سطح معنی داری	مقدار آماره		
ایستا	۰.۰۰۰۳	-۳.۴۰۹۴	$Growth E_{it}$	رشد اقتصادی
نا ایستا	۰.۰۸۳۶	-۱.۳۸۱۵	ALR_{it}	نرخ باسوادی درافراد بزرگسال
ایستا	۰.۰۰۹۱	-۲.۳۶۱۴	$D(ALR_{it})$	تفاضل مرتبه اول نرخ باسوادی درافراد بزرگسال
نا ایستا	۰.۱۹۸۹	-۰.۸۴۵۶	LEB_{it}	امید به زندگی دربدو تولد
ایستا	۰.۰۰۰۰	-۱۱.۰۶۵۰	$D(LEB_{it})$	تفاضل مرتبه اول امید به زندگی دربدو تولد
نا ایستا	۰.۱۷۵۰	-۰.۹۳۴۶	GNI_{it}	درآمد سرانه ناخالص ملی
ایستا	۰.۰۰۰۰	-۷.۶۲۸۸	$D(GNI_{it})$	تفاضل مرتبه اول درآمد سرانه ناخالص ملی
ایستا	۰.۰۲۱۳	-۲.۰۲۷۵	HDI_{it}	شاخص سرمایه انسانی
آزمون هم انباشتگی کانو				
هم انباشته	سطح معنی داری		آماره t	
	۰.۰۴۰۴		۱.۶۳۸۶	

مأخذ: یافته های تحقیق

۶-۳-۳- آزمون های فروض کلاسیک

۶-۳-۱- آزمون نرمال بودن

یکی از مهم ترین فروض استفاده از مدل رگرسیون خطی داشتن توزیع نرمال برای باقیمانده های (مانده) مدل و متغیر وابسته تحقیق است. در مدل های برآوردی فرض می شود که باقیمانده ها و به تبع آن متغیر وابسته، متغیرهای تصادفی هستند. بنابراین توزیع متغیر وابسته از توزیع باقیمانده ها پیروی می کند.

در این تحقیق نرمال بودن از طریق آماره جارک- برا مورد بررسی قرار می گیرد. فرض صفر و فرض مقابل در این آزمون به صورت زیر می باشد:

H_0 : توزیع نرمال

H_1 : توزیع غیرنرمال

از آنجائیکه سطح معنی داری آماره جارک- برا در جدول ۲ برای متغیر جزء خطا از سطح خطای ۰.۰۵ بیشتر است در نتیجه فرض صفر مبنی بر نرمال بودن جزء خطا رد نمی شود و فرض نرمال بودن برقرار می باشد.

۶-۳-۲-آزمون همسانی واریانس

از مفروضات دیگر رگرسیون خطی، یکسان بودن واریانس جملات خطا در دوره های مختلف است. نقض این فرض، مشکلی به نام ناهمسانی واریانس ایجاد می کند. فرض واریانس همسانی نتیجه مستقیم فرض نرمال بودن توزیع متغیر وابسته است. واریانس ناهمسانی به معنای تغییر مقدار واریانس قسمت تصادفی مدل در طول مشاهده نمونه است. فرضیه های آماری آزمون همسان بودن واریانس به شرح زیر می باشد:

همسانی واریانس ها: H_0

ناهمسانی واریانس ها: H_1

آزمون های مختلفی برای تشخیص ناهمسانی واریانس وجود دارد که در این تحقیق برای آزمون ناهمسانی واریانس از آزمون بروش پاگان گادفری استفاده شده است. فرض صفر این آزمون دلالت بر همسانی واریانس دارد. با توجه به اینکه سطح معناداری این آزمون ها در جدول ۳ کمتر از سطح خطای ۰.۰۵ می باشد، بنابراین نتیجه می شود که فرض صفر این آزمون ها تأیید نمی شود به عبارتی مشکل ناهمسانی واریانس در مدل ها وجود دارد و برای رفع مشکل ناهمسانی از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده می شود.

جدول ۲- مفروضات کلاسیک رگرسیون

نتیجه آزمون	آزمون ها همسانی واریانس: بروش پاگان گادفری	
ناهمسانی واریانس	سطح معنی داری	F مقدار آماره
	۰.۰۰۵۸	۱۰.۸۸۲۸
	آزمون نرمال بودن متغیر مانده ها: آزمون جارک برا	
نرمال	سطح معنی داری	مقدار آماره
	۰.۴۱۰۵	۱.۷۶۸۳

مأخذ: یافته های تحقیق

۷- برآورد مدل تحقیق

فرض صفر: مقاطع همگن می باشند یا به عبارتی مدل ترکیبی (pooled data) برای برآورد مناسب می باشد.

فرض مقابل: بین مقاطع ناهمگنی وجود دارد یا به عبارتی مدل پانلی (panel data) برای برآورد مناسب می باشد.

در صورتی که فرض صفر مبنی بر همگن بودن مقاطع (مناسب بودن مدل ترکیبی تایید شود) باید تمامی دادها با یکدیگر ترکیب شوند و بوسیله یک رگرسیون کلاسیک پارامترها برآورد شوند. نتایج حاصل از این آزمون در جدول ۳ نشان داده شده است. در مدل تحقیق با توجه به اینکه سطح معنی داری آزمون F لیمر بیشتر از سطح خطای ۰.۰۵ می باشد، نتیجه می شود که روش ترکیبی برای برآورد مدل تحقیق مناسب می باشد.

جدول ۳- آزمون F لیمر و هاسمن

آزمون	آماره F	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
آزمون F لیمر	۱.۷۶۴۴	۰.۱۱۷۵	روش ترکیبی
آزمون هاسمن	نیازی به آزمون هاسمن نیست		

مأخذ: یافته های تحقیق

همانطور که گفته شد برای آزمون فرضیه های تحقیق از برآورد مدل تحقیق استفاده شد. با برقراری پیش فرض های رگرسیون و انتخاب روش مناسب برآورد، نتایج برآورد مدل در جدول ۵ نشان داده شده است. برای اینکه بتوان به نتایج برآورد مدل اعتماد کرد باید مفروضات رگرسیون بررسی شود. فرض اصلی تحلیل رگرسیون چند متغیره معنی داری کل رگرسیون می باشد. در جدول ۳ آماره F و سطح معنی داری آن مربوط به آزمون قطعیت وجود رابطه خطی (آزمون معنی داری کل رگرسیون) بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته می باشد. با توجه به اینکه سطح معنی داری این آزمون برای مدل کمتر از سطح خطای ۰.۰۵ می باشد می توان گفت که در مدل تحقیق، رابطه خطی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته وجود دارد. بنابراین نتیجه می شود که کل مدل معنی دار می باشند. یکی دیگر از مفروضاتی که در رگرسیون مد نظر قرار می گیرد، استقلال خطاها (تفاوت بین مقادیر واقعی و مقادیر پیش بینی شده توسط معادله رگرسیون) از یکدیگر است. در صورتی که فرضیه استقلال خطاها رد شود و خطاها با یکدیگر همبستگی داشته باشند امکان استفاده از رگرسیون وجود ندارد. به منظور بررسی استقلال خطاها

از یکدیگر از آزمون دوربین واتسون استفاده می شود. چنانچه آماره دوربین واتسون نزدیک مقدار ۲ (بین ۱.۵ تا ۲.۵) قرار گیرد عدم همبستگی بین خطاها پذیرفته می شود. با توجه به جدول ۵ مقدار آماره دوربین واتسون برای مدل تحقیق، ۱.۵۵ می باشد که نتیجه می شود در بازه ۱.۵ تا ۲.۵ قرار می گیرد. با توجه به برقراری مفروضات رگرسیون به بررسی معنی داری ضرایب پرداخته می شود.

فرضیه فرعی اول: افزایش نرخ تحصیلات تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی در بین کشورهای اسلامی دارد. برای بررسی فرضیه فوق با استفاده از اطلاعات جدول ۴ می توان گفت: مقدار ضریب متغیر نرخ تحصیلات (نرخ باسوادی در افراد بزرگسال) برابر ۰.۱۳۹۰- می باشد. سطح معنی داری بدست آمده برای این ضریب ۰.۰۰۰۱ است. با توجه به سطح معنی داری ضریب این متغیر که کمتر از سطح خطای ۰.۰۵ می باشد، نتیجه می شود نرخ تحصیلات بر رشد اقتصادی در بین کشورهای اسلامی تأثیر منفی و معنی داری دارد. به عبارتی می توان گفت با افزایش یا کاهش نرخ تحصیلات، رشد اقتصادی در بین کشورهای کاهش یا افزایش می یابد. بنابراین با توجه به مطالب گفته شده نتیجه می شود که فرضیه فوق یعنی "افزایش نرخ تحصیلات تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی در بین کشورهای اسلامی دارد." مورد تایید قرار نمی گیرد.

فرضیه فرعی دوم: درآمد سرانه تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی در بین کشورهای اسلامی دارد. برای بررسی فرضیه فوق با استفاده از اطلاعات جدول ۵ می توان گفت: مقدار ضریب متغیر درآمد سرانه برابر ۰.۰۱۱۸ می باشد. سطح معنی داری بدست آمده برای این ضریب ۰.۰۰۰۰۶۰۷ است. با توجه به سطح معنی داری ضریب این متغیر که کمتر از سطح خطای ۰.۰۵ می باشد، نتیجه می شود درآمد سرانه بر رشد اقتصادی در بین کشورهای اسلامی تأثیر مثبت و معنی داری دارد. به عبارتی می توان گفت با افزایش یا کاهش درآمد سرانه، رشد اقتصادی در بین کشورهای نیز افزایش یا کاهش می یابد. بنابراین با توجه به مطالب گفته شده نتیجه می شود که فرضیه فوق یعنی "درآمد سرانه تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی در بین کشورهای اسلامی دارد." با اطمینان ۹۵ درصد مورد تایید قرار می گیرد.

فرضیه فرعی سوم: نرخ امید به زندگی تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی در بین کشورهای اسلامی دارد. برای بررسی فرضیه فوق با استفاده از اطلاعات جدول ۵ می توان گفت: مقدار ضریب متغیر نرخ امید به زندگی برابر ۰.۵۹۱۳ می باشد. سطح معنی داری بدست آمده برای این ضریب

۰.۰۴۹ است. با توجه به سطح معنی داری ضریب این متغیر که کمتر از سطح خطای ۰.۰۵ می باشد، نتیجه می شود نرخ امید به زندگی بر رشد اقتصادی در بین کشورهای اسلامی تأثیر مثبت و معنی داری دارد. به عبارتی می توان گفت با افزایش یا کاهش نرخ امید به زندگی، رشد اقتصادی در بین کشورهای نیز افزایش یا کاهش می یابد. بنابراین با توجه به مطالب گفته شده نتیجه می شود که فرضیه فوق یعنی "نرخ امید به زندگی تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی در بین کشورهای اسلامی دارد." با اطمینان ۹۵ درصد مورد تایید قرار می گیرد.

همچنین با استفاده از اطلاعات جدول ۴ می توان گفت: مقدار ضریب متغیر شاخص سرمایه انسانی برابر ۲.۷۷۷۷۸- می باشد. سطح معنی داری بدست آمده برای این ضریب ۰.۷۳۱۵ است. با توجه به سطح معنی داری ضریب این متغیر که بیشتر از سطح خطای ۰.۰۵ می باشد، نتیجه می شود شاخص سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در بین کشورهای اسلامی معنی داری ندارد. فرضیه اصلی: شاخص های توسعه انسانی بر رشد اقتصادی در بین کشورهای اسلامی تأثیر مثبت دارد. با توجه به آزمون فرضیه های فرعی و تایید تأثیر مثبت و معنی دار درآمد سرانه و نرخ امید بر زندگی رشد اقتصادی در بین کشورهای اسلامی، نتیجه می شود که شاخص های توسعه انسانی بر رشد اقتصادی در بین کشورهای اسلامی تأثیر مثبت دارد.

جدول ۴- برآورد مدل تحقیق

$\text{Growth } E_{it} = \alpha + \beta_1 \text{ALR}_{it} + \beta_2 \text{LEB}_{it} + \beta_3 \text{GNI}_{it} + \beta_4 \text{HDI}_{it} + \varepsilon_{it}$							
روش		رگرسیون ترکیبی					
متغیر وابسته		Growth E_{it}					
متغیر های مستقل		ضریب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنی داری	تورم	ضریب واریانس
نرخ باسوادی	ALR _{it}	-0.13909	0.031399	-4.42976	0.0001		5.045806
درافراد بزرگسال							
امید به زندگی	LEB _{it}	0.591361	0.198308	2.982034	0.0049		2.073832
دریدو تولد							
درآمد سرانه	GNI _{it}	0.0000607	0.000023	2.640945	0.0118		2.506314
ناخالص ملی							
شاخص توسعه انسانی	HDI _{it}	-2.77784	8.036462	-0.34565	0.7315		7.093539
مقدار ثابت	C	-28.3519	12.2956	-2.30586	0.0265		
آماره F		۳.۶۹۵۳					
سطح معنی داری		۰.۰۱۲۰					
آماره دوربین واتسون		۱.۵۵					
ضریب تعیین		۰.۲۷					
ضریب تعیین تعدیل شده		۰.۲۰					

مأخذ: یافته های تحقیق

جدول ۵- خلاصه نتایج آزمون فرضیه های تحقیق

نتیجه	نوع تأثیر گذاری	فرضیه
رد	منفی	فرضیه فرعی اول: افزایش نرخ تحصیلات تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی در بین کشورهای اسلامی دارد.
تایید	مثبت	فرضیه فرعی دوم: درآمد سرانه تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی در بین کشورهای اسلامی دارد.
تایید	مثبت	فرضیه فرعی سوم: نرخ امید به زندگی تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی در بین کشورهای اسلامی دارد.

۸- نتیجه گیری

بیشتر اقتصاددانان در این امر توافق دارند که آنچه در نهایت روند توسعه اقتصادی و اجتماعی یک کشور را تعیین می کند، منابع انسانی آن کشور است و اهمیت و نقش سرمایه انسانی در فرایند رشد و توسعه اقتصادی کمتر از سرمایه فیزیکی نیست. اهمیت و نقش سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی با توجه به رکوردهای برجسته و قابل توجه برخی کشورهای منطقه می تواند شفاف تر گردد و اغلب این کشورها با وجود برخورداری از منابع طبیعی موفق شده اند که رشد شتابانی را تجربه کنند. و از این رو می توان بیان کرد که رشد و توسعه اقتصادی بدون زیربنایی از جمله سرمایه انسانی قدرتمند امکان پذیر نیست. موفقیت یک کشور بستگی به این دارد که این کشور تا چه حد می تواند از توانایی افراد آن جامعه استفاده نماید. بنابراین به طور کلی می توان بیان کرد که افزایش درآمد سرانه و بهداشت نه تنها رشد و بهره وری را تشویق می کند بلکه نابرابری را نیز کم کرده و از این طریق زیان های اجتماعی را کاهش می دهد. به هر حال یک کشور باید روی افراد جامعه سرمایه گذاری نماید تا انگیزه سخت کوشی خلاقیت و توسعه و... در آنها رشد نماید. و از این رو سرمایه انسانی و شاخص های مختلف آن در ایران و کشورهای منطقه طی سالهای ۲۰۱۵-۲۰۰۰ روندی صعودی داشته نتایج تحقیق نیز نشان داد درآمد سرانه و نرخ امید به زندگی بر رشد اقتصادی در بین کشورهای اسلامی تاثیر مثبت و معنی داری دارد. همچنین مشخص شد نرخ تحصیلات تاثیر منفی بر رشد اقتصادی در بین کشورهای اسلامی دارد. این شاخص ها همانگونه که در قبل اثبات گردیده تاثیر مثبت و معنی داری روی رشد تولید ناخالص داخلی کشور دارد. نکته قابل توجهی که در مطالعات مختلف و اظهار نظر صابنظران اقتصادی وجود دارد، آن است که اهمیت سرمایه گذاری در نیروی انسانی و بالفعل کردن سرمایه های بالقوه انسانی افراد جامعه به هیچ عنوان کمتر از سرمایه گذاری در سایر طرحهای اقتصادی نبوده و اتفاقاً یکی از دلایل عدم توفیق سرمایه گذاری در یک کشور می تواند نشأت گرفته از نادیده گرفتن نقش و اهمیت نیروی انسانی در فرایند رشد و توسعه اقتصادی باشد.

منابع

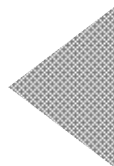
- عمادزاده، مصطفی و همکاران (۱۳۷۹)، نقش سرمایه انسانی در رشد اقتصادی، برنامه و بوجه ۴۹-۵۰، ش ۲، ص ۳-۲۷.
- صادقی، مسعود و مصطفی عمادزاده (۱۳۸۰)، برآورد سهم سرمایه انسانی در رشد اقتصادی ایران، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران ش ۱۷ ص ۷۹-۹۸.
- صالحی، محمد جواد (۱۳۸۱)، اثر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی ایران، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی ش ۳۲ ص ۲۴.
- فیض زاده، علی (۱۳۸۲)، بررسی مقایسه شاخص های توسعه انسانی ایران و کشورهای همسایه، فصلنامه رفاه اجتماعی ش ۹.
- درگاهی، حسن (۱۳۸۲)، تجزیه و تحلیل عوامل تعیین کننده رشد اقتصادی ایران (با مروری بر الگوی های رشد درونزا)، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی ش ۲۶ ص ۱-۳۳.
- الفتی، حسن (۱۳۸۲)، تجزیه و تحلیل عوامل بر رشد اقتصادی ایران، پژوهشهای بازرگانی ش ۲۶.
- درگاهی، حسن (۱۳۸۳)، تجزیه و تحلیل عوامل موثر بر رشد اقتصادی ایران و جهان، پژوهش های بازرگانی ش ۲۶ ص ۴۳.
- ابطی، سید حسین (۱۳۸۳)، آموزش و بهسازی سرمایه انسانی، جلد اول تهران موسسه فرهنگی کتاب لاینز انتشارات پوینده.
- تقوی، مهدی (۱۳۸۳)، تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در ایران، پژوهش های اقتصادی ص ۴۳-۱۵.
- صدیقی، فاطمه (۱۳۸۳)، توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران، پژوهش های اقتصادی ص ۲۳۲-۲۷.
- یآوری، کاظم و رحمان سعادت (۱۳۸۳)، سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در ایران (تحلیل ملی)، نشریه پژوهش های اقتصادی مدرس. پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
- رستمی، عباس (۱۳۸۵)، توسعه انسانی زمینه ساز توسعه سیاسی و اقتصادی، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی ش ۱۵۹.
- خانی، فضیله (۱۳۸۵)، جنسیت و توسعه اقتصادی، تهران پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- صائمی، محمد (۱۳۸۵)، توسعه منابع انسانی با رویکرد راهبردی، مجله مطالعات مدیریت انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی ش ۳۷-۳۸ ص ۱۴۸.
- نیلی، مسعود و شهاب نفیسی (۱۳۸۷)، رابطه سرمایه انسانی و رشد اقتصادی با تأکید بر نقش و تحصیلات نیروی کار در ایران، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران ش ۱۷ ص ۱-۳۹.

- امینی، علیرضا و زهره حجازی آزاد(۱۳۸۷)، تحلیل نقش سرمایه انسانی و تحقیق توسعه در ارتقای بهره وری کل عوامل در اقتصاد ایران، پژوهش های اقتصادی ایران ش ۳۵ ص ۱-۳۰.
- خطیبی، لایلا (۱۳۸۷)، شاخص توسعه انسانی، فصلنامه رهیافت ش ۴۲ بهار و تابستان ص ۴۶-۵۳.
- میر سپاسی، ناصر (۱۳۸۷)، مدیریت منابع انسانی و روابط کار، تهران موسسه چاپ و انتشارات مرکز آموزشی مدیریت دولتی.
- شاکری، سید کاظم (۱۳۸۸)، نقش سرمایه انسانی در توسعه اقتصادی، مجله دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه اصفهان.
- اسد اله، جهانگرد(۱۳۸۹)، بررسی مقایسه ای شاخص های توسعه انسانی ایران و کشورهای همسایه، فصلنامه رفاه اجتماعی ش ۹ ص ۸۲.
- احمدوند، محمدرحیم و نعمت اله امیری(۱۳۸۹)، نگاهی به شاخص توسعه انسانی و جایگاه ایران در برخورداری از توسعه انسان در مقایسه با سایر کشورهای منطق، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست های اقتصادی ش ۸۹ ص ۵.
- کریمی، زهرا (۱۳۹۰)، مقایسه شاخص های توسعه ایران و ترکیه، مجله علمی پژوهش (سیاسی - اقتصادی) ش ۲۸۴ ص ۹۶.
- امیری، نعمت اله (۱۳۹۰)، روش محاسبه شاخص توسعه انسانی، مجله اقتصادی، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست های اقتصادی ش ۱۲۰.
- فطرس، محمد حسنی و اسماعیل ترکمنی(۱۳۹۱)، توسعه انسانی تعدیل شده و پایداری رشد اقتصادی، مقایسه تطبیقی کشور های توسعه یافته و در حال توسعه. فصلنامه پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی ش ۷ ص ۳۳-۵۰.
- شهبازی، کیومرث و محمد حسنی(۱۳۹۲)، تأثیر سطح مختلف آموزش بر رشد اقتصادی در کشور ایران و جهان، فصلنامه پژوهشی و برنامه ریزی در آموزش عالی ش ۴ ص ۱-۲۴.
- اربابیان، شیرین(۱۳۹۲)، بررسی توسعه و رشد اقتصادی (مطالعه موردی کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی)، فصلنامه پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی سال چهارم ش ۱۳ ص ۹۷-۱۱۶.

- Hanushek, A.E(2013) «Economic Growth in Developing countries :the Role of Human capital», Academic Article for Stanford university, pp 1-30.
- Jolarian, f(2012) «the effect of Human capital on Economic Growth in IRAN» Economic development and planning , pp 95-114.
- Asef zadeh S, piri Z, the concepts of human development and growth human development indicators in Iran Two South medical-Jolarian, f(2012) «the effect of Human capital on Economic Growth in IRAN» Economic development and planning , pp 95-114.

- Dauda Rasakistephen(2011) «**Health asa component of Human capital formation :Does it matter for the growth of the Nigerian Economy**».
- Ranis G.**Human development and economic growth Economic Growth center** ,yale university center discussion paper 2004; 7:887.
- Smarmiast Self.«**Does Education at All Levels cause Growth**»India, A case study ,Economics of Education Review2003.
- Hendricks, L.(2002) « **How important is human capital for development** »Evidence from immigrant earnings,American Economic Review 92(1):198-219.
- Ranis G.**Economic growth human develop Economic Growth Center,yale university**, center Discussion paper 2000, 28:197-219.
- Asef Zade s, piri z, **the concepts of human development and growth human development indicators in Iran two south medical goulmal mushehr university of medical scieecs**, 2002, 2:190-7.
- Tian Xiaowan. «**Privatization and Economic performance :Evidence from Chinese province**» , gournal of Economic systems, vol 25.2001.
- Barro, R.S 1991. «**Economic Growth in a cruss section of countries**» Q uarterly oumal of Economics 106, 407-443.
- Lucas, R.E.1988. «**On the mochamics of Economic development**» gournal of monetry Economics 22, 1, 3-42.
- Wikipedia the free encyclopedia, Human development Index, Retrieved from <http://en.wikipedia.org/wiki/Human-development-Index>.

جنبه‌های اقتصادی فرآوری پسماندهای شهری با نگرشی بر کشورهای پیشروی جهان (مطالعه موردی: کلان شهر اراک)



رضا احمدی^۱

(تاریخ دریافت ۹۷/۹/۷ - تاریخ تصویب ۹۷/۱۲/۱۱)

چکیده

در پژوهش حاضر جنبه های اقتصادی بازیافت پسماندهای شهری به منظور تامین مواد اولیه، تولید کود کمپوست و انرژی، مطالعه شده است. در این راستا تحقیقات جامعی در مورد نحوه مدیریت پسماند در کشورهای پیشرفته صنعتی به عنوان الگوهای مناسب، جهت استفاده از دانش و تجربیات آنها و میزان درآمد اقتصادی حاصل از آن صورت گرفت؛ اطلاعات کاملی در مورد وضعیت موجود جمع آوری، نحوه تفکیک، بازیافت و دفع پسماندهای کلان شهر اراک، جمع آوری شده و با مسئولین مرتبط در حوزه شهرداری، حفاظت محیط زیست و پسماندهای شهر اراک ملاقات های حضوری و مصاحبه انجام شد. همچنین بازدیدهای میدانی از کارخانه فرآوری و محل دفع زباله های شهر اراک صورت گرفت. نتایج پژوهش نشان می دهند که بهترین کشورها در زمینه مدیریت پسماند، در غرب و شمال اروپا قرار دارند که کمتر از ۵ درصد زباله های خود را دفع می کنند. همچنین براساس آمارهای معتبر بین المللی، بیشترین درصد بازیافت زباله های شهری در حدود ۶۳ درصد مربوط به کشور اتریش است. در

۱- استادیار مهندسی معدن دانشکده مهندسی علوم زمین، دانشگاه صنعتی اراک R_ahmadi@arakut.ac.ir

مورد زباله های کلان شهر اراک نیز علیرغم آنکه حدود ۲۰ درصد از ابتدا قابل بازیافت و حدود ۷۰ درصد قابل تبدیل به کمپوست است، به دلیل عدم مدیریت درست پسماند، از مزیت اقتصادی بسیار ناچیزی برخوردار است. در حال حاضر درآمد اقتصادی مواد بازیافتی در کارخانه بازیافت زباله شامل ظروف فلزی، پلاستیک ها و بطری های پلاستیکی، پسماندهای کاغذی و کارتن ها ناچیز و دارای صرفه اقتصادی چندانی نبوده و تنها هزینه های جاری مرکز دفن زباله را پوشش می دهد.

واژگان کلیدی: مدیریت پسماند، بازیافت، اقتصاد، کلان شهر اراک

۱- مقدمه

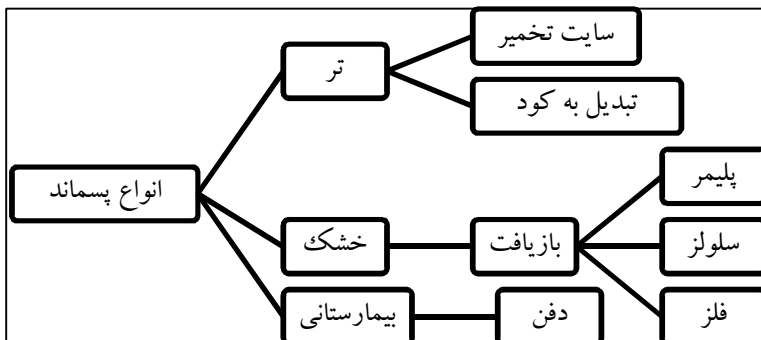
به مواد زائد حاصل از فعالیت های انسان به طور مستقیم و یا غیرمستقیم در بخش های صنعتی، تجاری، کشاورزی و شهری که وارد محیط زیست می شود، پسماند (زباله) گفته می شود. اغلب پسماندها می توانند به مواد خام و یا سایر محصولات دیگر تبدیل شده و مورد استفاده مجدد قرار گیرند که به این عملیات بازیافت می گویند. زباله ها بطور کلی مطابق شکل ۱ به سه دسته پسماند خشک، پسماند تر و زباله بیمارستانی تقسیم می شوند و سازوکار مدیریت آنها نیز در شکل نشان داده شده است. پسماندهای خشک به ویژه کاغذ، مقوا، پلاستیک، فلزات و شیشه از ارزش اقتصادی بالایی برخوردار بوده و در صورت تفکیک، در واحدها و کارخانجات بازیافت به محصولاتی با کاربردهای مشابه و یا جدید تبدیل می شوند تا از اتلاف منابع و سرمایه های ملی جلوگیری به عمل آید. پسماند تر که به آن پسماند آلی، ارگانیک یا فسادپذیر نیز می گویند، شامل پسماندهای مواد غذایی است که به دلیل قابلیت تهیه کود (کمپوست)^۱ از آن اهمیت به سزایی برخوردار بوده و برای حاصل خیزی خاک کشاورزی استفاده می شود.

بازیافت زباله سه فایده مهم و اساسی دارد. به کمک بازیافت در مصرف منابع طبیعی صرفه جویی می شود، زیرا به جای استفاده از مواد خام برای تولید محصولات نو، از مواد بازیافتی استفاده می شود. موجب صرفه جویی در مصرف انرژی می شود؛ البته برای بازیافت مواد زائد هم نیاز به مقداری انرژی است اما انرژی لازم برای بازیافت زباله، خیلی کمتر از انرژی مورد نیاز برای تولید

محصولات جدید از مواد خام است. سومین فایده بازیافت، نیاز به فضای کمتر برای دفن زباله هاست. بازیافت موجب کاهش آلودگی حاصل از دستگاه‌های زباله‌سوز، زباله‌دان‌ها و معادن می‌شود. در ضمن پسماند کمتری دفن یا سوزانده شده و مواد خام کمتری از دل خاک بیرون کشیده می‌شود. این روش به زیبایی شهرها و محیط اطراف آنها نیز کمک می‌کند.

امروزه پسماند در بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان به عنوان یک صنعت مطرح بوده و شیوه‌های نوین برای استفاده درست از آن با بهره‌گیری از دستگاه‌های زباله‌سوز، تولید برق، کمپوست و روش پلاσμα به کار گرفته می‌شود تا پسماندهای کثیف به مزیتی برای درآمدزایی تبدیل شوند. روش‌های معمول برای دفع زباله شامل بازیافت، سوزاندن، دفن بهداشتی و تهیه کمپوست با استفاده از سیستم‌های سنتی، نیمه صنعتی و مدل‌های پیشرفته هوازی و غیرهوازی است. در برخی از کشورهای پیشرفته با استفاده از دستگاه‌های بسیار پیشرفته سوزاندن زباله، مقدار قابل توجهی از برق مورد نیاز دستگاه‌های گرمازا را تامین می‌کنند. معمولاً دفع پسماندها به روش‌های دفن زباله و سوزاندن، مشکلات زیست‌محیطی را به همراه دارد و استفاده از روش تولید کمپوست، اقتصادی‌تر از روش‌های یاد شده است (<http://isfahan.ir>); (<http://www.vermicompost1.ir>).

شکل شماره (۱) - انواع پسماندها و فرآیند تفکیک و بازیافت آنها



امروزه تولید انبوه زباله از مشکلات دنیای مدرن است. سالانه میلیاردها دلار در جهان صرف تولید کاغذ، پلاستیک، قوطی‌های فلزی و غیره می‌شود که با یک بار مصرف، تبدیل به زباله شده و دور ریخته می‌شوند. میلیاردها دلار نیز صرف جمع‌آوری و از بین بردن این زباله‌ها

می گردد که در هر صورت ضایعاتی را به محیط زیست وارد می کنند. در حالی که بیشتر این مواد قابل بازیافت اند و با سرمایه گذاری مناسب برای بازیافت آن ها، نه تنها می توان از خسارت های بیشتر به محیط زیست و آلوده سازی آن جلوگیری کرد، بلکه میزان نیاز انسان به مواد اولیه (چوب و الوار جنگل ها، منابع فلزی، غیرفلزی زیرزمینی و غیره) و برداشت از ذخایر طبیعی و معدنی را کاهش داد.

کشورهای صنعتی به واسطه تولید و مصرف کالا دارای بالاترین نرخ تولید زباله هستند اما آنها راه حل این مشکل را نیز یافته اند و به همان اندازه که تولید می کنند، ضایعات ایجاد شده را بار دیگر بازیافت نموده و در فرآیند تولید بکار می گیرند. کشورهای پیشرفته صنعتی با سرمایه گذاری مناسب برای بازیافت انواع زباله ها شامل فلزات، مواد پلاستیکی، چوب، کاغذ و غیره و آموزش همگانی برای جداسازی زباله ها از مبدأ (منزل، مدارس، اداری، تولیدی، صنعتی، خدماتی و غیره) قادرند که از زباله های جمع آوری شده برای تولیدات جدید استفاده کنند و از بروز خسارت بیشتر به محیط زیست (برداشت از منابع طبیعی و دفن زباله ها) تا حدودی جلوگیری نمایند. اما در کشورهای در حال توسعه وضعیت چنین نیست. نه تنها سرمایه گذاری های قابل توجهی برای راه اندازی صنایع بازیافت صورت نگرفته، بلکه فرهنگ عمومی برای جداسازی زباله ها نیز شکل نگرفته است.

بهینه سازی مصرف انرژی های فسیلی، ایجاد سیستم های درست جمع آوری، راه اندازی صنایع بازیافت و دفع بهداشتی پسماند از شیوه های متداول و متعادل در جهان برای جلوگیری از آلودگی محیط زیست و استفاده اقتصادی از پسماندها می باشند. همین زباله ای که روزی چند کیلوگرم در هر خانه تولید می شود، اگر به درستی مدیریت شود، هرچند به ظاهر ارتباطی با اقتصاد خانواده پیدا نمی کند، ولی به جهت اهداف کلانی که در پس آن نهفته است، سود آن به خانواده ها نیز بازمی گردد. با تفکیک پسماندها و بازیافت آن، ضمن کاهش آلودگی های محیط زیست و جلوگیری از تهی سازی منابع طبیعی و منابع خام کشور، در زمینه جمع آوری زباله، بازیافت و تولید مجدد محصولات از آن اشتغال زایی هم فراهم شده و کمک شایانی به اقتصاد کشور خواهد شد. بازیافت برخی زباله های خاص صرفه جویی های قابل توجهی را به همراه دارند. نتایج یک پژوهش نشان می دهد که آلومینیوم ۹۵٪ صرفه جویی در انرژی و ۹۵٪ کاهش آلودگی ناشی از تولید، مقوای کارتن ۲۴٪ صرفه جویی در انرژی، شیشه ۵٪ تا ۳۰٪

صرفه جویی در انرژی و ۲۰٪ کاهش آلودگی ناشی از تولید، کاغذ ۴۰٪ صرفه جویی در انرژی و ۷۳٪ کاهش آلودگی ناشی از تولید، پلاستیک ۷۰٪ صرفه جویی در انرژی و فولاد ۶۰٪ صرفه جویی در انرژی را به همراه دارند (<http://diyarmirza.ir>).

در پژوهش حاضر جنبه های اقتصادی بازیافت زباله ها مورد بررسی قرار می گیرد. برای این منظور عواید اقتصادی ناشی از بازیافت زباله در کشورهای پیشرفته صنعتی و شیوه عملکرد آنها در زمینه مدیریت پسماندها به عنوان الگوهای مناسب، بررسی می شود. در نهایت نیز وضعیت موجود جمع آوری، تفکیک و بازیافت پسماندهای کلان شهر اراک به عنوان یک شهر صنعتی کشور مورد بررسی قرار می گیرد و راهکارهایی جهت بهبود وضعیت موجود ارائه می شود.

در ارتباط با موضوع پژوهش، تحقیقاتی صورت گرفته که به برخی از مهم ترین آنها اشاره می شود. در بیانیه دپارتمان بهداشت و کنترل محیط زیست آمریکا^۱ به سودآوری صنعت بازیافت در کالیفرنیا جنوبی و اشتغال بیش از ۱۵۰۰۰ نفر با ارزش تولید ۱/۵ میلیارد دلار در سال، اشاره شده است (U.S. Energy Information Administration, 2011). در نتیجه یک پژوهش در سال ۲۰۱۱ میلادی، جایگاه ایران با ۰/۸ درصد بازیافت، ۷/۲ درصد تولید کمپوست و ۹۲ درصد دفن، تفاوت قابل ملاحظه ای با کشورهای پیشرفته نشان داد (Karami et al., 2011: 8/12-20). فرزادکیا و همکاران با بررسی تفکیک فیزیکی زباله های شهر مشهد، اجزای خشک موجود در پسماندهای این شهر را براساس درصد وزنی به صورت کاغذ (۲/۵۳)، پلاستیک (۶/۷۶)، فلزات (۱/۸۴)، مقوا (۲/۵۴)، ظرف یکبار مصرف فلزی (۰/۳۳)، شیشه (۱/۷۷) و پت (۰/۲۹) گزارش کردند (Farzadkia et al., 2012: 30/106-112). نوروزیان باغانی و همکاران (۱۳۹۴) یک مطالعه توصیفی-مقطعی را در سال های ۱۳۹۰-۱۳۹۱ در شهر شیراز انجام دادند. آنها میزان بازیافت پسماندهای کاغذی، کارتن، شیشه، نایلون و نایلکس، ظروف یک بار مصرف پلاستیکی، پت، سایر انواع پلاستیک، ظروف یک بار مصرف فلزی و سایر انواع فلزات را به ترتیب ۲۳، ۱۲، ۸، ۲/۵، ۸، ۱۳، ۱۳، ۱۱ و ۱۲ درصد به دست آوردند که بهره اقتصادی حاصل از بازیافت در شرایط موجود را نسبتاً مطلوب و به ترتیب ۱۱۵۲۷، ۳۹۸۶۹ و ۶۳۷۹۱ میلیون ریال در سال محاسبه کردند (نوروزیان باغانی و

۲- تاریخچه بازیافت پسماند در ایران

سازمان مدیریت پسماند شهرداری های ایران همه ساله هزینه های هنگفتی را برای جمع آوری و انباشت آن در نقطه ای که آن هم آثار و تبعات زیست محیطی دارد، صرف می کنند. در کشور ایران روزانه حدود ۵۰ هزار تن زباله تولید می شود، ولی کمتر از ۱۰ درصد آن بازیافت می گردد. دفن کردن و سوزاندن زباله ها از راهکارهایی است که در ایران صورت می گیرد. بطور کلی بازیافت در ایران سابقه ای نزدیک به ۶۰ سال دارد؛ زمانی که اولین کارخانه کود آلی در سال ۱۳۳۷ در اصفهان ساخته شد. چند سال بعد انگلیسی ها یک کارخانه کمپوست در صالح آباد تهران تاسیس کردند. این کارخانه در سال ۱۳۶۳ تعطیل شد اما با تغییراتی که سازمان بازیافت تهران در آن ایجاد کرد، پس از مدتی بار دیگر آغاز به کار کرد (<http://www.donya-e-eqtesad.com>).

کارخانه کمپوست اصفهان نیز در سال ۱۳۴۸ به واسطه عدم رعایت اصول بهداشتی تعطیل شد اما کارخانه جدیدی در سال ۱۳۶۸ جایگزین آن شد (<http://www.donya-e-eqtesad.com>). کارخانه بازیافت و تولید کمپوست در شهر کرمانشاه در سال ۱۳۷۷ با مشارکت شهرداری و بخش خصوصی تاسیس شد. شروع اجرای طرح در سال ۱۳۸۰ بود که طرح فرآوری پسماند به روش کاهش حجم فیزیکی- بیولوژیکی، در یک سوله ۳۰ متری با ۴ دستگاه و برای ۲۵۰ تن زباله در روز، اجرایی شد. در نهایت محصول نهایی کارخانه برای کشاورزان و همچنین کارخانه تولید سیمان ارسال می شود. خوراک حال حاضر کارخانه بازیافت کرمانشاه حدود ۲۰۰ هزار تن در سال است که با احتساب جداسازی ۱۰ درصد زباله قابل بازیافت و همچنین جداسازی مواد دارای ارزش حرارتی در کارخانه، شامل حدود ۱۳۰ هزار تن یعنی ۶۸ درصد زباله حاصل از مواد غذایی می شود و حدود ۵۰ هزار تن در سال کود تولید می شود. فارغ از تولید کمپوست و جلوگیری از آلودگی زیست محیطی، کارخانه بازیافت زباله دستاوردهایی را به همراه داشته که می توان به مواردی همانند ایجاد اشتغال برای ۱۴۰ نفر در محل کارخانه، ایجاد اشتغال برای ۷۵۰ نفر در بخش جمع آوری پسماند و آموزش خانوارها، تولید سه محصول قابل فروش از زباله شامل کود کمپوست و بیوکمپوست (مطابق با

استانداردهای کود کمپوست)، پسماندهای قابل اشتعال^۱ (RDF)، تامین ۲۰ الی ۲۵ درصد از سوخت کارخانه سیمان شهر، پسماندهای خشک بازیافتی و تصفیه بخشی از شیرابه فاضلابی اشاره کرد (<http://www.donya-e-eqtasad.com>).

در گیلان نیز یک کارخانه در منطقه لاکان رشت با ظرفیت ۵۰۰ تن فعالیت می کند و در کنار آن یک کارخانه نیمه فعال در خمیران بندرانزلی وجود دارد که فرآیند بازیافت در آنها به صورت دستی است و از این جهت نتوانسته اند خود را با تکنولوژی های جدید تطبیق دهند. طرح احداث کارخانه کمپوست کهریزک نیز در سال ۱۳۷۲ با دو واحد ۱۰۰۰ تنی در یک مجموعه در دستور کار شهرداری تهران قرار گرفت. این کارخانه علاوه بر تولید کمپوست روزانه می تواند حدود ۳۰ تن از اقلامی همانند کاغذ، مقوا، پلاستیک و انواع مصنوعات فلزی را جداسازی و آماده بازیافت کند (<http://www.donya-e-eqtasad.com>).

روزانه حدود ۴۸۰۰۰ تن پسماند شهری و روستایی و بیش از ۸۰۰۰ تن پسماند صنعتی و سالانه حدود ۱۷۰ میلیون تن پسماند عادی کشاورزی در کشور تولید می شود که در حال حاضر بازیافت پسماندهای عادی کمتر از ۲۰ درصد است (<http://www.farsnews.com>). با توجه به روند پیشرفت علم و تکنولوژی در کشور، هم اکنون بخش بزرگی از پسماندهای عادی، قابلیت تفکیک یا بازیافت و استفاده مجدد در چرخه اقتصاد و تولید کشور را دارند. فقط در بخش پسماندهای عادی شهری و روستایی اگر تفکیک زباله ها به صورت صحیح و کامل انجام شود، با توجه به ترکیب این پسماندها که حدود ۷۰٪ آن مواد آلی، ۸٪ درصد کاغذ، ۴٪ درصد پلاستیک، ۴٪ درصد شیشه، ۲٪ درصد فلز و مابقی آن سایر مواد می باشد، از ۴۸۰۰۰ تن پسماند عادی شهری و روستایی و توان تولید ۳۳٪ تن در روز کود کمپوست مرغوب، ۴۱۷۶ تن در روز کاغذ، ۲۲۵۶ تن در روز پلاستیک، ۱۹۶۸ تن در روز شیشه و ۱۲۹۶ تن در روز فلز جهت بازیافت به دست می آید که این امر از نظر اقتصادی و زیست محیطی بسیار ارزشمند و قابل توجه می باشد (<http://www.farsnews.com>).

گام نخست در مدیریت پسماند، جلوگیری از ازدیاد تولید زباله، نحوه درست جمع آوری و تفکیک در مبدا می باشد. بطور کلی براساس تجربه کشورهای پیشرو در زمینه مدیریت پسماند، با

انجام عملیات تفکیک از مبدأ حدود ۵۰ درصد از هزینه های جمع آوری و حدود ۹۰ درصد از هزینه های دفن، کاهش خواهد یافت (<http://isfahan.ir>؛ فرزادکیا و همکاران، ۱۳۸۷: ۳). گام بعد تلاش در جهت فرآوری و بازیافت زباله به منظور استفاده اقتصادی حداکثری و بهره وری از طریق تولید کمپوست و به حداقل رساندن میزان زباله دفعی است. گام نهایی نیز دفع و دفن درست زباله باقی مانده از مرحله فرآوری یا زباله های غیرقابل بازیافت است. در حال حاضر در ایران حدود ۸۰ درصد کل مخارج مدیریت پسماندها، مربوط به جمع آوری است که حدود ۶۰ درصد از آن صرف حقوق و دستمزد کارگران می شود. اهمیت این موضوع از آن جهت است که بهبود اندکی در عملیات جمع آوری می تواند تاثیر قابل ملاحظه ای در صرفه جویی هزینه های کل داشته باشد.

۳- روش‌شناسی پژوهش

برای دست یابی به اهداف پژوهش، تحقیقات جامع و کاملی در مورد نحوه مدیریت پسماند در کشورهای پیشرفته صنعتی و میزان درآمد اقتصادی حاصل از این کار صورت گرفت؛ اطلاعات جامعی در مورد وضعیت زباله های شهری، نحوه جمع آوری، تفکیک، بازیافت و دفع زباله های کلان شهر اراک، جمع آوری شده و با مسئولین مرتبط با حوزه منابع طبیعی، محیط زیست و پسماندهای شهر اراک از جمله رئیس سازمان مدیریت پسماند شهرداری اراک، رئیس اداره کل حفاظت محیط زیست استان مرکزی، رئیس کارخانه بازیافت پسماند شهر اراک و تعداد ۱۱ نفر از کارکنان سازمان مدیریت پسماند شهرداری، اداره کل حفاظت محیط زیست و کارخانه بازیافت پسماند و محل دفع زباله های شهر اراک ملاقات های حضوری و مصاحبه انجام شد. همچنین بازدیدهای میدانی از کارخانه فرآوری و محل دفع زباله های شهر اراک انجام گرفت.

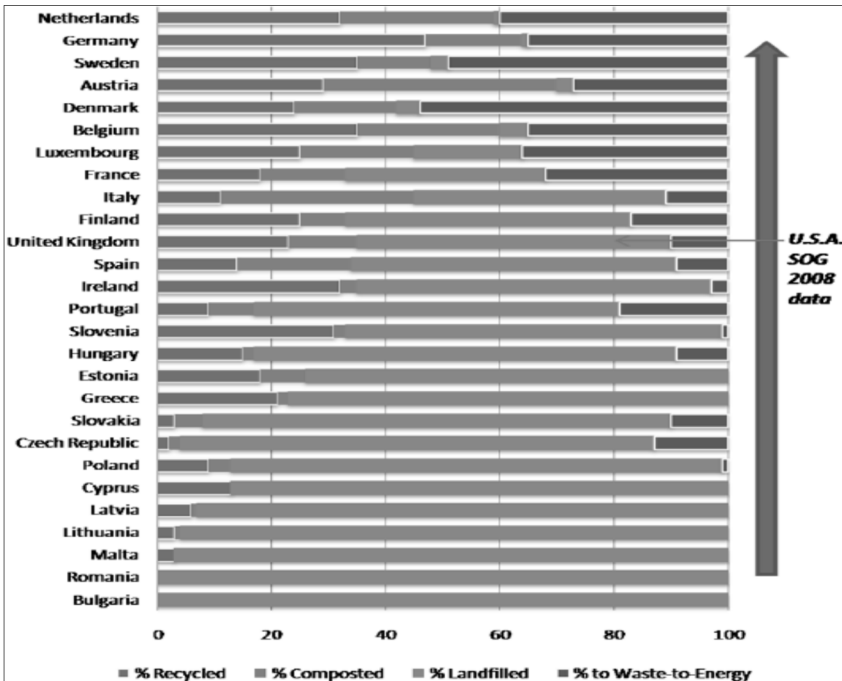
۳-۱- عملکرد کشورهای پیشرو در زمینه مدیریت پسماند

در این بخش نحوه عملکرد کشورهای پیشرفته صنعتی و پیشرو در زمینه مدیریت پسماند به عنوان الگوهای مناسب جوامع بشری در جهان، مورد بررسی قرار می گیرد تا از دانش و تجربیات آنها در زمینه بهبود وضع موجود و مدیریت اصولی پسماندهای کشور، الگوبرداری و بهره گیری

شود. مرکز مهندسی زمین^۱ (EEC) دانشگاه کلمبیا مفهوم "نردبان مدیریت زباله‌های پایدار" کشورهای اروپایی در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۵ را مطابق شکل ۲ معرفی کرده است که در آن کشورها براساس افزایش میزان بازیافت، تولید کمپوست، تبدیل به انرژی و کاهش میزان دفن زباله می‌توانند در پله‌های بالاتری قرار گیرند. در سال ۲۰۱۲ نیز اتحادیه اروپا کشورهای اروپایی را در زمینه کیفیت ضایعات، مورد ارزیابی قرار داد. براساس این سنجش و مطابق شکل ۲ بهترین کشورها در زمینه مدیریت پسماند، در غرب و شمال اروپا قرار دارند که کمتر از ۵ درصد زباله‌های خود را دفع می‌کنند. هلند، آلمان و سوئد در صدر این کشورها هستند؛ سپس اتریش، دانمارک و بلژیک دفن زباله مفیدی دارند. روند رفتار با پسماند شهری در کشورهای اروپایی طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۵ میلادی نیز در شکل ۳ نشان داده شده است. مطابق این شکل مقدار دفع زباله از ۵۶٪ در سال ۲۰۰۱ به ۲۶٪ در سال ۲۰۱۵ کاهش یافته که روند نزولی ۳۰ درصدی را نشان می‌دهد. همچنین در طول این دوره، تبدیل زباله به انرژی، از روند افزایشی ۱۱ درصدی و بازیافت، از روند افزایشی ۱۸ درصدی برخوردار بوده است. در شکل ۴ نمودار نردبانی مدیریت پایدار زباله کل جهان در سال ۲۰۱۷ نشان داده شده است. مطابق این شکل کشورهای پیشرو در زمینه بازیافت پسماند و تولید کود کمپوست در جهان عبارتند از آلمان، سنگاپور، اتریش، بلژیک، سوئیس، هنگ‌کنگ، هلند و سوئد که بیش از ۵۰ درصد زباله‌های تولیدی خود را بازیافت می‌نمایند. در این بین کشورهای ژاپن، دانمارک، نروژ و فنلاند نیز در زمینه تبدیل زباله به انرژی، پیشرو هستند (www.pwut.ac.ir). به‌طور کلی کشورهای پیشرو جهان از نظر توسعه برنامه‌های بازیافت را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: آمریکا، سوئیس و ژاپن در رتبه اول، سوئد، هلند، آلمان، اسپانیا و کانادا در رتبه دوم و ایتالیا، فرانسه و انگلستان در رتبه سوم. براساس آمارهای معتبر بین‌المللی، بطور کلی بیشترین درصد بازیافت از زباله‌های شهری حدود ۶۳ درصد مربوط به کشور اتریش است. بازیافت در آلمان ۶۲ درصد، تایوان ۶۰ درصد، سنگاپور ۵۹ درصد، کره جنوبی ۴۹ درصد، بریتانیا ۳۹ درصد، ایتالیا ۳۶ درصد، فرانسه ۳۵ درصد، آمریکا ۲۸ درصد، سوئیس حدود ۲۲ درصد، هلند حدود ۱۶ درصد، اسپانیا ۱۴ درصد و کانادا ۱۰ درصد می‌باشد (<https://asemandaily.ir/post/3186>).

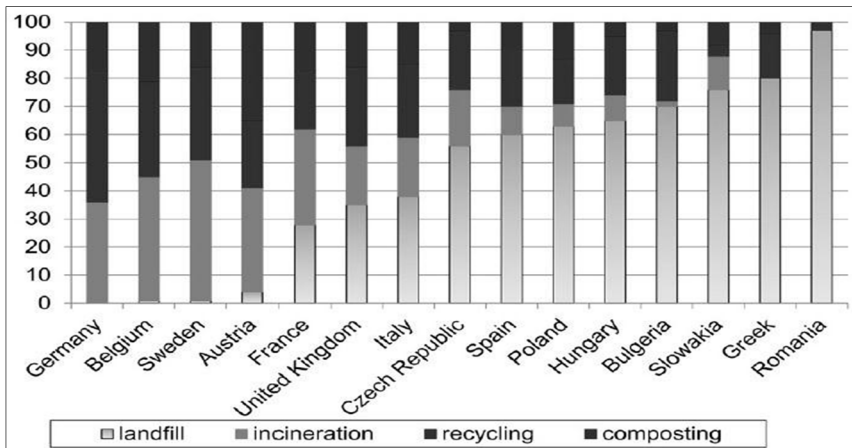
در توزیع جهانی تخمین زباله‌های جمع‌آوری شده پس از بازیافت، حدود ۲۳۰ میلیون تن از زباله‌ها به انرژی تبدیل شده‌اند، ۲۵۰ میلیون تن زباله در حالی که بخشی از آنها بازیابی شده، دفن گردیده‌اند و ۸۰۰ میلیون تن که بخش اعظم آن را کشورهای آسیایی تشکیل می‌دهند، بدون بازیافت دفن شده‌اند. به طور متوسط برای هر ۱۰ تن دفن زباله یک مجتمع مسکونی، بطور تخمینی یک متر مربع زمین برای دفن مناسب (بهداشتی) زباله MSW برای همیشه استفاده می‌شود. هدف‌گذاری جهانی برای سال ۲۰۳۰ میلادی آن است که بیش از ۱۰ درصد زباله‌های شهری دفع نشوند و ۶۵ درصد زباله‌های شهری مجدداً مورد استفاده قرار گیرند و بازیافت شوند (IP/G/STOA/FWC/2013-001/LOT 3/C3, 2017). در ادامه وضعیت بعضی از کشورهای پیشروی جهان در زمینه مدیریت پسماند به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

شکل شماره (۲) - الف) نردبان مدیریت پایدار زباله کشورهای اروپایی در سال ۲۰۰۸



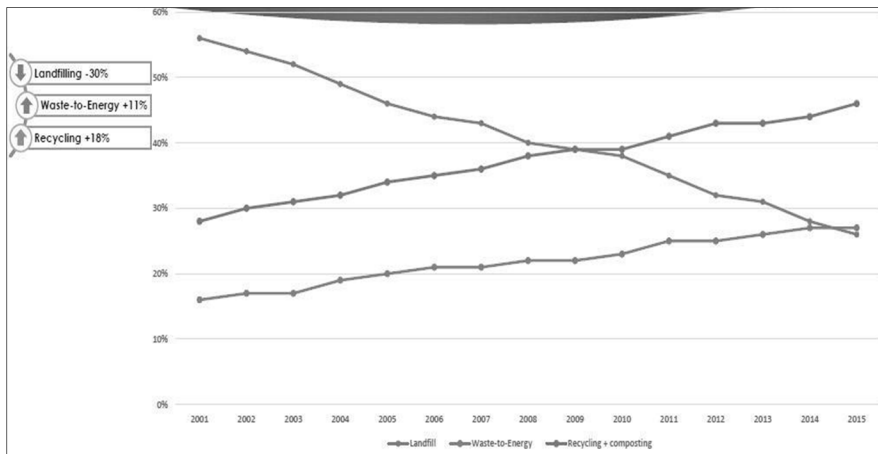
(Themelis & Mussche, 2013; <http://www.seas.columbia.edu>)

شکل شماره (۲) - ب) وضعیت رفتار با زباله جامد شهری در برخی کشورهای اروپایی در سال ۲۰۱۵



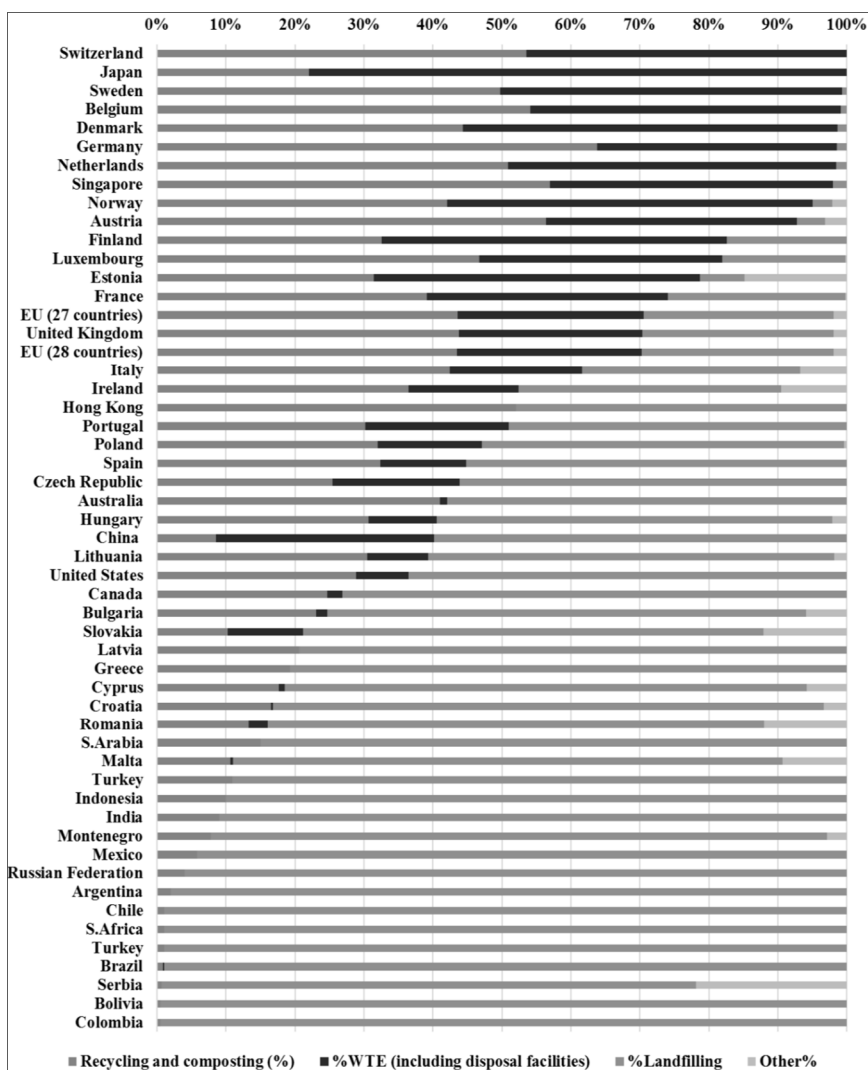
(Nelles et al., 2016: 35/6-14) (EuroStat 2015)

شکل شماره (۳) - روند رفتار با پسماند شهری در کشورهای اروپایی طی سال های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۵



(EUROSTAT, 2017)

شکل شماره (۴) - نردبان مدیریت پایدار زباله کشورهای مختلف جهان در سال ۲۰۱۷



(Themelis, 2017).

۳-۱-۱- مدیریت پسماند در هلند

در هلند هر فرد حدود ۱/۵ کیلوگرم در روز و حدود ۵۰۰ کیلوگرم در سال زباله تولید می کند که این مقدار برای کل کشور، حدود ۲۴ استادیوم فوتبال را پر می کند [۱۹]. حدود ۷۸ درصد از زباله های این کشور، بازیافت و ۱۹ درصد سوزانده می شود. فقط ۳ درصد زباله ها به محل دفن

می‌رود که این آمار در مقایسه با میانگین دفن ۴۰ درصدی زباله‌ها در اتحادیه اروپا نشان‌دهنده تعهد کشور هلند نسبت به امر بازیافت است و کارآیی خوب در بخش‌های شرکتی مدیریت ضایعات را نشان می‌دهد (Mansveld, 2015). هلند از جمله کشورهایی است که اتحادیه اروپا از روش‌های مدیریت زباله به‌ویژه بازیافت آن، استفاده می‌کند.

دلایل متعددی برای موفقیت هلند در زمینه کم کردن میزان زباله‌های دفنی وجود دارد که اولین عامل و شاید مهم‌تر از همه، همکاری نزدیک بین صنعت و مقامات محلی، حکومتی و ملی است. وضع قوانین و برنامه مدیریت زباله‌های ملی که به وضوح مشخص شده‌اند نیز از دیگر دلایل موفقیت هلند در امر پسماند است. هدف مهم دیگر افزایش درصد بازیافت زباله‌های خانگی است که ۵۰ تا ۶۵ درصد می‌باشد.

۳-۱-۲- مدیریت پسماند در اسپانیا

اسپانیا کشوری نیمه صنعتی با نرخ بالای شهرنشینی و سرانه تولید ۱/۱ کیلوگرم پسماند به ازای هر نفر در روز است (www.pwut.ac.ir). در سال ۲۰۰۲ برای دفع هر تن پسماند به طور میانگین ۱۱۰ دلار در شهر بارسلون هزینه شده است. در سال ۲۰۰۶ میانگین هزینه دفع پسماندها در اسپانیا به کمتر از ۹۰ دلار در هر تن کاهش یافته است. در این کشور همچنین برنامه‌های کاهش پسماند نیز به صورت جدی پیگیری شد و به اجرا درآمد به گونه‌ای که در سال ۲۰۰۵ حدود ۹۴ درصد از زایدات و نخاله‌های ساختمانی، مورد استفاده مجدد قرار گرفت (www.pwut.ac.ir). در سال ۲۰۰۵ از دفع حدود ۹۴ درصد زایدات ساختمانی، ۹۲ درصد قراضه‌های آهنی، ۵۱ درصد زایدات کشاورزی و ۷ درصد زایدات غذایی جلوگیری شده است. اسپانیا در سال ۲۰۰۵ از چهار واحد پسماندسوز جمعاً ۹۳۸۲۸۴ مگاوات ساعت برق به دست آورد. اسپانیا با یکپارچه‌سازی استراتژی‌های خود توانسته میزان بازیافت پسماندها را از رقم ۴۰ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۴۹ درصد در سال ۲۰۰۵ رسانده و روند افزایش تولید پسماندها را نیز تا حدودی متوقف نماید (www.pwut.ac.ir).

۳-۱-۳- مدیریت پسماند در فرانسه

فرانسه با تصویب قانون مدیریت پسماند در دهه ۸۰ یکی از پیشگامان مدیریت نوین پسماند در دنیا به شمار می‌آید. شهرداری پاریس در سال ۲۰۰۵ اعلام کرد که هر فرانسوی به طور میانگین

روزانه ۹۴۰ گرم پسماند تولید می‌کند. در سال ۲۰۰۳ توسط شهرداری پاریس هزینه جمع‌آوری هر کیلوگرم پسماند حدود ۱۱ یورو برآورد شد که در سال ۲۰۰۵ توانسته هزینه‌های جمع‌آوری به ازای هر کیلوگرم را به ۶ یورو برساند (www.pwut.ac.ir).

در سال ۲۰۱۰ فرانسه حدود ۴۸/۷ میلیون تن زباله‌های جامد شهری^۱ (MSW) تولید کرد (سرانه ۰/۷۴ تن) که دفع زباله بیش از ۴۰ درصد و سوزاندن حدود ۲۸ درصد را به خود اختصاص می‌دهند. البته دفع زباله از ۴۸ درصد در سال ۲۰۰۶ به ۴۰ درصد در سال ۲۰۱۰ (۱۹/۶ میلیون تن) کاهش یافته است (www.pwut.ac.ir). گرچه میزان دفن زباله حدود ۴۰ درصد می‌باشد اما ۵۹ درصد برای تبدیل زباله به انرژی، میزان مطلوبی است. بازیابی انرژی از زباله‌ها حدود ۲۸ درصد، بازیافت ۱۷ درصد، کمپوست سازی ۱۳ درصد و متانیزه کردن کمتر از ۱ درصد را نشان می‌دهد. در فرانسه تعداد کارخانه‌های بازیافت از ۲۶۵ عدد در سال ۲۰۰۰ به ۳۶۶ عدد در سال ۲۰۱۰ افزایش یافته است که نشان‌دهنده افزایش ۳۸ درصدی است. به طور متوسط حدود ۳۲ درصد زباله‌ها با این حد امکانات، پذیرفته نشده و به محل دفن زباله‌ها ارسال می‌شود. کمپوست سازی در فرانسه بخش زیادی را به خود اختصاص می‌دهد و از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ رشد ۷۱ درصدی داشته است (www.pwut.ac.ir).

۳-۱-۴- مدیریت پسماند در ایتالیا

به طور متوسط برای جمع‌آوری هر تن پسماند در کشور ایتالیا سالیانه ۷۵ یورو هزینه می‌شود [۱۶]. در حال حاضر قوانین زباله در رم سخت گیرانه بوده و براساس آن افرادی که تا فاصله ۵۰۰ متری خانه خود سطل بازیافت دارند و زباله‌های خود را تفکیک نکنند، تا ۶۱۹ یورو جریمه خواهند شد (www.pwut.ac.ir).

۳-۱-۵- مدیریت پسماند در دانمارک

به‌طور میانگین در کشور دانمارک، روزانه ۳۸۰۰ تن پسماند تولید می‌شود که بخش زیادی از این پسماندها از نوع خشک هستند (www.salehejam.ir). در سال ۲۰۰۳ هر دانمارکی به

طور میانگین ۵۵۹ کیلوگرم زباله تولید کرده است. آمار دولتی نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۳، ۳۱ درصد زباله‌های خانگی بازیافت و ۶۲ درصد سوزانده شده است. ۶ درصد باقیمانده نیز در زمین دفن گردیده است (www.salehejam.ir). براساس برآورد سال ۲۰۰۵ انجمن‌های درون شهری، هزینه جمع‌آوری هر کیلوگرم پسماند در دانمارک برابر با ۴/۵ دلار برآورد شده است (www.salehejam.ir). حدود ۱۰ هزار دانمارکی در تجارت جمع‌آوری زباله فعالیت می‌کنند که حدود ۰/۱ درصد کل جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند.

۳-۱-۶- مدیریت پسماند در سوئیس

بطری‌های پلاستیکی رایج‌ترین ظروف محتوی نوشیدنی‌ها در سوئیس هستند که ۸۰ درصد آنها بازیافت می‌شوند و بسیار بیشتر از میانگین اروپا (یعنی ۲۰ تا ۴۰ درصد) است (Shahryarnews.net).

۳-۱-۷- مدیریت پسماند در آلمان

مدیریت زباله شهری برلین^۱ (BSR) یکی از بزرگترین شرکت‌های مدیریت زباله در اروپاست. آلمانی‌ها خود را قهرمان محیط‌زیست جهان می‌دانند (طراوتی، ۱۳۷۷: ۹۰/۱۱-۱۳). شکل ۵ نمودار جریان مدیریت پسماند حلقه بسته در کشور آلمان را نشان می‌دهد. مطابق این شکل به طور کلی بازیافت محصولات به سوزاندن آنها ترجیح داده می‌شود، حتی اگر تحت شرایط خاص، سوزاندن مطرح باشد، باید میزان تبدیل زباله به انرژی مد نظر قرار گیرد. در هر صورت دفن زباله به‌عنوان آخرین راه حل، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

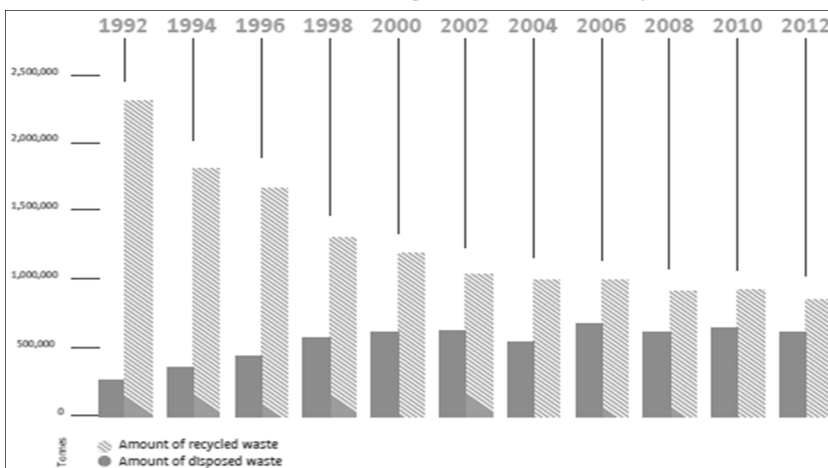
شکل شماره (۵) - نمودار جریان مدیریت پسماند در حلقه بسته کشور آلمان.



در سال ۱۹۹۲ میزان کل زباله‌های شهری تولید شده در برلین، شامل زباله بازیافت شده و بازیافت نشده، به ۲۵۹۴ هزار تن رسید. تا سال ۲۰۱۲ این میزان به ۱۴۱ هزار تن یعنی حدود ۴۳ درصد کاهش یافت. حدود ۵۷ درصد زباله‌های شهری مطابق مقررات، دفع می‌شود و حدود ۴۳ درصد در مرحله بازیافت، فرآوری شده یا به انرژی تبدیل می‌شوند. در سال‌های اخیر حتی دفع زباله های شهری به طور مداوم کاهش یافته است. یکی از دلایل موفقیت کشور آلمان، استفاده از استراتژی یکنواخت و مشابه در کل کشور است. در این کشور همه خانواده‌ها و ساختمان‌ها در تفکیک زباله رفتاری مشابه دارند. قانون پاداش و جریمه هم در جمع‌آوری زباله‌ها اعمال می‌شود. در مورد زباله‌های تر، هرچه وزن آن‌ها بیشتر باشد، مبلغ کمتری به افراد تعلق می‌گیرد، اما در مورد سایر زباله‌ها برعکس است و هرچه میزان زباله بیشتری جمع‌آوری کرده باشند، مبلغ آن نیز بالاتر است.

در شکل ۶ نمودار میزان بازیافت زباله و مقدار زباله دفعی شهر برلین طی سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۲ نشان داده شده است. مطابق این شکل در سال ۱۹۹۲ در حالی که از حجم کل زباله ۲۵۹۴ هزار تنی تنها ۲۶۹ هزار تن بازیافت شده، در سال ۲۰۱۲ مقدار بازیافتی به ۶۲۴ هزار تن رسیده یعنی بیش از دو برابر شده است. اگرچه مقدار کل آن به ۱۴۱ هزار تن کاهش یافته که به طور معادل نشان‌دهنده افزایش از حدود ۱۰ درصد در سال ۱۹۹۲ به ۴۲/۲ درصد در سال ۲۰۱۲ است.

شکل شماره (۶) - نمودار نرخ بازیافت و دفع زباله شهری برلین از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۲



(رنگ آبی: میزان زباله بازیافتی و رنگ نارنجی: میزان زباله دفعی) (Schulze, 2013).

۳-۱-۸- مدیریت پسماند در ژاپن

تازه‌ترین آمار وزارت محیط‌زیست ژاپن نشان می‌دهد که هر شهروند ژاپنی به طور میانگین روزانه ۱۱۳۱ گرم زباله تولید می‌کند و این در حالی است که ۲۰ درصد زباله‌های تولید شده در ژاپن بازیافت می‌شوند. در این کشور از زباله‌های خام خانگی برای تولید برق استفاده می‌شود و زباله‌های دیگر نیز بازیافت می‌شوند (طراوتی، ۱۳۷۷: ۱۳-۱۱؛ طراوتی، ۱۳۷۷؛ Wolf, 2003). در ژاپن سالانه دو میلیون تن زباله به منظور تولید انرژی، کود و کود تغلیظ شده و یا سوخت گاز توسط فرآیند متان، بازیافت می‌شوند.

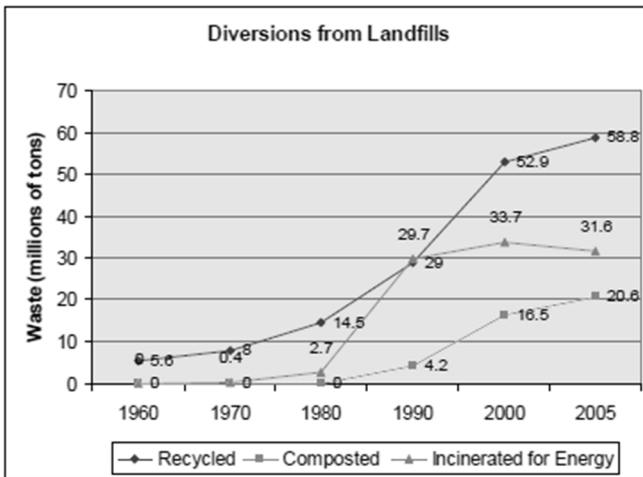
۳-۱-۹- مدیریت پسماند در آمریکا

در سال ۱۹۹۵ ایالات متحده آمریکا با تولید سرانه ۴ پوند در روز بیشترین نرخ تولید سالانه زباله را در دنیا داشت در حالی که آلمان و اسپانیا با نرخ ۲ پوند در روز کمترین نرخ تولید زباله‌های شهری را داشتند. همچنین فرانسه با ۲/۱، ایتالیا با ۲/۲، انگلستان و سوئد و ژاپن با ۲/۵، سوئیس با ۲/۸، هلند با ۳ و کانادا با ۳/۶ پوند در روز در رده‌های بعدی قرار داشتند (Wolf, 2003). در سال ۲۰۱۰ میلادی ۳۶ درصد از پسماندهای آمریکا بازیافت شد در حالی که در سال ۱۹۹۰ میلادی نرخ بازیافت در این کشور ۱۶/۲ درصد بود (www.pwut.ac.ir). در سال ۲۰۱۶، ۲۴۵/۷ میلیون تن پسماند خشک در آمریکا تولید شد که سرانه تولید پسماند خشک این کشور را به ۱۸۰۰ پوند رساند (www.pwut.ac.ir). بطور متوسط هر ساله بیش از ۴ میلیارد تن زباله جامد در این کشور تولید می‌شود. از مجموع زباله‌های جامدی که جمع‌آوری می‌شود، تنها ۲۵/۷ درصد، قابل بازیافت است و در مراحل مختلف تولید از آنها استفاده می‌شود (www.pwut.ac.ir).

در شکل ۷ نمودار میزان زباله‌های فرآوری شده در ایالات متحده آمریکا با سه روش بازیابی شده، تولید کمیوست، سوزاندن و تبدیل به انرژی، طی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۵ نشان داده شده است. براساس مطالعات انجام شده توسط مرکز مطالعات و آماردهی حذف پسماندها، هزینه مدیریت پسماند در آمریکا بین ۱۵ تا ۶۰ دلار به ازای هر تن در مناطق مختلف است و دلیل این گستره وسیع قیمتی هم تفاوت در کیفیت خدمات‌رسانی است. به عبارت دیگر متوسط هزینه‌ای که دولت برای نابود کردن پسماندها متحمل می‌شود، برابر با ۴۰ دلار آمریکا به ازای هر تن

پسماند است. این هزینه برای دفن زباله‌ها بوده و هزینه خاکسترسازی، ۲۰ دلار به ازای هر تن بیشتر است. هزینه اولیه سرمایه دفن بهداشتی زباله بسیار پایین‌تر از کارخانه تبدیل زباله به انرژی^۱ (WTE) است. تفاوت هزینه بین دفن بهداشتی زباله‌ها و WTE در ایالات متحده، حدود ۲۰ دلار در هر تن زباله (MSW بیشتر نسبت به WTE) است (www.pwut.ac.ir).

شکل شماره (۷) - میزان زباله‌های فرآوری شده در ایالات متحده آمریکا با سه روش بازیافت، تولید کمپوست، سوزاندن و تبدیل به انرژی

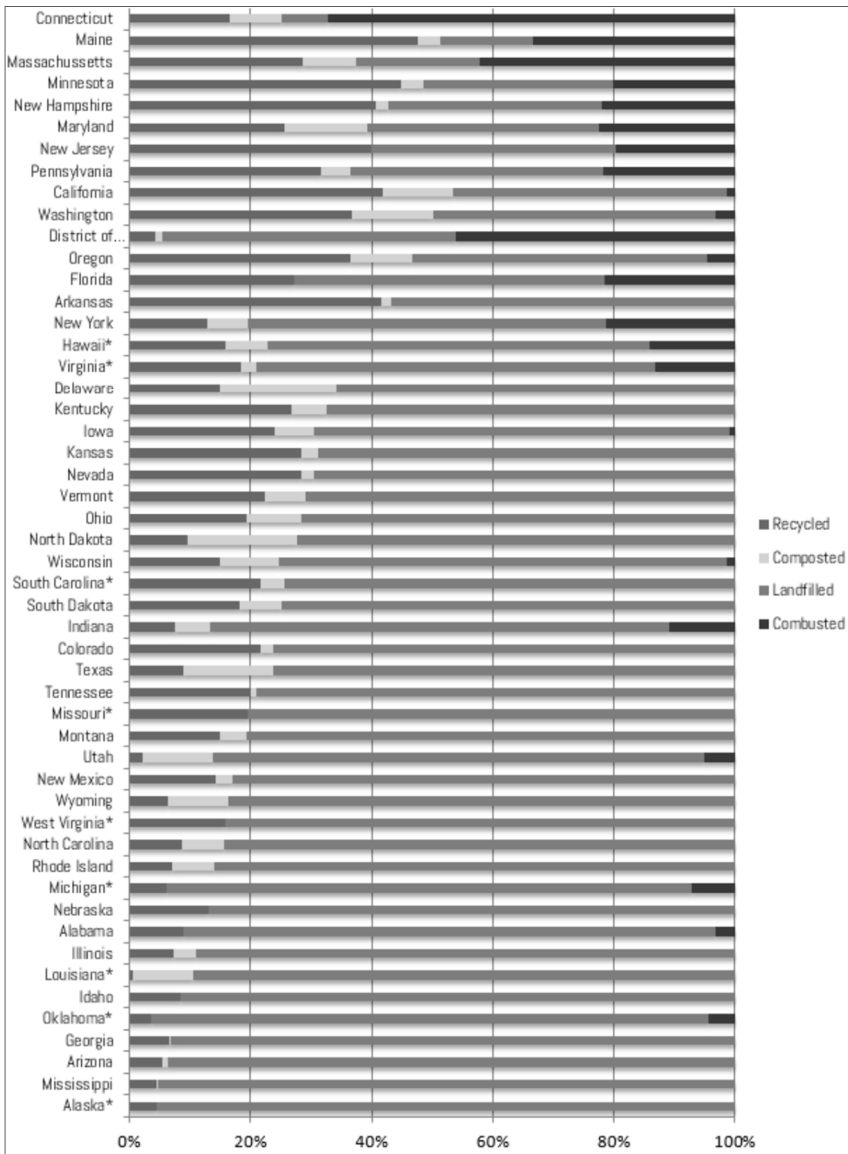


امروزه آمریکا ۲۸ درصد زباله‌های خود را بازیافت می‌کند که این میزان در ۱۵ سال گذشته تقریباً ۲ برابر شده است. بازیافت انواع خاصی از زباله‌ها در این کشور افزایش بیشتری داشته است: ۴۲ درصد کاغذها، ۴۰ درصد بطری‌های پلاستیکی نوشابه‌های غیرالکلی، ۵۵ درصد قوطی‌های آلومینیومی نوشیدنی‌ها، ۵۷ درصد بسته‌بندی‌های استیل و ۵۲ درصد سایر اشیاء هم بازیافت می‌شوند (www.pwut.ac.ir).

آمارها نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۶، ۵۴۴/۷ میلیون تن پسماند جامد در آمریکا جمع‌آوری شد که بخش خصوصی بازیافت سهم بزرگی از آن را بر عهده داشت. به عبارت دقیق‌تر در سال گذشته بخش خصوصی مدیریت پسماند ۶۹/۷ درصد از زباله‌ها که معادل ۳۷۶/۹ میلیون تن

می‌شد را بر عهده داشت و بخش دولتی تنها مدیریت ۳۰/۸ درصد از پسماندها را انجام داد. واگذاری این مسئولیت به بخش خصوصی، خود راهکاری برای کاهش پسماندها و ایجاد فرصت‌های شغلی تازه در این کشور بود. مطالعات سازمان محیط زیست آمریکا نشان می‌دهد که اگر به ازای هر ۱۰۰۰۰ تن دفع زباله، ۶ شغل ایجاد شود، به ازای همین مقدار بازیافت زباله بدون احتساب صنایع وابسته و فرعی، بیش از ۳۶ شغل ثابت ایجاد خواهد شد. مدیریت پسماند در این کشور صنعتی دنیا، درآمد کلانی را برای شرکت‌های فعال در این زمینه ایجاد می‌کند. انجمن ملی زباله و بازیافت آمریکا در گزارش سال ۲۰۱۵ میلادی عنوان کرد که با راه اندازی برنامه های بازیافت زباله، تنها در ایالت اوهایوی آمریکا ۶/۷ میلیارد دلار بهره وری اقتصادی و ۱۴۰۰۰ شغل جدید ایجاد شده است. در سال ۲۰۱۶ کل درآمدی که از مدیریت پسماند در آمریکا نصیب فعالان این صنعت شد، بالغ بر ۸۶ میلیارد دلار بود درحالی که این درآمد در کشور ژاپن قدری بیش از ۶۳ میلیارد دلار بود (www.pwut.ac.ir). مسئولین شهر نیویورک پس از بررسی وضعیت پسماندها در این شهر دریافتند که بازیافت صحیح زباله، بیش از ۲۰ میلیون دلار صرفه جویی اقتصادی برای شهر دربر خواهد داشت. در شکل ۸ نمودار نردبانی مدیریت پایدار زباله ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۱۵ نشان داده شده است.

شکل شماره (۸) - نمودار نردبان مدیریت پایدار زباله ایالت های مختلف قاره آمریکا در سال ۲۰۱۵



(<https://foresternetwork.com>; Themelis and Mussche, 2015; Forestermagazines)

۳-۲- مطالعه موردی: بررسی وضعیت پسماندهای کلان شهر اراک

در طول سال ۱۳۹۵ از سطح شهر اراک در هر شبانه روز به طور میانگین حدود ۳۰۳ تن پسماند توسط ۹ تا ۱۰ عدد کامیون باری (سیم تریل) جمع‌آوری شده که بیشترین مقدار آن برابر با ۳۲۱ تن در ماه شهریور و کمترین مقدار آن برابر با ۲۸۵ تن مربوط به دی ماه می باشد. زباله‌های جمع‌آوری شده از سطح شهر شامل انواع زباله‌های خانگی (خشک و تر)، نخاله‌های ساختمانی، زباله‌های بیمارستانی، زباله‌های شرکت‌ها و کارخانه‌های کوچک درون شهری می باشند. از این مقدار پسماند، به‌طور متوسط ۳۲۰۰ کیلوگرم آن زباله‌های بیمارستانی است که بدون انجام هیچ‌گونه فرآیندی، مستقیماً دفن می شوند. ترکیب زباله‌های شهر اراک به گونه‌ای است که حدود ۲۰ درصد آن از ابتدا قابل بازیافت و حدود ۷۰ درصد آن قابل تبدیل به کمپوست است.

موقعیت جغرافیایی محل انباشت فعلی زباله‌های کلان‌شهر اراک در ۵ کیلومتر جاده اراک-خمین در زمینی به مساحت ۱۲۵ هکتار احداث شده که از سال ۱۳۶۴ تعیین محل گردیده است. با توجه به هزینه حمل زباله‌ها توسط ماشین‌آلات مدیریت پسماند، حمل و نقل در مسافتی بیش از ۳۰ کیلومتر از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نخواهد بود و مسافت کمتر از ۳ کیلومتر نیز به خاطر پراکندگی ذرات و آلودگی محل زندگی مردم، مناسب نیست. علاوه بر اینها نزدیک بودن به جاده اصلی و عدم برف‌گیر بودن مسیر در فصول سرد سال به خاطر سهولت دسترسی به محل محصولات بازیافتی و همچنین حضور به موقع عوامل امداد رسانان از قبیل آتش‌نشانی به منظور اطفای حریق احتمالی و اورژانس، از جمله عوامل مؤثر در انتخاب درست محل انباشت فعلی زباله می باشند. در نزدیکی این محل یک کارخانه بازیافت پسماند احداث شده که در حال حاضر نیز فعال است. همچنین اسکلت فلزی و چارچوب آجری نصفه و نیمه یک کارخانه تولید کمپوست با عمر سه سال، در مجاورت کارخانه فرآوری، بنا شده ولی حتی ساختمان آن نیز بعد از گذشت چند سال، نیمه کاره باقی مانده و فقط نامی از کارخانه تولید کمپوست را بر دوش می‌کشد.

۳-۲-۱- معرفی کارخانه بازیافت پسماند کلان شهر اراک

کارخانه بازیافت پسماند اراک در سال ۱۳۹۴ به منظور تفکیک پسماند، انجام عملیات بازیافت، تولید کود کمپوست و در نتیجه به حداقل رساندن میزان زباله‌های دفعی افتتاح گردید. ظرفیت

این کارخانه ۲۵۰ تن در شبانه روز است. بجز پسماندهای عفونی-بیمارستانی، لجن های جوی ها و نخاله های ساختمانی، تقریباً همه نوع زباله جمع آوری شده از سطح شهر و برخی مناطق اطراف، ابتدا وارد کارخانه فرآوری پسماند می شود. پسماندهای حمل شده به محل کارخانه بازیافت، در ورودی کارخانه انباشت می شوند (شکل ۹). زباله های شرکتی و صنعتی انتقال یافته که نسبت به زباله های شهری، اندکی تمیزتر و بهتر هستند، قبل از ورود به مدار کارخانه، توسط کارگران به صورت دستی تفکیک می شوند (شکل ۹). در این مرحله کارتن ها، کاغذها و زباله های خشک (نظیر قوطی های نوشیدنی، انواع پلاستیک ها و غیره) تفکیک شده و بطور جداگانه به فروش می رسند.

در حال حاضر مواد اولیه کمپوست همراه با سایر پسماندهای دفعی (که با کمک نیروی انسانی تا حد ممکن، از وسایل فلزی و پلاستیکی عاری شده است) با استفاده از ماشین آلات، بارگیری شده و به محل دفع حمل می شود. حدود ۶۸ درصد از کل پسماندهای ورودی کارخانه فرآوری را پسماندهای تر تشکیل می دهند که قابلیت تولید کود کمپوست را دارند و می توانند در بخش کشاورزی و فضای سبز مورد استفاده قرار گیرند ولی متاسفانه در حال حاضر این بخش نیز بدون انجام هیچ گونه فرآیندی، دفع می گردد.

شکل شماره (۹) - نمایی از انباشت زباله در ورودی کارخانه بازیافت زباله کلان شهر اراک و تفکیک کارتن، کاغذ و قوطی های فلزی و پلاستیکی.



۳-۲-۲- ارزشیابی وضعیت اقتصادی کارخانه بازیافت

بطور کلی مواد بازیافتی در کارخانه بازیافت زباله عبارتند از ظروف فلزی، پلاستیک ها و پسماندهای تولید شده کاغذی و مواد آلی. کارتن های تفکیک شده، ابتدا پرس شده و سپس کیلویی ۳۰۰۰ ریال به کارخانه های کارتن سازی فروخته می شود. کاغذها نیز کیلویی ۴۰۰۰ ریال به فروش می رسد. در حال حاضر محصول اصلی بازیافتی کارخانه، بطری های پلاستیکی هستند که کیلویی ۱۱۰۰۰ ریال به فروش می رسند. روزانه حدود ۱-۱/۲ تن مواد پلاستیکی و ۱/۵ تن کارتن (اغلب به صورت مرطوب) از میان زباله ها جداسازی می شود. از آنجایی که تفکیک و جداسازی انواع مواد پلاستیکی، ظروف فلزی و کارتن ها در مبدا به صورت غیرقانونی، غیراصولی، غیراستاندارد و غیربهداشتی توسط افراد غیرمسئول، غیرمرتبط و زباله گرد در سطح شهر صورت می گیرد، در مجموع کارخانه تفکیک زباله نیز دارای صرفه اقتصادی چندان زیادی نیست و به گفته مسئولین مربوطه، هزینه های جاری مرکز دفن را هم پوشش

۳-۲-۳- مخاطرات دفع زباله و عدم بازیافت آن

تمامی زباله های دفعی شهر اراک به محل دفع و دفن زباله منتقل می شوند که پس از تخلیه و مقداری تسطیح، پوششی از خاک، روی آنها را می پوشاند. دفع زباله و عدم بازیافت آن علاوه بر آن که موجب از دست رفتن سرمایه، عدم حصول درآمد و حتی منجر به هزینه می شود، مشکلات زیست محیطی را نیز به دنبال خواهد داشت. علاوه بر وجود پسماندها در کارخانه، عدم مدیریت صحیح شیرابه های ناشی از پسماندها نیز خطر آلوده شدن منابع آب و خاک منطقه را افزایش می دهد. وجود پناهگاه حیوانات و نگهداری سگ های ولگرد در پناهگاه و آزاد بودن حیوانات در محل دفن زباله نیز از شرایط تأثیرگذار و به خطر افتادن سلامت محیط زیست است. حضور سگ ها در کل محیط و تحرک آزادانه آنها در محل دفن زباله های بیمارستانی، موجب توحش بیشتر سگ های محوطه شده است.

۳-۲-۴- فرهنگ سازی عمیق در بازیافت پسماندهای شهری

فرهنگ سازی، آموزش یک رفتار و نهادینه کردن آن است. مردم در امر تفکیک از مبدأ به عنوان بهترین روش جداسازی و بازیافت مواد، نقش بسیار تعیین کننده ای دارند. شیوه های درست جمع آوری زایدات باید در کنار طرح تفکیک از مبدأ اتخاذ شود، به گونه ای که هیچ مزاحمتی برای خانوارها ایجاد نکند. فرهنگ سازی در زمینه تفکیک زباله از مبدأ و بازیافت، شامل آموزش افراد در مورد پسماندهای قابل بازیافت و غیرقابل بازیافت و دورریختنی است. از جمله ابزارها و روش های آموزشی و اطلاع رسانی (فرهنگ سازی) عبارتند از وسایل ارتباط جمعی همانند صدا و سیما و مطبوعات، بروشورها و تراکت های آموزشی، استفاده از مکانیسم ها و روش های آموزشی و تشویقی، برگزاری سمینارها، همایش های علمی و دوره های آموزشی جشنواره های فرهنگی، آموزش های چهره به چهره و آموزش از طریق مدارس و سایر نهادهای آموزشی. گسترده بودن این ابزارها می تواند در فرهنگ سازی و مشارکت شهروندان در امر تفکیک از مبدأ، نقش موثری ایفا نماید.

۳-۲-۵- اقدامات مورد نیاز عمومی

با اجرای طرح های نوین مربوط به جمع آوری زباله و تفکیک آن در مبدا یعنی در منازل مردم، می توان به طور اصولی از مزایای طلای کثیف (پسماند) بهره برد. شناسایی افراد غیرمرتبط و غیرمسئول که در سطح شهر به صورت غیرقانونی، غیربهداشتی و به طور نابسامان، اقدام به جمع آوری زباله های مخصوص (مانند کارتن ها، فلزات، بطری ها و ظروف پلاستیکی و غیره) می نمایند و سامان دهی آنها از طریق بسترسازی و زمینه سازی اشتغال به کار در کارخانه های بازیافت زباله و محل دفن زباله شهر اراک، به صورت کاملاً بهداشتی با رعایت تمام اصول بهداشتی و ایمنی، راهکار مهمی در این خصوص خواهد بود. افراد زباله گرد غیرمرتبط و غیرمسئول که به صورت کاملاً غیربهداشتی مبادرت به زباله گردی و جداسازی پسماندهای فلزی، انواع قوطی های فلزی، انواع بطری های پلاستیکی و کارتن ها می نمایند، از یک طرف خود در معرض مستقیم انواع بیماری ها قرار دارند و از طرف دیگر خانواده آنها و از سوی دیگر به دلیل حضور این افراد و خانواده آنها در اجتماع، جامعه نیز در معرض خطر انواع بیماری ها قرار می گیرد. ممانعت از انجام چنین کاری توسط افراد غیرمرتبط، ولو توسط نیروهای نظامی و انتظامی بعد از فرهنگ سازی در این زمینه، گام دوم می باشد.

در شیوه فعلی جمع آوری زباله در کلان شهر اراک، مشکلاتی نظیر عدم استفاده از روش های نوین جمع آوری زباله، استفاده از نیروهای غیرمتخصص، فقدان پشتوانه تحقیقاتی لازم و بالاخره عملکرد ضعیف و غیربهداشتی وسایل و روش های جمع آوری، باعث انباشت زباله ها، نشت شیرابه ها و تجمع حیوانات ولگرد (از جمله سگ و گربه) و حشرات موذی شده است. در کارخانه تفکیک زباله کلان شهر اراک نیز به طور عمده تنها به جداسازی مواد پلاستیکی پرداخته می شود که در نهایت سوددهی این کارخانه را تنها وابسته به قیمت فروش ضایعات پلاستیکی می کند؛ میزان بهره وری از مواد قابل بازیافت زباله ها کمترین مقدار ممکن است و روزانه حجم عظیمی از این طلای کثیف را در زیر خاک دفن می کنند. تکمیل کارخانه تولید کمپوست، راه اندازی و شروع به کار آن نیز علاوه بر صرفه اقتصادی و ایجاد اشتغال، از دفع مقدار زیادی پسماند جلوگیری خواهد نمود.

۴- نتیجه گیری

پسماندها دارای انواع مختلفی بوده و در اثر فعالیت‌های انسانی تولید می‌شوند که از یک سو بر روی بهداشت فردی و اجتماعی تاثیرگذار بوده و از سوی دیگر موجب آلودگی محیط زیست می‌شوند. امروزه تولید حجم انبوه زباله یکی از مشکلات جهان محسوب می‌شود. نسل سوم زباله‌های جامد شهری در شصت سال گذشته سه برابر شده و براساس تحقیقات انجام شده، پیش بینی می‌شود که بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰ دو برابر شود. با این وجود پسماندها از دیدگاه اقتصادی به منظور تامین مواد اولیه بسیاری از صنایع، تولید کود کمپوست و انرژی، حائز اهمیت هستند. پسماند در بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان به عنوان یک ماده تجدیدپذیر ارزشمند مطرح بوده و شیوه های نوین برای استفاده درست از آن به کار گرفته می‌شود تا پسماندهای کثیف به مزیتی برای درآمدزایی تبدیل شوند.

بررسی وضعیت مدیریت پسماند در کشورهای پیشرفته جهان به عنوان الگوهای مناسب جهت استفاده از دانش و تجربیات آنها در پژوهش حاضر، نشان می‌دهد که در بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان، پسماند همانند دیگر صنایع پیشرفته این کشورها به عنوان یک صنعت، مطرح بوده و با مدیریت درست، به مزیتی برای درآمدزایی تبدیل شده است. مدیریت درست پسماند علاوه بر آنکه موجب حفظ محیط زیست جوامع اروپایی و آمریکایی شده، تاثیر قابل توجهی بر اشتغال زایی و رشد اقتصادی این کشورها گذاشته است. به عبارت دیگر مزیت بزرگ صنعت عظیم بازیافت پسماند، اقتصادی است؛ مساله ای که در بسیاری از شهرهای کشور ما به ویژه کلان شهر اراک، مغفول مانده است.

بررسی وضعیت موجود جمع آوری، نحوه تفکیک و بازیافت پسماندهای کلان شهر اراک نشان می‌دهد که در حال حاضر بخش عمده مواد قابل بازیافت از زباله در سطح شهر اراک، توسط افراد غیرمرتبط، غیرمسئول و زباله گرد از درون سطل های زباله خارج می‌گردد و به روش های مختلف غیراصولی و عمدتاً بصورت دست فروشی و خرده فروشی به فروش می‌رسد. ترکیب زباله های شهر اراک به گونه ای است که حدود ۲۰ درصد آن از ابتدا قابل بازیافت بوده و حدود ۷۰ درصد آن قابل تبدیل به کود کمپوست است؛ علیرغم این مزیت، چنین فرآیندی نیز صورت نمی‌گیرد. در مجموع درآمد اقتصادی مواد بازیافتی در کارخانه بازیافت زباله اراک

شامل ظروف فلزی، پلاستیک‌ها و بطری های پلاستیکی، پسماندهای کاغذی و کارتن ها نیز دارای صرفه اقتصادی چندانی نبوده و تنها هزینه‌های جاری مرکز دفن زباله را پوشش می‌دهد. بطور کلی تحت شرایط موجود نمی توان هیچ گونه آمار و ارقام جامع و معتبر اقتصادی عایدی از پسماندهای شهر اراک ارائه نمود. قدر مسلم لازم است که قوانین مربوط به مدیریت زباله بازنگری شوند. سیستم جمع آوری، تغییرات اساسی یافته و اصلاح شود. در زمینه تفکیک زباله از مبدأ و بازیافت در مورد پسماندهای قابل بازیافت و غیرقابل بازیافت و دورریختنی، فرهنگ سازی و آموزش افراد و خانوارها صورت گیرد. کارخانه تولید کود کمپوست، تکمیل و راه اندازی شود. براساس تجربیات کشورهای پیشرفته در زمینه مدیریت پسماند نظیر ایالات متحده آمریکا و با توجه به میزان تولید سالیانه زباله در کلان‌شهر اراک، در صورت برقراری سیستم مدیریت جامع جمع آوری و بازیافت پسماند، تفکیک درست در مبدأ و ممانعت از عمل افراد زباله گرد، امکان اشتغال زایی مستقیم برای تعداد ۱۰ نفر و غیرمستقیم برای ۳۰ نفر در سال مهیا خواهد بود.

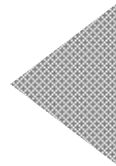
منابع

- طراوتی، حمید، (۱۳۷۷)، "۲۱ دستور کار"، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری برنامه عمران ملل متحد، چاپ اول.
- طراوتی، حمید، (۱۳۷۷)، مترجم، رودمن، دم، "تغییر جهت زیست محیطی مالیات ها در اروپا"، **مجله تعاون**، شماره ۹۰، ۱۱-۱۳.
- فرزادکیا، مهدی، دالوند، آرش، تقدیسی، محمدحسین، (۱۳۸۷)، "ارزیابی جنبه های اقتصادی و زیست محیطی بازیافت کاغذ و مقوا از زباله های شهری اصفهان"، **طیب شرق**، دوره ۱۰، شماره ۳.
- نوروزیان باغانی، عباس، فرزادکیا، مهدی، آذری، علی، ززولی، محمدعلی، وزیری، یاسر، دلخون، مهدیه، شفیعی، علی اصغر، (۱۳۹۴)، "جنبه های اقتصادی بازیافت پسماندهای خشک شهر شیراز"، **مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران**، دوره ۲۵ شماره ۱۳۳، ۳۳۰-۳۳۴.

- EUROSTAT, (2017), "Municipal wastetreatmenttrends 2001-2015 EU 28".
- Farzadkia, M., Jorfi, S., Akbari, H., Ghasemi, M., (2012), "Evaluation of dry solid waste recycling from municipal solid waste: case of Mashhad city, Iran". **Waste Manag Res**; 30(1): 106-112.
- 3.Forestermagazines, <https://foresternetwork.com/msw-management-magazine/ms-waste/administration/>

- <http://diyarmirza.ir>
- <http://isfahan.ir>
- <http://www.donya-e-eqtesad.com>
- <http://www.farsnews.com>
- http://www.seas.columbia.edu/earth/wtert/sofos/european_ladder.pdf
- <http://www.vermicompost1.ir>
- <https://asemandaily.ir/post/3186>
- IP/G/STOA/FWC/2013-001/LOT 3/C3, (2017), "Towards a circular economy –Waste management in the EU.", **EPRS|European Parliamentary Research Service**, Scientific Foresight Unit (STOA), PE 581.913.
- Karami, M.A., Farzadkia M., Jonidi A., Nabizadeh R., Gohari M., Karimaee M., (2011), "Quantitative and qualitative investigation of industrial solid waste in industrial plants located between Tehran and Karaj". **Iran Occupational Health Journal**; 8(2): 12-20 (Persian).
- Mansveld, W., (2015), "Waste recycling in the Netherlands: analysis of the success", www.assises-dechets.org/IMG/pdf/IntwEn_Mansveld.pdf
- Nelles, M., Grünes, J., Morscheck, G., (2016), "Waste Management in Germany–Development to a Sustainable Circular Economy?", **Procedia Environmental Sciences**, 35, 6–14.
- Schulze, C., (2013), "Municipal waste management in Berlin", **Senate Department for Urban Development and the Environment**.
- Shahryarnews.net/news
- Themelis, N.J., (2017), "Sustainable waste management, waste-to-energy and the role of the universities", **WTERT-Asia Inaugural Meeting Nanjing**, April 26-28, <http://wtert.com.br>.
- Themelis, N.J., Mussche, C., (2013), "Municipal solid waste management and waste-to-energy in the united states, China and Japan", **2nd International Academic Symposium on Enhanced Landfill Mining, Houthalen-Helchteren, 14-16/10/2013**.
- Themelis, N.J., Mussche, C., (2015), "MSW management"
- U.S. Energy Information Administration, (2011), "Analysis of Impacts of a Clean Energy Standard as requested by Chairman Bingaman". **Independent Statistics Analysis**. Washington, DC; Available from: http://www.eia.gov/analysis/requests/ces_bingaman.
- Wolf, H., (2003), "Wastes management".
- www.pwut.ac.ir
- www.salehejam.ir/post/72

پهنه‌بندی توسعه یافتگی از منظر برنامه‌ریزی منطقه‌ای دفاعی استان سیستان و بلوچستان: مدل آنالیز استان^۱



احسان درستکار^۲

سیروس نبیونی^۳

علیرضا عباسی^۴

(تاریخ دریافت ۹۷/۹/۱۲ - تاریخ تصویب ۹۷/۱۱/۱۲)

چکیده

توسعه یافتگی و درجه بندی یا پهنه بندی آن به عنوان یک مؤلفه اصلی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای محسوب شده و توجه برنامه‌ریزان به این مورد بسیار بالا می‌باشد. برای دستیابی به سطح بالای کیفیت زندگی، توجه به توسعه یافتگی استان یک امر ضروری است. به هر میزان که توسعه یافتگی استان بیشتر باشد، شاهد بالا رفتن سطح زندگی ساکنان استان خواهیم بود. دستیابی به سطح توسعه یافتگی استان بسط به شاخص‌های مورد ارزیابی می‌باشد. بررسی و ارزیابی توسعه یافتگی استان سیستان و بلوچستان می‌تواند یک مؤلفه اصلی در جهت برنامه‌ریزی صحیح استان

۱- مقاله حاضر مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان تبیین کمی آمایش سرزمینی استان سیستان و بلوچستان با رویکرد کاربرد نظامی می‌باشد که توسط نگارنده برای سازمان جغرافیایی کشور انجام گرفته است.

۲- کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی منطقه‌ای، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،

Ehsan.dorostkar@srbiau.ac.ir

۳- دکترا برنامه‌ریزی شهری، گروه فنی و مهندسی، معاونت پژوهش و نوآوری، سازمان جغرافیایی کشور، تهران

۴- دکترا برنامه‌ریزی شهری، گروه فنی و مهندسی، معاونت پژوهش و نوآوری، سازمان جغرافیایی کشور، تهران

برای میل به رسیدن رفاه بیشتر و در نتیجه رضایتمندی ساکنان استان شود. هدف کلان بهنه بندی توسعه یافتگی استان سیستان و بلوچستان، هدف خرد ارزیابی توسعه یافتگی استان در ابعاد اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و زیربنایی، مورد توجه در این پژوهش می‌باشد. سؤال تحقیق نیز، میزان توسعه یافتگی استان سیستان و بلوچستان در چه وضعیتی است؟ می‌باشد. پژوهش حاضر بر اساس هدف کاربردی و از نوع تحقیقات علمی می‌باشد و بر اساس ماهیت و روش از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. ماهیت داده‌های مورد استفاده کمی است و شیوه گردآوری داده‌ها و اطلاعات میدانی و اسنادی می‌باشد. چارچوب نگارش را می‌توان بر پایه رابطه متقابل شاخص‌های توسعه در ابعاد اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و زیربنایی، جمع آوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و تحقیقات میدانی (مصاحبه) و تهیه پرسشنامه صورت پذیرفته است. با بررسی مجموع ضرایب شاخص‌ها برای هر شهرستان، شهرستان‌های زاهدان، ایرانشهر، خاش، دلگان، زابل به لحاظ اولویت دارای بیشترین میزان توسعه و بالاترین رتبه می‌باشند.

کلمات کلیدی: توسعه یافتگی، سیستان و بلوچستان، تاکسونومی عددی، بهنه بندی استان

۱- مقدمه

توسعه یک مقوله جدی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای و به صورت کلی در بحث برنامه‌ریزی محسوب می‌شود. هر قدر توسعه در سطح بالاتری باشد، شاهد افزایش کیفیت زندگی در سطح شهرستان و استان خواهیم بود. حال توسعه می‌تواند جنبه‌های مختلفی را شامل شود. اما چیزی که توسعه به دنبال آن می‌باشد، پاسخگویی هرچه بهتر به نیازهای ساکنین است. از این رو، در برنامه‌ریزی تلاش می‌شود توسعه در مراحل مختلف ارزیابی و تحلیل گردد. استان سیستان و بلوچستان به عنوان یک استان پهناور در سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری از برنامه‌ریزان و کارشناسان بوده است. این استان با داشتن ۱۹ شهرستان پتانسیل خوبی برای توسعه دارا می‌باشد.

۲- بیان مسأله

توسعه در هر استان و شهرستانی به عنوان اولویت محسوب می‌شود. توسعه یافتگی و درجه بندی یا بهنه بندی آن به عنوان یک مؤلفه اصلی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای محسوب شده و توجه

برنامه ریزان به این مورد بسیار بالا می‌باشد. برای دستیابی به سطح بالای کیفیت زندگی، توجه به توسعه یافتگی استان یک امر ضروری است. به هر میزان که توسعه یافتگی استان بیشتر باشد، شاهد بالا رفتن سطح زندگی ساکنان استان خواهیم بود. دستیابی به سطح توسعه یافتگی استان بسط به شاخص‌های مورد ارزیابی می‌باشد. بررسی و ارزیابی توسعه یافتگی استان سیستان و بلوچستان می‌تواند یک مؤلفه اصلی در جهت برنامه‌ریزی صحیح استان برای میل به رسیدن رفاه بیشتر و در نتیجه رضایتمندی ساکنان استان شود. هدف کلان پهنه بندی توسعه یافتگی استان سیستان و بلوچستان، هدف خرد ارزیابی توسعه یافتگی استان در ابعاد اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و زیربنایی، مورد توجه در این پژوهش می‌باشد. سؤال تحقیق نیز، میزان توسعه یافتگی استان سیستان و بلوچستان در چه وضعیتی است؟ می‌باشد.

۳- پیشینه تحقیق

برای دیدی مناسب نسبت به مسأله و پرداختن به موضوع هدف، به سراغ پیشینه تحقیق در زمینه‌های مشابه مراجعه می‌شود که در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌گردد. آقایان میرغفوری، مهرجردی و بابایی در تحقیقی با عنوان شناسایی وضعیت توسعه یافتگی و رتبه بندی استان‌های کشور از لحاظ دسترسی به شاخص‌های بخش کتابخانه‌ای که در سال ۱۳۸۹ چاپ شده است به این موضوع خاص به صورت تفکیک بخشی پرداخته‌اند. برای برنامه‌ریزی و تخصیص اعتبارات و منابع میان مناطق مختلف، شناسایی جایگاه منطقه در بخش مربوط و رتبه‌بندی سطوح برخورداری از مواهب توسعه، ضروری است. با توجه به اینکه از توسعه فرهنگی به عنوان زیربنای توسعه در سایر جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... یاد شده است و از طرفی توسعه کتابخانه‌ها و بویژه کتابخانه‌های عمومی، یکی از پیش‌نیازهای اساسی برنامه‌ریزی و توسعه فرهنگی جامعه مطرح است؛ در این مقاله سعی شده درجه توسعه یافتگی استان‌های کشور از لحاظ دسترسی به شاخص‌های بخش کتابخانه‌ای بررسی شود. برای انجام این کار، با انتخاب ۱۲ شاخص کتابخانه‌ای، ابتدا با استفاده از روش تاکسونومی عددی وضعیت توسعه یافتگی استان‌های کشور در این بخش شناسایی شد و استان‌های کشور در ۳ طبقه «توسعه یافته»، «نسبتاً توسعه یافته» و «توسعه نیافته» قرار گرفتند. در مرحله بعد، با استفاده از روش‌های آنالیز شانون و SAW، استان‌های کشور از لحاظ میزان برخورداری از این

شاخص‌ها رتبه‌بندی شدند. نتایج تحقیق نشان داد در زمینه شاخص‌های کتابخانه‌ای، ۲۷٪ از استان‌های کشور توسعه‌یافته، ۵۰٪ نسبتاً توسعه‌یافته و ۲۳٪ توسعه نیافته تلقی می‌شوند. هم‌چنین، نتایج رتبه‌بندی استان‌های کشور نشان داد استان‌های تهران، یزد و آذربایجان شرقی دارای بهترین وضعیت و استان‌های کردستان، قم و سیستان و بلوچستان دارای بیشترین محرومیت در این بخش هستند.

آقایان مجید کریم‌زاده و بهزاد کریم‌زاده در تحقیق دیگری با عنوان سنجش سطح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان از لحاظ برخورداری از خدمات بهداشتی درمانی که در سال ۱۳۹۷ چاپ شده است به این موضوع فقط در بخش بهداشتی پرداخته‌اند. با وجود پیشرفت‌های اقتصادی و دستاوردهای بزرگ محققان در زمینه بهداشت و درمان در قرن گذشته، شاهد شکاف‌های مشخص و واضحی در میزان توسعه یافتگی بهداشت و درمان در بین مناطق و کشورها و عدم تعادل و نابرابری در میزان توسعه امکانات بهداشتی و درمانی هستیم. بنابراین، تحقیق فوق با هدف ارزیابی و بررسی نابرابری در توزیع خدمات بهداشتی درمانی در استان سیستان و بلوچستان انجام شد. با در نظر گرفتن مؤلفه‌های مورد بررسی، رویکرد حاکم بر این پژوهش، توصیفی است. جامعه آماری پژوهش را شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان تشکیل داده و اطلاعات مورد نیاز برای رتبه‌بندی شهرستان‌ها از لحاظ برخورداری آنها از سالنامه آماری استان استخراج گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مطالعه به کمک تکنیک تاپسیس و شاخص توسعه یافتگی مورس و نرم افزارهای Excel و TOPSIS Solver به انجام رسید. نتایج تحقیق نشان داد که شهرستان زابل برخوردارترین شهرستان و شهرستان قصرقند کم برخوردارترین شهرستان استان از نظر شاخص‌های مورد بررسی می‌باشند، هم‌چنین، شکاف و نابرابری بالایی بین شهرستان‌های استان وجود دارد. نتایج پژوهش، حاکی از آن است که امکانات و خدمات بهداشتی درمانی در استان سیستان و بلوچستان، به‌طور متوازن توزیع نشده است و از نظر توسعه خدمات حوزه سلامت، اختلاف زیادی میان شهرستان‌ها وجود دارد؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود که جهت کاهش شکاف خدمات حوزه سلامت در شهرستان‌های استان، از طریق برنامه‌ریزی‌های توسعه محور، اقدامات لازم صورت گیرد.

۴- مبانی نظری

اصطلاح "توسعه" به صورت فراگیر پس از جنگ جهانی دوّم مطرح شده است. معنای لغوی توسعه خروج از "لفاف" است (Derek, et al., 2009: 155). در قالب نظریهٔ نوسازی، لفاف همان جامعهٔ سنتی و ارزش‌های مربوط به آن است (روشه، ۱۳۷۶: ۱۶۵). جوامع برای متجدد شدن باید از این مرحلهٔ سنتی خارج شوند (ولفگانگ، ۱۳۷۷: ۲۴). مایکل تودارو^۱ معتقد است که "توسعه را باید فرآیندی چند بُعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامهٔ مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است". "توسعه" در اصل باید نشان دهد که مجموعهٔ نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضعیتی بهتر - از نظر مادی و معنوی - حرکت می‌کند (تودارو، ۱۳۷۸: ۱۳۶). اما نگرش به مفهوم توسعه از آغاز این گونه نبود. پس از جنگ جهانی دوّم توسعه در مفهوم رشد سریع ابعاد کمی و مادی معرفی می‌شد (جیروند، ۱۳۷۳). مثلاً والت روستو^۲ یک اقتصاددان آمریکایی بود که در دههٔ ۱۹۶۰ به دولت کندی ملحق شد و یک نظریهٔ همگانی (فراگیری) را در مورد توسعه تدوین کرد. او (تولید ناخالص ملی) را به عنوان معیاری برای سنجش رشد و توسعهٔ کشورها مطرح و ادعا کرد که اگر ملل جهان سوّم، خواسته‌های خود را برای کالاهای مصرفی افزایش دهند و بطور کلی برای کسب درآمد بیشتر برانگیخته شوند، به توسعه دست خواهند یافت. در این میان، وسایل ارتباط جمعی، بویژه تبلیغات، می‌توانند در بالا بردن تقاضاهای مصرف، مؤثر باشند (بارو، ۱۳۸۶: ۴۵). اما اکنون مفهوم توسعه در نظر بیشتر محققان، همهٔ جنبه‌های زندگی بشری را دربر می‌گیرد. دکتر مجید تهرانیان، معتقد است که "تعریف توسعه باید از نیازهای انسانی آغاز شود که صرف نظر از خوراک و پوشاک و مسکن، به مسائل زندگی معنوی انسان نیز می‌پردازد". وی هم چنین معتقد است؛ "جریان توسعه مستلزم افزایش تولید است. ولی این شرط لازم و کافی نیست. در نهایت امر، شکل استفاده از این

۱- Todaro

۲- Rousto

ظرفیت تولیدی است که سطح و محتوای پیشرفت معنوی هر کشوری را تعیین می‌کند، و این شکل تابعی از نظام ارزشی هر جامعه است.” علت اولیّه طرح مفهوم توسعه پایدار در مقابل توسعه به مفهوم عام، بحران‌های زیست محیطی به وجود آمده در پی صنعتی شدن کشورهای توسعه یافته و فشار جمعیتی در کشورهای فقیر بود (Shriberg, 2002). بطوری که در سال ۱۹۸۷، کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه WCED، “توسعه‌ای را پایدار نامید که در فرآیند آن، ارضای نیازهای نسل حاضر، توانایی نسل‌های آینده برای ارضای نیازهای خود را از بین نبرد.” در سمینارها و کنفرانس‌های بعدی که در رابطه با محیط زیست و توسعه پایدار تشکیل شد، این مفهوم بسط یافت و جنبه‌های مختلف به خود گرفت اما مفهوم اساسی این بود که نیاز و رفاه نسل‌های آینده فدای نیاز و رفاه نسل حاضر و هم چنین رفاه یک جامعه، فدای رفاه جامعه دیگر نشود (Gilbert, et al., 1996). به مفهوم اقتصادی، توسعه پایدار تنها به مسیر و فرآیندی اطلاق می‌شود که در طی آن بدون این که به رفاه یا مطلوبیت نسل‌های آینده لطمه‌ای وارد شود، مطلوبیت یا رفاه نسل حاضر در نظر گرفته می‌شود (Duffield, 2001).

برای تحقّق توسعه پایدار شرایط و اصول مختلفی را مطرح کرده‌اند. اینبانیسی زاکس^۱ در کتاب “بوم‌شناسی و فلسفه توسعه”، بیان می‌کند که “توسعه پایدار بر سه رکن استوار است:

۱. استقلال و سیادت بومیان در امر تصمیم‌گیری و جست‌وجوی سبک بومی خاص برای هر زمینه تاریخی فرهنگی و بوم-زیستی؛
۲. به رسمیت شناختن و ارضای منصفانه نیازهای همه انسان‌ها و هر انسان؛ نیازهای مادی و غیرمادی و در رأس همه، نیاز به تحقّق شخصیت خویشتن با تکیه بر موجودیتی با معنا و هدفدار

رعایت اقتضائات بوم-زیستی؛ یعنی جست‌وجوی توسعه‌ای هماهنگ با طبیعت”
با در نظر گرفتن مطالب عنوان شده که به صورت برداشت کلی خواهد بود، شاخص‌های توسعه در ابعاد اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و زیربنایی که در ادامه ارائه می‌شود شاخص‌های قابل

دسترس برای مجریان بوده و بررسی می‌گردد که عبارتند از:

جدول (۱) - شاخص‌های توسعه اجتماعی - فرهنگی

شاخص‌های توسعه اجتماعی - فرهنگی	
تعداد پزشک عمومی برای هر ۱۰۰۰ نفر	توسعه اجتماعی - فرهنگی
تعداد پزشک متخصص برای هر ۱۰۰۰ نفر	
تعداد تخت بیمارستانی برای هر ۱۰۰۰ نفر	
تعداد کتابخانه برای هر ۱۰۰۰ نفر	
میزان باسوادی زنان بالای ۶ سال	
میزان باسوادی جمعیت بالای ۶ سال	
میزان باسوادی جمعیت روستایی و غیر ساکن	
نسبت دانش آموز دختر به دانش آموز پسر مشغول به تحصیل	
نسبت فارغ التحصیلان دختر به پسر دوره متوسط عمومی و پیش دانشگاهی	
درصد میزان شهرنشینی	
معکوس بُعد خانوار	

جدول (۲) - شاخص‌های توسعه اقتصادی

شاخص‌های توسعه اقتصادی	
معکوس بار تکفل	توسعه اقتصادی
نرخ مشارکت اقتصادی (نرخ فعالیت)	
درصد اشتغال زنان به کل اشتغال	
نسبت شاغلان بخش صنعت به کل اشتغال	
نسبت مجموع شاغلان به کل جمعیت در دوره ۱۰ ساله	
نسبت جمعیت فعال از نظر اقتصادی به کل جمعیت در دوره ۱۰ ساله	

جدول (۳) - شاخص‌های توسعه زیربنایی

شاخص‌های توسعه زیربنایی	
طول کل راه‌های اصلی به ازای هر ۱۰۰ KM	توسعه زیربنایی
نسبت طول راه‌های آسفالت به کل راه‌های منطقه	
نسبت طول راه‌های اصلی چهارخطی به کل راه‌های آسفالت	
نسبت راه‌های آسفالت روستایی به کل راه‌های روستایی	
درصد مسکن‌های بادوام (نسبت مسکن‌های بادوام به کل مسکن)	
نسبت پروانه‌های ساختمانی دوطبقه و بیشتر به کل پروانه‌های صادر شده	
درصد خانوارهای روستایی دارای برق	
درصد مشترکین برق صنعت و معدن	
درصد فروش برق در مصارف صنعت و معدن	
معکوس درصد تصادفات منجر به فوت از کل تصادفات	

۵- شناخت

استان سیستان و بلوچستان با مساحت ۱۸۷۰۵۲ کیلومتر مربع یکی از پهناورترین استان‌های کشور می‌باشد. در سال ۱۳۹۵ سیستان و بلوچستان دارای ۴۸ بخش، ۱۹ شهرستان، ۳۷ شهر، ۱۱۲ دهستان و ۹۸۳۹ آبادی که ۶۸۷۱ آبادی دارای سکنه و ۲۹۶۸ آبادی خالی از سکنه بوده است. بیشترین تعداد بخش مربوط به شهرستان‌های نیکشهر و سرباز هر کدام ۴ بخش و کمترین آنها مربوط به شهرستان زابل با ۱ بخش می‌باشد. بیشترین تعداد شهر را سراوان با ۵ شهر و کمترین آنها را شهرستان‌های دلگان، نیمروز، زهک، مهرستان (زابلی)، هیرمند، فوج، قصرقند و میرجاوه هر کدام بایک شهر دارا می‌باشند. بیشترین تعداد دهستان مربوط به شهرستان‌های نیکشهر، سرباز، خاش با ۱۱ دهستان و کمترین آنها زابل با ۱ دهستان می‌باشد بیشترین تعداد آبادی را زاهدان با ۱۸۴۱ و کمترین آنها زابل با ۹۷ آبادی دارا می‌باشند. مرتفع‌ترین شهر از سطح دریا در بین شهرهایی که دارای ایستگاه سینوپتیک هواشناسی می‌باشند، شهرخاش و کم ارتفاع‌ترین آنها شهر چابهار است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان، ۱۳۹۶).

نقشه (۱) - تقسیمات کشوری استان سیستان و بلوچستان



(مأخذ سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان، ۱۳۹۶)

۶- روش شناسی

پژوهش حاضر بر اساس هدف کاربردی و از نوع تحقیقات علمی می‌باشد و بر اساس ماهیت و روش از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. ماهیت داده‌های مورد استفاده کمی است و شیوه گردآوری داده‌ها و اطلاعات میدانی و اسنادی می‌باشد. چارچوب نگارش را می‌توان بر پایه رابطه متقابل شاخص‌های توسعه در ابعاد اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و زیربنایی، جمع آوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و تحقیقات میدانی (مصاحبه) و تهیه پرسشنامه صورت پذیرفته است. که برای تحلیل داده‌های این قسمت از روش تحلیل تاکسونومی عددی استفاده شده است. روش تاکسونومی عددی در موضوعات مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. از آن جمله می‌توان برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و ملی و بررسی‌های دوگانگی‌های اقتصادی، فرهنگی و توسعه‌ای را نام برد که کاربرد فراوان دارند. هم چنین، این شیوه یکی از روش‌هایی است که جهت گروه‌بندی و رتبه‌بندی مناطق - از لحاظ توسعه‌یافتگی - مورد استفاده قرار می‌گیرد. بدین ترتیب تاکسونومی عددی روشی است که برای طبقه‌بندی موضوعاتی به کار برده می‌شود که بین عناصر تشکیل دهنده هر طبقه حداکثر تشابه یا نزدیکی وجود داشته و در عین حال با سایر عناصر تشکیل دهنده در طبقات تشکیل دهنده هر طبقه نیز حداکثر تشابه یا نزدیکی وجود داشته و در عین حال با سایر عناصر تشکیل دهنده در طبقات دیگر حداکثر اختلاف را دارا باشد. بنابراین "در بحث‌های تاکسونومی عددی هدف این است که همگنی موضوعات مختلف بر اساس فاصله آنها نسبت به همدیگر اندازه‌گیری می‌گردد؛ این بدان معنا است که ما هر مورد را در فضای تاکسونومیک قرار داده و فواصل آنها را محاسبه نماییم. اگر طبقه‌بندی بر اساس یک، دو یا چند خصوصیت (متغیر) باشد، در این صورت فضای تاکسونومیک یک، دو یا چند بُعدی تعریف می‌شود" (عابدی، ۱۳۷۸، ۲۶-۲۵).

۵-۱- مراحل اجرای روش تاکسونومی عددی

مجموعه X را در نظر می‌گیریم که شامل n عضو بوده و بیانگر شهرستان‌های مختلف ۱ و ۲ و ۳ و ... می‌باشد. این‌ها دارای یک گروه از متغیرهای ۱ و ۲ و ۳ و ... و m یا m شاخص (خصوصیت) می‌باشند که به شکل ماتریس زیر نشان داده می‌شوند:

$$\begin{bmatrix} X_{11} & X_{12} & X_{13} \dots X_{1m} \\ X_{21} & X_{22} & X_{23} \dots X_{2m} \\ X_{31} & X_{32} & X_{33} \dots X_{3m} \\ X_{n1} & X_{n2} & X_{n3} \dots X_{nm} \end{bmatrix}$$

بدین ترتیب هر شهرستان توسط یک بردار در یک فضای دو بُعدی نشان داده می‌شود که X_{ij} نشان دهنده خصوصیت (شاخص) j ام شهرستان i ام می‌باشد. با توجه به این که شاخص‌ها دارای مقیاس‌های متفاوتی می‌باشند، باید کاری کرد که دخالت مقیاس‌های متفاوت را از داخل مدل از بین ببرد. بدین منظور در قدم اول، میانگین ستون‌ها را به دست می‌آوریم:

$$\bar{X}_j = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n X_{ij}$$

در مرحله بعدی برای هر ستون از ماتریس X_{ij} ، انحراف معیار را پیدا می‌کنیم:

$$S_j = \sqrt{\frac{\sum_{i=1}^n (X_{ij} - \bar{X}_j)^2}{n}}$$

در گام بعدی عضوهای استاندارد شده ماتریس X_{ij} را در قالب ماتریس جدیدی به نام Z تشکیل می‌دهیم که به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$Z_{ij} = \frac{X_{ij} - \bar{X}_j}{S_j}$$

ماتریس Z دارای ابعاد $n.m$ می‌باشد:

$$\begin{bmatrix} Z_{11} & Z_{12} & Z_{13} \dots Z_{1m} \\ Z_{21} & Z_{22} & Z_{23} \dots Z_{2m} \\ Z_{31} & Z_{32} & Z_{33} \dots Z_{3m} \\ Z_{n1} & Z_{n2} & Z_{n3} \dots Z_{nm} \end{bmatrix}$$

حال ماتریس Z خالی از هر گونه مقیاس می‌باشد و میانگین هر ستون برابر صفر است. یعنی

$$\sum_{i=1}^n Z_{ij} = 0$$

چون اگر از طرف تساوی رابطه سیگما (Σ) بگیریم و بر n تقسیم کنیم حاصل برابر خواهد بود با:

$$\bar{Z}_j = \frac{\sum_{i=1}^n Z_{ij}}{n} = \frac{\sum_{i=1}^n (X_{ij} - \bar{X}_j)}{n.S_j} = \frac{0}{n.S_j} = 0$$

و انحراف استاندارد هر ستون برابر خواهد بود با:

$$S_j = \sqrt{\frac{\sum_{i=1}^n (Z_{ij} - \bar{Z}_j)^2}{n}} = \sqrt{\frac{\sum_{i=1}^n (Z_{ij})^2}{n}} = \sqrt{\frac{\sum_{i=1}^n \left(\frac{X_{ij} - \bar{X}_j}{S_j}\right)^2}{n}}$$

$$= \sqrt{\frac{\sum_{i=1}^n (X_{ij} - \bar{X}_j)^2}{n(S_j)^2}} = \left(\sqrt{\frac{\sum_{i=1}^n (X_{ij} - \bar{X}_j)^2}{n}}\right) / S_j = \frac{S_j}{S_j} = 1$$

داشتن میانگین صفر و انحراف معیار استاندارد یک برای هر ستون، کمک به کنترل صحت ماتریس Z می‌کند. با داشتن ماتریس استاندارد Z ، قدم بعدی به دست آوردن اختلاف یا فاصله دو نقطه از نقطه دیگر $(1, 2, 3, \dots, n)$ برای هر کدام از m متغیر یا شاخص می‌باشد که حاصل آن تشکیل ماتریس پارتیشن می‌باشد. ماتریس مذکور از $(n-1)$ ماتریس تشکیل شده است که می‌توان آنها را توسط $(n-2)$ پارتیشن افقی از هم مجزاً ساخت. ابعاد ماتریس پارتیشن شده به ترتیب از بالا به پایین برابر خواهد بود با $(n-1).m, (n-2).m, \dots, 1.m, (n-3)$

در نتیجه ابعاد ماتریس پارتیشن برابر خواهد بود با:

$$\left(\sum_{i=1}^{n-1} i \right) \times m$$

و یا

$$(1 + 2 + 3 + \dots + n - 1) \times m$$

حال برای پیدا کردن فاصله بین دو نقطه P_b, P_a برای هر مجموعه یا زیرمجموعه از متغیرهای m از رابطه زیر استفاده می‌کنیم، که D_{ab} را از $a, b = 1, 2, 3, \dots, n$ به دست می‌آوریم.

$$\sqrt{\sum_{k=1}^m (D_{ak} - D_{bk})^2}$$

بنابراین $D_{ab} = D_{ba}$ یعنی فاصله a تا b مساوی فاصله b تا a است و $D_{ab} \leq D_{kb} + D_{kb}$ ، که حاصل آن را در ماتریس D (ماتریس فواصل) قرار می‌دهیم.

$$\begin{bmatrix} D_{11} & D_{12} & D_{13} & \dots & D_{1m} \\ D_{21} & D_{22} & D_{23} & \dots & D_{2m} \\ D_{31} & D_{32} & D_{33} & \dots & D_{3m} \\ \dots & \dots & \dots & \dots & \dots \\ D_{n1} & D_{n2} & D_{n3} & \dots & D_{nm} \end{bmatrix}$$

ماتریس D بر اساس رابطه $D_{ab} = D_{ba}$ دارای این خصوصیت است که اولاً قرینه بوده و ثانیاً قطر اصلی آن معادل صفر می‌باشد. عضوهای ماتریس D فاصله ترکیبی (فاصله اولویت) هر شهرستان را از شهرستان‌های دیگر نشان می‌دهد. در هر ردیف یا سطر، کوچکترین فاصله D_a از آن شهرستان تا شهرستان‌های دیگر را می‌توان پیدا کرد که شاخصی برای نشان دادن شباهت آن شهرستان با شهرستان‌های دیگر می‌باشد. از آنجایی که حداقل فاصله بین نقطه فرضی P_a و سایر نقاط در ردیف a ، عدد D_{ab} می‌باشد؛ بنابراین P_b را الگو و P_a را سایه می‌نامند. به عبارت دیگر، هر ردیف کمترین مقدار نشان دهنده کوتاه‌ترین فاصله و شماره ستون مربوط به آن نمایانگر شهرستانی است که به شهرستان‌های مزبور (شماره ردیف) از همه نزدیک‌تر است. برای مثال اگر P_{ab} را در نظر بگیریم که ردیف a م کوچک‌ترین مقدار است، شهرستان a م نیز نزدیک‌ترین شهرستان به شهرستان a م است که b الگوی شهرستان a و a سایه شهرستان b

می‌باشد. حال می‌توان هر سایه‌ای را به الگوش به وسیله یک نمودار برداری (گراف اپتیمم) متصل کرد. شهرستان‌هایی که حداکثر تشابه بین آنها برقرار است، به وسیله برداری به هم وصل می‌شوند. جهت بردار نیز هم جهت با شهرستان مدل یا الگو بوده و طول آن برابر با طول کوتاه-ترین فاصله بین دو شهرستان می‌باشد.

برای آنکه شهرستان‌های همگن را پیدا کنیم، دامنه بحرانی حداکثر $d(+)$ و حداقل $d(-)$ را طبق روابط زیر محاسبه می‌کنیم.

$$d(+)=\bar{d}+\gamma S_d$$

$$d(-)=\bar{d}-\gamma S_d$$

در این رابطه‌ها، \bar{d} میانگین کوتاه‌ترین فواصل و S_d انحراف معیار آن می‌باشد. شهرستان‌هایی که فواصل آنها بین دو دامنه بحرانی $d(+)$ ، $d(-)$ واقع شده باشد، به عنوان فضا‌های همگن مورد توافق قرار می‌گیرند و در یک گروه دسته‌بندی می‌شوند و شهرستان‌هایی که فاصله هر یک از آنها بیش از $d(+)$ بوده باشد، بیانگر این است که هیچ نوع تشابهی از لحاظ اولویت بین آنها وجود ندارد. بنابراین، تمام اتصالاتی که طول آنها بزرگتر از حد بالا $d(+)$ هستند را می‌توان کنار گذاشت، چون طول این فواصل بیشتر از آن است که جزئی از یک نمودار واحد به شمار آیند. هم چنین، تمام اتصالاتی که طول آنها کوچک‌تر از حد پایین $d(-)$ هستند را می‌توان کنار گذاشت؛ چون طول این فواصل کمتر از آن است که تفاوتی را بین دو شهرستان قایل شود. به عبارت دیگر، در چنین حالتی دو شهرستان آنقدر شبیه یکدیگر هستند که نمی‌توانند به عنوان دو شهرستان متفاوت در نظر گرفته شوند. بنابراین با حذف اتصالات بیش از $d(+)$ و کمتر از $d(-)$ ، نمودار حاصل گراف اپتیمال (واحد پیوسته) خواهد بود.

در این مرحله می‌توان در داخل هر گروه همگن، شهرستان‌ها را درجه بندی کرد. برای این کار، مجدداً ماتریس داده‌ها را برای فعالیت‌های همگن تشکیل می‌دهیم. سپس در ماتریس شاخص‌های استاندارد شده، بزرگ‌ترین داده در هر یک از ستون‌ها که مربوط به شاخص‌های انتخابی است، محاسبه می‌گردد. این کار را می‌توان مقدار ایده آل نامید.

پس از یافتن مقادیر ایده‌آل در مورد هر یک از شاخص‌ها، "برخوردارای مطلوب" (C_{io}) را که بیانگر فاصله شهرستان i ام از شهرستان ایده‌آل (O) در ماتریس شاخص‌های استاندارد شده می‌باشد، از رابطه زیر محاسبه می‌کنیم.

$$C_{io} = \sqrt{\sum_{i=1}^m (Z_{ij} - Z_{oj})^2}$$

در این رابطه O نمایانگر شهرستان ایده‌آل، C_{io} شهرستان برخوردار مطلوب و Z_{oj} حداکثر مقادیر (البته در تابع مثبت) ستون‌های ماتریس استاندارد می‌باشند.

هرقدر C_{io} کوچک‌تر باشد دلیل بر برخوردارای (اولویت) شهرستان i ام می‌باشد؛ یعنی فاصله بین شهرستان i ام تا شهرستان ایده‌آل (O) کمتر است و هرقدر C_{io} بیشتر باشد دلیل بر عدم برخوردارای (عدم اولویت) شهرستان i ام می‌باشد.

لازم به یادآوری است که، درجه برخوردارای شهرستان‌ها تابعی از برخوردارای مطلوب و فاصله بحرانی از شهرستان ایده‌آل است که بر اساس رابطه‌های موجود که در ادامه به آنها می‌پردازیم، می‌توان جنبه‌های کاربردی آنها را مورد آزمون قرار داد. اما اگر d_1 را به عنوان نماد اندازه برخوردارای (اولویت) شهرستان i ام در نظر بگیریم، روابط زیر برقرار خواهد بود:

$$d_i = \frac{C_{io}}{C_o}$$

در این رابطه C_o برابر است با:

$$C_o = \bar{C}_{io} + 2S_{io}$$

و

$$\bar{C}_{io} = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n C_{io}$$

و

$$S_{io} = \sqrt{\frac{1}{n} \sum_{i=1}^n (C_{io} - \bar{C}_{io})^2}$$

\bar{C}_{i0} معادل میانگین برخورداری مطلوب و S_{i0} معادل انحراف معیار استاندارد برخورداری مطلوب می‌باشد. بر این اساس d_i بین صفر و یک تغییر می‌کند ($0 < d_i < 1$) و هر چه به صفر نزدیکتر باشد، نشان دهنده برخورداری (اولویت) بالاتر و هر قدر به یک نزدیکتر باشد، نشان دهنده عدم برخورداری (عدم اولویت) بیشتر است. پس از محاسبه d_i ، شهرستان‌هایی را که به ترتیب درجه برخورداری (اولویت) مرتب می‌کنیم.

انطباق شهرستان‌های درجه بندی شده بین درجات ۱ الی ۴ اولویت فرضی است که d_i ($i = 1, 2, \dots, n$) درجات n شهرستان مورد مطالعه می‌باشند و مقدار d و F_i را به صورت زیر می‌توان تعریف کرد:

$$d = \sum_{i=1}^n d_i$$

و

$$f_i = \frac{d_i}{d} \quad i = 1, 2, 3, \dots, n$$

واضح است که:

$$\sum_{i=1}^n f_i = 1 \quad 0 \leq f_i \leq 1$$

بنابراین مقدار f_i را می‌توان اصطلاحاً به عنوان فراوانی نسبی کشور \bar{A}_m از نظر درجه برخورداری (اولویت) تلقی کرد. سپس مقدار F_i (فراوانی نسبی تجمعی شهرستان \bar{A}_m) را به صورت زیر تعریف می‌کنیم.

$$F_i = \sum_{j=1}^i f_j \quad i = 1, 2, 3, \dots, n$$

بنابراین:

$$F_i = f_i, F_n = 1 \quad 0 \leq F_i \leq 1$$

با این توصیف شهرستان‌های واقع در سطوح ۱ الی ۴ اولویت بر اساس معادله موریس به صورت زیر مشخص می‌گردند:

۱- اولویت اول: تمامی شهرستان‌هایی که F_i آنها کوچک‌تر از ۰/۲۵ است.

۲- اولویت دوم: تمامی شهرستان‌هایی که F_i آنها بزرگ‌تر از ۰/۲۵ و کوچک‌تر از ۰/۵ است.

۳- اولویت سوم: تمامی شهرستان‌هایی که F_i آنها بزرگ‌تر از ۰/۵ و کوچک‌تر از ۰/۷۵ است.

۴- اولویت چهارم: تمامی شهرستان‌هایی که F_i آنها بزرگ‌تر از ۰/۷۵ است.

۲-۵- ویژگی‌های روش تاکسونومی عددی

“بطور کلی آنالیز تاکسونومی عددی یک روش عالی درجه بندی، طبقه بندی و مقایسه فعالیت‌های مختلف با توجه به درجه بهره مندی و برخورداری آن فعالیت‌ها از شاخص‌های مورد بررسی می‌باشد. از توانایی‌های عمده این روش آن است که قادر است تا این که دو عمل را در کنار هم انجام دهد؛ یکی این که مجموعه مورد بررسی را بر اساس شاخص‌های ارائه شده به زیر مجموعه‌های همگن تقسیم کند و دیگر آن که عناصر و اعضاء هر زیر مجموعه همگن را درجه بندی کند. این روش هم چنین، به عنوان مدلی شناخته شده در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای مطرح بوده که دارای کاربردهای گسترده و متنوع می‌باشد” (بیدآباد، ۱۳۶۲).

۷- تجزیه و تحلیل داده‌ها

درجه بندی شهرستان‌های استان از لحاظ درجه توسعه یافتگی به وسیله مدل تاکسونومی عددی مورد مطالعه قرار گرفته و داده‌های نهایی توسط نرم افزار Microsoft Excel تحلیل شده و به این ترتیب شهرستان‌ها رتبه‌بندی شده است. شاخص‌های در نظر گرفته شده در راستای رتبه بندی شهرستان‌ها در سه حوزه اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و زیربنایی در نظر گرفته شده است. شهرستان‌ها ابتدا به تفکیک در هر حوزه رتبه بندی شده و سپس به صورت کلی توسعه‌نهایی که شامل هر سه حوزه می‌باشد مورد ارزیابی قرار گرفته است.

جدول (۴) - شاخص‌های مورد ارزیابی در زمینه توسعه استان

اجتماعی-فرهنگی	اقتصادی	زیربنایی
تعداد پزشک عمومی برای هر ۱۰۰۰ نفر	معکوس بار تکفل	طول کل راه‌های اصلی به ازای هر ۱۰۰ KM
تعداد پزشک متخصص برای هر ۱۰۰۰ نفر	نرخ مشارکت اقتصادی (نرخ فعالیت)	نسبت طول راه‌های آسفالت به کل راه‌های منطقه
تعداد تخت بیمارستانی برای هر ۱۰۰۰ نفر	درصد اشتغال زنان به کل اشتغال	نسبت طول راه‌های اصلی چهارخطی به کل راه‌های آسفالت
تعداد کتابخانه برای هر ۱۰۰۰ نفر	نسبت شاغلان بخش صنعت به کل اشتغال	نسبت راه‌های آسفالت روستایی به کل راه‌های روستایی
میزان باسوادی زنان بالای ۶ سال	نسبت مجموع شاغلان به کل جمعیت در دوره ۱۰ ساله	درصد مسکن‌های بادوام (نسبت مسکن‌های بادوام به کل مسکن)
میزان باسوادی جمعیت بالای ۶ سال	نسبت جمعیت فعال از نظر اقتصادی به کل جمعیت در دوره ۱۰ ساله	نسبت پروانه‌های ساختمانی دوطبقه و بیشتر به کل پروانه‌های صادر شده
میزان باسوادی جمعیت روستایی و غیر ساکن		درصد خانوارهای روستایی دارای برق
نسبت دانش آموز دختر به دانش آموز پسر مشغول به تحصیل		درصد مشترکین برق صنعت و معدن
نسبت فارغ التحصیلان دختر به پسر دوره متوسط عمومی و پیش دانشگاهی		درصد فروش برق در مصارف صنعت و معدن
درصد میزان شهرنشینی		معکوس درصد تصادفات منجر به فوت از کل تصادفات
معکوس بُعد خانوار		

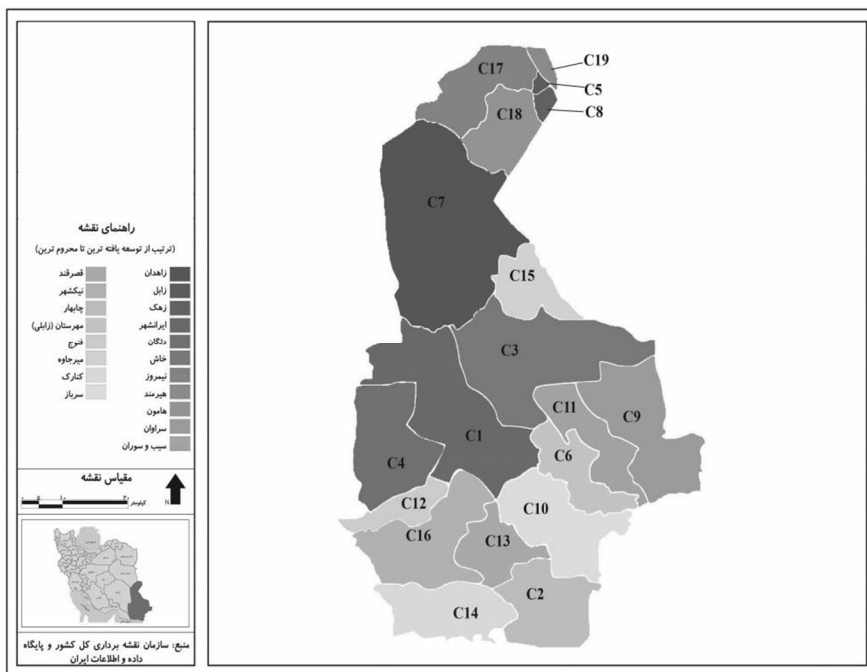
۶-۱- توسعه اجتماعی - فرهنگی

در جدول ۵ به بررسی توسعه شهرستان‌ها بر اساس شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی پرداخته شده است.

نمودار (۱) - توسعه اجتماعی-فرهنگی شهرستان‌ها



(*) هر چه ضریب به دست آمده کمتر باشد، شهرستان توسعه یافته‌تر می‌باشد.

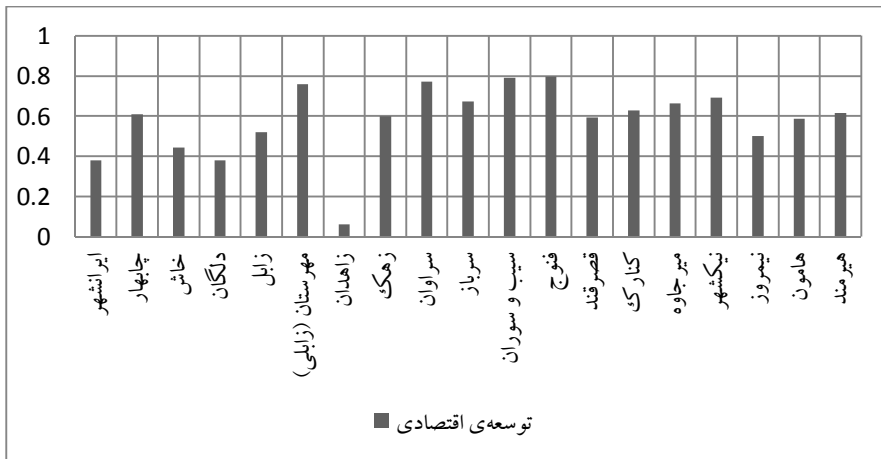


۶-۲- توسعه اقتصادی

در جدول ۶ به بررسی توسعه شهرستان‌ها بر اساس شاخص‌های اقتصادی پرداخته شده است.

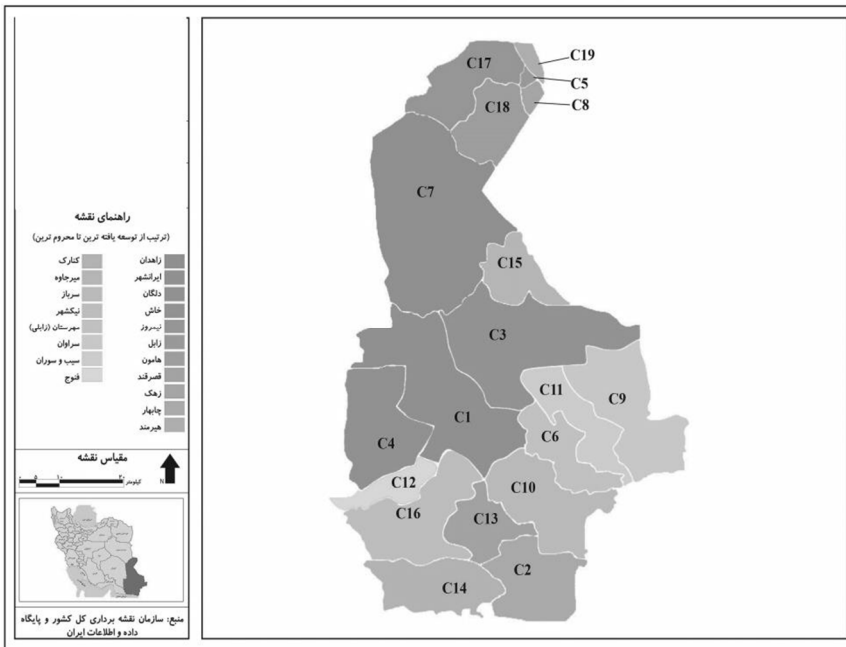
جدول (۶) - درجه توسعه اقتصادی شهرستان‌ها

شاخص							شهرستان
Fi	نسبت جمعیت فعال از نظر اقتصادی به کل جمعیت در دوره ۱۰ ساله	نسبت مجموع شاغلان به کل جمعیت در دوره ۱۰ ساله	نسبت شاغلان بخش صنعت به کل اشتغال	درصد اشتغال زنان به کل اشتغال	نرخ مشارکت اقتصادی (نرخ فعالیت)	معکوس بار تکامل	
۰/۳۸۰	۳۰	۱۹	۱/۵۶	۱۵/۴۸	۳۱/۰۵	۰/۱۶	C1
۰/۶۰۸	۲۸	۱۳	۰/۲۸	۱۰/۵	۳۰/۳۲	۰/۲	C2
۰/۴۳۳	۳۰	۲۱	۱/۵۵	۱۲/۳	۲۹/۲۳	۰/۱۷	C3
۰/۳۸۰	۲۷	۱۹	۱/۵۶	۱۵/۴۸	۳۱/۰۵	۰/۱۶	C4
۰/۵۲۱	۲۶	۱۰	۰/۳۵	۱۰/۵۵	۲۹/۹۶	۰/۱۸	C5
۰/۷۶۰	۲۶	۱۲	۰/۸۵	۱۲/۰۴	۲۶/۱۷	۰/۲۳	C6
۰/۰۶۱	۳۰	۲۳	۱/۴۹	۱۵/۱۸	۳۰/۴۹	۰/۲	C7
۰/۵۹۸	۲۶	۱۰	۰/۲۳	۹/۵۵	۲۹/۹۶	۰/۲۱	C8
۰/۷۷۰	۲۳	۱۳	۰/۸۵	۱۲/۰۴	۲۶/۱۷	۰/۲۲	C9
۰/۶۷۳	۲۲	۱۸	۰/۱۱	۱۱/۹۳	۲۸/۵۱	۰/۲۳	C10
۰/۷۹۰	۲۵	۱۵	۰/۸۵	۱۲/۰۴	۲۶/۱۷	۰/۲۲	C11
۰/۷۹۶	۲۱	۱۰	۰/۵۵	۹/۰۳	۲۷/۱۹	۰/۲۴	C12
۰/۵۹۳	۲۱	۱۱	۰/۶۸	۹/۴۲	۲۳/۷۶	۰/۲۱	C13
۰/۶۲۸	۲۶	۱۳	۰/۲۹	۱۰/۵	۳۰/۳۲	۰/۲	C14
۰/۶۶۳	۲۴	۱۲	۰	۱۰/۱۲	۲۱/۱۱	۰/۲۳	C15
۰/۶۹۲	۲۸	۱۷	۰/۳۳	۱۲/۱۴	۲۵/۰۲	۰/۲۱	C16
۰/۵۰۱	۲۹	۱۴	۱/۳۱	۱۴/۴۲	۲۸/۱۶	۰/۱۸	C17
۰/۵۸۷	۲۳	۱۱	۰/۶۹	۸/۴۷	۲۷/۹۶	۰/۲۱	C18
۰/۶۱۴	۲۴	۹	۰/۱۹	۹/۵۲	۲۹/۹۶	۰/۲	C19



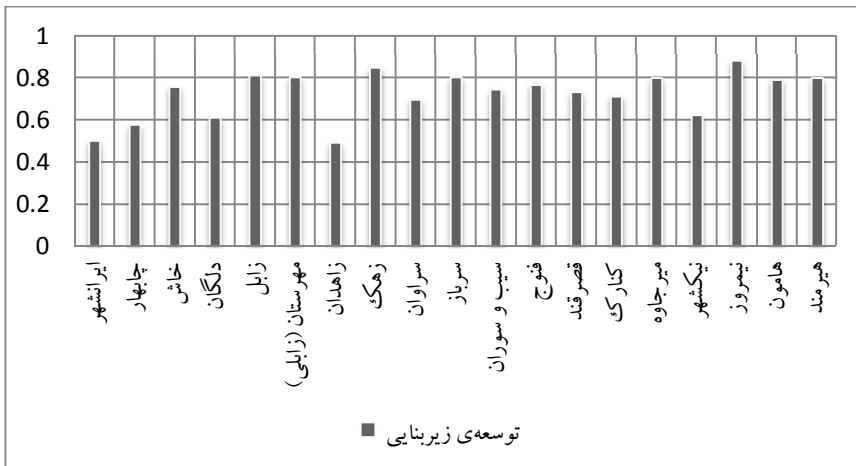
نمودار (۲) - توسعه اقتصادی شهرستان‌ها

(* هر چه ضریب به دست آمده **کمتر** باشد، شهرستان **توسعه یافته‌تر** می‌باشد.)



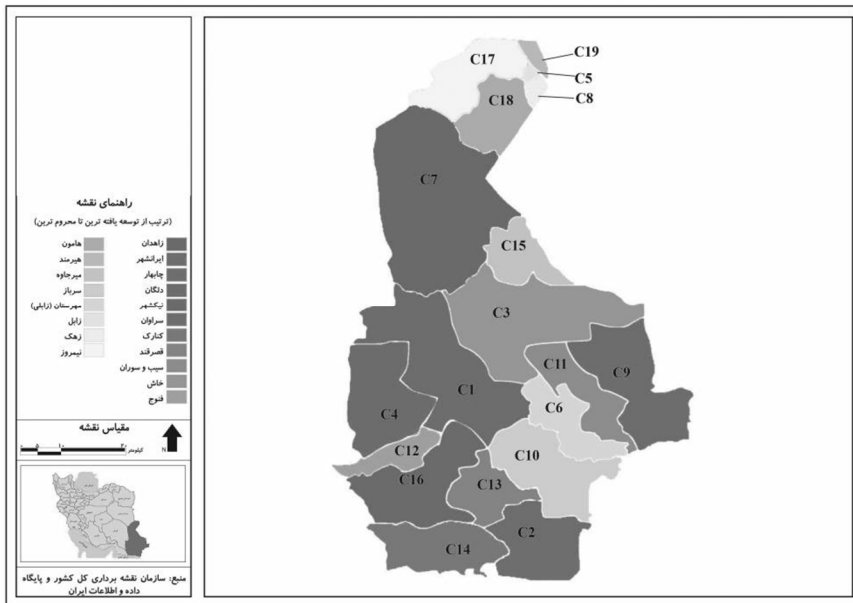
۳-۶- توسعه زیربنایی

در جدول ۷ به بررسی توسعه شهرستان‌ها بر اساس شاخص‌های زیربنایی پرداخته شده است.



نمودار (۳) - توسعه‌ی زیربنایی شهرستان‌ها

(* هر چه ضریب به دست آمده کمتر باشد، شهرستان توسعه یافته‌تر می‌باشد.)



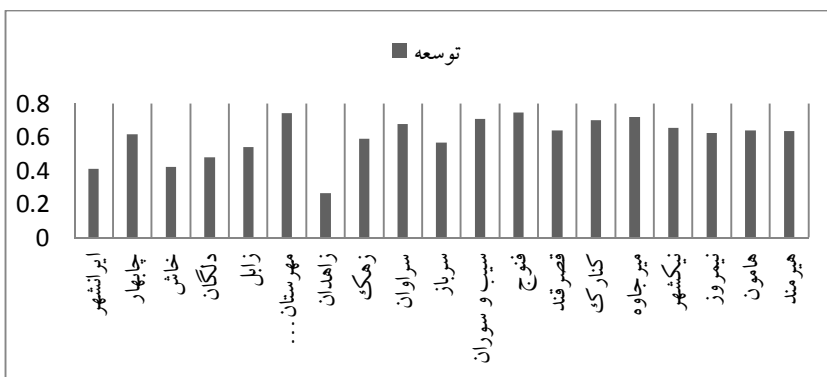
۶-۴- توسعه

نتایج به دست آمده در جدول ۸ نمایانگر میزان امتیاز نهایی شهرستان‌ها در زمینه توسعه با توجه به مجموع ابعاد توسعه و ضرایب آنها می‌باشد. جدول ذیل بیانگر آن است که با توجه به مجموع شاخص‌ها در هر سه حوزه توسعه، شهرستان‌های فنج، مهرستان، میرجاوه، سیب و سوران،

سراوان به ترتیب توسعه نیافته ترین شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان می‌باشند.

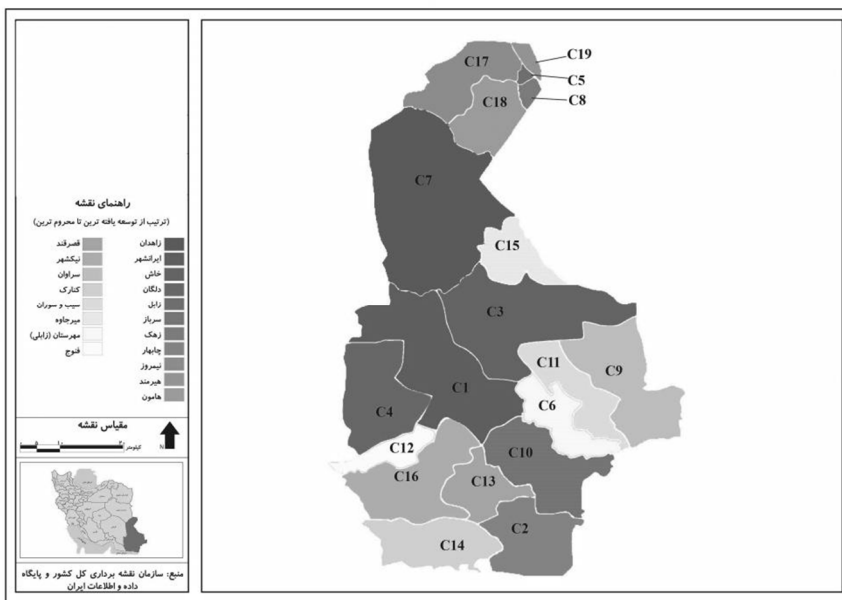
جدول (۸) - امتیاز نهایی شهرستان‌ها با توجه به مجموع ابعاد توسعه

Fi	گزینه‌ها	نام اختصاری
۰/۴۱۰	ایران‌شهر	C1
۰/۶۱۸	چابهار	C2
۰/۴۲۲	خاش	C3
۰/۴۸۰	دلگان	C4
۰/۵۴۳	زابل	C5
۰/۷۴۴	مهرستان (زابلی)	C6
۰/۲۶۶	زاهدان	C7
۰/۵۹۳	زهک	C8
۰/۶۸۱	سراوان	C9
۰/۵۶۸	سرباز	C10
۰/۷۰۹	سیب و سوران	C11
۰/۷۴۹	فنوج	C12
۰/۶۴۲	قصرقند	C13
۰/۷۰۳	کنارک	C14
۰/۷۲۲	میرجاوه	C15
۰/۶۵۷	نیکشهر	C16
۰/۶۲۵	نیمروز	C17
۰/۶۴۰	هامون	C18
۰/۶۳۸	هیرمند	C19



نمودار (۴) - توسعه شهرستان‌ها (شامل مجموع شاخص‌ها)

(* هر چه ضریب به دست آمده کمتر باشد شهرستان توسعه یافته‌تر می‌باشد)



۶-۵- رتبه بندی توسعه شهرستان‌ها

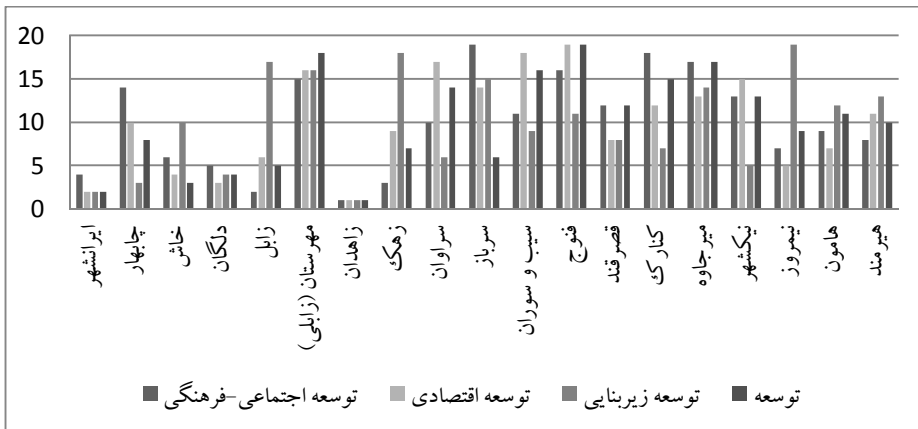
در این قسمت رتبه بندی توسعه شهرستان‌ها بر مبنای ضرایب به دست آمده از شاخص‌های ابعاد اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و زیربنایی مورد بررسی قرار گرفته که نتایج حاصله در جدول ۹ ارائه گردیده است. ضمن این که همان‌طور که در توضیح مدل تاکسونومی عددی بیان شد، F_i به دست آمده برای هر شهرستان بین صفر و یک می‌باشد و هر چه قدر ضریب مذکور به صفر

نزدیک‌تر باشد نشان دهنده توسعه یافتگی بیشتر و هر قدر به یک نزدیک‌تر باشد بیانگر عدم توسعه یافتگی است. همان طور که در جدول مشاهده می‌شود در رتبه بندی شهرستان‌ها در حوزه توسعه اجتماعی-فرهنگی شهرستان‌هایی که دارای بیشترین توسعه می‌باشند به ترتیب اولویت عبارتند از: زاهدان، زابل، زهک، ایرانشهر، دلگان و شهرستان‌های زاهدان، ایرانشهر، دلگان، خاش، نيمروز؛ هم چنین، در زمینه توسعه اقتصادی به ترتیب اولویت بیشترین توسعه را دارا می‌باشند. در بُعد زیربنایی، شهرستان‌های زاهدان، ایرانشهر، چابهار، دلگان، نیکشهر بر اساس اولویت دارای بیشترین رتبه می‌باشند. و در پایان با بررسی مجموع ضرایب شاخص‌ها برای هر شهرستان، شهرستان‌های زاهدان، ایرانشهر، خاش، دلگان، زابل به لحاظ اولویت دارای بیشترین میزان توسعه و بالاترین رتبه می‌باشند.

جدول (۹) - رتبه بندی توسعه شهرستان‌ها (از توسعه یافته‌ترین تا محروم‌ترین)

شهرستان	توسعه اجتماعی - فرهنگی		توسعه اقتصادی		توسعه زیربنایی		توسعه	
	رتبه	Fi	رتبه	Fi	رتبه	Fi	رتبه	Fi
ایرانشهر	۴	۰/۳۴۹	۲	۰/۳۸۰	۲	۰/۵۰۲	۲	۰/۴۱۰
چابهار	۱۴	۰/۶۶۹	۱۰	۰/۶۰۸	۳	۰/۵۷۸	۸	۰/۶۱۸
خاش	۶	۰/۴۶۶	۴	۰/۴۴۳	۱۰	۰/۷۵۷	۳	۰/۴۲۲
دلگان	۵	۰/۴۴۹	۳	۰/۳۸۰	۴	۰/۶۱۱	۴	۰/۴۸۰
زابل	۲	۰/۲۹۵	۶	۰/۵۲۱	۱۷	۰/۸۱۳	۵	۰/۵۴۳
مهرستان (زابلی)	۱۵	۰/۶۷۱	۱۶	۰/۷۶۰	۱۶	۰/۸۰۳	۱۸	۰/۷۴۴
زاهدان	۱	۰/۲۴۵	۱	۰/۰۶۱	۱	۰/۴۹۲	۱	۰/۲۶۶
زهک	۳	۰/۳۳۲	۹	۰/۵۹۸	۱۸	۰/۸۵۰	۷	۰/۵۹۳
سراوان	۱۰	۰/۵۷۸	۱۷	۰/۷۷۰	۶	۰/۶۹۶	۱۴	۰/۶۸۱
سرباز	۱۹	۰/۹۵۰	۱۴	۰/۶۷۳	۱۵	۰/۸۰۳	۶	۰/۵۶۸
سیب و سوران	۱۱	۰/۵۹۵	۱۸	۰/۷۹۰	۹	۰/۷۴۲	۱۶	۰/۷۰۹
فنوج	۱۶	۰/۶۸۴	۱۹	۰/۷۹۶	۹	۰/۷۴۲	۱۹	۰/۷۴۹
قصرقند	۱۲	۰/۶۰۱	۸	۰/۵۹۳	۸	۰/۷۳۲	۱۲	۰/۶۴۲
کنارک	۱۸	۰/۷۶۹	۱۲	۰/۶۲۸	۷	۰/۷۱۳	۱۵	۰/۷۰۳
میرجاوه	۱۷	۰/۷۰۳	۱۳	۰/۶۶۳	۱۴	۰/۸۰۱	۱۷	۰/۷۲۲
نیکشهر	۱۳	۰/۶۵۸	۱۵	۰/۶۹۲	۵	۰/۶۲۳	۱۳	۰/۶۵۷
نیمروز	۷	۰/۴۹۲	۵	۰/۵۰۱	۱۹	۰/۸۸۳	۹	۰/۶۲۵
هامون	۹	۰/۵۴۱	۷	۰/۵۸۷	۱۲	۰/۷۹۲	۱۱	۰/۶۴۰
هیرمند	۸	۰/۵۰۱	۱۱	۰/۶۱۴	۱۳	۰/۷۹۹	۱۰	۰/۶۳۸

نمودار (۵) - رتبه بندی توسعه شهرستان‌ها (از توسعه یافته‌ترین تا محروم‌ترین)



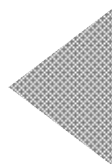
نتیجه‌گیری

رتبه بندی توسعه شهرستان‌ها بر مبنای ضرایب به دست آمده از شاخص‌های ابعاد اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و زیربنایی مورد بررسی قرار گرفته است. ضمن این که همان طور که در توضیح مدل تاکسونومی عددی بیان شد، F_i به دست آمده برای هر شهرستان بین صفر و یک می‌باشد و هر چه قدر ضریب مذکور به صفر نزدیک‌تر باشد نشان دهنده توسعه یافتگی بیشتر و هر قدر به یک نزدیک‌تر باشد بیانگر عدم توسعه یافتگی است. در رتبه بندی شهرستان‌ها در حوزه توسعه اجتماعی- فرهنگی شهرستان‌هایی که دارای بیشترین توسعه می‌باشند به ترتیب اولویت عبارتند از: زاهدان، زابل، زهک، ایرانشهر، دلگان و شهرستان‌های زاهدان، ایرانشهر، دلگان، خاش، نیمروز؛ هم چنین، در زمینه توسعه اقتصادی به ترتیب اولویت بیشترین توسعه را دارا می‌باشند. در بُعد زیربنایی، شهرستان‌های زاهدان، ایرانشهر، چابهار، دلگان، نیکشهر بر اساس اولویت دارای بیشترین رتبه می‌باشند. و در پایان با بررسی مجموع ضرایب شاخص‌ها برای هر شهرستان، شهرستان‌های زاهدان، ایرانشهر، خاش، دلگان، زابل به لحاظ اولویت دارای بیشترین میزان توسعه و بالاترین رتبه می‌باشند. با توجه به این نتایج باید در جهت پیشرفت دیگر شهرستان‌های استان نسبت به شهرستان‌های رتبه بالا برنامه‌ریزی لازم در سه حوزه مذکور در توسعه صورت بگیرد تا شاهد افزایش پیشرفت استان هم تراز با دیگر استان‌های کشور باشیم.

منابع

- بارو، سی. جی. (۱۳۸۶)، **توسعه پایدار: مفهوم، ارزش و عمل**، ترجمه سید علی بدری، مجله تحقیقات جغرافیایی شماره ۴۴.
- بیدآباد، بیژن. (۱۳۶۲)، **آنالیز تاکسونومی و کاربرد آن**، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- تودارو، مایکل. (۱۳۷۸)، **توسعه اقتصادی در جهان سوم**، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، چاپ نهم.
- جیروند، عبدالله. (۱۳۷۳)، **توسعه اقتصادی مجموعه عقاید**، چاپ چهارم، چاپخانه سهند.
- روشه، گی. (۱۳۷۶)، **تغییرات اجتماعی**، ترجمه منصور وثوقی، نشر نی.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان، ۱۳۹۶.
- عابدی، محمد. (۱۳۷۸)، **سنجش تطبیقی میزان توسعه شاخص‌های بخش عمران شهری و منطقه‌ای شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز، تبریز.
- ولفگانگ، زاکس. (۱۳۷۷)، **نگاهی نو به مفاهیم توسعه**، ترجمه فریده فرهی و وحید بزرگی، ناشر نشر مرکز.
- کریم‌زاده، مجید. کریم‌زاده، بهزاد. (۱۳۹۷)، **سنجش سطح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان از لحاظ برخورداری از خدمات بهداشتی درمانی**، مجله زانکو، شماره ۶۲، ص ۱۸-۳۰.
- میرغفوری، سید حبیب‌الله. طحاری مهرجردی، حسین. بابایی، حمید. (۱۳۸۹)، **شناسایی وضعیت توسعه یافتگی و رتبه بندی استان‌های کشور از لحاظ دسترسی به شاخص‌های بخش کتابخانه‌ای**، مجله علمی پژوهشی کتابداری و اطلاع‌رسانی، شماره ۵۱، ص ۲۴۳-۲۷۰.
- Derek Gregory. Ron Johnston, Geraldine Pratt, Michael Watts, Sarah Whatmore, (2009), **The Dictionary of Human Geography**, Edition 5, Publisher, Wiley.
- Duffield, Mark, (2001), **Global Governance and the New Wars**, London, Zed Book.
- Gilbert., Stevenson. Girardet, & Stren. (1996), **Making cities work: the role of local authorities in the urban environment**. London: Earthscan.
- Shriberg, Mike , (2002), **Sustainability in as higher Education: Organizational factors influencing campus Environ mental performance and leadership**. Dissertation the University of Michigan.

آینده‌نگاری و سناریوسازی ظهور نسل پیر در آینده و مراقبت‌های لازم با توجه به دیجیتالی شدن امور رفاهی در نظام جمهوری اسلامی ایران در آینده



حبیب‌الله سالارزهی^۱

باقر کرد^۲

احسان نامدار جویمی^۳

(تاریخ دریافت ۹۷/۱۰/۲۵ - تاریخ تصویب ۹۷/۱۲/۲۵)

چکیده

در این پژوهش به دنبال شناسایی و دسته‌بندی ذهنیات مختلف بر اساس ادبیات پژوهش و اجماع نظرات خبرگان برای آینده‌نگاری رخدادهای و مشکلات احتمالی پیش روی نسل آتی پیر با توجه به دیجیتالی شدن امور رفاهی در نظام جمهوری اسلامی ایران در آینده هستیم. در این پژوهش از فن دلفی که فنی آینده‌نگرانه و بر اساس نظرات خبرگان و اجتماع است، استفاده شده است. تصاویر آینده شامل ساختارهای ذهنی است. رویکرد این مقاله عمدتاً توصیفی و اکتشافی است. در این پژوهش از نظرات ۳۸ متخصص در راندهای دلفی استفاده شده است که در ابتدا ۱۲ نفر از اعضا انتخاب شدند و توسط نمونه‌گیری گلوله برفی نفرات بعدی معرفی شده‌اند و در فرایند

۱ - دانشیار گروه مدیریت دولتی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

۲ - دانشیار گروه مدیریت دولتی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

۳ - دانشجوی دکترای مدیریت منابع انسانی، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. (نویسنده

پژوهش مشارکت کرده‌اند. به دلیل ماهیت عملکردی فن‌آوری‌های رفاهی، برجسته کردن نقاط کور و خلأهای مطالعاتی را در شیوه‌ها، مشکلات مربوط به چگونگی ساخت فن‌آوری‌های رفاهی روشن می‌کند. ورای دیدگاه‌های خوش بینانه (مانند فن‌آوری به زندگی بهتر منجر می‌شود) و دیدگاه‌های بدبینانه (مانند فناوری زندگی را کنترل می‌کند)، این پژوهش به دنبال بررسی همه‌جانبه آینده‌نگاری آتی نسل پیر در ایران با رویکرد دیجیتالی شدن رفاه و فناوری‌های مربوطه به آن است به‌طور کلی چهار دسته سناریو در این پژوهش بر اساس ادبیات و اجماع نظرات خبرگان و در نهایت بر اساس ذهنیات مختلف شکل گرفته است که عبارت‌اند از: ۱- دیدگاه خصوصی، ۲- دیدگاه دولتی، ۳- دیدگاه چشم‌انداز آکادمیک، ۴- دیدگاه دستاورد اجتماعی- مادی شناور در مکان و زمان.

واژگان کلیدی: سالمندی، پیری، آینده، نظام جمهوری اسلامی ایران، سناریو، ذهنیت.

۱-مقدمه

دیجیتالی کردن مراقبت‌های بهداشتی و خدمات اجتماعی در کشورهای اروپایی تحت عنوان کلی "تکنولوژی رفاه" قرار می‌گیرد. "فناوری رفاه فناوری است که به ما در بهبود خدمات ارائه‌شده از سوی جامعه رفاهی کمک می‌کند و آن‌ها را کارآمدتر می‌کند". با توجه به جمعیتی که بسیار سریع در حال پیر شدن است، این موضوع به‌عنوان یکی از مبرم‌ترین چالش‌ها در سطح جهانی در نظر گرفته می‌شود. در واقع برآورد شده است که تا سال ۲۰۳۰، افراد بالای ۶۵ سال، حدود ۲۴ درصد از جمعیت اروپا، ۲۲ درصد ایالات متحده و ۱۲ درصد در آسیا و آمریکای لاتین را تشکیل دهند (Czaja & Schulz, 2006, p. 6). طبق سرشماری مرکز آمار کشور در سال ۹۵ بیش از ۹ درصد جمعیت ما (بیش از ۷ میلیون نفر) سالمند هستند. از سویی با اجرای سیاست‌های **کاهش جمعیت** در دهه‌های گذشته، اکنون **نرخ باروری** رقم ۱/۸ را نشان می‌دهد. با این توصیف و با رشد جمعیتی که پیش رو داریم در سه دهه آینده با بحرانی به نام **سالمندی** روبه‌رو خواهیم شد که از همین امروز باید فکری به حال آن و مشکلاتش کرد. در این پژوهش به این مهم و امور مربوطه به آن برای سال‌های آتی پیش‌بینی خواهد شد تا برای رفاه این جمعیت تدابیری اندیشیده شود.

به‌طور کلی در این راستا دو سناریو وجود دارد: سناریوی قرن نقره و سناریوی مرزهای باز. فرض اساسی سناریوی قرن نقره، ادامه وضعیت و روند فعلی است که رفتارها و سیاست‌ها در آن تغییر نخواهد کرد. از سوی دیگر سناریوی مرزهای باز سیاستی آینده است که بر اساس آن "رهبران اقدامات ویژه‌ای را برای جبران کمبود جمعیت با تشویق فعالانه مهاجرت در نظر گرفته‌اند. با توجه به این سناریو، تغییر جمعیتی نه‌تنها به دلیل تغییرات جمعیت‌های موجود بلکه به دلیل مهاجرت رخ می‌دهد.

با جمعیتی که به‌طور روزافزون بزرگ‌تر و ناهمگن‌تر می‌شود، چالش‌های جدیدی پیدا می‌شوند و با این حساب فناوری رفاه به‌عنوان راه‌حلی برای چندین مشکل تغییرات جمعیت شناخته‌شده است (Hanson, Magnusson & Sennemark, 2011; Morteson, Sixsmith & Woolrych, 2015). تکنولوژی در حال حاضر در ارائه خدمات درمانی و نگهداری در منزل، نظارت در خانه، ارتباطات تعاملی، انتقال اطلاعات سلامت و ... (Czaja & Schulz, 2006) به‌کاربرده می‌شود. نمونه‌هایی از راه‌حل‌های فن‌آوری رفاه عبارت‌اند از: زنگ هشدارهای اضطراری شخصی با مکان‌یاب‌های جی‌پی‌اس برای افراد مبتلا به آلزایمر که ممکن است گم شوند؛ یادآوری مصرف دارو/ جعبه قرص روزانه با زنگ هشدار و امکان دریافت اعلان از کارکنان پزشکی؛ و پایانه‌های کارمند تلفن همراه با پرونده‌های مراقبت، لیست دارو، نسخه و دستورالعمل آن و ... (Nordic Centre for Welfare and Social Issues, 2010, p. 8). قبل و بعد از جنگ تحمیلی علیه ایران در دهه ۶۰ و قبل از آن ظهور خانواده‌های پرتعداد قابل‌مشاهده بوده است. باگذشت زمان و نزدیک شدن به دهه‌های ۷۰ و ۸۰ خانواده‌ها به تک‌فرزندی سوق پیدا کرده‌اند و خانواده‌هایی با چندین فرزند تبدیل به خانواده‌هایی با یک‌الی دو فرزند و یا بدون فرزند شده‌اند. حال دو مسئله اساسی به وجود می‌آید. مسئله اول نسلی که پرجمعیت بوده‌اند و در حال حاضر جوان و میان‌سال هستند بعد از چندین دهه به نسلی پیر تبدیل می‌شوند که نیازمند مراقبت‌های خاص و نمایش خاص خود هستند که دولت و جامعه باید برای این مهم تدابیری اندیشه‌کنند و مسئله دوم آن است که این نسل در حال حاضر جوان و در آینده پیر، باید با نسلی جوان جای‌گزین شود تا حداقل توزیع سنی در میان‌سالی و پیری از توازن برخوردار باشد که نیازمند تدابیر حمایتی و مشارکتی در بازآفرینی نسلی و زاد و ولد است. این پژوهش بر روی مسئله اول متمرکز است که باوجود نسلی پیر در آینده امروزه چه تدابیری برای

حمایت از آن‌ها اندیشیده شود و چه سناریوهایی در پیش رو وجود دارید تا با آینده‌نگری و به‌پیش و از آن‌ها رفتن درصدد رفع نیازهای احتمالی و راه‌حل‌های پیشنهادی و جایگزین باشیم. در این پژوهش به این مهم پرداخته شده است و امید است برای سلامت جسمانی و روانی جامعه و کشور مفید واقع شود. با توجه به دیجیتال شدن و اینترنتی شدن همه چیز و وجود فضای مجازی و شکل‌گیری دولت الکترونیک، قاعدتاً بهداشت، درمان و سلامت و به‌طور کلی امور رفاهی و درمان به سمت وسوی دیجیتالی شدن سوق پیدا خواهد کرد که در این پژوهش به این مهم توجه شده است.

پیشرفت‌های تکنولوژیک مستلزم مطالعاتی است که به‌طور انتقادی مسیری که نوآوری تکنولوژیک در آن در حال حرکت هستند را مورد بررسی قرار دهند. همچنین قابل توجه است که به "تکنولوژی رفاهی" اشاره شود؛ تکنولوژی رفاهی به یک ناهمگونی بزرگ از فن‌آوری‌های بهداشتی و کمک فن‌آوری‌های زندگی که مستلزم همکاری بازیگران مختلف در بخش‌های عمومی هستند، اشاره دارد (Calvaresi et al. 2017).

این مقاله متکی به درک رویه‌ای از پیری به‌عنوان بخشی از زندگی است؛ هدف این است که مفهوم پیری را به‌عنوان فرایندی که تحت تأثیر منافع، سیاست و دیدگاه‌های مختلف بازیگران در میدان است، تعریف کنیم؛ چه تأثیر فن‌آوری و چه تأثیر انسانی مورد توجه قرار گیرد (cf Orlikowski & Scott, 2008). دولت‌ها در شبکه‌های غیرمتمرکز با بازیگران عمل می‌کنند، تجزیه و تحلیل ساختارهای پیری آینده به وجود آمده از اقدامات و تعاملات چنین بازیگرانی بسیار مهم است. هدف اصلی مشکل‌یابی چنین ساختارهایی این است که بفهمیم اشخاص پیر در آینده چه مشخصه‌هایی دارند و در آینده پیر شدن در ارتباط با فناوری دربردارنده‌ی چه چیزی است. فناوری بر همه ما تأثیر می‌گذارد و هر جنبه‌ای از زندگی معاصر را فرامی‌گیرد و گرفته است، حتی نقشی حیاتی‌تر در آینده مراقبت‌های بهداشتی و خدمات اجتماعی در سراسر جهان ایفا خواهد کرد (McCreadie, 2013). ما معتقدیم که درک اهمیت فناوری برای جهان امروز و همچنین آینده، باید در مرکز یک سیاست انسان‌محور قرار بگیرد. از این رو دست به این پژوهش زده‌ایم و این عنوان را بررسی می‌کنیم.

ما روی آینده به‌عنوان چیزی تحریک‌پذیر و قابل‌بحث (Latour, 1984)، برای سناریوهای مختلف و چندگانه (Sadar, 2010) که با روابط اجتماعی-مادی و روابط بین جنبه‌های

اجتماعی و مادی هستند، تمرکز می‌کنیم (Orlikowski, 2007). ساختارهای پیری آینده با بررسی شیوه‌های اعمال‌شده توسط بازیگران اصلی در عرصه تکنولوژی رفاه، تحلیل شده‌اند. ما این شیوه‌ها را تکنولوژی رفاه می‌نامیم.

امروزه تمرکز شدیدی بر تکنولوژی رفاه دیجیتال به‌عنوان راهی برای بهبود کیفیت در حین کاهش بار کاری کارکنان حرفه‌ای و مربوطه وجود دارد (Centre for Rural and Social Issues Nordic Centre for Welfare and Social Issues 2010; Søndergård, 2014).

در سال‌های اخیر تعدادی از محققان از رشته‌های مختلف از قبیل جامعه‌شناسی، روانشناسی، علوم فن‌آوری و مطالعات و نوآوری، طراحی و علوم رایانه و ... و به مبحث پر جنب‌وجوش پیری و فناوری کمک کرده‌اند (Author, 2017). مفاهیم فن‌آوری رفاه، فن‌آوری‌های کمکی و سلامت الکترونیک از موضوعات این رشته هستند (پیری و تکنولوژی در آینده‌نگاری) که به‌ویژه در ده سال گذشته توجه مخاطبان گسترده‌ای فراتر از جامعه‌ی علمی را به خود جلب کرده‌اند. این افزایش علاقه می‌تواند با در نظر گرفتن فشارهای نهادی مؤسسات مالی بین‌المللی نیز به وجود آمده باشد. در سال ۲۰۰۲، سازمان بهداشت جهانی (۲۰۰۲) یک چارچوب سیاستی را برای اطلاع‌رسانی و برنامه‌ریزی برنامه‌های پیرامون ترویج سلامت و پیر شدن فعال ارائه داد. در سال ۲۰۰۹ کمیسیون اروپا مذاکرات همفکری را آغاز کرد که منجر شد سال ۲۰۱۲ به‌عنوان سال اروپا در زمینه پیری فعال و همبستگی نسل‌های آتی اعلام شود (Parent, 2010). "جهانی‌سازی ما را بیشتر وابسته به تصمیماتی که در سایر نقاط جهان گرفته می‌شود می‌کند، و جمعیت در حال پیر شدن تقاضای بیشتری برای منابع نسل‌های آینده دارد" (Lindh & Lundberg, 2008, p. 204). از این‌رو، با مطالعه دقیق تکنولوژی رفاه در نظام جمهوری اسلامی ایران در اعصار آینده، دانشی را تولید می‌کنیم که در دولت حال و دولت‌های دیگر هم کاربرد خواهد داشت.

تعریف فناوری رفاه در طول زمان تغییر کرده است و هنوز بر سر آن توافق وجود ندارد (Östlund, Olander, Jonsson & Frennert, 2015). تفاوت بین مفهوم فن‌آوری رفاه و فناوری کمکی (AT) بر نقش اصلی مقامات دولتی در نوآوری و ارائه خدمات با استفاده از راه‌حل‌های تکنولوژیکی متکی است، که به هر جهت مواردی هستند که در ادبیات مربوط به تکنولوژی کمکی و سلامت الکترونیک دیده می‌شوند. در خصوص سلامت الکترونیک، "کلمه

الکترونیک نشان از جمع‌آوری وسیع داده‌ها، ذخیره‌سازی و انجام وظایف پیچیده به‌طور سریع و قابل‌اعتماد دارد" (Hardey & Loader, 2009, p. 659). از این به بعد از اصطلاح فناوری رفاه، مفهومی برای ارجاع به فن‌آوری‌هایی که معمولاً با توجه به عملکردهای حمایتی، پاسخگو یا پیشگیرانه دورهم جمع شده‌اند استفاده می‌کنیم (Beech & Roberts, 2008). فن‌آوری‌های حمایتی به افراد کمک می‌کند تا کارهایی را انجام دهند که ممکن است انجام آن‌ها به‌تنهایی برایشان مشکل باشد (مثلاً یادآوری مصرف دارو/ جعبه قرص روزانه و ...). فن‌آوری‌های پاسخگو، بر اساس تشخیص و واکنش، به افراد کمک می‌کنند تا ریسک‌ها را کنترل کنند و زنگ‌های هشدار را افزایش دهند (مثلاً زنگ‌های هشدار اضطراری شخصی). فن‌آوری‌های پیشگیرانه مبتنی بر پیش‌بینی و مداخله، موقعیت‌های خطرناک را کاهش می‌دهند و زنگ هشدار را افزایش می‌دهند (مثلاً سیستم‌های کلیدی برای پرستاری در خانه).

فیزیوتراپیست‌ها و پزشکان مسئولیت تجویز انواع مختلف محصولات را دارند، اما "ارزیابی برای هر فرد لازم است تا AT مناسب انتخاب شود و به آن‌ها عرضه شود" (Kylberg et al., 2015, our emphasis). این سیستم رفاهی در کنار امید به زندگی بالاتر و پیش‌بینی افزایش افراد مبتلا به بیماری‌های مزمن، آینده مالی را برای مقامات محلی خطرناک می‌کند (Søndergård, 2014).

درحالی‌که گفتمان عمومی در مورد پیری، با نگرانی صحبت می‌کند، چشم‌انداز کسب‌وکار به فرایند پیری به‌عنوان یک فرصت نگاه می‌کند. سالمندان یک "بخش بازار" هستند (Ahn, Beamish & Carruci Goss, 2008, p. 244) و فن‌آوری رفاه وسیله‌ای برای "پیر شدن مثبت یا موفق" است (Rudman, 2006, ص ۱۸۴)، یعنی "تولید و افزایش کسب‌وکار برای ارتقای سلامت و رفاه در پیری و افراد سالمند" (Rudman, 2006, p. 184). چنین دیدگاهی از مفهوم "پیری فعال" می‌آید که توسط سازمان بهداشت جهانی به‌عنوان "فرآیند بهینه‌سازی فرصت‌ها برای سلامت، مشارکت و امنیت برای ارتقاء کیفیت زندگی در هنگام پیر شدن افراد" معرفی شده است (Rudman, 2002, p. 12).

اگرچه چندین دیدگاه در زمینه تکنولوژی رفاهی و پیری متفاوت وجود دارند، به نظر می‌رسد که فقط یک دیدگاه در یک‌زمان در ادبیات، چه عمومی، چه خصوصی یا علمی، غالب است و از زمانی به زمانی دیگر و یا از مکانی به مکانی دیگر می‌تواند متفاوت باشد.

پیر شدن را می‌توان به‌عنوان یک فرایند که به فرهنگ و زندگی‌نامه شخصی بستگی دارد و به خواسته‌ها و نیازهای مختلف منجر می‌شود در نظر گرفت (Mahmood, Yamamoto, Lee & Steggell, 2008). علاوه بر این پیر شدن می‌تواند به‌عنوان نتیجه انتخاب‌های سیاسی و اقتصادی که در حال حاضر و آینده ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد، دیده شود (Lindh & Lundberg, 2008). با این حال، یک منطق برگرفته از فن‌آوری گسترده و نئولیبرال تمایل دارد، این ناهمگونی را کاهش دهد (Sadar, 1999; 2010)، درحالی که جنبه‌های جالب هویت افراد را نادیده می‌گیرد (Martison & Berridge, 2015; McCall, 2005). آینده با یک فرد سالم، فعال، موفق، مستقل، مسئول در حال پیر شدن مرتبط است و مراقبت‌های رفاهی در آینده متکی به حمایت و نظارت هستند (Armstrong, 1995; Clarke, 1995; Shim, Mamo, Fosket & Fishman, 2003; Essén, 2008; Morteson, Sixsmith & Woolrych, 2015)؛ نتایج پیری به‌طور فزاینده‌ای به سالمندان و خانواده‌های آن‌ها محول می‌شود. چنین سناریوهای یک‌شکلی با این واقعیت در تضاد است که "تقریباً تمام مشکلاتی که امروزه با آن مواجه می‌شویم پیچیده، درهم‌آمیخته، متناقض، در محیط نامطمئن و در زمینه‌هایی که به‌سرعت در حال تغییر هستند قرار گرفته‌اند" (Sadar, 2010, p. 183). بر این اساس، هیچ فردی نمی‌تواند به‌تنهایی بر اساس سنش شناخته شود، زیرا هویت وی یک محصول پیچیده‌تر از "روابط میان چندین بعد و وجه از روابط اجتماعی و تشکیل موضوعاتی از این قبیل" است (McCall, 2005, p. 1772).

با در نظر گرفتن پیری به‌عنوان یک فرایند اجتماعی، ما تمرکزمان را می‌گذاریم روی اینکه چگونه ارتباطات بین پویایی‌های اجتماعی - به‌ویژه اداره کردن نوآوری - و شیوه‌های خاص با استفاده از فناوری‌ها نسل آینده به‌عنوان یک فرآیند که شامل مجموعه‌ای گسترده از بازیگران، نه‌تنها افراد مسن به‌عنوان کاربران نهایی یا مصرف‌کنندگان که موضوع پژوهش‌های قبلی بوده است پیکربندی می‌شود (for example Peine, Rollwagen & Neven, 2014). ما به استفاده از فناوری برحسب شیوه‌های فناوری رفاہ اشاره می‌کنیم. به آن‌ها شیوه می‌گوییم به این معنی که آن‌ها روش‌های روزمره شده‌ی دستیابی به رفاہ هستند که با ایده‌های خاصی از آنچه عملکرد خوبی را تشکیل می‌دهند به آگاهی رسیده‌اند (Gherardi, 2012). "فناوری" یک مفهوم تجربی است (Orlikowski, 2007; Orlikowski & Scott, 2008).

اکنون وضعیتی را مدنظر قرار می‌دهیم که در آن بازیگران مختلف پیری خود را می‌سازند و

شیوه‌های فناوری را هنگام ملاقات و برخورد با دیگران مجسم می‌کند. اینکه ما به مسئله سالمندی به صورت یک بحران نگاه کنیم یا خیر، به سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های جامعه برای جوانان امروز که سالمندان آینده هستند و همچنین برای سالمندان کنونی بستگی دارد. به هر حال سالمندی نیز مانند سایر دوره‌های زندگی یک جزء جدایی‌ناپذیر از زندگی بسیاری از انسان‌هایی است که موفق به رسیدن به این دوره شده‌اند. اگر جامعه برای اشتغال امروز جوانان و سلامتی، بهداشت، تغذیه مناسب، ورزش، رفاه و حتی شادی آنان برنامه‌ای نداشته باشد، طبیعتاً در آینده نزدیک که این افراد وارد سنین سالمندی شوند، با مشکلات عدیده سلامتی شامل پوکی استخوان، انواع بیماری‌ها، ناتوانی‌های شدید و ... مواجه می‌شوند و مسلماً این یک بحران است؛ اما اگر جامعه به تناسب روند تغییرات جمعیتی، برنامه‌ای دقیق و حساب‌شده هم برای سالمندان و هم برای جوانان امروز و حتی نوجوانان و ... داشته باشد، جمعیت سالمند سالم‌تری خواهیم داشت و در نتیجه این جمعیت سالمند می‌تواند دوره سالمندی و سالخوردگی خود را با مشکلات کمتری طی کند. باید توجه داشت که اگر مسئله سالمندی به بحران تبدیل شود، علاوه بر اینکه خود سالمند به طور مستقیم با مشکلات آن دست‌وپنجه نرم می‌کند، هم برای خانواده‌های دارای فرد سالمند و هم برای جامعه و دولت به طور مستقیم و غیرمستقیم مشکلات زیادی ایجاد شده و واقعاً به یک بحران جدی تبدیل می‌شود. از این رو به پیشواز چنین مسائل رفتن دغدغه اصلی این پژوهش است و در این پژوهش به دنبال بررسی این چالش و آینده‌نگاری این موضوع با تأکید بر موضع دیجیتال شدن امور رفاهی و بهداشتی و درمانی (تکنولوژی رفاهی) هستیم؛ زیرا امروزه در عصر دیجیتال زندگی می‌کنیم و همه چیز به سمت دیجیتال شدن سوق پیدا می‌کند و مطالعه این مورد حائز اهمیت است و بررسی این عنوان را ضروری می‌کند. با توجه به مطالعات صورت گرفته مطالعات کم و محدود و گسیخته‌ای صورت گرفته است که همین موضوع نشان‌دهنده خلأ مطالعاتی این عنوان است و در این پژوهش به این مهم پرداخته شده است.

در این پژوهش به دنبال شناسایی و دسته‌بندی ذهنیات مختلف بر اساس ادبیات پژوهش و اجماع نظرات خبرگان برای آینده‌نگاری رخدادهای پیش روی نسل آتی پیرو راه‌حل‌های موجود برای رویارویی با آن‌ها با توجه و تأکید بر دیجیتال شدن امور رفاهی در نظام جمهوری اسلامی ایران هستیم.

در راستای هدف پژوهش که در بالا مطرح شده است، سؤالات زیر مطرح می‌شود:

سؤال اول: ذهنیات مختلف در زمینه رخدادهای و مشکلات احتمالی پیش روی نسل آتی پیر با توجه به دیجیتالی شدن امور رفاهی چیست؟

سؤال دوم: راه‌حل‌های مختلف برای رویارویی در آینده با این مشکلات احتمالی با توجه به دیجیتالی شدن امور رفاهی چیست؟

۲- روش‌شناسی پژوهش و مروری بر ادبیات برای شروع راند اول دلفی (استخراج تم‌های اولیه)

سناریوها و آینده‌نگاری، دو مفهوم مشابه هستند. سناریوها به روایت از آینده اشاره می‌کنند که حاوی مجموعه‌ای از توالی فرضی از حوادث است که منجر به پویایی می‌شود. آینده‌نگاری را می‌توان به‌عنوان توضیحی از وضعیت خاص از امور در یک‌زمان خاص در آینده تعریف کرد (Kuhmonen, 2017). پس سناریوسازی، پویا و آینده‌نگاری، ایستا است.

مفهوم "سناریو" اغلب موردانتقاد قرار گرفته است، یک سناریو باید دو ویژگی اساسی داشته باشد: ماهیت توصیفی از یک وضعیت در آینده و دنباله‌ای از وقایع که قادر به پیشرفت از وضعیت فعلی به وضعیت آینده است (Godet et al., 2009). به‌عبارت‌دیگر، عامل اصلی برای تشخیص سناریوها از فرضیه یا حتی تصاویری از آینده (آینده‌نگاری)، مسیرهای توسعه آن از حال حاضر به آینده است. دودسته از سناریوهای اصلی قابل‌شناسایی است: سناریوهای اکتشافی / توصیفی و سناریوهای پیش‌بینی / هنجاری (van Notten et al., 2003). سناریوهای اکتشافی / توصیفی، یادگیرنده و هدایت‌گرا هستند، از روند گذشته و حال موجود تا آینده ایجاد می‌شوند (Nowack et al., 2011; Godet et al., 2009). از سوی دیگر، سناریوهای پیش‌بینی / هنجاری بر پایه آینده هستند، با تمرکز بر ابزار و راه‌های جایگزین که منجر به آن می‌شود (Nowack et al., 2011; Godet et al., 2009).

سناریوها و تصاویر آینده می‌توانند در آینده پژوهش و نگارش آینده مورد استفاده قرار بگیرند تا بتوانند آینده، ممکن و احتمالات آینده را مورد بررسی قرار دهند (van Notten et al., 2003). سناریوها اغلب بر اساس داده‌های واقعی در حال حاضر در دسترس هستند، اما تصاویری از آینده بر اساس ذهن، دانش و تجربیات شخصی است. با این حال، هر دو مفاهیم شامل

ابعاد ذهنی و عینی است. در این پژوهش از سناریوسازی و آینده‌نگاری استفاده شده است. هر دو مفهوم از ویژگی‌های منحصر به فرد هدایت انتخاب‌های انسانی و شکل دادن به آینده ایجاد شده‌اند. تصویری از آینده خود طبیعتاً نظام‌مند است که از دانش ساختاری و اجتماعی تشکیل شده است و با تصورات غنی شده است؛ بنابراین، تصمیم‌گیرندگان را هدایت می‌کند و یا جنبه‌های مثبت در تصاویر آتی مطلوب را حفظ می‌کند (Rubin, 2013).

مشارکت‌کنندگان در زمینه‌های گوناگون، با دیدگاه‌های متفاوت نسبت به یک مسئله خاص متمرکز هستند. باید این‌گونه اظهار داشت که طیف متنوعی از نیازها، انگیزه‌ها، خواسته‌ها و ارزش‌هایی وجود دارد که سناریوهای خوب باید از آن استفاده کنند. علاوه بر این، یکپارچگی ارزش‌ها، دیدگاه‌ها و بینش ذینفعان در فرآیند ساختن سناریو کمک می‌کند تا گستره وسیعی از آینده را بررسی کند که چگونه قدرت و منافع ذینفعان با تغییرات ایدئولوژی و پارادایم در حال ظهور شکل می‌گیرد (Wright & Cairns, 2011). به همین ترتیب، ناهمگنی دانش، درک و دیدگاه در شکل‌گیری تصاویر آینده ضروری است (Rubin & Linturi, 2001). روش دلفی به‌طور گسترده‌ای به‌عنوان یک ابزار کارآمد برای استخراج اطلاعات مورد نیاز از پانل‌های متخصص در موارد مختلف و خاص است. در این پژوهش برای این مهم از تکنیک دلفی استفاده شده است.

در این مطالعه، تصاویری از ظهور نسل پیر در آینده با توجه و تأکید بر دیجیتالی شدن رفاه در نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس مواد جمع‌آوری شده از طریق پانل دلفی ایجاد شده است. رویکرد این مقاله عمدتاً توصیفی و اکتشافی است.

دلفی به‌عنوان یک روش برای درخواست تصاویر کارشناسان از آینده به‌صورت سیستماتیک با مجموعه‌ای از پرسشنامه‌ها و بازخورد کنترل‌شده مورد استفاده قرار می‌گیرد (Linstone & Turoff, ۲۰۱۱). روش دلفی برای شرایطی مناسب است که مشکلات در آن بسیار متنوع هستند و توسعه آینده آن‌ها بستگی به تصمیمات بازیگران و ملاحظات اخلاقی دارد. تصاویر آینده ارائه شده و ارزیابی احتمال و ترجیح آن‌ها تنها بر اساس پاسخ‌های پانل دلفی بوده است. تمام تصاویر آینده قابل تصور است و امکان رویارویی با آن وجود دارد. هنگامی که نیاز به پیش‌بینی یا روشن شدن آینده وجود دارد، گزینه‌های متعددی از روش‌های آینده‌پژوهی وجود دارد. در این مطالعه، از روش دلفی استفاده شده و انتخاب پانل بر اساس اهداف مطالعه انجام شده است.

روش دلفی بر این فرض استوار است که گروهی از کارشناسان برتر قادرند دیدگاه‌های مبتنی بر شواهد برای پیشرفت‌های آینده را از طریق بحث و نظر ایجاد کنند. با این حال، پویایی گروه می‌تواند اغلب نتایج پانل را بی‌اعتبار کند و بنابراین روند دلفی ناشناس است. این اجازه می‌دهد تا افراد نظرات خود را آزادانه‌تر بدون ترس از قضاوت توسط دیگران بیان کنند. اعضای گروه دلفی نیز در طی تکرار این فرآیند فرصتی برای یادگیری از یکدیگر دارند و نظراتشان را تغییر می‌دهند. تکرار راندهای دلفی نیز به معنای استدلال عمیق‌تر در مورد موضوع است و اجازه می‌دهد تا شرکت‌کنندگان به‌طور ناشناس نظرات خود را بر اساس نظر گروه بررسی کنند؛ بنابراین، روش دلفی به‌عنوان یک نسخه کنترل‌شده از یک بحث عمل می‌کند (Gordon, 2012). نتایج حاصل از مطالعه دلفی ارزیابی گزینه‌های مختلف آینده را در اختیار شما قرار می‌دهد، در حالی که دقت پیش‌بینی‌ها مهم نیست (Glenn, 2009).

انتخاب و جمع‌آوری اعضای پانل بخش چالش‌انگیز و وقت‌گیر یک مطالعه دلفی است (Millett & Honton, 1991). با این حال، همیشه مشخص نیست که چه کسی متخصص است. علاوه بر این، متخصصان برتر اغلب مشغول و درگیر مشاغل خود هستند. روش نمونه‌برداری گلوله برفی که در آن کارشناسان دیگر و در دسترس را نشان می‌دهند در این پژوهش استفاده شده است.

در این پژوهش از نظرات ۳۸ متخصص در راندهای دلفی استفاده شده است که در ابتدا ۱۲ نفر از اعضا انتخاب شدند و توسط نمونه‌گیری گلوله برفی نفرات بعدی معرفی شده‌اند و در فرایند پژوهش مشارکت کرده‌اند. در این پژوهش برای رسیدن به اجماع نظرات متخصصان از ضریب کندال استفاده شده است که این ضریب بین یک و صفر است و هر چه این ضریب به یک نزدیک‌تر باشد می‌توان این‌گونه اظهار کرد که نظرات به اجماع بیشتری دست یافته است. در ابتدا سناریوهای ساختگی و بر اساس مطالعات گذشته در اختیار اعضای پانل قرار گرفته است و تم‌های مختلف در این سناریوها به اجماع گذاشته است (متن‌هایی بر اساس تم‌های مختلف ساخته شدند و متخصصان بر اساس تم‌های موردنظر خود به متون مربوطه مواردی حذف و اضافه می‌کنند که بر اساس تم‌های مشخص شده هستند) و بر اساس نظرات خبرگان حذف و اضافه شده‌اند و در نهایت سناریوهای نهایی و مورد اجماع استخراج شده است و سپس نظر تک‌تک افراد بر اساس نظر نهایی و اجماع رسیده برای بررسی روایی و پایایی پژوهش در نظر گرفته شده و تغییراتی

اعمال شده است که نتیجه نهایی این تغییرات نیز به تأیید همگی رسیده است (اجماع انجام شده است) و بر اساس نظرات متخصصان بر اساس اجماع صورت گرفته سناریوهای نهایی بیان شده است. به این روش سناریوسازی بر اساس تکنیک دلفی گفته می‌شود. هدف از انجام این پژوهش ظهور نسل پیر در آینده با توجه و تأکید بر دیجیتالی شدن رفاه در نظام جمهوری اسلامی ایران است. در ادامه بر ادبیات موضوع به صورت خلاصه اشاره‌ای می‌شود بر اساس ادبیات و نظرات خبرگان، ذهنیت‌های مختلف در زمینه سناریوهای مختلف برای نسل پیر در آینده با توجه و تأکید بر دیجیتالی شدن رفاه آورده خواهد شد.

۳- یافته‌های پژوهش

در ادامه، بر اساس ادبیات پژوهش و اجماع نظرات خبرگان ساختارهای مختلف پیر شدن (سناریو) در آینده را که با ساختارهای افراد مسن و شیوه‌های فناوری رفاه درهم آمیخته‌اند، توصیف می‌کنیم. هدف این نیست که طبقه‌بندی جامعی را ارائه دهیم، زیرا جمع‌آوری تمام اطلاعات موجود، غیرممکن است و ذهنیات پراکنده‌ای در این باب وجود دارد اما بر اساس انتزاع و ذهنیت پژوهشگر، ذهنیات مختلف در این باب به چهار دسته کلی قابل تقسیم است. در عوض، هدف ما پیدا کردن مشکلات روابط بین شیوه‌های فن‌آوری رفاه و پیر شدن در آینده است تا کشف کنیم که چه میزان این ساختارها دیدگاه منجر به دیدگاه چندجانبه از آینده می‌شوند و سناریوهای مختلف در این باب را به تصویر بکشیم و توصیف کنیم.

۳-۱- سناریوی اول، دیدگاه خصوصی

رابطه بین پیری و فن‌آوری رفاه به روش‌های مختلف در گفتمان‌های شرکت‌ها و در شیوه‌نمایش فن‌آوری بیان شده است. یکی از این‌ها افراد مسن را به‌عنوان قربانیان عملکرد بدنی و / یا عقلی در حال تحلیلشان معرفی می‌کند. شیوه‌های فناوری رفاه، عمدتاً از طریق نظارت بر افراد مسن و همچنین از طریق تشویق پیری فعال به دنبال جبران این کاستی‌ها هستند. این ساختار اشاره دارد به افراد سالخورده در آینده که اجازه دارند در طول زندگی خود توانایی‌های خود را برای رفاه جسمی، اجتماعی و ذهنی تحقق بخشند. با این حال، شرکت‌ها می‌دانند که اجرای تکنولوژی رفاهی نهایتاً یک فرآیند تصمیم‌گیری عمومی خواهد بود.

از این دیدگاه، سالمندان قربانیان سیستم دولتی هستند (به‌عنوان مثال، شهرداری‌ها) که به دلیل

عدم وجود یک فرآیند، فرهنگ و کارکنان مطلوب جلوی ادغام فناوری برای پیر شدن در آینده را می‌گیرند. طولانی بودن تصمیم‌گیری‌های دولتی یک چالش است که شرکت‌ها در ارتقاء فن‌آوری‌های مراقبت، با آن مواجه هستند.

جایگزینی کار انسانی با مداخله بازیگران غیرانسانی (به‌عنوان مثال، فناوری) اجازه می‌دهد تا در منابع مالی صرفه‌جویی شود و درعین‌حال بار اضافی کارکنان و پرستاران حرفه‌ای (انسان) صرفه‌جویی شود. بدین ترتیب، شیوه‌های فناوری رفاه، قصد دارند پیری در آینده را به یک فرآیند کارآمد برای همه بازیگران تبدیل کنند.

۲-۳- سناریوی دوم، دیدگاه دولتی

حضور مقامات دولتی به دلیل نقش نهادی آن‌ها در ارائه خدمات مراقبت و فن‌آوری و به تبع آن نیاز به ملاقات با تأمین‌کنندگان و همچنین سایر بازیگران که علاقه‌مند به اشتراک گذاشتن تجربیات، شبکه‌ها و دانش در مورد پیر شدن و فناوری است. روش دولت برای مقابله با یک جمعیت در حال پیر شدن در ساختارهای مختلفی تجسم یافته است. دیدگاه افراد مسن‌تر به‌عنوان افراد آسیب‌پذیر، ساختاری است که در اطلاعات جمع‌آوری شده از بخش دولتی نیز بازتاب می‌یابد. اگرچه در اینجا بحث بیشتر در مورد چگونگی برخورد با آسیب‌پذیری به شیوه‌ای مشارکتی است. مشارکت افراد سالخورده در توسعه فناوری‌های مراقبت، راه‌حل کلیدی پاسخگویی بهتر به نیازها و خواسته‌های افراد سالخورده در آینده است: پیر شدن مستقل (بدون وابستگی به دیگران) پیش‌نمائی مربوط به این ساختار است.

نگرانی در سازمان‌های بخش دولتی و شرکت‌ها که افراد مسن افرادی پرهزینه هستند در همه آن‌ها مشترک است. با توجه به کاهش مداوم منابع عمومی، استانداردسازی یکی از مهم‌ترین شیوه‌های رفاهی برای توجیه و عادی‌سازی می‌شود، یعنی ناهمگونی نیازها را به‌طور مؤثر کاهش می‌دهد. بر اساس منابع محدود، بخش دولتی قصد شناسایی دامنه مقرون‌به‌صرفه از الزاماتی را دارد که مطابق آن‌ها خدمات رفاهی را توسعه و ارائه می‌دهند. از این منظر، اختصاصی بودن مقامات دولتی به‌عنوان مؤسساتی که فن‌آوری رفاه را اداره می‌کنند، همراه با ساختار افراد مسن به‌عنوان شهروند پدیدار می‌شود.

۳-۳- سناریوی سوم، دیدگاه چشم‌انداز اکادمیک

بسیاری از شرکت‌کنندگان در پروژه‌های تحقیقاتی و آزمایش‌ها فن‌آوری‌های مراقبت از سالمندان بر چشم‌انداز دانشگاهی نسبت به پیری باور دارند. افراد مسن، افرادی هستند که باید نگهداری شوند. بدن ممکن است بعد از یک رویداد جدی (مثلاً سکتة مغزی) نیاز به احیای مجدد داشته باشد، یا محرک‌های صحیح داشته باشد تا بتواند روی فرم بماند و فعال باشد. تحرک اغلب به‌عنوان چیزی که باعث سبک زندگی سالم می‌شود معرفی شده است و فناوری امکان این امر را به شیوه‌ای ایمن فراهم می‌آورد. این ساختار تا حدی با ساختار افراد مسن به‌عنوان ذهن‌های شکننده در تضاد است، یعنی افرادی که از لحاظ ذهنی فعال هستند اما در خطر از دست دادن توانایی‌های ذهنی خود هستند. شیوه‌های فناوری رفاه به دنبال نظارت بر فعالیت‌های فکری است تا اقداماتی که در صورت تحلیل عقلی باید اتخاذ شوند انجام شوند. نظارت به‌عنوان یک اقدام پاسخگو برای واکنش سریع در صورت لزوم طراحی شده است، بنابراین نظارت و کنترل بخشی جدایی‌ناپذیر از مراقبت می‌شوند. هوشمند بودن فن‌آوری‌ها نیز با ویژگی‌های سازگاری مرتبط است؛ فرض شده است فن‌آوری‌ها خود قادر به اداره‌ی احساسات و در نتیجه داشتن توانایی واکنش مناسب به احساسات انسانی هستند.

در آخر، زمانی که بازیگران میدان‌ها و عرصه‌های مختلف اجتماعی به افراد مسن نگاه می‌کنند یک ساختار در وضعیت خاص ظاهر می‌شود. دیجیتالی شدن فناوری رفاه پا به پای بلوغ دیجیتالی شدن همه زمینه‌های اجتماعی در حال رشد است و این دانش برای جذب در عرصه نوآوری و استارت‌آپ بین‌المللی، بسیار مهم و حائز اهمیت است؛ بنابراین به نظر می‌رسد پیری در آینده بی‌شک دیجیتالی است و مطابق با سیاست‌های اروپا از تکنولوژی رفاه است و این سیاست‌ها به کشورهای آسیایی از جمله نظام جمهوری اسلامی ایران قابل اشاعه است.

۳-۴- سناریوی چهارم، دیدگاه دستاورد اجتماعی - مادی شناور در مکان و زمان

معرفی مفهوم شیوه‌های فن‌آوری رفاه ما را قادر می‌سازد تا فناوری رفاه را به‌عنوان یک دستاورد اجتماعی - مادی که در فضا و زمان قرار دارد توضیح دهیم. پیری توسط بازیگران مختلف به‌صورت متفاوت ساخته می‌شود که روند بازار فعلی، سیاست‌های رفاه و منافع را وضع می‌کند. لازم به ذکر است که صدای سالمندان در این بین شنیده نشده است، نظریه‌ای که روی همان

چیزی تأکید می‌کند که محققان علوم اجتماعی در زمینه‌ی مطالعات پیر شدن تأیید می‌کنند؛ این فناوری برای پیرها طراحی شده است به‌جای اینکه با پیرها طراحی شده باشد (Östlund, 2015; Olander, Jonsson & Frennert, 2015). به عبارتی فناوری‌ای مناسب است که افراد پیر در آن دخالت داشته باشند و خودشان آن چیزی را که بهتر می‌پسندند انتخاب و تولید شود، نه بالعکس.

درک مشخصات فرد مسن در آینده در ارتباط با بازیگران، از یک‌سو و اینکه پیری در آینده چه چیزهایی را به همراه دارد و از سوی دیگر، نیاز به تجزیه و تحلیل روابط بین پویایی اجتماعی و مادی‌گرایی فن‌آوری دارد (Orlikowski, 2007; Orlikowski & Scott, 2008). بسیار حائز اهمیت است و باید مورد بررسی قرار گیرد زیرا این مهم امری است که نظام جمهوری اسلامی ایران به‌زودی با آن روبرو می‌شود و ناگزیر است برای آن راهکاری اندیشه کند. این رابطه سازنده بین اجتماع و مادیات بر دیجیتالی شدن مراقبت‌های رفاهی تأکید دارد که فرایندی است که در ساختارهای فن‌آوری محور و پیر شدن دیجیتالی شکل گرفته است. رویکرد اجتماعی مادی (Orlikowski, 2007)، دیجیتالی‌سازی را به‌عنوان فرایندی فراگیر که از طریق شیوه‌های مختلفی که به‌صورت مادی بر سازمان‌دهی فضا و زمان تأثیر می‌گذارد، توضیح می‌دهد، مانند فناوری‌های رفاهی برای پیری در منزل خود و به‌طور مستقل.

۴- بحث و نتیجه‌گیری پژوهش

با این حال، تعداد شیوه‌های شناخته‌شده، استدلال ضعیفی را برای مقابله با تقلیل‌گرایی معرفت‌شناختی که ما قبلاً به آن اشاره کردیم، ارائه می‌دهد، زیرا این منجر به یک دیدگاه چندگانه از پیری در آینده نمی‌شود. فقدان مجسم‌سازی دیدگاه چندگانه می‌تواند به‌وضوح درک شود که آن را با عدم وجود معنادار شیوه‌های مربوط به مثلاً قومیت و جنسیت، از یک‌سو و عدم وجود صریح اختلافات در مورد فناوری رفاه از سوی دیگر ربط دارد.

اولین نقطه کور و خلأ که به آن کم‌توجهی شده است، قومیت است. با مطالعه پژوهش‌ها و اسناد کتابخانه‌ای مشخص می‌شود که تصاویر و همچنین متون، پیری سفیدپوستان را به تصویر می‌کشند و هیچ ساختاری که جنبه‌های فرهنگی و قومی را در بر بگیرد، در این زمینه دیده نمی‌شود. این یک نقطه کور چشمگیر است چراکه ادبیات حال حاضر بر روند مهاجرت تأکید

کرده و اهمیت توسعه "ساختارهای مربوط به پیری را به نحوی که از لحاظ فرهنگی مرتبط باشند، برجسته کرده است" (Torres, 1999, p. 34)، شامل "اقوام اقلیت قومی" (Burton, Dilworth-Andersson & Bengston, 1992, p. 132).

Aboderin در سال (۲۰۱۳) تأیید می‌کند که مطالعات معاصر بر روی پیری با مشارکت تجربی و نظری متمرکز بر جوامع صنعتی غربی (به ویژه اروپا و ایالات متحده) غالب است. Davoudi, Wishardt و Strange (۲۰۱۰) بر اهمیت جریان مهاجرت برای درک سناریوهای آینده جمعیت شناختی اروپا تأکید کردند. Warnes (۲۰۱۳)، در حالی که بحث در مورد چندین ارتباط بین مهاجرت و سن می‌پردازد، نشان می‌دهد که "دانش ساختار سن مهاجرت به درون و بیرون برای پیش‌بینی‌های جمعیتی مورد نیاز است". چنین اظهاراتی، بر اهمیت پیوند مطالعات پیرامون سن و مهاجرت و - با بازگشت به Dilworth-Andersson, Burton و Bengston (۱۹۹۲) - قومیت به منظور کمک به دانش مربوط به سیاست اجتماعی و اداره کردن نوآوری، تأکید دارد. این موارد باید برای سیاست‌های پیش روی نظام جمهوری اسلامی ایران نیز در نظر گرفته شود و ترکیب فرهنگی و قومیتی در آن اندیشیده شود.

همچنین در مورد جنسیت نقطه کور و خلأ مطالعاتی وجود دارد. هیچ ساختاری به تفاوت‌های احتمالی پیری به عنوان یک مرد یا یک زن اشاره نمی‌کند. این نقطه کور در جنسیت با توجه به اینکه در سطح بین‌المللی، طرح‌های مطالعاتی متوجه شده‌اند که یک الگو برای هر جنسیت مناسب نیست (Davoudi, Wishardt & Strange, 2010) و علوم اجتماعی، فمینیست را به عنوان یک روند مهم در افزایش میانگین امید به زندگی زنان تشخیص داده است. Calasanti (۲۰۱۳) از طریق درک جنسیت و پیری با در نظر گرفتن پیش‌زمینه جهانی، از یک رویکرد حساس به جنسیت حمایت می‌کند و "چنین رویکردی بر این موضوع متمرکز است که چگونه مردان و زنان با تجربه‌های مشابه و در عین حال متضاد روبرو می‌شوند و چگونه جهانی‌سازی در عصر دیجیتال رویکردها و نظریات آن‌ها را شکل می‌دهد" (p.138).

به دلیل ماهیت عملکردی فن‌آوری‌های رفاهی، برجسته کردن نقاط کور و خلأهای مطالعاتی را در شیوه‌ها، مشکلات مربوط به چگونگی ساخت فن‌آوری‌های رفاهی روشن می‌کند. و رای دیدگاه‌های خوش بینانه (مانند فن‌آوری به زندگی بهتر منجر می‌شود) و دیدگاه‌های بدبینانه (مانند فناوری زندگی را کنترل می‌کند)، این پژوهش به دنبال بررسی همه‌جانبه آینده‌نگاری آتی

نسل پیر در ایران با رویکرد دیجیتالی شدن رفاه و فناوری‌های مربوطه به آن است و برای این مهم فن دلفی که بر اساس نظرات خبرگان و رسیدن به اجماع توسط خبرگان در یک عرصه است، استفاده شده است.

بر اساس مطالعات انجام شده، پیشینه پژوهش و اجماع نظریات خبرگان هرچند ذهنیات را دسته‌بندی کرده‌ایم اما با دقت بین تفاوت‌ها و شباهت‌ها، در همه سناریوها به کارگیری خیرخواهانه‌ی تکنولوژی کوچک شمرده شده‌اند و پیری در آینده بدون توجه به پیچیدگی‌های اجتماعی طرح‌ریزی شده است.

با وجود اختلافاتی که این سناریوها دارند، تقریباً تمام ساختارها یک مسیر پیشرفت را مشاهده می‌کنند که در آن فن‌آوری به نفع تمام بازیگران است و یک توافق کلی بر سر ارتباط بین پیری آینده و استفاده روزافزون از فناوری وجود دارد. پیش‌بینی می‌شود فن‌آوری روی افراد مسن تأثیر مثبتی داشته باشد؛ چراکه انتظار می‌رود فناوری رفاه، بار اضافی و فشار زمانی را روی آن‌ها کاهش دهد و متعاقب آن فشار را از روی سازمان‌های بخش دولتی که موظف به ارزیابی (پیر شدن سلامت) و استانداردسازی (پیر شدن عادی) فن‌آوری رفاه هستند، کاهش دهد. در صورتی که ممکن است این فناوری اثراتی مخرب و جبران‌ناپذیر هم داشته باشد که این آثار در مطالعات گذشته نادیده شده و یا کم‌تر به آن توجه شده است.

مانند هر تلاش دیگری، اگر که هدف انجام کارها به صورت منظم و بی‌دردسر باشد، انجام خدمات مراقبت و خدمات اجتماعی نیازمند برنامه‌ریزی و هماهنگی نیز هست (Corbin & Strauss, 1985). ارائه و اجرای خدمات خاص فناوری رفاه به معنای بسیج پیوسته یا هم‌زمان بازیگران ناهمگن است - مانند درمانگرها، فیزیوتراپیست‌ها و پزشکان؛ افراد مسن و بستگان‌شان؛ شرکت‌ها - و همچنین از یک سو برنامه‌ریزی و هماهنگی اقدامات و...؛ که هماهنگی بین این موارد خود مشکل و موجب بروز ناهماهنگی‌های دیگری است.

در مواجهه با چنین پیچیدگی‌هایی که توسط ادبیات و اجماع نظرات خبرگان تأیید شده است (e.g., Kylberg et al., 2015; Søndergård, 2014) - احتمال دارد که عرصه فن‌آوری رفاه متحمل تنش‌های بسیاری شود (MacManus, Polk & Bonanza, 2013). این اختلاف نظر در موارد دیگر نیز صادق است. به عنوان مثال، اختلاف نظرهای اخلاقی که ممکن است در مورد شیوه‌های نظارت و زیر نظر داشتن با دوربین (پیری با نظارت) و یا بازار سازی

(به‌عنوان مثال پیری مصرف‌گرا) پیش بیاید (Brittain, Corner, Robinson & Bond, 2010; Essén, 2008; Powells, 669 e.g., 2013). همچنین سؤال‌های روش‌شناختی مربوط به مشارکت فعال افراد سالخورده - به‌جای درگیری غیر فعالانه آن‌ها به‌عنوان کاربر (Östlund, Olander, Jonsson & Frennert, 2015; Robertson & Simonsen, 2013) ناقص و یا تقریباً نادرست هستند.

غیبت آن‌ها ممکن است به دلیل عدم حضور کلی‌شان در این عرصه، خارج از محیط دانشگاهی، جایی که در آن پی‌ریزی آینده ساخته می‌شود، باشد. در زمینه‌های دانشگاهی و حیاتی‌تر، بعضی از نویسندگان (McCreadie, 2013) قبلاً بحث در مورد فن‌آوری و کاربرد آن برای بهبود زندگی افراد مسن، مسائلی حیاتی مانند شیوه‌ای که پیری درک می‌شود (Özge, 2014; Malmborg, Fitzpatrick & Östlund, 2014) و ... بحث شده است و موارد دیگری را نیز مانند برابری در استفاده (DiMaggio, Hargittai, Russell Neuman & Robinson, 2001)؛ و مسائل اخلاقی (McLean, 2011) را می‌توان خاطر نشان کرد. نتایج ما در راستای این تفکر انتقادی در مورد پیری و فناوری است و تصویری دقیق تجربی از ساختارهای پویا، اما عمدتاً یکنواخت از پیری آینده ارائه می‌دهد. شناسایی شیوه‌های فناوری رفاه و نقاط کور آن می‌تواند به‌عنوان یک فعالیت آینده تفسیر شود (Sadar, 2010). تمام فعالیت‌های آینده به یک معنی خاص، فنی بی‌ثمر هستند.

در این پژوهش با شناسایی مشکلات روابط بین انسان و غیر انسان، پیری را به‌عنوان یک فرایند که مستلزم توجه دائمی به چندگانگی است مورد بررسی قرار داده‌ایم. هرکدام از ما به طریقی خاص پیر می‌شویم و این فرآیند انسانی در ذات خود اجتماعی-مادی محسوب می‌شود، نشناختن این چندگانگی، توسعه‌ی روش‌های رفاهی را محدود می‌کند. این پیشنهاد تحقیقاتی با پیشنهاد محققان انتقادی هماهنگ است (Bechtold & Sotoudeh, 2013; Martinson & Berridge, 2015)، اما همچنین اشاره به نیاز به مشارکت فعالانه در عرصه‌های مربوط به اداره‌ی نوآوری برای کسانی که ضرورت توجه به چندگانگی در آینده را پیشنهاد می‌کنند لازم و ضروری است که در این پژوهش به آن توجه شده است.

از طرفی این مهم است که تا چه حد ممکن است افراد مسن در آینده را در فرایندهای نوآوری فناوری‌های رفاهی مشارکت بدهیم، زیرا آن‌ها هنوز جوان هستند و فناوری‌های آینده نیز هنوز قابل پیش‌بینی نیستند.

به امید آینده‌ای روشن برای نظام جمهوری اسلامی ایران؛ و درود بر آنکه پذیرای هدایت است (پور عزت، ۱۳۹۷).

منابع

- Aboderin.I. (2013). Global ageing: Perspectives from Sub-Saharan Africa. In D. Dannefer &
- C. Phillipson (Eds.), *The Sage Handbook of Social Gerontology* (405-419). London: Sage.
- Ahn, M., Beamish, J.O. & Carruci Goss, R. (2008). Understanding older adults' attitudes and
- adoption of residential technologies. *Family and Consumer Sciences Researcher Journal*,
- 36, 243-260. doi: 10.1177/1077727X07311504
- Armstrong, D. (1995). The rise of surveillance medicine. *Sociology of Health & Illness*, 17,
- 393-404.
- Bailey, C., Foran, T.G., Ni Scanail, C. & Dromey, B. (2011). Older adults, fall and
- technologies for independent living: A life space approach. *Ageing & Society*, 31, 829-848.
- doi:10.1017/S0144686X10001170
- Barnes, M. & Walker, A. (1996). Consumerism versus empowerment: A principled approach
- to the involvement of older service users. *Policy and Politics*, 24, 375-393
- Bechtold, U. & Sotoudeh, M. (2013). Assistive technologies: Their development from a
- technology assessment perspective. *Gerontechnology*, 11, 521-533.
- doi:10.4017/gt.2013.11.4.015.00
- Beech, R. & Roberts, D. (2008). Assistive technology and older people. *In SCIE Research*
- *briefing* 28. Retrieved from
- <http://www.scie.org.uk/publications/briefings/files/briefing28.pdf>
- Brittain, K., Corner, L., Robinson, L. & Bond, J. (2010). Ageing in place and technology of
- place and technologies of place: The lived experience of people with dementia in changing
- social, physical and technological environments. *Sociology of Health & Illness*, 32, 272-287.
- doi: 10.1111/j.1467-9566.2009.01203.x
- Burmeister, O.K. (2016). The development of assistive dementia technology that accounts for

- the values of those affected by its use. *Ethics and Information Technology*, 18, 185-198. doi: 10.1007/s10676-016-9404-2
- Burton, L.M., Dilworth-Andersson, P. & Bengtson, V.L. (1992). Creating culturally relevant ways of thinking about diversity and aging: Theoretical challenges for the twenty-first century. In E. Percil Stanford & F.M. Torres-Gil (Eds.), *Diversity: New Approaches to Ethnic Minority Aging* (129-140). New York: Baywood.
- Calasanti, T. (2013). Gender and ageing in the context of globalization. In D. Dannefer & C. Phillipson (Eds.), *The Sage Handbook of Social Gerontology* (137-149). London: Sage.
- Calvaresi, D., Cesarini, D., Sernani, P., Marinoni, M., Dragoni, A.F., & Sturm, A. (2017). Exploring the ambient assisted living domain: *A systematic review, Journal of Ambient Intelligence and Humanized Computing*, 8, 239-257. doi: 10.1007/s12652-016-0374-3
- Clarke, A.E., Shim, J.K., Mamo, L. Fosket, J.R. & Fishman, J.R. (2003). Biomedicalization: technoscientific transformations of health, illness, and U.S. Biomedicine. *American Sociological Review*, 68, 161-194.
- Clarkson, P.J., Coleman, R., Keates, S. & Lebbon, C. (2003). *Inclusive design: Design for the whole population*. London: Springer.
- Cooren, F., Brummans, B.H. J. M. & Charrieras, D. (2008). The coproduction of organizational presence: A study of Medecins Sans Frontieres in action. *Human Relations*, 61(10), 1339–1370.
- Corbin, J. & Strauss, A. (1985). Managing chronic illness at home: Three lines of work. *Qualitative Sociology*, 8, 224-247.
- Corbin, J. & Strauss, A. (1993). The articulation of work through interaction. *Sociological Quarterly*, 1, 71-83. doi: 10.1111/j.1533-8525.1993.tb00131.x
- Author (2017).
- Czaja, S. J. & Schulz, R. (2006). Innovations in technology and aging. *Generations*, 30(2), 6-8.
- Davoudi, S., Wishardt, M. & Strange, I. (2010). The ageing of Europe: Demographic scenarios

- of Europe's futures. *Futures*, 42, 794-803. doi:10.1016/j.futures.2010.04.011
- De Vaujany, F. X., Carton, S., Dominguez-Péry, C. & Vaast, E. (2013). Moving closer to the fabric of organizing visions: The case of a trade show. *The Journal of Strategic Information Systems*, 22(1), 1-25.
- Demiris, G. & Hensel, B. (2009). "Smart Homes" for patients at the end of life. *Journal of Housing for the Elderly*, 23, 206-115. doi: 10.1080/02763890802665049
- DiMaggio, P., Hargittai, E., Russell Neuman, W. & Robinson, J.P. (2001). Social implications of the Internet. *Annual Review of Sociology*, 27, 307-336. <https://doi.org/10.1146/annurev.soc.27.1.307>
- Dubois, A. & Gadde, L.-E. (2002). Systematic combining: an abductive approach to case research. *Journal of Business Research*, 55(7), 553-560.
- Essén, A. (2008). The two facets of electronic care surveillance: An exploration of the views of older people who live with monitoring devices. *Social science & Medicine*, 67, 128-136. doi:10.1016/j.socscimed.2008.03.005
- Forssell, E. & Torres, S. (2012). Social work, older people and migration: An overview of the situation in Sweden. *European Journal of Social Work*, 15, 115-130. doi: <http://dx.doi.org/10.1080/13691457.2011.573911>
- Geertz, C. (1973). *The interpretation of cultures: Selected essays*. New York: Basic Books, Inc., Publishers, (Chapter 1).
- Gherardi, S. (2012). *How to conduct a practice-based study. Problem and methods*. Cheltenham, UK: Edward Elgar Publishing, (Chapter 4).
- Glaser, B.G., & Strauss, A. L. (1967). *The discovery of grounded theory: strategies for qualitative research*. Chicago: Aldine.
- Hanson, E., Magnusson, L. Sennemark, E. (2011). Practice concepts and policy analysis. *The Gerontologist*, 51, 561-570. doi:10.1093/geront/gnr015
- Hardey, M. & Loader, B. (2009). The informatization of welfare: Older people and the role of digital services. *British Journal of Social Work*, 39, 657-669. doi:10.1093/bjsw/bcp024
- Harvey, P.W. & Thurnwald, I. (2009). Ageing well, ageing productively: The essential contribution of Australia's ageing population to the social and economic prosperity of the

- nation. *Health Sociology Review*, 18, 379-386.
- Irwin, A. (2008). STS Perspectives on Scientific Governance. In E.J. Hackett, O.
- Amsterdamska, M. Lynch & J. Wajcman (Eds.), **The handbook of science and technology studies** (pp.583-608). Cambridge, Massachusetts: the MIT Press.
- Jasanoff, S. (1996). Beyond epistemology: Relativism and engagement in the politics of science. *Social Studies of Science*, 26: 393-418.
- Kylberg, M., Löfqvist, C., Tomson, S., Phillips, J., Liepina, Z., Iwarsson, S. (2015). A European perspective on the service delivery systems for assistive technology – differences and similarities between Latvia and Sweden. *Journal of cross-cultural Gerontology*, 30, 51-67. doi: 10.1007/s10823-014-9255-4
- Latour, B. (1984). The power of association. *The Sociological Review*, 32, 264-280. doi: 10.1111/j.1467-954X.1984.tb00115.x
- Lindh, T. & Lundberg, U. (2008). Predicaments in the futures of ageing democracies. *Futures*, 40, 203-217. doi:10.1016/j.futures.2007.08.020
- Lindsay, S., Jackson, D., Schofield, G. & Olivier, P. (2012). **Engaging older people using participatory design**. CHI'12, May 5-10, Austin, Texas, USA.
- Lindh, T. & Lundberg, U. (2008). Predicaments in the futures of ageing democracies. *Futures*, 40, 203-217. doi:10.1016/j.futures.2007.08.020
- McCall, L. (2005). The complexity of intersectionality. *Signs*, 30, pp. 1771-1801. <https://doi.org/10.1086/426800>
- MacManus, S.A., Polk, A.L. & Bonanza, D. (2013). The politics of ageing. In D. Dannefer, & C. Phillipson (Eds.), *The Sage Handbook of Social Gerontology* (pp. 641-652). London: Sage.
- McCreadie, C. (2013). Technology and older people. In D. Dannefer, & C. Phillipson (Eds.), *The Sage Handbook of Social Gerontology* (pp. 607-617). London: Sage.
- McLean, A. (2011). Ethical frontiers of ICT and older users: Cultural, pragmatic and ethical issues. *Ethics of Information Technology*, 13, 313-326. <https://doi.org/10.1007/s10676-011-9276-4>

- Mahmood, A. Yamamoto, T., Lee, M. & Steggell, C. (2008). Perceptions and use of
- Gerontechnology: Implications for aging in place. *Journal of Housing For the Elderly*, 22,
- 104-126. doi: 10.1080/02763890802097144
- Martin, P.Y. & Turner, B. A. (1986). Grounded Theory and Organizational Research. *The Journal of Applied Behavioural Science*, 22(2), 141-157.
- Martinson, M. & Berridge, C. (2015). Successful aging and its discontents: A systematic review
- of the social gerontology. *The Gerontologist*, 55, 58-69. doi:10.1093/geront/gnu037
- Morteson, W.B, Sixsmith, A. & Woolrych, R. (2015). The power(s) of observation: theoretical
- perspectives on surveillance technologies and older people. *Ageing & Society*, 35, 512-530.
- doi: 10.1017/So144686X13000846
- Nordic Centre for Welfare and Social Issues (2010, December). **Focus on welfare technology**.
- Retrieved from
- http://www.nordicwelfare.org/PageFiles/5488/Velferdsteknologi_eng.pdf
- Orlikowski, W.J. (2007). Sociomaterial practices: Exploring technology at work. *Organization Studies*, 28, 1435-1448. <https://doi.org/10.1177/0170840607081138>
- Orlikowski, W.J. & Scott, S.V. (2008). Challenging the separation of technology, work and
- organization. *The Academy of Management Annals*, 2, 433-474. doi: 10.1080/19416520802211644
- Östlund, B., Olander, E., Jonsson, O. & Frennert, S. (2015). STS-inspired design to meet the
- challenges of modern aging. Welfare technology as a tool to promote user driven innovations
- or another way to keep older users hostage? **Technological Forecasting & Social Change**,
- 93, 82-90. <http://dx.doi.org/10.1016/j.techfore.2014.04.012>
- Özge, S., Malmborg, L., Fitzpatrick, G. & Östlund, B. (2014). Reframing design culture and
- aging. *Interactions*, March-April, 70-73.
- Parent, A-S. (2010). Active ageing and the EU Grundtvig programme. *International Journal of Education and Ageing*, 1, 87-92.
- Parra, C., D'Andrea, V. & Casati, F. (2013). Participatory design of a digital reminiscence
- application. **CHITALY'13**, September 17-19, Trento, Italy.
- Peine, A., Rollwagen, I. & Neven, L. (2014). The rise of the “innosumer” – Rethinking older

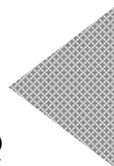
- technology users. *Technological Forecasting & Social Change*, 82, 199-214.
- <http://dx.doi.org/10.1016/j.techfore.2013.06.013>
- Persson, K. (2012). A closer look at inclusion and Swedish welfare system. In *The nordic way*.
- **Swedish Institute**. Retrieved from <https://www.globalutmaning.se/wpcontent/uploads/sites/8/2012/03/The-Nordic-Way-2012.pdf>
- Powell, J.L. (2009). Social theory, aging, and health and welfare professionals. A Foucauldian “toolkit”. *Journal of Applied Gerontology*, 28, 669-682. 10.1177/0733464809335596
- Pratt, M.G. (2008). Fitting Oval Pegs Into Round Holes Tensions in Evaluating and Publishing
- Qualitative Research in Top-Tier North American Journals. *Organizational Research Methods*, 22(3), 481-509. doi:10.1177/1094428107303349
- Pritchard, K. & Whiting, R. (2015). Taking stock: A visual analysis of gendered ageing.
- *Gender, Work & Organization*, 22, 510-528. doi:10.1111/gwao.12090
- Robertson, T. & Simonsen, J. (2013). Participatory design: An introduction. In J. Simonsen &
- T. Robertson (Eds.), *Routledge International Handbook of Participatory Design* (pp. 64-
- 85). New York and London: Routledge.
- Rogers, Y., Paay, J., Brereton, M., Vaisutis, K., Marsden, G. & Vetere, F. (2014). **Never too old: Engaging retired people inventing the future with MaKey MaKey**. CHI'14, Toronto, ON, Canada.
- Sadar, Z. (1999). Development and the location of Eurocentricism. In R. Munck & D. O'Hearn (Eds.), *Critical development theory: Contributions to a New Paradigm* (pp. 44-62). London: Zed Books.
- Sadar, Z. (2010). The Namesake: Futures; future studies; futurology; futuristic; foresight –
- What's in a name? *Futures*, 42, 177-184. doi:10.1016/j.futures.2009.11.001
- Søndergård, D.C. (2014). Future challenges and the role of welfare technology. **Nordic center for welfare and social issues**. Retrieved from <http://www.nordicwelfare.org/PageFiles/47/Future%20Challenges%20and%20the%20Rol>

- e%20of%20Welfare%20Technology%20in%20the%20Nordic%20Countries.pdf
- Te Kulve, H., Konrad, K., Alvial Palavincino, C. & Walhout, B. (2013). Context matters:
- Promises and concerns regarding nanotechnologies for water and food applications.
- *NanoEthics*, 7, 17-27. doi. 10.1007/s11569-013-0168-4
- Torres, S. (1999). A culturally-relevant theoretical framework for the study of successful
- ageing. *Ageing and Society*, 19, 33-51. doi: 10.1017/S0144686X99007242
- Warnes, T. (2013). Migration and age. In D. Dannefer & C. Phillipson (Eds.), *Social Gerontology* (389-404). London: Sage.
- World Health Organization (2002). **Active ageing. A policy framework**. Retrieved from
- http://www.who.int/ageing/publications/active_ageing/en/.
- [www.pourezzat.ir\(1397; t.me/PourezzatIR\)](http://www.pourezzat.ir(1397; t.me/PourezzatIR)).
- Cooke, G.D., Welch, E. B., Peterson, S. A. & Nichols, S. A. (2005). *Restoration and management of lakes and reservoirs*. (3rd ed.) **Boca Raton**, FL: CRC Press. 17
- Coops, H. & Hopper, S. H. (2002). Water-level management as a tool for the restoration of shallow lakes in the Netherlands. *Lake Reservoir Manage.*, 18, 293–298. doi:/10.1080/07438140209353935
- Directive 2000/60/EC of the European Parliament and of the Council of 23 October 2000 establishing a framework for Community action in the field of water policy. Available: <http://data.europa.eu/eli/dir/2000/60/2014-11-20>.
- Glenn, J. C. (2009). Introduction to the futures research methodology. In J. C. Glenn, & T. J.
- Gordon (Eds.), *Futures research methodology – Version 3.0*. The Millennium Project.
- Glenn, J. & The Futures Group International (2009). Scenarios. In J. C. Glenn & T. J. Gordon (Eds.) *Futures Research Methodology - Version 3.0*. The Millennium Project.
- Godet, M. (1994). *From Anticipation to Action*. Paris: UNESCO Publishing.
- Godet, M. (2006). *Creating Futures: Scenario Planning as a Strategic Management Tool*. (2nd ed.) Paris: Economica.
- Godet, M. & Durance, P. (2011). *Strategic Foresight for Corporate and Regional Development*. UNESCO.
- Godet, M., Monti, R., Meunier, F. & Roubelat, F. (2009) A tool-box for scenario planning. In J. C. Glenn & T. J. Gordon (Eds.) **Futures Research Methodology - Version 3.0**. The Millennium Project.
- Gordon, T. J. (2009). The Delphi method. In J. C. Glenn, & T. J. Gordon (Eds.), *Futures Research Methodology – Version 3.0*. The Millennium Project.

- Higgs, E. (2003). *Nature by design: people, natural processes, and ecological restoration*. **United States of America: MIT Press**.
- Jeppesen, E., Kristensen, P., Jensen, J. P., Søndergaard, M., Mortensen, E. & Lauridsen, T. L. (1991). Recovery resilience following a reduction in external phosphorus loading of shallow, eutrophic Danish lakes: Duration, regulating factors and methods for overcoming resilience. *Memorie dell'Istituto italiano di idrobiologia dott. Marco de Marchi*, 48, 127-148.
- Jeppesen, E., Kronvang, B., Meerhoff, M., Søndergaard, M., Hansen, K. M., Andersen, H. E., & Olesen, J. E. (2009). Climate change effects on runoff, catchment phosphorus loading and lake ecological state, and potential. *Journal of Environmental Quality*, 38, 1930- 1941.
- Jeppesen, E., Søndergaard, M., Kronvang, B., Jensen, J.P., Svendsen, L.M., Lauridsen, T.L. (1999). Lake and Catchment Management in Denmark. *Hydrobiologia* 395/396, 419–432.
- Jeppesen, E., Søndergaard, M., Lauridsen, T.L., Davidson, T.A., Liu, Z., Mazzeo, N., Trochine, C., , Meerhoff, M. (2012). Biomanipulation as a Restoration Tool to Combat Eutrophication. Recent Advances and Future Challenges. *Advances in Ecological Research*, 47, 411-488. doi: 10.1016/B978-0-12-398315-2.00006-5
- Jeppesen, E., Søndergaard, M. & Zhengwen L. (2017). Lake Restoration and Management in a Climate Change Perspective: An Introduction. *Water*, 9, 122. doi:10.3390/w9020122
- Kahn, H. & Wiener, A. J. (1967). *The Year 2000: A Framework for Speculation on the Next Thirty-Three Years*. **New York: Macmillan**.
- Kaiser, E. J., Godschalk, D. R. & Chapin, F. S. (1995). *Urban Land Use Planning*. (4th ed.) Urbana: University of Illinois.
- Kuhmonen, T. (2017). Exposing the attractors of evolving complex adaptive systems by utilizing futures images: milestones of the food sustainability journey. *Technological Forecasting & Social Change*, 114, 214 - 225.
- Linstone, H. A., & Turoff, M. (Eds.) (1975). *The Delphi Method. Techniques and Applications*. Don Mills: Addison-Wesley Publishing Company.
- Linstone, H.A. & Turoff, M. (2011) Delphi: a brief look backward and forward. *Technological Forecasting & Social Change*, 78, 1712 - 1719. doi: /10.1016/j.techfore.2010.09.011.
- Millett, M. M., & Honton, E. J. (1991). *A Manager's guide to technology forecasting and strategy analysis methods*. **Columbus: Battelle Press**.
- Nowack, M., Endrikat, J. & Guenther, E. (2011). Review of delphi-based scenario studies: quality and design considerations. *Technological Forecasting and Social Change*, 78, 1603 - 1615.
- van Notten, P., Rotmans, M., Asselt, M. & Rothman, D. (2003). **An updated scenario typology**. *Futures*, 35, 423 - 443.
- Nürnberg, G. K. (2007). Lake responses to long-term hypolimnetic withdrawal treatments. *Lake and Reservoir Management*, 23, 388-409.

- Rittel, H. W. J. & Webber, M. M. (1973). Dilemmas in a general theory of planning. *Policy Sci.*, 4, 155-169.
- Rockström, J., Steffen, W., Noone, K., Persson, Å, Chapin, F. S., Lambin, E. Lenton, T. M., Scheffer, M Foley, J. (2009). Planetary boundaries: Exploring the safe operating space humanity. *Ecology and Society*, 14, 32.
- Rubin, A. (2013). Hidden, inconsistent, and influential: images of the future in the changing times. *Futures*, 45, S38 - S44.
- Rubin, A. & Linturi, H. (2001). Transition in the making. The images of the future in education and decision-making. *Futures*, 33, 267 - 305.
- Schindler, D. W. (2006). Recent advances in the understanding and management of eutrophication. *Limnol. Oceanogr.* 51, 356–363.
- Schindler, D. W. (2012). The dilemma of controlling cultural eutrophication of lakes. *Proceedings of the Royal Society B: Biological Sciences*. 279, 4322–4333.
- Suding, K. N., Gross, K. L., Houseman, G. R. (2004). Alternative states and positive feedbacks in restoration ecology. *Trends in Ecology & Evolution*, 19, 46-53.
- Søndergaard, M., Jensen, J. P. & Jeppesen, E. (2003). Role of sediment and internal loading of phosphorus in shallow lakes. *Hydrobiologia* 506-509, 135-145.
- Jeppesen, E., Skov, C., Van Nes, E. H., Roijackers, R., Lammens, E. & Portielje, R. (2007). Lake restoration: successes, failures and long-term effects. *J.Appl.Ecol.*, 44, 1095-1105.
- Väisänen, T. & Lakso, E. (2005). Tavoitteiden asettelu ja kunnostusmenetelmän valinta [Placing targets and choosing a restoration method. In Finnish.] In: Ulvi, T. & Lakso, E. (Eds) 2005. *Järvien kunnostus* [Restoration of Lakes. In Finnish] pp 75-90, Edita Prima Oy, Helsinki.
- Whitehead, P.G., Wilby, R.L., Battarbee, R.W., Kernan, M. & Wade, A.J. (2009). A review of the potential impacts of climate change on surface water quality. *Hydrological Sciences Journal*, 54, 101-123.
- Wright, G. & Cairns, G. (2011). *Scenarios Thinking: Practical Approaches to the Future*. Basingstoke: Palgrave Macmillan.

تدوین وضعیت توسعه فضایی در شهرستان رشت با تاکید بر الگوی راهبرد توسعه منطقه‌ای^۱ (RDS)^۲



مجید یاسوری^۳

مریم سجودی^۴

(تاریخ دریافت ۹۷/۸/۵ - تاریخ تصویب ۹۷/۱۲/۱۱)

چکیده

توسعه فضایی به چگونگی و کیفیت قرارگیری اجزا منطقه - خطوط، سطوح و نقاط شکل دهنده سازمان فضایی می پردازد. بر اساس مستندات موجود توسعه فضایی یکی از بازوان قوی و قدرتمند جهت بروز و ظهور قابلیت‌های هر منطقه است. استراتژی توسعه منطقه ای (RDS) به منظور از بین بردن اختلاف ساختاری منطقه ای و ایجاد فرصت برابر برای تمامی مناطق و اصلاح سازمان فضایی طرح گردیده است. هدف این پژوهش بررسی وضعیت توسعه فضایی شهرستان رشت با تاکید بر الگوی راهبرد توسعه منطقه ای می باشد. دستیابی به هدف مد نظر از طریق شناسایی نقاط قوت و ضعف درونی و بیرونی شهرستان در زمینه توسعه فضایی صورت گرفت. مهم ترین قوت، حوزه نفوذ و کارکردهای منطقه ای گسترده برخوردار از شبکه های زیربنایی نسبتا قوی با امتیاز ۰.۴۵؛ مهم ترین ضعف، وجود رقابت شدید و نابرابر برای

۱- Regional Development Strategy

۲- مقاله ی حاضر برگرفته از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه گیلان با عنوان "تدوین الگوی استراتژی توسعه منطقه ای برای شهرستان رشت" می باشد.

۳-استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه گیلان، yasoori@um.ac.ir

۴-دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تهران.

کاربری های مسکونی، کشاورزی، صنعتی، خدماتی و وجود محدودیت های اکولوژیکی در جهت توسعه ی فعالیت های صنعتی، مسکونی و ... با امتیاز ۰.۲۳؛ مهم ترین فرصت، فراهم بودن بستر مناسب برای فعالیت های تجاری و خدمات بازرگانی و نقش پذیری در اقتصاد ملی و به لحاظ نزدیکی مسافت به پایتخت به عنوان بزرگ ترین بازار مصرفی کشور با امتیاز ۰.۵۸ و نهایتا مهم ترین تهدید، آشفتگی فضایی ناشی از استقرار نامناسب جمعیت و فعالیت در منطقه با امتیاز ۰.۳۲ بوده است. با مطالعه اسناد بالادست و نظرات کارشناسی با استفاده از مدل سوات و ماتریس برنامه ریزی استراتژیک کمی (QSPM) به ارائه اولویت راهبردی توسعه منطقه پرداخته شده است. یافته های پژوهش حاکی از آن است که؛ شهرستان رشت به شدت دچار تمرکزگرایی و رشد ناموزون و عدم توسعه فضایی متناسب و متعادل در استان می باشد که این امر در سلب توان رقابت پذیری مناطق اطراف و واگذاری برخی از وظایف و اختیارات شهرستان به نواحی اطراف بسیار موثر است. همچنین با توجه به فرارگیری منطقه مورد مطالعه در موقعیت رقابتی، استراتژی توسعه روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای حاشیه خزر بیشترین امتیاز را بین استراتژی های برآمده از موقعیتهای چهارگانه کسب کرده است.

کلید واژگان: توسعه فضایی، استراتژی توسعه منطقه ای (RDS)، تکنیک SWOT، شهرستان رشت.

مقدمه و بیان مسئله

شهرها به این دلیل که مرکز تجمع ثروت، قدرت و فناوری می باشند، بیش از سایر عرصه های زیستی در جست و جوی راهبردی کارا و آینده نگرانه برای توسعه شهر بوده اند. بنابراین جهت تامین نیازهای خدمات شهری و در نظر گرفتن عوامل مختلف اقتصادی و اجتماعی در یک سیستم برنامه ریزی شهری جامع و پویا، مشخص کردن سیاست ها و برنامه ریزی توسعه شهری، هماهنگ کردن آن ها با سایر برنامه های عمرانی در سطح منطقه ای و کشوری و تنظیم برنامه ها و طرح ها در دوره های زمانی معین از اولویت ویژه ای برخوردار است. همچنین که امروزه با تشدید روند جهانی شدن اقتصادی و رقابت بین دولت ها و دولت - منطقه ها به تعبیر

کینچی اومای^۱ مسائل منطقه ای پیچیده تر شده است و پایداری توسعه ی مناطق بیش از پیش اهمیت یافته است؛ از این رو نه تنها در نظم نوین جهانی قلمروهای جغرافیایی با منطقه گرایی همراه شده اند بلکه در نظام برنامه ریزی نیز نو منطقه گرایی^۲ شکل مسلط به خود گرفته است (هافتون و کانسل، ۱۳۸۷، ۳). حال با توجه به ماهیت پویای شهرها، شناسایی مسائل راهبردی از مهم ترین ضرورت ها برای کارآمدی فرایند تصمیم گیری است (حق جو، ۱۳۸۳، ۷۷)؛ که با بهره گیری از مدل های برنامه ریزی استراتژیک دامنه ی وسیعی از مسایل مدیریتی، اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و کالبدی شهرها بر مبنای شرایط درونی و فرصت های بیرونی حل می گردد (صابری و همکاران، ۱۳۹۱، ۶۱ و ۱). بر این اساس یکی از منسجم ترین این راهبردها؛ راهبرد توسعه ی منطقه ای (RDS) به عنوان رویکردی نوین، کارآمد و آزموده شده جهت دستیابی به توسعه ی پایدار منطقه ای می باشد (داگلاس، ۱۳۸۹، ۶۹). در واقع؛ دلیل توجه و تاکید بر راهبرد توسعه منطقه ای (RDS) این است که پیوستگی و عدم تفکیک در این راهبرد باعث می شود تا انگیزه ی برخوردار کردن مناطق در سطحی وسیع مورد توجه قرار گیرد؛ که این هم پوشانی را می توان تنها در سایه توجه به تمام مناطق، عدم وجود تمرکز گرایی، افزایش رقابت پذیری و مطالعه و بررسی طیف وسیعی از مسائل طبیعی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و سیاسی دانست؛ که در نتیجه دیدی جامع و کامل از منطقه را به دست می دهد. حال از آن جایی که توسعه ی فضایی می توان ساخت و بافت روند توسعه آتی و جریانات دخیل در این امر را تحلیل نماید، یکی از بخش های مهم و کلیدی در تهیه و اجرای موفق استراتژی توسعه منطقه مطرح می شود. لازم به ذکر است توجه به مقوله فوق می تواند نقش، تاثیر و دلایل به کارگیری راهبرد توسعه ی منطقه ای را توجیه نماید. لذا این پژوهش بر آن است تا به بررسی وضعیت توسعه سازمان فضایی منطقه با تاکید بر استراتژی توسعه منطقه ای (RDS)، پردازد و با استفاده از نظرات کارشناسان، مهم ترین راهکارهای توسعه فضایی را ارائه دهد. در واقع دلیل توجه و تاکید بر راهبرد توسعه ی منطقه ای (RDS) این است که پیوستگی و عدم تفکیک در این راهبرد باعث می شود تا مناطق به سان تکه های پازلی دیده شوند که باید به بهترین نحو در کنار

۱- K. Ohmac

۲ -New Regionalism

هم و برای پوشش دادن نقاط ضعف هم و هم چنین برخوردار کردن مناطق در سطحی وسیع قرار گیرند؛ که شاید چنین دیدی را با نگاهی از درون و جزئی نتوان به دست آورد. بدین منظور مهم ترین اهداف در پژوهش حاضر دستیابی به نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید بخش توسعه فضایی شهرستان رشت و پس از آن ارائه ی مهم ترین اولویت های شهرستان در زمینه توسعه فضایی بوده است.

ادبیات نظری تحقیق

استراتژی توسعه منطقه ای (RDS)

راهبرد توسعه منطقه ای الگویی از برنامه ریزی راهبردی است که در چالش برای مواجه با مسائل جدید و پیچیده ی منطقه ای مطرح شده است. این راهبرد از دهه ی ۱۹۹۰ در برخی از کشورهای جهان با عنوان ابزار و چارچوب سیاستی توسعه ی منطقه ای مورد استفاده قرار گرفته است (محمدی، ۱۳۹۲: ۱). راهبرد توسعه منطقه ای یک سند بالادستی کلیدی برنامه ریزی است جهت دستورالعمل های راهبردی که در آماده سازی و هماهنگی برنامه های توسعه، بیانیه های سیاست برنامه ریزی و اقدامات توسعه شهری و منطقه ای به کار می روند را، تنظیم می کند. این رویکرد یک هماهنگی جامع بین تمامی برنامه های شهری و منطقه ای و الگوهایی را در راستای توسعه بلند مدت ایجاد می کند. راهبرد توسعه ی منطقه ای به عنوان یک ابزار ضروری برای دولت ها به منظور از بین بردن اختلافات ساختاری منطقه ای و ایجاد فرصت برابری و مساوات برای تمامی مناطق مطرح است (AMEC, 2011) به نقل از پژوهان، ۱۳۹۳: ۲). این رویکرد به عنوان یک سند مدون دارای عملکردی راهبردی؛ روی مسائل مهم و کلیدی منطقه تمرکز کرده و در سطح ملی به دنبال کاهش تفاوت های منطقه ای است و با تاکید بر دو جنبه ی مهم برنامه ریزی یعنی جنبه فضایی فعالیت و سکونت در منطقه و نیز ماهیت فعالیت های اقتصاد منطقه ای، نوعا دارای ماهیت آمیشی است (Nawzad, 2011) به نقل از پژوهان، ۱۳۹۳: ۲). اهداف اصلی RDS عبارتند از: تحقق توسعه پایدار، ایجاد تعادل های منطقه ای، ارتقای کیفیت زندگی اجتماع محلی در مناطق جغرافیایی مشخص. RDS به دنبال ایجاد مناطقی پایدار پویا و مترقی از حیث اقتصادی، محیطی، اجتماعی و سیاسی است (DRD, 2008: 1). RDS سیاست های کلان را برای نهاد های متولی توسعه ی منطقه ای ارائه

می نماید. هم چنین نقش یک بازوی کمکی برای حکومت های منطقه ای جهت جذب سرمایه گذاری خارجی، استفاده از توان های زیر مناطق^۱ و یک پارچه سازی اقدامات منطقه ای را ایفا می نماید. قلمرو یک برنامه ی راهبردی توسعه ی شهری (منطقه) به معنای جغرافیایی آن است؛ اغلب طرح های RDS به دنبال ارتقای رقابت پذیری پویایی فضایی و ارتقای کیفیت زندگی در مقیاس منطقه ای اند (محمدی، ۱۳۹۲: ۳). در واقع راهبرد توسعه ی منطقه ای زمینه برای برنامه ریزی های: تقویت رقابت اقتصادی منطقه ای و تلاش برای از بین بردن وضع نامساعد اجتماعی و اقتصادی؛ محافظت و ارتقای سرمایه های فیزیکی، طبیعی و مصنوعی منطقه؛ ارتقای مسکن، حمل و نقل، کیفیت آب، انرژی و راهبردهای دفع پسماندها، تهیه زیر ساخت ها، فراهم آوردن خدمات عمومی و... راهنمایی های عمومی و تصمیمات سرمایه گذاری خصوصی مربوط به کاربری زمین؛ (Department for regional, 2010) فراهم می آورد. در واقع؛ توسعه منطقه ای می تواند به عنوان یک تلاش عمومی برای کاهش نابرابری های منطقه ای دیده شود؛ که غالباً با حمایت از ثروت تولید فعالیت های اقتصادی در مناطق (Pessoa Economia, ۲۰۰۸: ۵۷). کارآفرینی، دانش؛ ظرفیت نوآوری به عنوان عوامل کلیدی زیر بنای توسعه اقتصادی آینده و مسیر رشد مناطق به اجرا گذاشته شود و توان رقابت پذیری و پویایی مناطق را تضمین می نماید؛ به عبارتی؛ موقعیت مفهوم رقابت منطقه ای غالباً در راستای نظریات مرتبط با رشد اقتصادی منطقه و مراحل توسعه اقتصادی بررسی شده است (Huggins, Izushi, Prokop, Thompson, 259-259: 2014). هم چنین مهم ترین تجارب کشورهای تهیه کننده طرح (RDS) در ایرلند شمالی؛ توسعه اقتصادی منطقه و زیر مناطق؛ نظم بخشی و هدایت متعادل سکونت گاهی، تعیین قطب های محلی و منطقه ای و خوشه های توسعه، تعادل های منطقه ای (DRD, 2013: 1-18). در استونی توجه به عنوان تنگناها در طرح توسعه ی محلی، به حداکثر رساندن رویکرد یکپارچه، کمک آشکارا به توسعه اقتصادی اجتماعی، آموزش و پرورش و زیرساخت های اجتماعی برای اشتغال، زیرساخت های حمل و نقل محلی و زیرساخت های فنی شهرداری، گردشگری محلی و تفریحی و... (27-29: DEIA, 2007) در مورایا جنوبی خلاصه ای از چارچوب مالی برای منطقه (4:

(Garep, Vysoké, 2007) و نهایتاً در کردستان عراق، توسعه اقتصادی، افزایش در تنوع محصولات محلی، افزایش درآمد فعلی، افزایش تولید ناخالص ملی و (1-215: Kurdistan Regional Government Ministry of Planning, 2011) را پیگیری نموده است.

توسعه فضایی

تمرکز زیرساخت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در مکان‌های خاص موجب می‌شود تا در بلندمدت نابرابری فضایی شدیدی میان مناطق کشور پدید آید. این امر در جریان تولید مناطق پیشرفته و عقب مانده تأثیرات قاطعی گذاشته و موجب رقابت‌های شدید ناحیه‌ای، تشدید مهاجرت‌های ناحیه‌ای و جابجایی سرمایه و نیروی کار شده، منطقه‌ای توسعه یافته و منطقه دیگر از توسعه باز می‌مانند (امیراحمدیان، ۱۳۷۸، ۱۱۳). وجود نابرابری و ابعاد مختلف آن، از نشانه‌های مهم توسعه نیافتگی است زیرا درحقیقت کشورهایی توسعه یافته شناخته می‌شوند که علاوه بر اینکه از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بالا برخوردار هستند، توزیع درآمد‌ها و امکانات نیز در آن جوامع نسبتاً عادلانه است. اما در کشورهای توسعه نیافته هم مقادیر این شاخص‌ها پایین است و هم توزیع آن بسیار ناعادلانه است (مصلی نژاد، ۱۳۸۴، ۵۶). نابرابری اجتماعی تصدی موقعیت‌های نابرابری اجتماعی و ساختاری، دسترسی به منابع و مزایای اجتماعی کمیاب از قبیل: ثروت، قدرت و منزلت از سوی افراد و گروه‌ها است که به نوبه خود بر حقوق، فرصت‌ها، پاداش‌ها امتیازات آنها اثر تعیین کننده دارد (افروغ، ۱۳۷۷، ۱۶۴). تحقق توسعه پایدار منطقه‌ای مستلزم اولویت بخش‌های کم رونق منطقه با گسترش مناطق کم رونق نابرابری‌ها تشدید می‌شود است (هافتون، ۱۳۸۸، ۳۰۷) و کاستن از شکاف میان مناطق از لحاظ کارایی اقتصادی، ثبات سیاسی، عدالت اجتماعی، توزیع مجدد یا تغییر الگوی رشد جمعیت و فعالیت در فضا، کاهش بیکاری و ایجاد اشتغال از اهداف اساسی سیاست‌گذاری منطقه‌ای است (هگینز، ۱۳۷۶، ۲۱ به نقل از یاسوری، ۱۳۹۰، ۱۴۳).

در این راستا شهرنشینی در استان گیلان حاصل تلاقی‌های تاریخی، اجتماعی و مازاد اقتصادی است. شهرنشینی در این منطقه از سابقه طولانی برخوردار نیست. (رهنمایی، ۱۳۸۲، ۱۰۳). به عبارتی ساختار فضایی استان گیلان، متشکل از اجزا متنوع و مختلفی است که چگونگی

قرارگیری این اجزا نسبت به هم چشم اندازهای خاصی را به استان بخشیده و خطوط و نقاطی که شکل دهنده ی سازمان فضایی هستند، باعث به وجود آمدن یا تقویت یکدیگر شده و گاه پدید آورنده ی پهنه ها در سطح استان هستند. به صورتی که سکونت گاه های شهری و روستایی گاه به تبعیت از استقرار در مسیر راه های ارتباطی اصلی استان قرار گرفت و از این طریق همین خطوط نیز تغذیه می گردند. همچنین عبور یکی از محورهای اصلی کشور؛ محور تهران-رشت-انزلی - آستارا از پهنه غربی استان گیلان، موجب تشدید گرایش استقرار نقاط جمعیتی در این پهنه و به تبع آن شکل گیری بسیاری از پهنه های اصلی فعالیت مانند پهنه های تجاری و ترانزیت یا مراکز صنعتی و حتی عبور خطوط اصلی انتقال نیرو و انواع راه های ارتباطی، نظیر بزرگراه و در آینده ی نزدیک راه آهن، در این محور شده است. در واقع؛ در دهه های اخیر سامان شهری استان، به سوی بی توازی بیشتر روان بوده است. سبب این بی تناسبی، وجود کلان شهر استانی (رشت) و انباشت جمعیت در بالای هرم رده بندی شهری است. در استان گیلان فضاهای استانی، پیرامون شهر بزرگ و برتر (رشت) شکل گرفته است. این شهر، جایگاه نیروی انسانی چیره دست، اقتصادی و سیاسی، رده بالاست، جای بزرگ ترین بازار تولید، کار و مصرف استان می باشد. همچنین نخست شهری در استان گیلان، در سال های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ به ترتیب معادل ۳.۴۱، ۳.۳۴، ۴.۲۴، ۵.۰۴ بوده است. بر این اساس مقدار این شاخص به غیر از سال ۱۳۶۵ همواره افزایشی بوده است. سنجش نماگر نخست شهری در استان گیلان در دوره های مختلف بیانگر اختلاف جمعیتی اولین شهر استان (رشت) و دومین شهر (انزلی) برای کلیه ی دوره ها می باشد. نماگر چهار شهر در استان گیلان نیز در دوره ی زمانی ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ همواره به سوی برتری بیشتر شهر اول است و از سال ۱۳۷۵ برتری بسیار نخست شهر بر سامان شهری استان چیره شده است. در دوره ی ۱۳۵۵-۱۳۹۰ از میان ۳۵ شهر، شهر رشت، مرکز استان و شهر غالب، همواره به عنوان شهر اول، در استان بوده است. بندرانزلی همواره شهر دوم استان، شهر لاهیجان شهر سوم است و شهر لنگرود شهر چهارم استان محسوب می شود.

وضعیت توسعه فضایی شهرستان

بررسی و شناسایی وضعیت توسعه فضایی، مستلزم توجه به بخش های دخیل در امر توسعه فضایی می باشد. بدین منظور بررسی توسعه فضایی در شهرستان رشت در بخش طبیعی بیان گر

قرار گیری محدوده مورد مطالعه در گروه اقلیمی مرطوب و خیلی مرطوب و وفور منابع آبی؛ بررسی تراکم جمعیت شهری استان به تفکیک بخش های اداری نشان می دهد بخش مرکزی شهرستان رشت متراکم ترین بخش می باشد؛ دلیل این امر را باید در قرار گیری نقاط شهری مراکز شهرستان در بخش مرکزی این شهرها جست و جو کرد. شهرستان رشت که مرکز استان است با ۹۱۸۴۴۵ نفر جمعیت مانند دهه های گذشته همچنان پرجمعیت ترین شهرستان استان است و به تنهایی ۳۷ درصد از جمعیت استان را در خود جای داده است. شهرستان رشت به دلیل مرکز استان بودن و همچنین به دلیل برخورداری امکانات بهتر نسبت به سایر شهرستان ها که موجب مهاجرپذیری این شهرستان گردیده است. توزیع نسبی جمعیت در نقاط روستایی نشان می دهد که شهرستان رشت با ۲۲.۴ درصد در سال ۱۳۹۰ بیشترین سهم روستایی کل استان را داشته است. مهاجر پذیری شهرستان رشت با ۲۹.۱ درصد بیشترین میزان مهاجر پذیری در استان بوده است. روند رشد شهرنشینی شهرستان رشت نیز بیان گر این است که شهرستان رشت به عنوان مرکز استان که در سال ۱۳۹۰، ۴۷ درصد جمعیت شهری استان را دارا می باشد، که بعد از آن شهرستان انزلی با ۷۶ درصد شهرنشینی در رتبه ی دوم قرار دارد. ساختار سنی و جنسی جمعیت شهرستان رشت نیز نشان می دهد که بیشترین فراوانی در گروه میانسالان بوده است. همچنین بیشترین میزان باسوادی نیز در شهرستان رشت مشاهده شده است. مجموع جمعیت فعال اقتصادی در سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ در شهرستان روند صعودی داشته است؛ بررسی بار تکفل در شهرستان رشت نشان می دهد که جمعیت شهری شهرستان رشت در سال ۱۳۹۰، معادل ۶۹۸۰۱۴ نفر بوده که از این تعداد ۲۰۰۶۴۲ نفر شاغل می باشند. بنابراین بار تکفل واقعی در نقاط شهری شهرستان رشت در سال ۱۳۹۰، ۳.۴۸ نفر می باشند که نسبت به سال ۱۳۸۵ کمی افزایش در بار تکفل واقعی نقاط شهری شهرستان رشت مشاهده می شود. وضعیت بیکاری در شهرستان رشت که در سال های ۷۵، ۸۵ و ۹۰ به ترتیب ۳۳، ۳۸ و ۴۱ درصد جمعیت بیکار استان را در خود جای داده، همانند روند نرخ بیکاری استان به طور مستمر افزایشی بوده است. جریان میزان سپرده های صادره از شهرستان رشت و جریان میزان سپرده های وارده به شهرستان رشت بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، مساحت اراضی کشاورزی شهرستان رشت، ۷۶۹۰۸ (۶۳.۳ درصد) است؛ که رتبه سوم را در استان کسب نموده است. در بخش انرژی در سال های مختلف بیشترین مصرف در شهرستان رشت است. توزیع

فضایی واحدهای صنعتی در شهرستان های رشت، بندرانزلی، لاهیجان، لنگرود، املش و آستانه اشرفیه نیز ناموزون است و بیشتر تمرکز فضایی این نوع فعالیتها در این شهرستان ها در پیرامون دو شهر مرکزی مانند شهر رشت، شهر بندر انزلی و... دیده می شود. در بخش زیرساخت ها نیز شهرستان رشت با ۱۴.۹۸ درصد راه معمولی و ۱۴.۳۹ درصد راه همسنگ بیشترین سهم راه های استان را به خود اختصاص داده است. در بخش حمل و نقل هوایی و زمینی نیز در استان گیلان یک فرودگاه فعال (سردار جنگل رشت) در بلوار ولیعصر شهر رشت قرار دارد. فرودگاه بین المللی رشت پرتدد ترین فرودگاه های شمال ایران است. در بخش مسکن ۳۷.۶۷ درصد از کل واحدهای مسکونی موجود در سطح استان در شهرستان رشت قرار گرفته اند. از کل واحدهای مسکونی موجود در شهرستان رشت، ۲۲.۲۵ درصد در نقاط روستایی واقع شده اند که بیشترین سهم را نسبت به سایر نقاط روستایی شهرستان های استان داراست. در بخش بهداشت و درمان نیز در شهرستان رشت ۱۲ بیمارستان واقع شده است. به عبارت دیگر ۴۰ درصد از بیمارستان های استان گیلان در شهرستان رشت واقع شده است.

با توجه به مباحثی که در بخش پیش بیان شد؛ وضعیت توسعه ی فضایی شهرستان رشت، تا حد بسیار زیادی متأثر از شهر رشت بوده است. به واقع شهر رشت بیشترین تاثیر را در نقش فعلی شهرستان رشت داشته است. شهر رشت به عنوان مرکز استان از حوزه نفوذ گسترده ای برخوردار است؛ که شامل روستاهای بزرگ، روستا- شهرها و شهرهای تحت قلمرو خود است. این شهر وسیع ترین حوزه ی نفوذ را در بین شهرهای دیگر استان را به خود اختصاص می دهد. در واقع نظام شهری منطقه ی مورد مطالعه از نظر جمعیت در پنج سطح به شرح زیر طبقه بندی می شود:

شهرهای درجه ی ۱: با جمعیت بیش از ۵۰۰ هزار نفر (کلان شهر) شامل رشت
شهرهای درجه ی ۲: با جمعیت بیش از ۱۰۰ هزار و کمتر از ۵۰۰ هزار نفر (شهر برتر منطقه ای) شامل بندر انزلی

شهرهای درجه ی ۳: با جمعیت بیش از ۲۵ هزار و کمتر از ۱۰۰ هزار نفر (مراکز شهرستان های برتر استان) شامل لاهیجان، لنگرود، با جمعیت بیشتر از ۵۰ هزار نفر و شهرهای تالش، آستارا، صومعه سرا، آستانه اشرفیه، رودسر، فومن با جمعیت بالای ۲۵ هزار نفر
شهرهای درجه ی ۴: با جمعیت بیش از ۵ هزار و کمتر از ۲۵ هزار نفر (مراکز سایر شهرستان ها

و شهر های با کارکرد محلی) شامل منجیل، سیاهکل، املش، لوشان، بندر کیشهر، خمام، رضوانشهر، رستم آباد، رودبار، کلاچای، ماسال، لشت نشاء، اسالم، کوچصفهان، چابکسر، پره سر، رحیم آباد، خشکیبجار، تولم شهر، سنگر، لوندویل، شفت، کومله، سلمان شهرهای درجه ۵: شهرهای با جمعیت کمتر از ۵ هزار نفر (روستاشهرها) شامل واجارگاه، گوراب زرمیخ، شاندرمن، رودبنه، جیرنده، حویق، لیسار، رانکوه، احمد سر گوراب، توتکابن، بره سر، اطاقور، چویر، دیلمان، ماسوله.

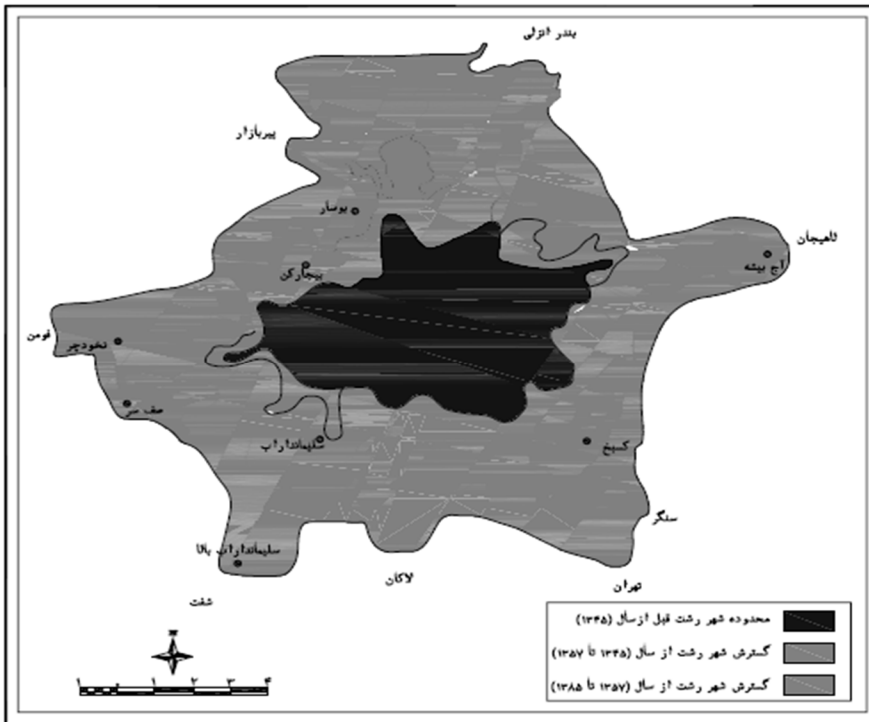
با توجه به آن چه در باب اهمیت و تاثیر شهر رشت در جریان توسعه شهرستان رشت بیان شد؛ می توان توسعه کالبدی و فیزیکی شهر رشت را در سه دوره بررسی کرد:

- دوره اول توسعه قبل از سال ۱۳۴۵

-دوره دوم توسعه از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷

-دوره سوم توسعه از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۵

شکل (۱)- توسعه ی فیزیکی شهر رشت در سه مقطع زمانی (قبل از ۴۵-، ۴۵-۵۷، ۵۷ تا ۸۵).



منبع: سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان، ۱۳۸۵

علل اصلی این توسعه شتابان عبارت بود از:

- ۱- افزایش جمعیت اعم از رشد طبیعی و مهاجرت ها
- ۲- گسترش حمل و نقل به ویژه در حواشی بیرونی شهر
- ۳- تمرکز صنایع و کارخانجات تولیدی در پیرامون شهر و گسترش هسته های جمعیتی
- ۴- وجود اراضی مناسب و ارزان برای توسعه فیزیکی شهر
- ۵- مرکزیت اقتصادی، اداری، خدماتی و به تبع آن افزایش انگیزه برای جذب مهاجران
- ۶- واگذاری زمین از سوی دولت به افراد، نهادها، سازمان ها و تعاونی ها بدون نظارت دقیق در ساخت و سازهای شهری (پورشیاخان و نظریان، ۱۳۸۹، ۴۰-۴۳).

سیاست های توسعه فضایی

شهر رشت با دارا بودن نیمی از جمعیت شهر نشین استان گیلان، به عنوان مهمترین کلان شهر ناحیه ای در شمال ایران از جایگاه ویژه ای برخوردار است. این شهر با عملکردهای متنوع و گسترده ی اقتصادی و اجتماعی از موقعیت ممتاز منطقه ای بهره مند بوده و علاوه بر تسلط همه جانبه در منطقه شهری خود بر شهرهای اقماری مانند، خمam، کوچصفهان، لشت نشاء، سنگر و خشکیجار، نفوذ خدماتی مؤثری نیز بر کانون های شهری و روستایی سراسر ناحیه دارد.

شهر رشت با توسعه ی فضایی و کالبدی خود، به سرعت جمعیت و فعالیت های اقتصادی را به نواحی حاشیه ای سوق داده و از طرف دیگر با جذب امکانات شهرهای اقماری، تغییرات شگرفی را در کالبد شهری خود ایجاد کرده و بازتاب های متنوعی را از نظر تراکم و تمرکز جمعیت، رشد و گسترش شتابان و ناموزون شهری، ادغام روستاهای پیرامون و روند اشغال اراضی کشاورزی ایجاد کرده است. این شهر به جای توزیع بهینه سرمایه و امکانات در سطح شهرهای پیرامونی، گرایش روز افزونی به تمرکز گرایی دارد. وابستگی شهرهای اقماری به شهر رشت سبب فقدان تنوع اقتصادی و اجتماعی در آنها شده و این شهرها را از انسجام و پویایی درونی محروم ساخته و با وجود دارا بودن جمعیت و خدمات شهری به مراکز خوابگاهی گروه های کم درآمد تبدیل کرده است. عدم پویایی شهرهای پیرامونی بیش از آن که متأثر از عدم دانش فنی و یا کمبود سرمایه باشد، بیشتر مربوط به روابط متقابل و نابرابر

شهر رشت با شهرهای پیرامون استوار است و همیشه این رابطه به نفع مادر شهر و به زیان شهرهای اقماری است. در دهه های اخیر به دنبال تغییرات سیاسی و اقتصادی در عرصه های منطقه ای، ملی و بین المللی شهر رشت با افزایش شدید جمعیت رو به رو شده و با تمرکز هر چه بیشتر فعالیت های اقتصادی و اجتماعی به گسترش فضایی و کالبدی خود دست زده است. در حال حاضر شهر رشت با تمرکز کارکردهای خدماتی، اداری و سیاسی به عنوان نیروی محرکه اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه عمل نموده و با ایفای نقش مدیریت داخلی استان و حوزه های نفوذ نسبت به مراکز همجوار خود مانند شهرهای گرگان، ساری، قزوین، زنجان و اردبیل به عنوان قوی ترین مادر شهر ناحیه ای در شمال ایران مطرح می باشد (پورشیخان و نظریان، ۱۳۸۹، ۳۴-۳۳). در سطح منطقه ای جذب مازاد مناطق پیرامونی و تنوع فعالیت های اقتصادی در شهر رشت، با موقعیت استقرار آن ارتباط بسیار نزدیکی داشته است، زیرا رشت در مسیر ارتباطی دو حکومت محلی قدرتمند لاهیجان در شرق و فومن در غرب گیلان قرار داشت و نقطه پیوند و محل گذر جریان کالا و مسافر در سطح استان بود (عظیمی، ۱۳۸۱، ۱۸).

روش پژوهش

روش تحقیق در مقاله حاضر از نظر هدف، کاربردی و از حیث روش توصیفی - تحلیلی است. ابتدا با استفاده از روش کتابخانه ای و اسنادی و بررسی تجارب سایر کشورها لزوم به کارگیری راهبرد توسعه منطقه ای (RDS) بررسی شد. در ابتدا با توجه به هدف پژوهش که تدوین چشم انداز برای شهرستان رشت بوده است؛ با مطالعه و بررسی اسناد فرادست، مجموعه مستندات استان و شهرستان اعم از طرح آمایش استان، طرح جامع شهرستان رشت، برخی از طرح های توسعه شهرستانی و... استخراج اولیه داده ها و شناسایی کلی نقاط قوت و ضعف داخلی و خارجی صورت گرفت؛ پس از این مرحله به منظور افزایش دقت کار در بخش توسعه فضایی که بیشتر برآمده از معنای مد نظر این مفهوم در اسناد RDS بود از ۵ کارشناس متخصص جهت ارائه نظرات و اصلاح پرسشنامه استفاده گردید. همچنین با توجه به عدم وجود طرح استراتژی توسعه منطقه ای (RDS) داخلی؛ اسناد و طرح های RDS تهیه شده در کشورهای کردستان عراق، ایرلند شمالی ۲۰۳۵، موراویای جنوبی و استونی ۲۰۰۵-۲۰۱۵ و سپس اعمال

تغییرات و اصلاحاتی در آن‌ها استفاده شده است. پس از این مرحله، مجدداً جهت تعیین روش‌های تجزیه و تحلیل و انتخاب استراتژی و همچنین جهت جمع‌آوری و طبقه‌بندی دانش موجود، جهت امتیاز دهی به پرسشنامه سوات از ۱۵ کارشناس منتخب که از کارشناسان و خبرگان کشور، استان و شهرستان بودند استفاده گردید. بنابراین جهت انجام فرایند تکمیل پرسشنامه‌ی سوات مجموعاً از ۲۰ کارشناس استفاده گردید. سپس با توجه به نتایج حاصله، مجدداً بر اساس نظرات کارشناسی و مد نظر قرار دادن اسناد فرادست، به تدوین چشم‌انداز، اهداف کلان و بخشی و همچنین سیاست‌ها و اقدامات مربوط به آن پرداخته شد، تا اولویت‌های راهبردی توسعه منطقه مشخص گردد.

پیشینه تحقیق

در این بخش به پیشینه‌های مرتبط با پژوهش، در دو بخش داخلی و خارجی اشاره شده است.

جدول (۱) - پیشینه‌ی پژوهش در دو بخش داخلی و خارجی

نام مولف / منطقه	عنوان	سال	نتایج کلیدی
نیل (۲۰۰۵) ^۱	بهترین رهنمود عملی برای استراتژی‌های توسعه منطقه‌ای	۲۰۰۵	یکی از چارچوب‌های برنامه‌ریزی با رویکرد استراتژیک؛ سازمانی که زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی آن جداسازی و تفکیک شده باشند، درگیر نمودن سهام داران در شیوه‌ای آزاد و مولد و انتقال پیامهای کلیدی آن به وضوح به انواع مخاطبان. یک چارچوب ساده اما موثر برای نظارت (Neil, 2005, p14).
ایرلند شمالی	راهبرد توسعه منطقه‌ای ۲۰۳۵	۲۰۰۱، ۲۰۰۸، ۲۰۱۱	توسعه اقتصادی منطقه و زیرمناطق، نظم بخشی و هدایت متعادل سکونت گاهی. تعیین قطب‌های محلی و منطقه‌ای و خوشه‌های توسعه، برقراری تعادل‌های منطقه‌ای. مدیریت اشتغال، مسکن و زمین، مدیریت پسماند منطقه‌ای، تقویت رقابت پذیری منطقه‌ای (DRD, 2013, p1-18).
استونی	سند استراتژی توسعه منطقه‌ای (RDS) استونی ۲۰۰۵-۲۰۱۵	۱۹۹۰	برنامه بهبود رقابت منطقه‌ای، توسعه گردشگری در تمرکز مناطق و محلات، فراهم آوردن فرصت‌های اشتغال و بالا بردن کیفیت زندگی مردم محلی، از بین بردن تنگناهای محلی که مانع از حداکثر استفاده از پتانسیل توسعه محلی می‌شود و توسعه مزیت‌های رقابتی خاص مناطق (DEIA, 2007, pp29-27).
موراویا	استراتژی توسعه برای	۱۹۹۹	تعریف اولویت‌هایی به شرح اقتصادی، محیط زیست، منابع انسانی،

نام مولف / منطقه	عنوان	سال	نتایج کلیدی
جنوبی	منطقه موراویا جنوبی		ساکنان و بازار کار، مراکز جمعیت، حمل و نقل و زیرساخت و همکاری و مشارکت. ارائه خلاصه ای از چارچوب مالی برای منطقه موراویا جنوبی (Garep, Vysoké, 2007, p4).
کردستان عراق	سند استراتژی توسعه منطقه‌ای (RDS) کردستان عراق	۲۰۱۱	توجه به بخش های بسیار متنوع در تدوین سند، دستیابی به تعادل مطلوب بین نیازهای دولت و نیازهای جوانان، ارائه فرصت‌های شغلی مناسب کسافی که شامل تمام جوانان تمايل به کار می‌کنند (I- Kurdistan Regional Government 2011, pp215 Ministry of Planning).
پاراسایی مقدم	تدوین الگوی راهبرد توسعه منطقه‌ای (RDS) شهرستان همدان	۱۳۹۳	ابزاری نوین و کارآمد برای دستیابی به توسعه پایدار مناطق، بهره‌گیری از RDS جهت مقابله با مهاجر فرستی شدید و جذب ناعادلانه سرمایه و فرصت‌ها در مقیاس منطقه و نهایتاً انزوای سایر نواحی و به دنبال آن خروج نیروی انسانی و مهاجرت ساکنین به مناطق اطراف (پاراسایی مقدم، ۱۳۹۳: ۱).
پژوهان	راهبرد توسعه منطقه‌ای (RDS) و راهبرد شبکه منطقه‌ای (RNS) به عنوان دو مورد از منسجم‌ترین این تلاش‌ها در زمینه توسعه منطقه‌ای، وجوه مشترک بسیار در (RNS) و (RNS) که می‌توان با ترکیب اولی، به‌عنوان یک دستورالعمل درازمدت توسعه‌ای، با دومی، به‌عنوان نظریه پایه توسعه منطقه‌ای، به رهیافت جدیدی در مورد توسعه منطقه‌ای دست یافت (پژوهان، ۱۳۹۳: ۱-۱۰).	۱۳۹۳	
محمدی	راهبرد توسعه منطقه‌ای (RDS) چارچوب سیاستی برای توسعه پایدار منطقه‌ای	۱۳۹۲	در این الگو تلاش می‌شود تا از توان‌ها، ظرفیت‌ها و اقدامات و همکاری‌های منطقه‌ای، جهت برقراری تعادل‌های منطقه‌ای استفاده شود. از ویژگی‌های این الگو تفکر راهبردی، اجتماع‌پذیری و نیز انعطاف‌پذیری در کل فرایند می‌باشد (محمدی، ۱۳۹۲: ۱-۹).
یاسوری و سجودی	ضرورت توجه به راهبرد توسعه منطقه‌ای (RDS) به منظور افزایش کارآمدی راهبرد توسعه شهری (CDS)	۱۳۹۴	شهر ها باید به عنوان باید به عنوان جزئی از سیستم منطقه ای که در آن قرار دارند تعریف شوند. RDS به عنوان یکی از استراتژی های توسعه منطقه ای هماهنگی جامع بین تمامی برنامه های شهری و منطقه ای و الگوهای توسعه بلند مدت را دنبال می‌کند (یاسوری و سجودی، ۱۳۹۴: ۱).

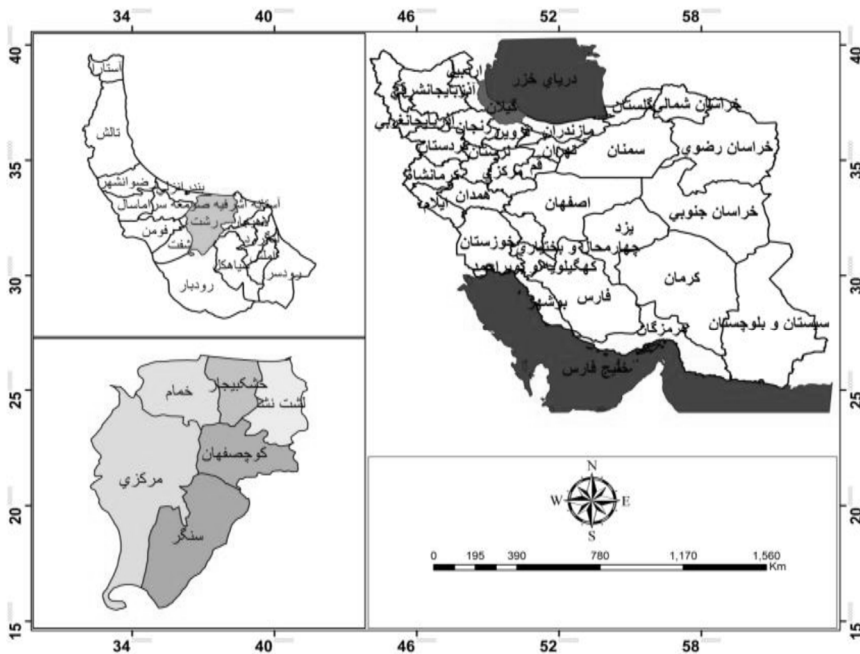
(منبع: مطالعات کتابخانه ای نویسندگان، ۱۳۹۵)

محدوده مورد مطالعه

شهرستان رشت از شمال به دریای خزر از غرب به تالاب انزلی و شهرستان‌های انزلی، صومعه‌سرا و شفت، از جنوب به شهرستان رودبار و از شرق به شهرستان‌های آستانه‌اشرفیه، لاهیجان و سیاهکل محدود می‌شود. شهرستان رشت در سال ۱۳۹۰ با ۹۱۸۴۴۵ نفر جمعیت ۳۷.۰۲ درصد جمعیت استان گیلان را در خود جای داده است که از این تعداد ۷۵.۹۹ درصد شهرنشین و

۲۴.۰۱ درصد جمعیت روستایی بوده اند. اکثر شهرستان های استان دارای ۲ بخش می باشند (۵۶ درصد) و شهرستان رشت با ۶ بخش دارای بیشترین تقسیمات می باشد. شهرستان رشت دارای ۶ بخش (مرکزی، خمام، خشکیبجار، سنگر، کوچصفهان و لشت نشاء)، ۶ نقطه شهری و ۱۸ دهستان شامل حومه، پیربازار، پسیخان، لاکان، چوکام، کته سر، چاپارخانه، نوشر، حاجی بکنده، سنگر، سراوان، اسلام آباد، بلسنه لولمان، کنارسر، گفشه، جیرنده، علی آباد زیبا کنار و ۲۹۶ آبادی می باشد (سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان، ۱۳۹۰). بخش مرکزی شهرستان رشت یکی از بخش های ۶ گانه ی شهرستان رشت در مرکز استان است. این بخش از شمال به شهرستان بندر انزلی و بخش خمام و از غرب به شهرستان های صومعه سرا و شفت و از شرق به بخش کوچصفهان و سنگر و از جنوب به شهرستان رودبار منتهی می شود. این بخش دارای ۴ دهستان به نام های پسیخان، پیربازار، حومه و لاکان می باشد. بخش مرکزی از یک موقع خاص جغرافیایی برخوردار است؛ به عبارت دیگر رشت به عنوان مرکز بخش، مرکز شهرستان و مرکز استان، بر تمامی فعالیت های بخش مرکزی تأثیر بسزایی دارد. دومین ویژگی موقع جغرافیایی این بخش، واقع شدن در یک اقلیم مناسب خزری و خاک مرغوب که در اراضی جلگه ای بخش کشاورزی رونق خاصی دارد. این موقعیت خاص جغرافیایی آرایش نسبتاً منظمی به سکونت گاه های روستایی داده است. دسترسی ساکنین روستاها در بخش مرکزی وسایط نقلیه شهری (از جمله اتوبوس های شرکت واحد) سبب شده که بسیاری از سکونتگاه ها از شهر رشت خدمات مورد نیاز را دریافت دارند (گزارشات سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان، ۱۳۹۰).

شکل (۲) - نقشه موقعیت جغرافیایی شهرستان رشت در استان



منبع: نویسندگان، ۱۳۹۵

یافته ها و بحث

نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید بخش توسعه فضایی شهرستان

در این بخش نقاط قوت و ضعف داخلی و خارجی از طریق بررسی داده های مرتبط با منطقه و استخراج اطلاعات مورد نیاز، استفاده از نظر کارشناسان صاحب نظر در امر توسعه ی شهرستان و برگزیدن نقاط قوت و ضعف داخلی و خارجی که بیشترین تواتر و اهمیت را داشته اند انتخاب گردیدند که در بخش بعد اسامی آنان به همراه ارزش گذاری و امتیاز دهی صورت گرفته توسط کارشناسان ارائه می گردد که در مجموع ماتریسی با ۳ نقطه ی قوت، ۶ نقطه ی ضعف، ۲ فرصت و ۵ تهدید از آن حاصل آمد که مجموع موارد فوق ۱۶ مورد می باشد.^۱

۱ - بخش های مورد بررسی در طرح های RDS تهیه شده برای شهرستان رشت شامل بخش های ۱۶ گانه ای بدین شرح بوده اند: ۱-ویژگی های محیطی، ۲-ویژگی های اجتماعی-فرهنگی، ۳-جمعیت و نیروی انسانی، ۴-ویژگی های اقتصادی (اقتصاد کلان

ماتریس های ارزیابی عوامل داخلی و خارجی

ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی حاصل بررسی استراتژیک عوامل مهم توسعه ی فضایی در استراتژی توسعه ی منطقه ای (RDS) شهرستان رشت می باشد. این ماتریس، نقاط قوت و ضعف اصلی و همچنین برای شناسایی و ارزیابی روابط بین این واحدها راهکارهایی را ارائه می کند. لازم به توضیح است همان گونه که از جداول زیر قابل استنباط است در ستون هایی که بر اساس گویه های طیف لیکرت تنظیم شده است، تعداد پاسخ های ارائه شده به هر گویه ذکر گردیده است و با توجه با عدم پاسخ گویی کارشناسان به برخی از نقاط، مجموع نقاط قوت و ضعف داخلی و خارجی برخی از موارد ۱۵ مورد نبوده است. ماتریس های ارزیابی عوامل داخلی و خارجی

می توان با طی پنج مرحله، ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و یا خارجی را تهیه نمود.

- ۱- پس از بررسی عوامل اولیه، مهم ترین عوامل فهرست شده است. در رابطه با عوامل خارجی نخست عواملی را که موجب فرصت موقعیت می شوند و سپس عواملی که برای شهرستان رشت به عنوان تهدید عمل می کنند.
- ۲- به این عوامل ضریب داده شده است، از صفر (بی اهمیت) تا ۱ (بسیار مهم). لازم به ذکر است که مجموع این ضریب ها باید عدد ۱ بشود. ضریب نشان دهنده ی اهمیت نسبی یک عامل (از نظر تاثیر بر روی استراتژی توسعه ی منطقه ای (RDS) می باشد). صرف نظر از این که عامل مورد نظر به عنوان نقطه ی قوت یا ضعف؛ فرصت تا تهدید در استراتژی توسعه ی منطقه ای (RDS) به حساب می آید، باید به عاملی که بیشترین اثر را بر عملکرد مجموعه دارد، بالاترین ضریب را داد.

و بخش مالی)، ۵- ویژگی های کالبدی، ۶- کشاورزی، ۷- انرژی، ۸- صنعت و معدن، ۹- زیرساخت (حمل و نقل، ارتباطات، آب و بهداشت، مسکن)، ۱۰- آموزش و پرورش و آموزش عالی، ۱۱- بهداشت، ۱۲- گردشگری، فرهنگ و میراث، ۱۳- ابعاد اجتماعی (زنان بی سرپرست، وضعیت اعتیاد، وضعیت زندانیان، طلاق و خودکشی) ۱۴- توسعه ی فضایی، ۱۵- حکمروایی خوب ۱۶- بخش خصوصی، که هر یک از بخش ها خود به زیر بخش هایی تقسیم شده اند و مورد بررسی قرار گرفته اند. لازم به ذکر است مجموعه ی نقاط قوت و ضعف داخلی و خارجی بخش های ۱۶ گانه ۱۱۳ مورد بوده است که بخش توسعه ی فضایی ۱۶ مورد را به خود اختصاص داده است. بدین جهت برخی از موارد جانبی مهم و تاثیر گذار در امر توسعه ی فضایی، در بخش های مربوطه به طور تخصصی مورد بررسی قرار گرفته اند.

- ۳- به هر یک از عامل ها نمره ی ۱ تا ۴ داده شده است. به نحوی که نقاط قوت و فرصت عدد ۳ و ۴ به خود می گیرند و نقاط ضعف و تهدید نمره ی ۱ و ۲ را به خود اختصاص می دهند.
- ۴- برای تعیین نمره ی نهایی هر عامل، ضریب هر عامل را در نمره ی آن ضرب می کنیم.
- ۵- مجموع نمره های نهایی هر عامل را محاسبه می نمایم تا نمره ی نهایی مشخص شود (برگرفته از پیرمردیان و همکاران، ۱۳۸۹، شجاعی و همکاران، ۱۳۸۹).

جدول (۲) - نقاط قوت و ضعف داخلی و خارجی بخش توسعه فضایی با تاکید بر الگوی
 استراتژی توسعه منطقه ای (RDS)

توسعه ی فضای		مهم	مهم	مهم	مهم	مهم	مهم	مهم	مهم	مهم	مهم	مهم	مهم
توسعه فضایی	۱- حوزه ی نفوذ و کارکردهای منطقه ای گسترده برخوردار از شبکه های زیربنایی نسبتاً قوی (شبکه جاده ای، تولید و انتقال نیرو، خطوط انتقال فرآورده های نفتی، به عنوان استخوان بندی سازمان فضایی)	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
توسعه فضایی	۲- نظام فضایی شبکه شهری و فاصله ی کوتاه آن از نقاط روستایی از جنبه ی ایجاد تمایل روستاییان (در صورت فراهم شدن به امکانات) به ماندگاری در روستا	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
توسعه فضایی	۳- قابلیت توسعه ی کشاورزی و دامپروری در تولید محصولات چون برنج، چای، زیتون، بادام زمینی، توتون، مرکبات، کشت گلخانه ای، گردو و فندق، گیاهان دارویی، تزیینی و علوفه ای، ابرش، انواع محصولات دام و طیور و تولید چوب	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
توسعه فضایی	۱- نابرابری جغرافیایی در نظام شهری و خدماتی، توزیع نامناسب فضایی جمعیت، امکانات زیرساختی و فعالیت ها و گرایش ها به سمت قطبی شدن مانند فعالیت های کوچک اقتصادی	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
توسعه فضایی	۲- وجود رقابت شدید و نابرابر برای کاربری های مسکونی، کشاورزی، صنعتی و خدماتی	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
توسعه فضایی	۳- محدودیت اراضی جهت استقرار کارکردهای جدید سازمان فضایی استان و بافت قدیم شهرها و زیرساخت ها موجود در آن و سکونت گاه های غیر استان یا توجه به اقلیم مرطوب	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
توسعه فضایی	۴- عدم تعادل های منطقه ای و توسعه نیافتگی روستاها و مناطق محروم و تیزکرهای رو به رشد شهرها	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
توسعه فضایی	۵- وجود محدودیت های اکولوژیکی در جهت توسعه ی فعالیت های صنعتی، مسکونی و ...	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
توسعه فضایی	۶- ضعف زیرساختی در کنترل موانع و محدودیت های طبیعی از جمله آبگرفتگی معابر و ...	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
توسعه فضایی	۱- فرار گیری در کنار دریای خزر به عنوان مهم ترین امکان توسعه ی فضایی استان، به عنوان راه ارتباطی بین المللی (با کشورهای CIS) توان برپایی پیوندهای بازرگانی با حوزه ی دریای خزر، قفقاز، آسیای میانه، و شرق اروپا	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
توسعه فضایی	۲- فراهم بودن بستر مناسب برای فعالیت های تجاری و خدمات بازرگانی و نقش پایداری در اقتصاد ملی و به لحاظ نزدیکی مسافت به پایتخت به عنوان بزرگ ترین بازار مصرفی کشور	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
توسعه فضایی	۱- واردات بیرویه محصولات مشابه تولیدات استان و اشباع بازار از آن	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
توسعه فضایی	۲- کاهش آب ورودی به استان و برداشت های بی رویه از حوزه ی آبخیز سفید رود در استان های بالادست (با توجه به وابسته بودن فعالیت کشاورزی استان سفید رود می تواند در استقرار فعالیت ها و سازمان فضایی استان تأثیر بگذارد	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
توسعه فضایی	۳- خطرات ناشی از تغییرات آب و هوایی کره زمین	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
توسعه فضایی	۴- عدم شفافیت و تفکیک حوزه ی مسئولیت و اختیارات نهادهای مرتبط با موضوع سواحل و آب های تحت حاکمیت و صلاحیت (وزارت کشور، گمرک، حفاظت محیط زیست، وزارت نفت) از نظر استقرار فعالیت های دریامحور در پهنه های شمالی ایران	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
توسعه فضایی	۵- آشفتهی فضایی ناشی از استقرار نامناسب جمعیت و فعالیت در منطقه	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
2.44	1	412	6.6	6	9	0	0	0	0	0	0	0	

ارزیابی عوامل داخلی IFE و ارزیابی عوامل خارجی EFE

نتیجه به دست آمده در عوامل داخلی و خارجی، حاکی از آن است که شهرستان رشت در ماتریس عوامل داخلی با تعداد نقاط قوت و ضعف داخلی و خارجی که پیش تر ذکر شد؛ مجموعاً ۲۶۶ امتیاز را کسب نموده و همچنین بر طبق آن چه که بر اساس ماتریس عوامل خارجی به دست آمده است، از نظر عوامل خارجی مجموعاً ۲۴۴ امتیاز را دارا بوده است. با توجه به امتیازات مشاهده می شود که نقاط داخلی امتیاز بیشتری را نسبت به نقاط خارجی کسب کرده اند. در جدول زیر مجموع امتیازات نهایی و ضرایب نهایی هر کدام از نقاط قوت و ضعف درونی و بیرونی ارائه گردیده است.

جدول (۳)- ضرایب و امتیازات نهایی نقاط قوت و ضعف بخش توسعه فضایی

نقاط قوت و ضعف		نقاط فرصت و تهدید	
ضریب	امتیاز	ضریب	امتیاز
۵۱۴	۲۶۶	۴۱۲	۲۴۴

همچنین می توان از جدول پیشین استنباط نمود که از بین نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید بالا ترین امتیاز متعلق به موارد زیر بوده است: مهم ترین قوت: حوزه نفوذ و کارکردهای منطقه ای گسترده برخورداری از شبکه های زیربنایی نسبتاً قوی (شبکه جاده ای، تولید و انتقال نیرو، خطوط انتقال فرآورده های نفتی، به عنوان استخوان بندی سازمان فضایی) با امتیاز ۰۴۵. مهم ترین ضعف: وجود رقابت شدید و نابرابر برای کاربری های مسکونی، کشاورزی، صنعتی، خدماتی و وجود رقابت شدید و نابرابر برای کاربری های مسکونی، کشاورزی، صنعتی، و خدماتی و وجود محدودیت های اکولوژیکی در جهت توسعه ی فعالیت های صنعتی، مسکونی و ... با امتیاز برابر ۰۲۳. مهم ترین فرصت: فراهم بودن بستر مناسب برای فعالیت های تجاری و خدمات بازرگانی و نقش پذیری در اقتصاد ملی و به لحاظ نزدیکی مسافت به پایتخت به عنوان بزرگ ترین بازار مصرفی کشور با امتیاز ۰۵۸. مهم ترین تهدید: آشفتگی فضایی ناشی از استقرار نامناسب جمعیت و فعالیت در منطقه با امتیاز ۰۳۲.

شکل (۳) - ماتریس ارزیابی موقعیت استراتژیک و اقدام (ماتریس موقعیت) (Space)
 در بخش توسعه فضایی

داخلی 2.66

خارجی 2.44



ماتریس سوات (SWOT)

با توجه به نتایج حاصل از ماتریس ارزیابی موقعیت و اقدام استراتژیک (SPACE) مشخص شد شهرستان رشت، به منظور پیشبرد امور خود می بایست استراتژی های رقابتی اتخاذ کند. پس از طی جلسات حضوری با کارشناسان خبره، نمایندگان تام الاختیار دستگاه ها و اعضای متناظر برگزار شد، به ارائه ی راهکارهای اجرایی و راهبردهای استراتژی توسعه منطقه ای (RDS) در شهرستان رشت پرداخته شد و با ترکیب فرصت ها، تهدیدها، قوت ها و ضعف های شهرستان، استراتژی های اصلی SO، ST، WO و WT ارائه و نهایتا ماتریس نهایی SWOT استخراج شد. در واقع مدل SWOT یکی از ابزارهای استراتژیک تطابق نقاط قوت^۱ و ضعف^۱ درون

۱- Strengths

سیستمی با فرصت‌ها^۲ و تهدیدات^۳

برون سیستمی است. از دیدگاه این مدل، یک استراتژی مناسب، قوت‌ها و فرصت‌ها را به حداکثر و ضعف‌ها و تهدیدها را به حداقل ممکن می‌رساند. برای این منظور، نقاط قوت و ضعف‌ها و فرصت‌ها تهدیدها در چهار حالت کلی SO, WO, ST, WT به صورت زیر پیوند داده می‌شوند و گزینه‌های استراتژی از بین آنها انتخاب می‌شود. تجزیه و تحلیل SWOT اصطلاحی است که برای شناسایی نقاط قوت و ضعف داخلی و فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی که یک سیستم با آن روبروست به کار برده می‌شود. تجزیه و تحلیل SWOT شناسایی نظام‌مند عواملی است که راهبرد باید بهترین سازگاری را با آنها داشته باشد (پیرز، ۱۳۸۳: ۱۵۵).

راهبردهای تنوع بخشی (رقابتی) (ST)، بر نقاط قوت درونی و تهدیدهای بیرونی متمرکز است (استفاده از نقاط قوت شهرستان برای مواجهه با تهدیدها). به عبارتی این استراتژی براساس استفاده از نقاط قوت جهت جلوگیری از تهدیدها بنا شده است و هدف این است که توانمندی‌های موجود را افزایش داده و در مقابل، تهدیدها را کاهش دهد. سازمان در اجرای استراتژی ST می‌کوشد تا با استفاده از نقاط قوت داخلی خود برای جلوگیری از تاثیر منفی تهدیدهای خارجی بر سازمان، روش‌هایی را در پیش بگیرد یا آن تهدیدها را از بین ببرد. بنابراین انواع استراتژی‌ها در ماتریس سوات به شرح جدول زیر خواهند بود:

جدول (۴) - انواع استراتژی‌ها در ماتریس SWOT

عوامل داخلی و خارجی	نقاط قوت داخلی (s1, s2, s3,...)
نقاط ضعف بیرونی (T1, T2, T3, ...)	<p>۱- تاکید بر تمرکز زدایی و برنامه‌های بلند مدت و استراتژی‌های توسعه‌ی منطقه‌ای جهت کاهش عدم تعادل های منطقه‌ای</p> <p>۲- توسعه زیرساخت‌ها و بالا بردن توان رقابت پذیری گردشگری، صنایع تولیدی و کشاورزی</p> <p>۳- ارتقای جایگاه مدیریت و برنامه ریزی شهرستان در راستای تقویت ظرفیتهای توسعه استان</p>

۱- Weaknesses

۲- Opportunities

۳- Threats

لازم به ذکر است؛ در ماتریس SWOT در هر مرحله دو عامل با هم مقایسه می شوند؛ بنابراین، همه راهبردهایی که در ماتریس SWOT ارائه می گردند، انتخاب و اجرا نخواهند شد. همچنین لازم است اشاره گردد که در ماتریس انتخاب استراتژی های اصلی، بر اساس جداولی که نقاط قوت و ضعف درونی و بیرونی مورد تجدید نظر و تخلیص قرار گرفته بودند عمل گردیده است.

استخراج راهبردهای پژوهش بر اساس ماتریس نقاط قوت و ضعف بیرونی و درونی

جدول (۵)-ماتریس انتخاب استراتژی های اصلی ماتریس برنامه ریزی استراتژیک کمی (QSPM)

	نقاط قوت - S	نقاط ضعف - W
فرصت ها - O	استراتژی های SO استفاده از نقاط قوت برای دستیابی به منافع نهفته در فرصت ها	استراتژی های WO رفع نقاط ضعف با استفاده از منافع نهفته در فرصت ها
تهدیدات - T	استراتژی های ST استفاده از نقاط قوت برای اجتناب از تهدیدات	استراتژی های WT به حداقل رساندن نقاط ضعف و اجتناب از تهدیدات

در این مرحله ابتدا با اولویت بندی راهبردهای قابل قبول به دست آمده در مرحله قبل از طریق قضاوت شهودی راهبردهای نهایی را انتخاب کرده و با استفاده از ماتریس برنامه ریزی راهبردی کمی (QSPM) امتیاز نهایی هر معیار مشخص می شود. در اجرای ماتریس برنامه ریزی راهبردی کمی از تجزیه و تحلیل های مرحله اول و نتیجه حاصل از مقایسه عوامل داخلی و خارجی در مرحله دوم استفاده می شود. از این ماتریس جهت تعیین میزان جذابیت راهبردهای تدوین شده استفاده می گردد و با استفاده از این ماتریس می توان به صورت عینی راهبردهای گوناگون را که در زمره بهترین راهبردها هستند، مشخص نمود. ضریب نشان دهنده اهمیت نسبی عوامل می باشد. مجموع ضرایب داده شده باید ۱ باشد. به هر یک از عوامل به ترتیب اهمیت رتبه ۱ تا ۴ داده می شود. این رتبه بیانگر میزان اثربخشی استراتژی های کنونی در نشان دادن واکنش نسبت به عوامل مزبور است. عدد ۴ به معنی واکنش بسیار عالی، ۳ واکنش از حد متوسط به بالا و عدد ۲ به معنی واکنش در حد متوسط است. عدد ۱ نیز به معنی واکنش ضعیف است. ضریب هر عامل را

(که از صفر تا بود) در رتبه مربوط به آن ضرب می کنیم تا نمره نهایی به دست آید. مجموع نمره های مربوط به هر یک از متغیرها را به دست می آوریم تا بتوانیم مجموع نمره های هر راهبرد را تعیین کنیم.

ماتریس برنامه ریزی استراتژیک کمی (QSPM)

جدول (۶) - اولویت بندی کردن راهبردهای تدوین شده بر اساس مدل QSPM
(نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید)

استراتژی های ST							استراتژی ها
ارتقای جایگاه مدیریت و برنامه ریزی شهرستان در راستای تقویت ظرفیتهای توسعه استان		توسعه زیرساخت ها و بالا بردن توان رقابت پذیری گردشگری، کشاورزی و صنایع تولیدی		تاکید بر تمرکززدایی و برنامه های بلند مدت و استراتژیهای توسعه منطقه ای جهت کاهش عدم تعادل های منطقه ای		وزن	
امتیاز	نمره جذابیت	امتیاز	بهره بخش	امتیاز	بهره بخش		نقاط قوت، ضعف، فرصت، تهدید ^۱
0.033	3	0.033	3	0.022	2	0.11	S1- حوزه ی نفوذ و کارکردهای منطقه ای گسترده
0.032	3	0.043	4	0.011	1	0.11	S2- نظام فضایی شبکه شهری و فاصله ی کوتاه آن از نقاط روستایی
0.043	4	0.043	4	0.021	2	0.11	S3- قابلیت توسعه کشاورزی و دامپروری
0.032	3	0.021	2	0.032	3	0.11	W1- نابرابری و توزیع نامتناسب در نظام شهری و خدماتی
0.032	3	0.021	2	0.021	2	0.11	W2- وجود رقابت شدید و نابرابر برای کاربری ها
0.032	3	0.043	4	0.032	3	0.11	W3- محدودیت اراضی جهت کارکردهای جدید سازمان فضایی

۱- عبارات مبین نقاط قوت و ضعف داخلی و خارجی جدول حاضر به علت ارائه بهتر جدول خلاصه شده است که عبارت کامل آن در جدول ۱ قابل مشاهده است.

استراتژی های ST						
ارتقای جایگاه مدیریت و برنامه ریزی شهرستان در راستای تقویت ظرفیتهای توسعه استان			توسعه زیرساخت ها و بالا بردن توان رقابت پذیری گردشگری، کشاورزی و صنایع تولیدی		تاکید بر تمرکز زدایی و برنامه های بلند مدت و استراتژیهای توسعه منطقه ای جهت کاهش عدم تعادل های منطقه ای	
امتیاز	نمره جذابیت	امتیاز	نمره جذابیت	امتیاز	نمره جذابیت	وزن
0.031	3	0.031	3	0.021	2	0.10
0.035	3	0.023	2	0.023	2	0.12
0.043	4	0.032	3	0.021	2	0.11
0.045	3	0.030	2	0.030	2	0.15
0.045	3	0.060	4	0.045	3	0.15
0.052	4	0.039	3	0.052	4	0.13
0.045	3	0.045	3	0.060	4	0.15
0.035	3	0.035	3	0.023	2	0.12
0.048	3	0.048	3	0.048	3	0.16
0.048	3	0.048	3	0.064	4	0.16
0.630		0.595		۲۷۰.5		

مهم ترین اولویت های شهرستان در زمینه توسعه فضایی

در این بخش بر اساس استراتژی های نهایی تعیین شده در موقعیت راهبردهای تنوع بخشی (رقابتی) (ST)، عمل شده است؛ (ماتریس انتخاب استراتژی های اصلی) و "ارزیابی و اولویت

۱- عبارات مبین نقاط قوت و ضعف داخلی و خارجی جدول حاضر به علت ارائه بهتر جدول خلاصه شده است که عبارت کامل آن در جدول ۱ قابل مشاهده است.

بندی استراتژی‌ها با استفاده از مدل QSPM ارائه گردیده است. بدین منظور استراتژی‌های نهایی با توجه به قرار گیری در موقعیت‌های سه گانه دسته بندی شدند و در هر بخش به ترتیب اولویت تنظیم شدند، تا استراتژی‌های توسعه‌ای دخیل در تدوین استراتژی توسعه‌ی منطقه‌ای (RDS) به ترتیب اولویت شناسایی شوند. حال با توجه به قرار گیری منطقه‌ی مورد مطالعه در موقعیت‌های چهارگانه، ارائه می‌گردد.

جدول (۷) - مهم ترین اولویت‌های توسعه فضایی شهرستان در تهیه الگوی راهبرد توسعه‌ی منطقه‌ای در موقعیت ST

رتبه	امتیاز	استراتژی‌ها
۱	۰.۶۳۰	ارتقای جایگاه مدیریت و برنامه ریزی شهرستان در راستای تقویت ظرفیتهای توسعه استان
۲	۰.۵۹۵	توسعه زیرساخت‌ها و بالا بردن توان رقابت پذیری گردشگری، کشاورزی و صنایع تولیدی
۳	۲۷۰.۵	تاکید بر تمرکز زدایی و برنامه‌های بلند مدت و استراتژی‌های توسعه منطقه‌ای جهت کاهش عدم تعادل‌های منطقه‌ای

همان گونه که از جداول فوق برداشت می‌شود، در بخش استراتژی‌های ST (قوت- تهدید) که به ترتیب اولویت بیان شده‌اند، ۳ استراتژی وجود دارد و استراتژی که در اولویت اول بوده است شامل "ارتقای جایگاه مدیریت و برنامه ریزی شهرستان در راستای تقویت ظرفیتهای توسعه استان با امتیاز ۰.۶۳۰ در رتبه دوم؛ توسعه زیرساخت‌ها و بالا بردن توان رقابت پذیری گردشگری، کشاورزی و صنایع تولیدی با امتیاز ۰.۵۹۵. و نهایتاً استراتژی تاکید بر تمرکز زدایی و برنامه‌های بلند مدت و استراتژی‌های توسعه‌ی منطقه‌ای جهت کاهش عدم تعادل‌های منطقه‌ای با ۰.۵۲۷ امتیاز در آخرین رتبه بوده است.

نتیجه گیری

شهرستان رشت به عنوان یکی از شهرستان‌های مستعد استان گیلان و ناحیه‌ی شمالی کشور تمرکز گرایی شدید و رقابت پذیری ناسالمی را در سطح منطقه سبب شده است. یکی از راهکارهای رسیدن به چنین تعادلی بهره‌گیری از الگوی نوین استراتژی توسعه‌ی منطقه‌ای (RDS)، می‌باشد. بنابراین در این پژوهش ضمن تشریح مهم‌ترین نمودها و مصادیق مناطقی که از استراتژی‌های فوق بهره‌گرفته‌اند؛ به بررسی وضعیت یکی از مهم‌ترین ارکان استراتژی توسعه

منطقه ای (RDS) در شهرستان رشت پرداخته است. نتایج مقاله حاکی از آن است که پس از شناسایی نقاط قوت و ضعف داخلی و خارجی موقعیت منطقه ی مورد مطالعه در ماتریس ارزیابی موقعیت استراتژیک و اقدام "رقابتی" بوده است. سپس استراتژی های سه گانه ای تدوین شد که بر اساس ماتریس برنامه ریزی استراتژیک کمی (QSPM)، اولویت اول ارتقای جایگاه مدیریت و برنامه ریزی شهرستان در راستای تقویت ظرفیتهای توسعه استان بوده است. راهبرد توسعه ی منطقه ای با تفکر راهبردی، اجتماع محور و انعطاف پذیر خود در برقراری تعادل های منطقه ای بسیار موثر است چرا که در این الگو تلاش می شود تا از توان ها، ظرفیت ها و اقدامات و همکاری تمامی مناطق بهره جست و آن را به بهترین شکل ممکن سازمان دهی کرد. راهکار عملی اهداف فوق بدین صورت است که:

- شهر رشت به عنوان مرکز استان می تواند جهت پیشبرد اهداف خود و کل منطقه، از سایر مناطق یعنی شهرهای متوسط، کوچک و میانی و سکونت گاه های روستایی به عنوان زیر مناطق بهره گیرد.

- تهیه و اجرای طرح استراتژی توسعه ی منطقه ای (RDS)، استان که این امر می تواند در توسعه ی فضایی، تعادل بخشی، شکل گیری شبکه ی شهری متوازن بسیار موثر باشد.

- توجه به سلسله مراتب شهری؛ چرا که نبود شهر درجه دو، باعث شکاف عمیقی در استان گردیده است.

- اصلاح ساختار فضایی منطقه به منظور تسهیل و جابه جایی کالا و جمعیت.

- بهره گیری مناسب از ظرفیت مناطق ویژه اقتصادی استان، توسعه کیفی زیرساخت ها.

- برقراری جذابیت ها و مشوق های ترجیحی برای سرمایه گذاری در مناطق کمتر توسعه یافته

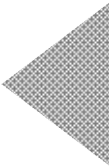
- حمایت منطقی از بنگاه های کوچک و متوسط جهت ارتقای رقابت پذیری آن ها

منابع

- افروغ، عماد (۱۳۷۷)، **فضا و نابرابری اجتماعی**، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- امیر احمدیان. بهرام (۱۳۷۸)، «درجه توسعه یافتگی استان ها و همسازی ملی در ایران»، **فصلنامه مطالعات ملی**، سال نخست، شماره اول

- پژوهان، موسی (۱۳۹۳)، «راهبرد توسعه منطقه ای (RDS) و راهبرد شبکه منطقه ای (RNS)؛ مقدمه ای بر ادغام یک دستورالعمل توسعه ای در یک پارادایم نظری»، **همایش ملی نظریه های نوین در معماری و شهرسازی**، قزوین.
- پورشیخان، علیرضا؛ نظریان. اصغر (۱۳۸۹)، «پیدایش منطقه ی کلانشهری و بازتاب فضایی آن، مطالعه ی موردی شهر رشت»، **فصلنامه جغرافیایی سرزمین**، سال هفتم، شماره بیست و هفت، صفحات ۳۳-۵۱.
- پیرز. جان، ای و ریچارد دبی، رابینسون (۱۳۸۳)، **مدیریت راهبردی (برنامه ریزی، اجرا و کنترل)**، انتشارات سمت، تهران.
- حق جو، محمد رضا (۱۳۸۳)، «تحلیل مناسبات محیطی در مدیریت گسترش فضایی کلان شهرها»، **فصلنامه ی مدیریت شهری**، شماره ۱۷.
- داگلاس، مایک (۱۳۸۸)، «استراتژی ایجاد شبکه منطقه ای به منظور تقویت پیوندهای میان روستا و شهر، دستور کاری برای پژوهش های سیاستگذاری با اشاره به کشور اندونزی (قسمت دوم)»، مترجم: لطیفی، غلامرضا، دوره نوزدهم، شماره هفتاد و پنج، صفحات ۶۷-۷۷.
- رهنمایی، محمدتقی (۱۳۸۲)، **مجموعه مباحث و روش های شهرسازی جغرافیا، تهران**، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی ایران، چاپ سوم.
- سفر دوست، احمد (۱۳۸۴)، **پژوهش در شناخت هویت کالبد شهر رشت**، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی.
- عظیمی دوبخشری، ناصر (۱۳۸۱)، «تاریخ تحولات اجتماعی -اقتصادی گیلان»، رشت، انتشارات گیلکان.
- غمامی، مجید (۱۳۸۳)، **گزیده مطالعات طرح راهبردی توسعه کالبدی شهر تهران**، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چاپ اول.
- فومنی، عبدالفتاح (۱۳۴۸)، **تاریخ گیلان**، رشت، بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
- سازمان مسکن و شهرسازی استان گیلان، (۱۳۸۷) سومین طرح جامع شهر رشت، مهندسین مشاور طرح و کاوش.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان، (۱۳۹۰) سالنامه آماری استان گیلان
- محمدی، علیرضا (۱۳۹۲)، «راهبرد توسعه منطقه ای (RDS)»، **اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار**، تهران.
- مصلی نژاد، غلامعباس (۱۳۸۴)، **دولت و توسعه اقتصادی در ایران**، تهران، قومس.
- هافتون، گراهام؛ کانسل، دیوید (۱۳۸۷)، **منطقه، راهبردهای فضایی و توسعه ی پایدار**، انتشارات آذرخش، تهران.

- یاسوری، مجید (۱۳۹۰)، «بررسی وضعیت توزیع جغرافیایی سرمایه گذاری در استان گیلان»، چشم انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)، سال ششم، شماره ۱۴، صفحات ۱۵۷-۱۳۹.
- یاسوری، مجید؛ سجودی، مریم (۱۳۹۴)، «ضرورت توجه به راهبرد توسعه ی منطقه ای (RDS) به منظور افزایش کارآمدی راهبرد توسعه ی شهری (CDS)»، ششمین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری با تاکید بر مولفه های شهر اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- 17-GaREP, spol. s r. o ., Vysoké učení technické v Brně, (2007), **REGIONAL DEVELOPMENT STRATEGY-South Moravian Region, Concise versin for general public**, Published by the Department of Regional Development ,the Authority of the South Moravian Region, BRNO.
- 18- Huggins. Robert, Izushi, Hiro, Prokop, Daniel, Thompson.Piers (۲۰۱۴) **.Regional competitiveness, economic growth and stages of development**. Preliminary communication, UDC 332.14:330.34, vol. 32, 2, PP255-283.
- 19-Othman Sindi, Ali, **Regional Development Strategy for Kurdistan Region 2012-2016**, (2011) Kurdistan Regional Government Ministry of Planning
- 20-PESSOA, Argentino, Economia Faculdade de.(۲۰۰۸) . **tourism and regional competitiveness: the case of the portuguese douro valley**, http://www.fep.up.pt/investigacao/workingpapers/08.10.28_wp299.pdf
- 21- Phonm Penh Municipality, (2005), "**City Development Strategy**", 2005-2015.
- 22-**REGIONAL DEVELOPMENT STRATEGY OF ESTONIA 2005-2015**, Regional Development Department of the Ministry of Internal Affairs.
- 23-**UK Department for Regional Development (DRD)**.(2003) Northern Ireland Regional Development
- 24-**UK Department for Regional Development (DRD)**.(2008) Northern Ireland Regional Development
- 25-**UK Department for Regional Development (DRD)**.(2013) Northern Ireland Regional Development Strategy 2035. for Northern Ireland. Department for Regional Development. Strategic Planning and Co-ordination Division. From: www.drdni.gov.uk/RDS2035. Accessed on 18 November 2013.



توسعه ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی: تحلیل محتوای کتاب کارگاه کارآفرینی و تولید دوره متوسطه نظری از منظر میزان انعکاس ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی

جواد آقامحمدی^۱

(تاریخ دریافت ۹۷/۳/۲۷ - تاریخ تصویب ۹۷/۱۲/۲۶)

چکیده

هدف از انجام این پژوهش تحلیل محتوای کتاب کارگاه کارآفرینی و تولید دوره دوم متوسطه (شاخه نظری) از منظر میزان توجه به ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی بوده است. روش پژوهش توصیفی و از نوع تحلیل محتوا بوده است. جامعه آماری پژوهش کتاب کارگاه کارآفرینی و تولید پایه دهم دوره دوم متوسطه شاخه نظری که مشتمل بر ۳۲ بخش و ۱۳۵ صفحه می‌باشد، بوده است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها سیاهه‌های واریسی و تحلیل محتوای بود که روایی آن با استفاده از نظر صاحب‌نظران و پایایی آن با استفاده از روش اسکات (۸۹/۵) که به روش توافق بین صاحب‌نظران مشهور است بدست آمد. داده‌های حاصل از تحلیل محتوا یعنی ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی با استفاده از منابع و متون معتبر استخراج و سپس در قالب آمار توصیفی و با استفاده از مراحل سه

گانه آنتروپی شانون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج و یافته های پژوهش بخش کیفی تحلیل محتوی نشان داد که ۷ ویژگی شخصیتی کارآفرینی که در اکثر منابع و متون مورد تأکید قرار گرفته است عبارتند از: ریسک پذیری، منبع کنترل درونی، موفقیت طلبی، استقلال طلبی، تحمل ابهام، خلاقیت و خودباوری و در بخش کمی تحلیل محتوی که با آنتروپی شانون صورت گرفته است، از میان ۷ ویژگی مورد مطالعه شخصیتی کارآفرینی، ویژگی خلاقیت با میزان بار اطلاعاتی ۰/۷۵۶ و ضریب اهمیت ۰/۲۰۳ بیشترین توجه و ویژگی استقلال طلبی با میزان بار اطلاعاتی ۰/۲۵۶ و ضریب اهمیت ۰/۰۶۸ کمترین توجه را به خود اختصاص داده است.

واژه های کلیدی: کارآفرینی، ویژگی های شخصیتی کارآفرینی، کتاب کارآفرینی و تولید.

مقدمه

امروزه در نظام های متمرکز اغلب فعالیت های آموزشی و پرورشی مدارس در چارچوب کتاب درسی و محتوای آن انجام می گیرد. از این رو محتوای دروس دربردارنده مجموعه ای از دانش ها، مهارت ها، فرایندها و ارزش ها است که دانش آموز در ضمن آموزش یا در فرآیند یاددهی - یادگیری با آن در تعامل قرار می گیرد (فضل الهی قمشی و طالعی فرد، ۱۳۹۶). به دنبال تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش تحول در کتاب های درسی آغاز شد و سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی تدوین کتاب درسی جدید در دوره دوم متوسطه در شاخه نظری را تحت عنوان کارگاه کارآفرینی و تولید منطبق بر مفاد سند تحول بنیادین و ساحت های شش گانه تربیت که یکی از آن ها مستقیماً به بحث کارآفرینی می پرداخت، آغاز نمود. بر این اساس این کتاب بایستی فراگیران را به سمت کارهای کارآفرینانه سوق دهد و بسیار واضح است که یکی از الزامات آموزش کارآفرینانه و فعالیت های کارآفرینی، توجه و اهمیت دادن به ویژگی های شخصیتی کارآفرینی است که پژوهش حاضر درصدد مطالعه این مهم می باشد.

پژوهش ها نشان می دهند که مهم ترین عامل مؤثر در حرکت کارآفرینی از قوه به فعل، بروز روحیه کارآفرینی در افراد از طریق آموزش می باشد و مناسب ترین محیط برای پرورش

کارآفرینان، در هر جامعه ای محیط های آموزشی است (عزیزی، ۱۳۹۲: ۲۶). مؤید این نکته، تحقیق انجام گرفته از سوی دیده بان جهانی کارآفرینی^۱ در سال های ۲۰۰۳ و ۲۰۱۱ است که تأیید می کند آموزش، نقشی بسیار مهم در کارآفرینی ایفا می کند. تجهیز افراد به مهارت های کارآفرینی یکی از نخستین اولویت های شناسایی شده در تمام کشورهای عضو دیده بان جهانی کارآفرینی بوده است (دیده بان جهانی کارآفرینی، ۲۰۱۱ به نقل از مرتضی نژاد و دیگران، ۱۳۹۶). آموزش، یکی از جنبه های مهم در گسترش کارآفرینی است که مورد توجه ویژه ی کشورهای جهان واقع شده است (رنجریان، ۱۳۹۱). اگر بخواهیم بحث کارآفرینی را در کشور جدی بگیریم باید نظام آموزشی ما به سمتی حرکت کند که نیروهای با شهامت و شجاع در تصمیم گیری پرورش دهد. آموزش کارآفرینی سیاستی است که به طور مستقیم در کیفیت عرصه کارآفرین در یک جامعه اثر می گذارد (مه نگار و دیگران ۱۳۹۲). به همین دلیل است که در اکثر کشورهای توسعه یافته به مسئله آموزش کارآفرینی در نظام آموزشی به ویژه در سطوح اولیه تأکید ویژه می شود. و در بسیاری از کشورهای عضو اتحادیه اروپا آموزش های کارآفرینی در برنامه درسی آن ها گنجانیده شده است؛ چرا که فرض بر آن است که مهارت ها و ویژگی های کارآفرینی را می توان آموزش داد و مطالعات تجربی نیز بر این قضیه صحه گذاشته اند.

ویژگی های شخصیتی، حالت های رفتاری هستند که نوعی واکنش خاص را در مقابله با موقعیت های مختلف به نمایش می گذارند (لاکس و لاگونا، ترجمه رضوی و همکاران، ۱۳۹۳). تعدادی از صاحب نظران معتقدند که ویژگی های شخصیتی افراد کارآفرین ثابت و موروثی است. اما تعداد دیگری از صاحب نظران که طرفداران بیشتری در میان محققان دارند، اعتقاد دارند که گرچه مسائل ژنتیکی در آن ویژگی ها دخیل هستند اما محیط و آموزش های لازمه نقش اساسی در بروز و ظهور ویژگی ها و خصوصیات شخصیتی دارند. مطالعات میدانی شیکووی و شامبار^۲ (۲۰۱۵)، پاکهام و دیگران^۳ (۲۰۱۰) و دباغ و شیرمحمدی (۱۳۹۵) دلایلی است بر این مدعا.

۱ GEM

۲ Tshikovhi & Shambare

۳ Packham and et al

بر همین اساس دغدغه اصلی نگارنده این است که در کتب درسی که نقش اساسی در بروز و ظهور این خصوصیات ایفا می کند تا چه اندازه به این مؤلفه های اصلی و کلیدی توجه شده است.

در پژوهش حاضر ۷ ویژگی مهم و کلیدی ویژگی های شخصیتی کارآفرینی که عبارتند از: ریسک پذیری، به این معنی است که فرد برای انجام دادن کاری که احتمال شکست یا پیروزی همزمان در آن وجود دارد آمادگی خود را اعلام می کند (Yung, 2008). منبع کنترل، یعنی این که فرد رویدادها، وقایع زندگی، مهارت ها و ویژگی های را به خود نسبت دهد نه به شانس و تقدیر و عوامل محیطی (Arsalan and et al, 2009). موفقیت طلبی، یعنی میل شدید به دستیابی به سطوح بالای کارآیی برای شادمان کردن خود برای رسیدن به یک سطح مطلوب و استاندارد و به عبارتی به دست آوردن برانگیختگی خود تا رسیدن به حد اعلا و مطلوب (Matthews, 2010). استقلال طلبی، به اقدام مستقل فرد یا تیم در جهت ارائه ایده یا چشم انداز اشاره دارد (Hortivanyi, 2012). تحمل ابهام، توانایی واکنش به موقع به موقعیت های مبهم و تصمیم گیری در شرایطی که اطلاعات کافی در اختیار نباشد (Gurol and Atsan, 2006). خلاقیت، توانایی گسترش ایده های نو و کشف راه های جدید برای حل مشکلات و ایجاد فرصت ها می باشد (پوتر، ۲۰۰۸). خلاقیت، یعنی توانایی خلق ایده ها و پاسخ های نو و غیر معمول (Farnha and Bachtiar, 2008). خودباوری، به عقیده باندورا (۱۹۹۷) باور فرد به توانایی های خود برای انجام یک وظیفه خاص می باشد (اندروشین، ترجمه زارع و دیگران، ۱۳۹۱). مورد تحلیل قرار گرفته اند.

برخی از صاحب نظران علم کارآفرینی معتقدند که ویژگی های شخصیتی عامل موثری بر تصمیم گیری در کارآفرینی به شمار می روند. به عبارت دیگر آنها بر این باورند اگر چنین ویژگی هایی در فرد وجود داشته باشد، فرد به سمت کارآفرینی سوق می یابد (Moriano & Gorgiveski, 2007). یکی از بارزترین ویژگی های کارآفرینان برخوردار از انگیزه پیشرفت بالا یا نیاز به پیشرفت است که تحقیقات متعددی از جمله مک کلند (۱۹۶۱)،

۱- Androshin

۲- Mac Clelland

اسبورن^۱ (۱۹۹۵)، جفری^۲ و همکاران (۱۹۸۲)، اتکینسون^۳ و همکاران (۱۹۶۶) و رابینسون^۴ (۱۹۸۶) بر آن صحنه گذاشته اند (به نقل از صمدآقایی، ۱۳۸۲). در کنار این مؤلفه، ویژگی های برجسته دیگری وجود دارند که نقش مهمی را بازی می کنند از جمله: خلاقیت^۵، ریسک پذیری^۶، اعتماد به نفس^۷، توفیق طلبی^۸، میل به استقلال^۹، منبع کنترل درونی^{۱۰}، تحمل ابهام^{۱۱} (Decker, Calo and Weer, 2012 & Tung Liang; Lin Chia and Liang, 2015). انوشا و دیگران (۲۰۱۵) در تحقیقی عوامل درونی مانند توفیق طلبی، انگیزه پیشرفت و ریسک پذیری را در کارآفرینی بیشتر از عوامل بیرونی مانند حمایت خانواده و دوستان ذکر کرده است (Anusha, Vijayalakshmi & Vijayan, 2015). بنابراین از این مطالب به خوبی می توان فهمید که ویژگی های روانشناختی فردی بر نگرش کارآفرینانه تأثیرگذار است و در آموزش کارآفرینی لاجرم باید به این مؤلفه اصلی و بنیادین توجه گردد.

مطالعه در زمینه ویژگی های شخصیتی در کتب درسی با توجه به این که توسعه این ویژگی ها ابزار مهم کارآفرینی و آموزش آن می باشد، چندان مطلوب و زیاد نیست. احمدی و فضائلی فر (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان تحلیل محتوای کتاب های آموزش حرفه و فن دوره راهنمایی بر اساس شاخص های کارآفرینی که با استفاده از تحلیل محتوی صورت گرفته است، نتایج تحقیق آن ها بیانگر آن است که بیشترین توجه در کتاب حرفه و فن مربوط به شاخص خلاقیت و کمترین میزان توجه مربوط به ویژگی

۱-Osborn

۲-Geoffrey

۳- Atkinson

۴- Robinson

۵-Creativity

۶-Risk bearing

۷-Self-confidence

۸-Need for achievement

۹- In dependent

۱۰-Internal Locus of control

۱۱- Tolerance of ambiguity

تحمل ابهام بوده است. خسروانی فر و ستوده (۱۳۹۲) در تحقیقی که به بررسی تحلیل محتوای کتاب های درسی دوره پیش دانشگاهی از نظر میزان توجه به عوامل مرتبط با کارآفرینی که با استفاده از تحلیل محتوی صورت گرفته است، نتایج حاصل از پژوهش نشان دهنده عدم ایفای نقش لازم کتاب های درسی دوره پیش دانشگاهی در آموزش مؤلفه های مرتبط با کارآفرینی بوده است. عابدینی بتریک و عقیلی (۱۳۹۲) در تحقیقی که به بررسی جایگاه مفهوم خلاقیت در کتاب های درسی ابتدایی و با استفاده از تحلیل محتوی صورت گرفته است، نتایج تحلیل نشان داده است که توجه چندانی به مقوله خلاقیت که یکی از شاخص های اصلی توسعه کارآفرینی است، نشده است. محمدی زاده و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان تحلیل محتوای کتب درسی دوره ابتدایی با تأکید بر فرهنگ کارآفرینی که با استفاده از تحلیل محتوی انجام شده است، نتایج تحلیل نشان داد که به مقوله کارآفرینی در اکثر متون درسی یا اصلاً پرداخته نشده است و یا به ندرت به آن توجه گردیده است. جعفری مقدم و سادات فخارزاده (۱۳۹۰) در تحقیق با عنوان توسعه نگرش کارآفرینانه در کتاب های درسی دوره ابتدایی که با استفاده از تحلیل محتوی صورت گرفته است، نتایج نشان داد که در کتاب فارسی دوره ابتدایی که مورد مطالعه قرار گرفته است بیشترین توجه به خلاقیت و نوآوری و تشخیص فرصت از کمترین توجه برخوردار بوده است. سلیمان نژاد و موسی زاده (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان بررسی میزان انعکاس مؤلفه های کارآفرینی در محتوای کتاب های آموزش حرفه و فن که با استفاده از تحلیل محتوا صورت گرفته است، نتایج نشان داد که مؤلفه خلاقیت و نوآوری با ۰/۷۳ درصد بیشترین توجه و منبع کنترل درونی و استقلال طلبی هیچ سهمی در بین کتاب های حرفه و فن نداشته اند. واثقی (۱۳۹۰) در تحقیقی که به بررسی تحلیل محتوای کتاب درسی کارآفرینی و نظر معلمان کارآفرینی استان اردبیل از منظر ویژگی های کارآفرینی که با استفاده از روش توصیفی پیمایشی انجام گرفته است، نتایج نشان داد که به ویژگی خلاقیت و نوآوری بیش از حد متوسط و به شاخص تحمل ابهام توجه اندکی شده است. واعظ جواد (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان تحلیل محتوای نهج البلاغه بر رویکرد ویژگی های شخصیتی کارآفرینانه که به روش تحلیل محتوا صورت گرفته است، نتایج

نشان داد که در نهج البلاغه، خلاقیت یازده بار، کانون کنترل ۱۷ بار، فرصت طلبی ۲۷ بار، سخت کوشی ۱۳ بار و ریسک پذیری تنها ۱ مورد را به خود اختصاص داده است. منطقی (۱۳۸۰) در تحقیق با عنوان بررسی پدیده خلاقیت در کتاب های درسی دبستان و ارائه الگویی برای آموزش خلاق آنان که با روش توصیفی پیمایشی صورت گرفته است نتایج تحقیق آن ها نشان داد که در کتب درسی دوره ابتدایی پرورش خلاقیت جایگاه مطلوبی ندارد.

دناییو، آدجی و نایمکی (۲۰۱۵) در تحقیقی با عنوان عوامل تأثیرگذار بر قصد و نیت کارآفرینی دانش آموزان که به روش توصیفی پیمایشی صورت گرفته است، نتایج نشان داد که که قصد کارآفرینی تابعی است از عوامل حمایت کننده آموزشی مانند تشویق عوامل آموزشی، ارائه آموزش های لازم، حمایت های بیرونی و حمایت های خانوادگی. گوون (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان تحلیل محتوای برنامه های درسی جدید دوره ابتدایی مدارس ترکیه به این نتیجه رسید که دستاوردهای کارآفرینی در برنامه های درسی آموزش ابتدایی همچون علوم و ریاضیات و علوم اجتماعی منجر به ایجاد برخی از صفات کارآفرینی در دانش آموزان می شود. ولکمن و توکارسکی (۲۰۰۹) در تحقیقی که به بررسی نگرش دانش آموزان به کارآفرینی و با استفاده از روش توصیفی صورت گرفته است، نتایج نشان داد این مطالعه که بر روی دانش آموزان کشورهای آلمان، رومانی، ایتالیا و استرالیا صورت گرفته است نشان داد که نگرش کارآفرینی دانش آموزان در کشورهای مورد مطالعه به دلیل آموزش های لازم تقریباً بالا می باشد

کی و همکاران (۲۰۰۶) طی پژوهشی که در کشور هندوستان و در میان دانش آموزان انجام دادند، نشان دادند که کتاب های درسی در زمینه کارآفرینی، مهارت های کارآفرینی را در میان آن ها افزایش خواهد داد. آنچه از نتایج پژوهش ها و مطالعات صورت گرفته میدانی برمی آید این است که به ویژگی های شخصیتی کارآفرینی در

۱-Denanyoh, Adjei & Nyemekye

۲-Volkman & Tokarski

کل در محتوای کتب درسی در دوره های مختلف تحصیلی از ابتدایی تا دبیرستان توجه چندانی نشده است.

در بررسی های به عمل آمده مشخص شد که کتاب کارگاه کارآفرینی و تولید تاکنون از سوی هیچ پژوهشگری مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است و با توجه به جدیدالتایف بودن آن ضروری است که از جهات مختلف مورد واکاوی و تحلیل قرار گیرد تا برنامه ریزان و سیاست گذاران نظام آموزشی بتوانند در آینده با آسودگی خاطر و اطمینان بیشتر و با استناد به نتایج پژوهش ها نسبت به آن بازنگری های احتمالی را انجام دهند. با این توصیف و با عنایت به موارد ذکر شده هدف از انجام پژوهش حاضر واکاوی کتاب کارگاه کارآفرینی و تولید از منظر میزان انعکاس ویژگی های شخصیتی کارآفرینی می باشد و برای رسیدن به این هدف مهم سؤالات ذیل مطرح و درصدد پاسخگویی به آنها خواهیم بود:

- ویژگی های مهم شخصیتی کارآفرینی کدامند؟
- میزان انعکاس ویژگی های شخصیتی کارآفرینی در کتاب کارگاه کارآفرینی و تولید چگونه است؟

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش در این بررسی برای میزان اهمیت و توجه به شاخص های مهم و کلیدی ویژگی های شخصیتی کارآفرینی تحلیل محتوی بوده است. در تحلیل محتوای کتاب کارگاه کارآفرینی و تولید، داده ها که همان ویژگی های شخصیتی کارآفرینی باشند، از متن کتاب از بخش اول تا انتهای کتاب یعنی بخش ۳۲ گردآوری (کیفی) و میزان انعکاس آن ها در کتاب با استفاده از اعداد و ارقام تجزیه و تحلیل گردید (کمی). ابزار پژوهش در روش تحلیل محتوا، سیاهه واری است. روایی کلید واژه ها بسیار مهم است و قابلیت اعتماد کلید واژه های انتخاب شده همیشه مورد سؤال جدی است؛ چرا که برداشت های ذهنی محققان و کدگذاری در هنگام طبقه بندی و ارزیابی، بر انتخاب کلید واژه تأثیر می گذارد. به همین جهت، در این پژوهش برای طراحی سیاهه واری، کلید واژه ها با منابع معتبر استانداردسازی شد. برای انتخاب کلید واژه ها یا به عبارتی ویژگی های فردی و شخصیتی کارآفرینی به منابع و متون معتبر با نویسندگان دانشگاهی و صاحب نظر مراجعه گردید و برای تعیین پایایی از روش اسکات استفاده

گردید که به توافق درون موضوعی مشهور است و میزان (۸۹/۵) بدست آمد که ضریب بالایی است. در پژوهش حاضر تعداد ۷ مؤلفه کلیدی برای نشان دادن ویژگی های شخصیتی کارآفرینی در نظر گرفته شد، این مؤلفه ها و ویژگی ها که از منابع و متون معتبر گردآوری شده اند (جدول شماره ۲)، عبارتند از: ریسک پذیری، منبع کنترل درونی، موفقیت طلبی، استقلال طلبی، تحمل ابهام و خلاقیت و نوآوری. جامعه آماری پژوهش شامل کتاب کارگاه تولید و کارآفرینی پایه دهم متوسطه نظری مشتمل بر ۳۲ بخش و ۱۳۵ صفحه که در سال ۱۳۹۶ توسط وزارت آموزش و پرورش چاپ و منتشر شده است، می باشد. حجم نمونه آماری پژوهش، برابر با جامعه آماری است؛ در واقع نمونه گیری به عمل نیامده است و از روش کامل شماری (سرشماری) کل کتاب کارگاه تولید و کارآفرینی به عنوان نمونه آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

پس از جمع آوری داده ها و اطلاعات لازم، برای پردازش نتایج از روش آنتروپی شانون ۱ که در تحلیل محتوای کمی مورد استفاده قرار می گیرد، استفاده شده است. بر اساس روش آنتروپی شانون که به مدل جبرانی مشهور است محتوای کتاب کارگاه کارآفرینی و تولید از نقطه نظر ۷ پاسخگو (۱). تیم سازی، کار تیمی موفق، تقویت کار تیمی؛ ۲. حل مسئله، هدف گذاری و تصمیم گیری؛ ۳. خودشناسی، طراحی مسیر شغلی: کارگاه توسعه شخصی، طراحی مسیر شغلی: شناسایی ارزش ها و نیازها، طراحی مسیر شغلی: شناسایی مهارت ها، استعدادها، علایق و جمع بندی؛ ۴. تفکر، تفکر خلاق، توسعه خلاقیت فردی، توسعه خلاقیت تیمی، نوآوری و تریز؛ ۵. تشخیص فرصت، ایده پردازی و ارزیابی ایده، ایده یابی، ساختن ایده و الگوبرداری؛ ۶. سنجش کارآفرینی؛ ۷. تعیین نوع کسب و کار، مدل کسب و کار: مشتری شناسی، مدل کسب و کار: طراحی ارزش پیشنهادی، مدل کسب و کار: تعیین کانال توزیع، مدل کسب و کار: ارتباط با مشتریان، مدل کسب و کار: درآمدزایی، مدل کسب و کار: منبع یابی، مدل کسب و کار: فعالیت های کلیدی، مدل کسب و کار: شریک یابی، مدل کسب و کار:

بر آورد هزینه، طرح کسب و کار، نگارش طرح: معرفی کسب و کار، تهیه برنامه
سروسامان دادن نیروی انسانی، نگارش طرح: تهیه برنامه بازار و بازاریابی، نگارش
طرح: تهیه برنامه تولید و نگارش طرح: تهیه برنامه مالی و زمان بندی) و ۷ ویژگی
شخصیتی (ریسک پذیری، منبع کنترل درونی، موفقیت طلبی، تحمل ابهام، استقلال
طلبی، خلاقیت و آینده نگری) طبقه بندی و براساس مراحل ذیل اقدام شده است:
مرحله اول: ماتریس های فراوانی های جدول باید نرمال شوند که برای این کار از رابطه
زیر استفاده شده است:

$$P_{ij} = \frac{F_{ij}}{\sum_{i=1}^m F_{ij}} \quad (i = 1, 2, \dots, m, j = 1, 2, \dots, n)$$

هنجار شده ماتریس فراوانی (p) فراوانی مقوله (F) شماره پاسخگو (i) شماره
مقوله (j) تعداد پاسخگو (m)
مرحله دوم: بار اطلاعاتی هر مقوله را محاسبه کرده و در ستون های مربوطه قرار می
دهیم که برای این کار از رابطه زیر استفاده شده است:

$$E_j = -K \sum_{i=1}^m [P_{ij} \ln P_{ij}] \quad (j = 1, 2, \dots, n) \quad K = \frac{1}{\ln m}$$

هنجار شده ماتریس (p) لگاریتم نپری (Ln) شماره پاسخگو (i) شماره مقوله (j) تعداد
پاسخگو (m)

مرحله سوم: با استفاده از بار اطلاعاتی مقوله ها (i=1, 2, ..., n) ضریب اهمیت هر یک
از مقوله ها محاسبه شده و هر مقوله ای که دارای بار اطلاعاتی بیشتری باشد از درجه
اهمیت بیشتری برخوردار است (آذر، ۱۳۸۰: ۹). برای محاسبه ضریب اهمیت از رابطه
زیر استفاده شده است:

$$W_j = \frac{E_j}{\sum_{j=1}^n E_j}$$

درجه اهمیت (Wj) بار اطلاعاتی هر مقوله (Ej) تعداد مقوله (n) شماره مقوله (j)

یافته ها

سوال اول: مهم ترین و کلیدی ترین مؤلفه ها و ویژگی های شخصیتی و فردی کارآفرینی کدام اند؟

برای پاسخ به این سوال اصلی و مهم با مراجعه به متون و منابع و اسناد معتبر و پژوهش های میدانی تعداد ۷ ویژگی کلیدی و مهم که در اکثر منابع و متون معتبر به آن ها اشاره گردیده است، شناسایی شدند که شرح آن در جدول شماره ۱ گزارش شده است. ضمناً منابعی مورد استفاده و تأکید بوده است که حداقل یکی از نویسندگان آن دارای درجه علمی دکتری و یا مدرس درس کارآفرینی در دانشگاه (دولتی، پیام نور، غیرانتفاعی، آزاد) و در رابطه با پژوهش ها، پژوهش هایی مورد استفاده قرار گرفته است که این پژوهش ها در مجلات معتبر چاپ و حداقل یکی از نویسندگان آن پژوهش ها عضو هیئت علمی دانشگاه بوده باشند.

جدول (۱) - منابع استخراج مؤلفه ها و ویژگی های فردی و شخصیتی کارآفرینی

مؤلفه/ ویژگی	متون و منابع
ریسک پذیری	صمدآقایی (۱۳۸۲)؛ شاه حسینی (۱۳۹۰)؛ احمدپور داریسانی (۱۳۹۳)؛ شاه حسینی و کاوسی (۱۳۸۸)؛ مقیمی و همکاران (۱۳۹۲)؛ مقیمی و رمضان (۱۳۹۲)؛ مارتین و لاگونا، ترجمه ضوی و همکاران (۱۳۹۳)؛ احمدی مقیم (۱۳۹۳)؛ اکبری (۱۳۸۷)؛ دراکر، ترجمه کشاورزی (۱۳۹۲)؛ سعیدی کیا (۱۳۹۴)؛ عباس زاده (۱۳۹۴)؛ صمدی و شیرزادی اصفهانی (۱۳۸۶)؛ مرادی و همکاران (۱۳۸۷)؛ نعمتی (۱۳۹۲)؛ بیگی و نوروزی (۱۳۹۵)؛ عبداللهی و همکاران (۱۳۹۶)؛ بسارگر و ماهادی (۲۰۰۵)؛ دکر و همکاران (۲۰۱۲)؛ آلتینسی و همکاران (۲۰۱۲)؛ اسلامبولچی (۲۰۱۳)؛ هولینکا و دیگران (۲۰۱۵)؛ ژانگ و ژانگ (۲۰۱۳)؛ تونگ لیان و همکاران (۲۰۱۵)؛ انوشا و همکاران (۲۰۱۵)؛ گوتز (۲۰۱۵).
منبع کنترل	صمدآقایی (۱۳۸۲)؛ احمدپور داریسانی (۱۳۹۳)؛ شاه حسینی و کاوسی (۱۳۸۸)؛ مارتین و لاگونا، ترجمه ضوی و همکاران (۱۳۹۳)؛ مقیمی و رمضان (۱۳۹۲)؛ سعیدی کیا (۱۳۹۴)؛ عباس زاده (۱۳۹۴)؛ صمدی و شیرزادی اصفهانی (۱۳۸۶)؛ نعمتی (۱۳۹۲)؛ عبداللهی و همکاران (۱۳۹۶)؛ دکر و همکاران (۲۰۱۲)؛ دکر و همکاران (۲۰۱۲)؛ آلتینسی و همکاران (۲۰۱۲)؛ آراسی و دیگران (۲۰۱۲)؛ اسلامبولچی (۲۰۱۳)؛ ژانگ و ژانگ (۲۰۱۳)؛ کاسون (۲۰۱۰)؛ هولینکا و دیگران (۲۰۱۵)؛ تونگ لیان و همکاران (۲۰۱۵).

مؤلفه / ویژگی	متون و منابع
موفیت طلبی	صمدآقایی (۱۳۸۲)؛ جزئی (۱۳۸۶)؛ احمدپور داریسانی (۱۳۹۳)؛ شاه حسینی و کاوسی (۱۳۸۸)؛ مارتین و لاگونا، ترجمه ضوی و همکاران (۱۳۹۳)؛ مقیمی و رمضان (۱۳۹۲)؛ احمدی مقیم (۱۳۹۳)؛ اکبری (۱۳۸۷)؛ سعیدی کیا (۱۳۹۴)؛ عباس زاده (۱۳۹۴)؛ مرادی و همکاران (۱۳۸۷)؛ نعمتی (۱۳۹۲)؛ بیگی و نوروزی (۱۳۹۵)؛ دکر و همکاران (۲۰۱۲)؛ اسلامبولچی (۲۰۱۳)؛ عبداللهی و همکاران (۱۳۹۶)؛ ژانگ و ژانگ (۲۰۱۳)؛ هورتی وانی (۲۰۱۲)؛ تونگ لیان و همکاران (۲۰۱۵)؛ انوشا و همکاران (۲۰۱۵).
تحمل ایهام	جزئی (۱۳۸۶)؛ احمدپور داریسانی (۱۳۹۳)؛ شاه حسینی و کاوسی (۱۳۸۸)؛ مارتین و لاگونا، ترجمه ضوی و همکاران (۱۳۹۳)؛ مقیمی و رمضان (۱۳۹۲)؛ سعیدی کیا (۱۳۹۴)؛ عباس زاده (۱۳۹۴)؛ نعمتی (۱۳۹۲)؛ لطفی عظیمی و همکاران (۱۳۹۵)؛ بیگی و نوروزی (۱۳۹۵)؛ عبداللهی و همکاران (۱۳۹۶)؛ کاستیر (۲۰۰۵)؛ دکر و همکاران (۲۰۱۲)؛ آلتینی و همکاران (۲۰۱۲)؛ اسلامبولچی (۲۰۱۳)؛ آراسته و دیگران (۲۰۱۲)؛ تونگ لیان و همکاران (۲۰۱۵).
استقلال طلبی	جزئی (۱۳۸۶)؛ احمدپور داریسانی (۱۳۹۳)؛ شاه حسینی و کاوسی (۱۳۸۸)؛ مارتین و لاگونا، ترجمه ضوی و همکاران (۱۳۹۳)؛ مقیمی و رمضان (۱۳۹۲)؛ احمدی مقیم (۱۳۹۳)؛ اکبری (۱۳۸۷)؛ سعیدی کیا (۱۳۹۴)؛ عباس زاده (۱۳۹۴)؛ مرادی و همکاران (۱۳۸۷)؛ نعمتی (۱۳۹۲)؛ بیگی و نوروزی (۱۳۹۵)؛ عبداللهی و همکاران (۱۳۹۶)؛ درا کر ترجمه کشاورزی (۱۳۹۲)؛ موریانو و همکاران (۲۰۰۷)؛ آلتینی و همکاران (۲۰۱۲)؛ دکر و همکاران (۲۰۱۲)؛ اسلامبولچی (۲۰۱۳)؛ ژانگ و ژانگ (۲۰۱۳)؛ تونگ لیان و همکاران (۲۰۱۵).
خودباوری	جزئی (۱۳۸۶)؛ شکاری و همکاران (۱۳۸۹)؛ شاه حسینی (۱۳۹۰)؛ مجبی (۱۳۹۲)؛ مقیمی و رمضان (۱۳۹۲)؛ صمدآقایی (۱۳۸۲)؛ مقیمی و همکاران (۱۳۹۲)؛ عباس زاده (۱۳۹۳)؛ احمدی مقیم (۱۳۹۳)؛ دشمن زیای و همکاران (۱۳۹۵)؛ قاسمی زارع (۱۳۹۵)؛ سعیدی کیا (۱۳۹۴)؛ عباس زاده (۱۳۹۴)؛ آلتینی و همکاران (۲۰۱۲)؛ کاندو (۲۰۱۴)؛ تونگ لیان و همکاران (۲۰۱۵).
خلافت و نوآوری	صمدآقایی (۱۳۸۲)؛ شاه حسینی (۱۳۹۰)؛ امین بیدختی و قاسمی (۱۳۹۲)؛ احمدپور داریسانی (۱۳۹۳)؛ شاه حسینی و کاوسی (۱۳۸۸)؛ قهرمانی و همکاران (۱۳۸۹)؛ آگهی و خالدی (۱۳۹۰)؛ مارتین و لاگونا، ترجمه ضوی و همکاران (۱۳۹۳)؛ مقیمی و رمضان (۱۳۹۲)؛ احمدی مقیم (۱۳۹۳)؛ اکبری (۱۳۸۷)؛ سعیدی کیا (۱۳۹۴)؛ عباس زاده (۱۳۹۴)؛ صمدی و شیرزادی اصفهانی (۱۳۸۶)؛ مقیمی و همکاران (۱۳۹۲)؛ لطفی عظیمی و همکاران (۱۳۹۵)؛ نعمتی (۱۳۹۲)؛ بیگی و نوروزی (۱۳۹۵)؛ بی ملور و همکاران، ترجمه بدالهی فارسی و همکاران (۱۳۹۱)؛ اندروشین ترجمه زارع و همکاران (۱۳۹۱)؛ کاسون (۲۰۱۰)؛ دکر و همکاران (۲۰۱۲)؛ اسلامبولچی (۲۰۱۳)؛ ژانگ و ژانگ (۲۰۱۳)؛ سامی و اختر (۲۰۱۴)؛ گسوترز (۲۰۱۵)؛ تونگ لیان و همکاران (۲۰۱۵).

۱ Altinay and et al

۲ Altinay and et al

۳ Altinay and et al

سوال دوم: میزان انعکاس مؤلفه های شخصیتی کارآفرینی در کتاب کارگاه

کارآفرینی و تولید پایه دهم دوره دوم متوسطه به چه صورت است؟

برای پاسخ به این سؤال ابتدا فراوانی هر کدام از مؤلفه ها با توجه به متن کتاب کارگاه کارآفرینی و تولید استخراج و سپس مجموع فراوانی به دست آمده بر حسب مؤلفه ها در کتاب مطابق با جدول ۲ تهیه گردید و در جدول شماره ۳ داده های این جدول بر اساس مرحله اول روش آنتروپی شانون به صورت داده ها بهنجار شده درآمدند. سپس بر اساس مرحله دوم روش آنتروپی شانون مقدار بار اطلاعاتی مؤلفه ها مشخص گردید (جدول ۴) و در مرحله سوم مطابق روش آنتروپی شانون ضریب اهمیت داده ها به دست آمدند (جدول ۵) و به این صورت مشخص شد که کدام یک از مؤلفه ها دارای بیشترین توجه و اهمیت در کتاب کارگاه کارآفرینی و تولید بوده است.

جدول (۲) - توزیع فراوانی ویژگیهای شخصیتی کارآفرینی در کتاب کارگاه کارآفرینی و تولید

ویژگی های شخصیتی متن کتاب	ریسک پذیری	درونی	منبع کنترل	توجه طلبی	استقلال طلبی	تحمل ابهام	خلاقیت	خودباوری
پاسخگوی شماره (۱)	۰	۱	۰	۵	۰	۵	۵	۱
پاسخگوی شماره (۲)	۱	۰	۰	۱	۰	۴	۳	۰
پاسخگوی شماره (۳)	۲	۰	۰	۲	۳	۴	۶	۷
پاسخگوی شماره (۴)	۰	۰	۰	۰	۰	۷	۲۳	۵
پاسخگوی شماره (۵)	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۵	۰
پاسخگوی شماره (۶)	۳	۱	۱	۱	۱	۰	۵	۱
پاسخگوی شماره (۷)	۵	۰	۰	۰	۰	۴	۴	۰
جمع	۱۲	۲	۲	۹	۴	۲۴	۵۱	۱۴

جدول ۲ نشان دهنده این نکته است که در کتاب کارگاه کارآفرینی و تولید پایه دهم دوره دوم متوسطه به ترتیب به ویژگی های خلاقیت و نوآوری با ۵۱ و تحمل ابهام با ۲۴ فراوانی بیشترین توجه و به ویژگی های منبع کنترل درونی با ۲ و استقلال طلبی با ۴

فراوانی کمترین توجه گردیده است.

جدول (۳) - داده‌های بهنجار ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی در کتاب کارگاه کارآفرینی و تولید

ویژگی های شخصیتی متن کتاب	ریسک پذیری	منبع کنترل درونی	موقفیت طلبی	استقلال طلبی	تحمل ایهام	خلاقیت	خودباوری
پاسخگوی شماره (۲)	۰/۰۸۳	۰/۰۰۰	۰/۱۱۱	۰/۰۰۰	۰/۱۶۷	۰/۰۵۹	۰/۰۰۰
پاسخگوی شماره (۳)	۰/۱۶۷	۰/۰۰۰	۰/۲۲۲	۰/۷۵۰	۰/۱۶۷	۰/۱۱۸	۰/۵۰۰
پاسخگوی شماره (۴)	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۹۲	۰/۴۵۱	۰/۳۵۷
پاسخگوی شماره (۵)	۰/۰۸۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۹۸	۰/۰۰۰
پاسخگوی شماره (۶)	۰/۲۵۰	۰/۵۰۰	۰/۱۱۱	۰/۲۵۰	۰/۰۰۰	۰/۰۹۸	۰/۰۷۱
پاسخگوی شماره (۷)	۰/۴۱۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۶۷	۰/۰۷۸	۰/۰۰۰

پس از نرمال سازی داده ها همان گونه که در جدول ۴ نمایان است با استفاده از فرمول مرحله دوم روش شانون مقدار بار اطلاعاتی هر یک از شاخص های اخلاق مدیریتی به دست آمده است که در جدول ۵ نمایان است.

جدول (۴) - بار اطلاعاتی ویژگی های شخصیتی کارآفرینی در کتاب کارگاه کارآفرینی و تولید

ویژگی های شخصیتی کارآفرینی							ابعاد
ریسک پذیری	منبع کنترل درونی	موقفیت طلبی	استقلال طلبی	تحمل ایهام	خلاقیت	خودباوری	
۰/۶۴۸	۰/۳۱۵	۰/۵۲۳	۰/۲۵۶	۰/۷۲۰	۰/۷۵۶	۰/۴۹۷	بار اطلاعاتی

تحلیل داده های حاصل از جدول ۴ نشان می دهد که ویژگی خلاقیت و نوآوری بیشترین بار اطلاعاتی و ویژگی استقلال طلبی کمترین بار اطلاعاتی را به خود اختصاص داده است. در مرحله پایانی ضریب اهمیت هر یک از ویژگی های شخصیتی کارآفرینی با استفاده از مرحله سوم روش آنتروپی شانون به دست آمده است و هر مقوله ای که دارای بار اطلاعاتی بیشتری باشد، قطعاً از درجه اهمیت بالاتری برخوردار است.

جدول (۵)- ضریب اهمیت ویژگیهای شخصیتی کارآفرینی در کتاب کارگاه کارآفرینی و تولید

ویژگی های شخصیتی کارآفرینی							ابعاد
خودباوری	خلاقیت	تحمل ابهام	استقلال طلبی	موفقیت طلبی	منبع کنترل درونی	ریسک پذیری	
۰/۱۳۳	۰/۲۰۳	۰/۱۹۳	۰/۰۶۸	۰/۱۴۰	۰/۰۸۴	۰/۱۷۴	ضریب اهمیت

داده های جدول ۵ نشان دهنده این نکته است که در کتاب کارگاه کارآفرینی و تولید، بیشترین ضریب اهمیت مربوط به ویژگی خلاقیت (۰/۲۰۳) و کمترین ضریب اهمیت مربوط به ویژگی استقلال طلبی (۰/۰۶۸) می باشد.

بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش بررسی میزان انعکاس ویژگی های شخصیتی کارآفرینی در کتاب کارگاه کارآفرینی و تولید پایه دهم دوره دوم متوسطه (شاخه نظری) بوده است. برای استخراج ویژگی های شخصیتی کارآفرینی ابتدا با مراجعه به متون و منابع معتبر و پژوهش های صورت گرفته میدانی ۷ ویژگی که در اکثر منابع و متون به آن ها اشاره گردیده بود استخراج گردید که عبارتند از: ریسک پذیری، منبع کنترل درونی، موفقیت طلبی، استقلال طلبی، تحمل ابهام، خلاقیت و خودباوری.

یافته های حاصل از تحلیل داده ها حاکی از آن است که در کتاب کارگاه کارآفرینی

و تولید پایه دهم دوره دوم متوسطه در مجموع ۱۱۶ مرتبه به ویژگی های شخصیتی کارآفرینی توجه شده که در این میان سهم ویژگی خلاقیت ۵۱ فراوانی و منبع کنترل درونی ۲ فراوانی می باشد.

علاوه بر این یافته های حاصل از داده ها حاکی از آن است که در کتاب کارگاه کارآفرینی و تولید از لحاظ (مقادیر فراوانی، بار اطلاعاتی و ضریب اهمیت) در ابعاد ویژگی های ریسک پذیری (۱۲، ۰/۶۴۸، ۰/۱۷۴)؛ منبع کنترل (۲، ۰/۳۱۵، ۰/۰۸۴)؛ موفقیت طلبی (۹، ۰/۵۲۳، ۰/۱۴۰)؛ استقلال طلبی (۴، ۰/۲۵۶، ۰/۰۶۸)؛ تحمل ابهام (۲۴، ۰/۷۲۰، ۰/۱۹۳)؛ خلاقیت (۵۱، ۰/۷۵۶، ۰/۲۰۳) و خودباوری (۱۴، ۰/۴۹۷، ۰/۱۳۳).

یافته های حاصل از میزان انعکاس ویژگی های شخصیتی کارآفرینی در کتاب کارگاه کارآفرینی و تولید نشان می دهد که این میزان توجه نامتوازن توزیع شده است. به این معنی که به برخی از ویژگی ها توجه نسبتا کافی شده است و به برخی دیگر توجه چندانی نشده است و این نامتوازن بودن در فصول و بخش های کتاب نیز کاملا محسوس است. همان گونه که مشهود است به ویژگی خلاقیت و نوآوری در کتاب کارگاه کارآفرینی و تولید نسبت به سایر ویژگی های توجه کافی شده است. اهمیت مبحث خلاقیت در کارآفرینی به حدی است که اساس و بستر ساز تغییر و تحول و دگرگونی به شمار می آید؛ چرا که در دنیای پرتلاطم و نابسامان امروزی موفقیت از آن کسانی است که از فرصت ها در جهت ارائه محصول و خدمات جدید و نو به جامعه برخوردار باشند. این افراد با توجه به شرایط و اوضاع و احوال پیرامونی، در خواهند یافت که چگونه سازمان خویش را خلاق نگه دارند تا از رکود و سکون جلوگیری کنند. این یافته که به خلاقیت در کتاب کارگاه کارآفرینی و تولید بیش از سایر ویژگی ها توجه شده است با یافته پژوهش های احمدی و فضائلی (۱۳۹۲)، واثقی (۱۳۹۰)، سلیمان نژاد و موسی زاده (۱۳۹۱)، جعفری مقدم و سادات فخارزاده (۱۳۹۰) و عادذینی بتریک و عقیلی (۱۳۹۲) همسو و منطبق و با یافته های منطقی (۱۳۸۰) و واعظ جوادی (۱۳۸۹) ناهمسو می باشد.

از دیگر یافته پژوهش حاضر این است که در کتاب کارگاه کارآفرینی و تولید به مؤلفه های شخصیتی کارآفرینی به جز خلاقیت و نوآوری در حد متوسط و در برخی

ویژگی ها توجه چندانی نشده است. این در حالی است که ویژگی های شخصیتی یکی از ابزارهای لازم جهت آموزش کارآفرینی و حتی خود کارآفرین شدن است. نتایج پژوهش آلتینی و همکاران^۱(۲۰۱۲) و انوشا و همکاران(۲۰۱۵) نشان داد که به جای تأکید بر عوامل محیطی در قصد و نیت کارآفرینی باید به عوامل شخصیتی و درون زای فردی توجه گردد. یافته این بخش از پژوهش با نتایج و یافته های خسروانی فر و ستوده(۱۳۹۲)، جعفری مقدم و سادات فخارزاده(۱۳۹۰)، سلیمان نژاد و موسی زاده(۱۳۹۱)، وانقی(۱۳۹۰)، واعظ جوادی(۱۳۸۹) و محمدی زاده و همکاران(۱۳۹۲) همسو و منطبق است.

ذکر این نکته بسیار مهم و اساسی است که آموزش نقش بسیار مهمی در فرآیند کارآفرینی دارد و در این میان نقش کتب درسی بسیار مهم و برجسته و غیرقابل انکار است. تحقیقات دنانیو و همکاران(۲۰۱۵)، گوون(۲۰۰۹)، ولکمن و توکارسکی(۲۰۰۹)، کی و همکاران(۲۰۰۶) و کاشف یعقوب(۲۰۱۵) که با هدف نقش آموزش و به ویژه منابع و متون درسی در توسعه و ترویج کارآفرینی صورت گرفته است، دلیلی بر این مدعا است.

منابع

- آذر، عادل. (۱۳۸۰)، بسط و توسعه روش آنتروپی شانون برای پردازش داده ها در تحلیل محتوی، **فصلنامه علوم انسانی**، سال یازدهم، شماره ۳۷ و ۳۸، صص ۱۸-۱.
- آگهی، حسین (۱۳۹۰)، **آموزش کارآفرینی**، کرمانشاه، انتشارات دانشگاه خوارزمی.
- احمدی مقیم، عباس (۱۳۹۳)، **کارآفرینی**، همدان، انتشارات فراگیر هگمتانه.
- احمدپور داریانی، محمود (۱۳۹۳)، **کارآفرینی**، تهران، انتشارات ساکو.
- احمدپور داریانی، محمود و عزیزی، محمد (۱۳۹۵)، **کارآفرینی**، تهران، انتشارات محراب قلم.
- احمدپور داریانی، محمود و مقیمی، سیدمحمد (۱۳۹۲)، **مبانی کارآفرینی**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- احمدی، غلامعلی و فضائلی فر، زینب (۱۳۹۲)، تحلیل محتوای کتاب های آموزش حرفه و فن دوره راهنمایی بر اساس شاخص های کارآفرینی، **توسعه کارآفرینی**، دوره ششم، شماره ۱، صص ۱۸۳-۱۶۵.
- اکبری، کرامت الله (۱۳۸۷)، **توسعه کارآفرینی رویکر آموزشی**، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- امین بیدختی، علی اکبر و قاسمی، طاهره (۱۳۹۲)، مقایسه ویژگی های شخصیتی مرتبط با کارآفرینی در دانش آموزان دبیرستان های دولتی و غیرانتفاعی شهرستان گرمسار، **پژوهش های آموزش و یادگیری**، سال بیستم، شماره ۳، صص ۲۸۹-۳۰۲.
- اندورشین، اسکات (۱۳۹۱)، **تئوری عمومی کارآفرینی رویکرد فرد-فرصت**، ترجمه هادی زارع و دیگران، تهران، نشر آراد کتاب.
- بیگی، محمدرضا و نوروزی، محمد (۱۳۹۵)، شناسایی ویژگی های شخصیتی کارآفرینان جهادی، **مطالعات راهبردی بسیج**، سال نوزدهم، شماره ۷۱، صص ۵۷-۸۰.
- بی ملور، رابرت و همکاران (۱۳۹۱)، **کارآفرینی برای همه**، ترجمه یداله‌ی فارسی، جهانگیر و همکاران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- جزنی، نسرین (۱۳۸۶)، **کارآفرینی دانش آموختگان دانشگاهی**، تهران، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- جعفری مقدم، سعید و سادات فخارزاده، آرزو (۱۳۹۰)، توسعه ی نگرش کارآفرینانه در کتاب های درسی، **توسعه کارآفرینی**، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۶۶-۴۷.
- خسروانی فرد، حسین و ستوده، عبدالقهار (۱۳۹۲)، تحلیل محتوای کتاب های درسی دوره پیش دانشگاهی از نظر میزان توجه به عوامل مرتبط با کارآفرینی، **پنجمین همایش ملی آموزش**، تهران، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
- دباغ، رحیم و شیرمحمدی، محمد (۱۳۹۵)، بررسی ویژگی های شخصیتی کارآفرینی کارکنان کارخانه قند خوی، **اقتصاد و مالیات**، دوره سوم، شماره ۲ و ۳، صص ۶۸-۵۱.
- دراگر، پیتر (۱۳۹۲)، **نوآوری و کارآفرینی**، ترجمه علی حسین کشاورزی، تهران، انتشارات سمت.
- دشمن زیای، اسفندیار؛ طلائی، قدرت اله؛ رجیبان تابش، آزاده (۱۳۹۵)، **مبانی و اصول کارآفرینی (تئوری ها و کاربردها)**، تهران، انتشارات کتاب مهربان.
- رنجبریان، رسول (۱۳۹۱)، شاخص های فرهنگ کارآفرینی در سطح دانشگاه، **کار و جامعه**، شماره ۱۴۷، صص ۴-۱۷.
- سعیدی کیا، مهدی (۱۳۹۴)، **کارآفرینی**، تهران، انتشارات آها.
- سلیمان نژاد، اکبر و موسی زاده، ناصر (۱۳۹۱)، بررسی میزان انعکاس مؤلفه های کارآفرینی در محتوای کتاب های آموزش حرفه و فن دوره راهنمایی، مازندران، **اولین کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان**.

- شاه حسینی، علی (۱۳۹۰)، **کارآفرینی**، تهران، نشر آبیژ.
- شاه حسینی، علی و کاوسی، اسمعیل (۱۳۸۸)، **نوآوری و کارآفرینی**، تهران، نشر آبیژ.
- شکاری، عباس؛ صدیقیان، غلامحسین و محمدی، علی (۱۳۸۹)، **کارآفرینی آموزشی**، کاشان، نشر شاسوسا.
- صمدآقایی، جلیل (۱۳۸۲)، **سازمان های کارآفرین**، تهران، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- صمدی، پروین و شیرزادی اصفهانی، هما (۱۳۸۶)، بررسی رابطه جو مدرسه با روحیه کارآفرینی در دانش آموزان شهر اصفهان، **نوآوری های آموزشی**، سال پنجم، شماره ۱۶، صص ۱۶۴-۱۸۷.
- عابدینی بلتریک، میمنت و عقیلی، رمضان (۱۳۹۲)، بررسی جایگاه مفهوم خلاقیت در کتاب های درسی دوره ابتدایی، **پنجمین همایش ملی آموزش**، تهران، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
- عباس زاده، حسن (۱۳۹۴)، **گرایش به کارآفرینی**، تهران، انتشارات گهواره کتابیران.
- عبداللهی، حسین و همکاران (۱۳۹۶)، تحلیل ویژگی های شخصیتی کارآفرینی دانش آموزان پایه نهم متوسطه اول استان کردستان، **ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی**، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۴۹-۷۰.
- عزیزی، بهارک (۱۳۹۲)، **آموزش کارآفرینی در کشاورزی**، تهران، نشر سپهر.
- قهرمانی، محمد؛ پرداختچی، محمدحسن؛ حسین زاده، طاهر (۱۳۸۹)، فرهنگ سازمانی و رابطه آن با کارآفرینی سازمانی، **چشم انداز مدیریت دولتی**، شماره ۱، صص ۲۵-۳۹.
- لاکس، مارتین و لاگونا، ماریو (۱۳۹۳)، **کارآفرینی رویکردی روان شناختی**، ترجمه رضوی و دیگران، تهران، انتشارات سمت.
- لطفی عظیمی، افسانه و دیگران (۱۳۹۵)، بررسی رابطه انگیزه پیشرفت، نوآوری، تحمل ابهام، خودکارآمدی، عزت نفس و خودشکوفایی با جهت گیری کارآفرینی در دانشجویان، **نوآوری و ارزش آفرینی**، سال پنجم، شماره ۹، صص ۱۴۸-۱۳۷.
- محبی، عظیم (۱۳۹۲)، **بهبود فضای کسب و کار**، تهران، انتشارات آثار فکر.
- محمدی زاد، سمیه؛ تجری، مجتبی و صاحبی، سمیه (۱۳۹۲)، تحلیل محتوای کتب درسی دوره ابتدایی با تأکید بر فرهنگ کار، تهران، **پنجمین همایش ملی آموزش**، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
- مرادی، میترا؛ کوهستانی، حسینعلی و بهرام زاده، حسینعلی (۱۳۸۷)، بررسی ویژگی های بنیادین کارآفرینی در دانش آموزان دوره متوسطه خراسان شمالی و ارائه راهکار جهت تقویت این ویژگی ها، **پژوهشنامه تربیتی**، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۱۲۸-۱۱۵.
- مرتضی نژاد، نیلوفر و دیگران (۱۳۹۶)، تبیین عناصر برنامه درسی کارآفرینی برای دوره آموزش عمومی مبتنی بر سنتز پژوهی، **نظریه و عمل در برنامه درسی**، دوره پنجم، شماره ۹، صص ۱۴۲-۱۰۵.

- مقیمی، سیدمحمد (۱۳۸۶)، **سازمان و مدیریت رویکردی پژوهشی**، تهران، انتشارات ترمه.
- مقیمی، سیدمحمد؛ وکیلی، یوسف و اکبری، مرتضی (۱۳۹۲)، **نظریه های کارآفرینی**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- مقیمی، سیدمحمد و رمضان، مجید (۱۳۹۲)، **مدیریت استراتژیک و کارآفرینی**، تهران، سازمان مدیریت صنعتی.
- منطقی، مرتضی (۱۳۸۰)، **بررسی پدیده خلاقیت در کتاب های درسی دبستان و ارائه الگویی برای آموزش خلاق آنان، رساله دکتری تخصصی**، تهران، دانشگاه تهران.
- واتقی، بهنام (۱۳۹۰)، **تحلیل محتوای کتاب درسی کارآفرینی و نظر معلمان کارآفرینی استان اردبیل از منظر ویژگی های کارآفرینی، پایان نامه کارشناسی ارشد**، تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی خوارزمی.
- واعظ جوادی، علیرضا (۱۳۸۹)، **تحلیل محتوای نهج البلاغه با رویکرد ویژگی های شخصیتی کارآفرینانه، پایان نامه کارشناسی ارشد**، تهران، دانشگاه تهران.
- مه نگار، فرشاد؛ پیکری فر، فاطمه؛ مقدم، احمد (۱۳۹۲)، **نقش آموزش بر توسعه کارآفرینی، پنجمین کنفرانس ملی آموزش**، تهران، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
- هزارجریبی، جعفر و قاسمی زارع، سمیرا (۱۳۹۵)، **کارآفرینی و تعاون**، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- نعمتی، محمدعلی (۱۳۹۲)، **بررسی ویژگی های شخصیتی کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه های دولتی تهران، نوآوری و ارزش آفرینی**، سال اول، شماره ۳، صص ۴۷-۶۴.

- Altinay, A & et al (2012), The influence of family tradition and psychological traits on entrepreneurial intention. **International Journal of Hospitality Management** 31,pp489-499.
- Anusha, K; Vijayalakshmi, K.V.L & Vijayan, N (2015), A study on factors that influence decision to pursue entrepreneurship. **International Journal of Social & Interdisciplinary Research**, 4(3), 60-72.
- Arasti, Z & kiani Falavarjani, M (2012), A study of teaching methods in entrepreneurship education for graduate student. **Higher education studies**, 2(1), 2-10.
- Arslan, C. Dilmac, B. Hamarta, E (2009), Coping with stress and trait anxiety in terms of locus of control: a study with Turkish university students. **Social behavior and personality**, 37(6), 791-800.
- Burger.L; Oneill, C and Mahadea, D (2005), The impact of previous knowledge and experience on the entrepreneurial attitudes of grade 12 learners. **South African journal of education**, 25(2), 89-94.
- Canedo, J.C; Stone, D.L and Lukaszewski, K.M (2014), Individual factors affecting entrepreneurship in Hispanics. **Journal of Managerial psychology**,29(6), 755-772.

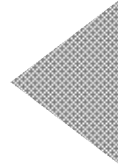
- Casson, M (2010), *Entrepreneurship: Theory, Networks. History*. USA: Edward Elgar Publishing, Inc.
- Decker, W.H; Calo, T.J and Weer, C.H (2012), Affiliation motivation and interest in entrepreneurial careers. *Journal of managerial psychology*, 27(3), 302-320.
- Denanyoh, R; Adjei, K & Nyemekye, G.E (2015), Factors that Impact on Entrepreneurial Intention of Tertiary Student in Ghana. *International journal of business and social research*, 5(3), 19-29.
- Eslambolchi, M (2012), Entrepreneurship Training and Its Components in Organization; Explaining Ethical Work Climate Based on the Victor and Cullen Model. *Journal of Basic and Applied Scientific Research*, 2(12), 12084-12096.
- Furnhan, A. & Bachtiar, V (2008), Personality and intelligence as predictors of creativity, *Personality and Individual Differences*, 45 (7), 613-617.
- Gurol, Y. Atsan, N (2006), Entrepreneurial characteristics amongst university students some insights for entrepreneurship education and training in Turkey. *Education & Training*, 48(1), 25-38.
- Gutierrez Zepeda, P.A (2015), *Exploring Relationships Between Entrepreneurship Education and Students Entrepreneurial Intentions*. Portland State University.
- Guven, S (2009), New primary education course programmers and entrepreneurship, *Procedia Social and Behavioral Sciences*, (1), 265-270.
- Hortivanyi, L (2012), *Entrepreneurial Management*. Published by AULA Kiadó Kft.
- Kashif Yaqub, M; Ahmad Mufti, N, Ali, Sh and Uzair Khaleeq, M (2015), Impact of entrepreneurship education on attitudes of students towards entrepreneurship. *Journal of Basic & Applied Sciences*, 11, 590-595.
- Kee, J., Rodrigues, P., Kundu, S., Racine, J (2006), *Entrepreneurship Curriculum*. www.sylff.org
- Keister, L. A (2005), *Entrepreneurship*. Columbus, USA: Elsevier Jai.
- Kusumsiri, N & Jayawardane, A.K (2013), *Factors influencing Success in Fashion Designer entrepreneurship in Sri Lanka*. **National Engineering Conference**. University of Moratuwa Srilanka.
- Matthews, D. R (2010), Performance Management: A Comparative Analysis of Peak Experience Performance and Non-peak Experience Performance in Business Leaders, Capella University.
- Moriano, J. A. L., & Gorgievski, M (2007), *Psychology of entrepreneurship: Research and education*. UNED.
- Packham, G & et al (2010), Attitudes towards Entrepreneurship education: a comparative analysis. *Education Training*, Vol.52, No.8/9, pp.568-586.
- Tshikovhi, N & Shambare, R (2015), Entrepreneurial knowledge, personal attitudes, and entrepreneurship intentions among South African

Enactus students. **Problems and perspectives in management**, vol.13,Issue.1, pp.152-158.

- Tung Liang, C; Lin Chia, T & Liang, C (2015),Effect of Personality Differences in Shaping Entrepreneurial Intention. *International Journal of Business and Social Science*, Vol.6, No.4(1), 176-166.
- Volkmann, Ch.K & Tokarski, K.O (2009), Student attitudes to entrepreneurship. *Journal Management & Marketing*, Vol(1), 17-38.
- Yung, C.W (2008, **The relationship among leadership style**. Entrepreneurial orientation and business performance, 6(3), 260-285. <https://pdfs.semanticscholar.org>.
- Zhang, H & Zhang, Y (2013), Psychological Characteristics of Entrepreneurship of College students in China. *Journal of Psychology*, 4(3), 159-164

آینده‌نگاری زندگی کاری

و ارتباط کار و زندگی با رویکرد دلفی



احسان نامدار جویمی^۱

سید علیقلی روشن^۲

نور محمد یعقوبی^۳

(تاریخ دریافت ۹۷/۹/۳ - تاریخ تصویب ۹۷/۱۰/۱۸)

چکیده

اهداف کشور ایران در سال ۱۴۰۴ تمرکز بر سه هدف اصلی دارد: رشد پایدار، رشد جامع و تبدیل شدن به یک اقتصاددانشی. در ایران، نیروی کار توسط سه روند جمعیت شناختی اصلی در حال شکل‌گیری است: پیر شدن نسلی که با رشد سریع جمعیت در مدت کوتاهی به وجود آمده‌اند؛ زنانه شدن نیروی کار؛ و افزایش تنوع فرهنگی با ورود نیروی کار مهاجر. با توجه به این سه منظر در ادامه به تجمع و اجماع نظرات خبرگان و حذف و اضافات در این زمینه خواهیم پرداخت و در نهایت برای این یافته‌ها ذهنیاتی که از این موارد می‌توان استخراج کرد سناریوسازی می‌شود. در این پژوهش از نظرات ۳۲ متخصص در راندهای دلفی استفاده شده است که در ابتدا ۶ نفر از اعضا انتخاب شدند و توسط نمونه‌گیری گلوله برفی نفرات بعدی معرفی شده‌اند و در فرایند پژوهش مشارکت کرده‌اند. رویکرد این مقاله عمدتاً توصیفی و

۱ - دانشجوی دکترای دانشگاه سیستان و بلوچستان، گرایش مدیریت منابع انسانی. زاهدان

davood.joyame@gmail.com

۲ - دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان، گروه مدیریت دولتی. زاهدان

۳ - استاد دانشگاه سیستان و بلوچستان، گروه مدیریت دولتی. زاهدان

اکتشافی است. در نهایت با توجه به یافته‌های پژوهش دو سناریو ساخته شده است که عبارت‌اند از: در سناریو اول، تعادل کار و زندگی، یک نکته ضروری در زندگی کارکنان است و یک ارتباط نزدیک بین کارکنان و کارفرمایان ایجاد می‌کند. در سناریوی دوم، تعادل کار و زندگی برای اکثریت کارکنانی که تلاش می‌کنند شغل خود را حفظ کنند مهم نیست و از این رو تنها در دسترس کارکنان ممتاز و دارای مزایا است.

واژگان کلیدی: ایران، نیروی کار، کار، زندگی، سناریوسازی

مقدمه

هنگامی که به بحث آینده‌ی کار و تعادل زندگی و کار می‌پردازیم، آینده‌نگرها و محققان اجتماعی به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند: خوش‌بینان که تغییراتی را با پیامدهای مثبت برای اقتصاد و افراد پیش‌بینی می‌کنند و بدبین‌هایی که از تغییر انتقاد می‌کنند.

در رویکرد خوش‌بینانه به کار آینده و تعادل زندگی و کار، همه در یک جهان با تکنولوژی پیشرفته زندگی می‌کنند که ساختارهای قدیمی کار در آن وجود ندارند و خیلی‌ها به کارآفرینان خرد و کارکنان دانش تبدیل شده‌اند. پایه و اساس این تحول عظیم، جهش به دوران خلاقیت و بهره‌وری از طریق نوآوری است و رشد اشتغال در صنایع مبتنی بر دانش و تکنولوژی خواهد بود. این امر سازمان‌ها و مفهوم "کار" و "سازمان" را تغییر خواهد داد.

ادبیات موجود در مورد مدیریت از دیدگاه خوش‌بینانه با دو موضوع غالب پشتیبانی می‌شود: (۱) توسعه استعداد و منابع انسانی از طریق سیستم‌های کارآمد با کارایی بالا و (۲) افزایش مشارکت کارکنان در تصمیم‌گیری. تصور می‌شود بهبود مدیریت منابع انسانی سازمان‌ها را نوآورانه‌تر، انعطاف‌پذیرتر و تطبیق‌پذیرتر کند و یادگیری درازمدت و توسعه استعداد به عناصر اصلی بهره‌وری، نوآوری و رقابت تبدیل شوند.

بدبین‌ها بر جنبه‌های منفی انقلاب تکنولوژیک تمرکز می‌کنند. عصر اطلاعات و فن‌آوری ما را به یک دنیای بدون کارگر نزدیک‌تر کرده است. بدبین‌ها عقیده دارند بحران شغلی جهانی چنان پیچیده و عمیق خواهد بود که هرگونه تلاش برای ایجاد و حفظ شغل فقط می‌تواند به سطح مشکل بپردازد. در آینده، کارگران کشورهای توسعه‌یافته در رقابت بازار کار به کارگران کشورهای در حال توسعه خواهند باخت. کارکنان دانش غرب خواهند دید که مزایای تحصیلی و

ارزش‌های آن‌ها از کارکنان دانش شرقی عقب خواهد ماند و کارگران بامهارت پایین، کار خود را به کارکنان بامهارت بالا خواهند باخت و جای‌گزین خواهند شد. در حالی که خوش‌بینان یک دنیای روشن و فردگرا را می‌بینند، بدبینی‌ها رویکردی جبرگرایانه به کار آینده با توجه به فناوری‌های روز و از جای‌گزین شدن ماشین به جای انسان دارند. در دیدگاه خوش‌بینانه، کارکنان قادر به تبدیل شدن، انطباق و استفاده از فرصت‌های جدید هستند؛ در دیدگاه بدبینی، تحول و انطباق بی‌فایده است، و برنده‌های قدیمی ممکن است در اقتصاد جدید بازنده باشند.

متأسفانه بسیاری از تحقیقات ارائه‌شده در مورد آینده‌ی کار، چندان از حقایق و تجزیه‌وتحلیل بهره‌نمی‌برد و در نتیجه بیشتر بر پایه‌ی حدس و گمان است. دو دیدگاه در مورد آینده‌ی کار گرایش به بیش‌ازحد هنجاری بودن دارند، و سناریوهای "صحیح" و "اشتباه" برای کار آینده ارائه می‌دهند. واقعیت این است که آینده نه صحیح است و نه اشتباه. آینده، فرصت‌ها و چالش‌های جدید را ارائه می‌دهد. علاوه بر این، اعمال پیشنهادها مدیریتی مانند سیستم‌های با کارایی بالا و طرح‌های تعادل کار و زندگی در سازمان‌ها آسانی یا معمول نیستند. بسیاری از کارفرمایان همچنان به طراحی شغل به روش تیلوریسم وفا دارند که خصوصیات آن آموزش کم، مشارکت کم کارکنان در تصمیم‌گیری، و غیرسازگار با خانواده است. هدف از انجام این پژوهش آینده‌نگاری و سناریوسازی زندگی کاری و ارتباط زندگی و کار در آینده در نظام جمهوری اسلامی ایران است.

آینده‌ماهیت کار به این بستگی دارد که نظام جمهوری اسلامی ایران موانع را چگونه از سر راه برمی‌دارد. کشور ایران تا گردن در بدهی‌های عمومی گیر افتاده است و بیکاری ساختاری گسترده است و اصلاحات موردنیاز از حمایت عموم برخوردار نیستند. کشور ایران در حال پیر شدن است و افراد کمتری برای پرداخت حقوق اجتماعی و افراد بیشتری برای استفاده از کمک‌های دولت باقیمانده‌اند که نیازمند تأمین اجتماعی و درمان‌های عمومی و تکمیلی و ... هستند. مردم بدبین به آینده خوش‌بین نمی‌باشند و دائماً در استرس و اضطراب هستند و در حال کردن هستند و این استرس را به سایر افراد جامعه و خانواده انتقال می‌دهند و با چشم‌انداز افزایش ساعت کار و تشدید شدن کار بدون افزایش دستمزد برای تعادل کار و زندگی رو برو هستند. برخی افراد در دو نوبت کار می‌کنند و در برخی خانواده‌ها پدر و مادر مشغول به کار

هستند و یا حتی فرزند در ساعت بعد از تحصیل و حتی به جای تحصیل به کار مشغول است و ... اهداف کشور ایران در سال ۱۴۰۴ تمرکز بر سه هدف اصلی دارد: رشد پایدار، رشد جامع و تبدیل شدن به یک اقتصاددانشی. استراتژی رشد پایدار باهدف کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای تا حداقل ۳۰ درصد کاهش نسبت به مقادیر سال ۱۳۹۰، افزایش سهم منابع انرژی تجدید پذیر در مصرف انرژی نهایی تا ۳۰ درصد و درعین حال افزایش بهره‌وری انرژی تا ۳۰ درصد هستند. این تبدیل جامعه به یک اقتصاد سبز مستلزم صرف منابع است؛ پولی که کشور ایران نیاز دارد برای تأمین مالی سیستم‌های حقوق بازنشستگی و قانون کار از طریق تجارت و نوآوری گرفتن مالیات میسر است.

سبز کردن و توجه به محیط‌زیست و توسعه پایدار محیط‌زیست در کشور ایران در بلندمدت باعث ایجاد شغل می‌شود، اما هزینه‌های آن در کوتاه‌مدت بسیار بالا خواهد بود. کشور ایران با فشار شدیدی در بازارهای صادراتی خود مواجه است، درحالی که کشورهای همسایه و شرقی از جمله کره و چین و ... در حال به دست آوردن سهم بازار هستند. اگر کشور ایران بخواهد به اهداف ۱۴۰۴ پایند باشد، ساختارهای تدوینی و اجرایی باید منعطف باشند و در صوت نیاز تغییر پیدا کنند و قابل اصلاح باشند.

بسیاری از سازمان‌های تولیدی و خدماتی در کشور ایران توانسته‌اند به‌طور منظم با نیازهای آشفته‌ی مدرنیزه روبرو شوند و در مواجهه با چالش‌ها به موفقیتی بیش از حد انتظار برسند. رقابت سازمانی یک مفهوم است که اشاره می‌کند که شرکت‌ها بیش آنچه به مؤسسات سیاسی و اقتصادی قوی از دست می‌دهند، به دست می‌آورند. یک مفهوم نزدیک به مفهوم رقابت سازمانی، مفهوم امنیت انعطافی است که واژه‌ای مرکب از انعطاف‌پذیری و امنیت است. این کلمه‌ای است که این واقعیت را توصیف می‌کند که بازار کار درحالی که انعطاف‌پذیر است، امنیت هم دارد. انعطاف‌پذیری از کارفرمایانی می‌آید که به‌طور نسبی به استخدام و اخراج کارکنان آزاد هستند تا بتوانند به‌سرعت و در صورت نیاز کارکنان را تعدیل کنند. امنیت فیزیکی و ذهنی کارکنان در صورت اخراج شدن توسط دولت از طریق اعطای درآمد، آموزش و پشتیبانی شبکه‌ای در پیدا کردن یک شغل جدید یا ایجاد آن، فراهم می‌شود.

درحالی که رقابت سازمانی در مرکز توجه قرار دارد، باید توجه داشته باشیم که این کل ماجرا نیست. تفاوت‌های قابل توجهی بین بازارهای کار در کشور و خارج از کشور وجود دارد و کشور

ایران شرایط ویژه‌ی خود را دارد.

از سال ۱۳۸۵، سهم صادرات نفت حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد بوده است. در سال ۱۳۹۰، ۵۰ درصد از بودجه دولتی از تولید نفت به‌دست آمده است. در حالی که بسیاری از موقعیت ویژه در منطقه‌ی کشور ایران به‌عنوان کشور غنی از منابع آگاه هستند. ثروت نفت ستون فقرات وضعیت رفاه کشور ایران را فراهم می‌کند. اکنون نفت و گاز احتمالاً در حال تمام شدن هستند. مقدار مصرف گاز از میدان گاز جدید "پارس جنوبی و دکل‌های جنوبی و دریایی" خیلی زیاد است، اما مشکلات آشکار هستند. طبق گفته‌ی کمیسیون رفاه، یک فرد ایرانی امروزه یک هزینه خالص است، بنابراین اگر وضعیت رفاهی کشور ایران بخواهد همان‌طور که امروز هست باقی بماند، باید تغییرات رادیکالی انجام شود. این موضوع به مشکل پیری بی‌ربط نیست و سازمان‌ها را درگیر کرده است. در سازمان‌های دولتی مشاهده می‌شود که بخش قابل‌توجهی از نیروی انسانی سازمان‌های را افرادی با سابقه بالا تشکیل داده‌اند که بسیاری از آن‌ها میان‌سال و مسن هستند و در شرف بازنشستگی هستند و نیروهای جوان کمی در کنار این نیروها به فعالیت مشغول هستند. رشد جمعیتی که قبلاً به یک‌باره اتفاق افتاده است (بعد از دوران جنگ) الآن در حال بازنشسته شدن هستند و حقوق بازنشستگی در دستور کار دولت قرار دارد. در کشور ایران، علیرغم افزایش امید به زندگی و افزایش مهر و موم‌های سلامت رضایت‌بخش، سن بازنشستگی مؤثر کاهش یافته است.

تنها کشور ایران نیست که با مشکل پیری روبرو است. در سال ۲۰۵۰، انتظار می‌رود متوسط سن در آسیا به ۵۲ سال برسد، ۴۷ سال برای اروپایی‌ها و ۴۲ سال برای آمریکایی‌ها. این تغییر نیاز به اصلاحات قابل‌توجهی در ایران و در سراسر جهان دارند.

در ایران، حقوق بازنشستگی، مزایای بیکاری و حمل‌ونقل عمومی حدود ۶۸ درصد از هزینه‌های دولتی را تشکیل می‌دهد. حذف گزینه‌های بازنشستگی پیش از موعد و افزایش سن بازنشستگی و کوتاه شدن دوره‌های استفاده از مزایای بیکاری می‌تواند بخشی از راه‌حل باشد، اما ایجاد این تغییرات مطمئناً محبوبیت سیاستمداران را پائین می‌آورد؛ افزایش تولید و بهره‌وری به‌طور کلی در اقتصاد می‌تواند از طریق ایجاد منطقه جذاب برای کارگران با مهارت بالا یا با تشویق یادگیری مادام‌العمر، آموزش مداوم، شروع زودتر تحصیلات ابتدایی و دوره تحصیلی کوتاه‌تر انجام شود. راه دیگر افزایش انگیزه برای کار بیشتر و دنبال کردن تحصیلات بیشتر با کاهش نرخ مالیات

حاشیه‌ای است؛ با این حال این امر وضعیت رفاه را زیرورو خواهد کرد.

یک بخش عمومی کارآمدتر، در واقع راه‌حل مناسب است، اگر که بدون کاهش کیفیت خدماتی که برای شهروندان فراهم می‌شود، به دست آید؛ در غیر این صورت تنها به این مشکل دامن خواهد زد، اگر که شهروندان خواستار استانداردهای خدماتی بالاتر از آنچه دولت می‌تواند فراهم کند، باشند. در چنین شرایطی، مردم یا برای مالیات پایین‌تر و خصوصی‌سازی بیشتر (پذیرش قطبی شدن اجتماعی بیشتر) رأی خواهند داد یا می‌توانند کشور را ترک کنند و به جای دیگری بروند. حتی یک فرار مغزی خفیف می‌تواند به یک مشکل جدی تبدیل شود و وضعیتی برای فرسایش کامل وضعیت شناخته‌شده‌ی رفاه ایجاد کند.

آینده‌ی کار و تعادل کار و زندگی به‌طور ذاتی در چگونگی حل این مشکل در آینده، در هم آمیخته‌اند. برای دولت‌ها فراهم‌کننده‌ی رفاه، لیست راه‌حل‌ها طولانی، اما مشکل‌ساز است.

برای تجزیه و تحلیل آینده‌ی کار و تعادل کار و زندگی، لازم است که جمعیت در حال گذار نیروی کار و تحول کارگران در آینده بررسی شود. نیاز روزافزون به اتخاذ یک دیدگاه پویا در مورد نیروی کار وجود دارد. "گذار" یک مفهوم رایج برای توصیف کارگران در بازار کار است. مهاجرت کارگران امروزه بیش از هر زمان دیگری در حال اتفاق افتادن است، که باعث ایجاد اختلال برای کارگران در تمام سنین که در حال گذار از کاری به کار دیگر هستند، می‌شود؛ گذار از مدرسه به کار متنوع‌تر و طولانی است؛ و گذار به علت بازنشستگی زود هنگام، مشاغل انعطاف‌پذیر یا اخراج، پیچیدگی‌های بیشتری را ایجاد می‌کند. علاوه بر این، با افزایش سطح تحصیلات، مشاغل باید بیشتر دانش‌محور و مهارت‌محور شوند تا نیازهای کارکنان برای به چالش کشیده شدن و پیشرفت را از طریق زندگی کاری برآورده کنند.

در ایران، نیروی کار توسط سه روند جمعیت شناختی اصلی در حال شکل‌گیری است: پیر شدن نسلی که با رشد سریع جمعیت در مدت کوتاهی به وجود آمده‌اند؛ زنانه شدن نیروی کار؛ و افزایش تنوع فرهنگی با ورود نیروی کار مهاجر.

با توجه به این سه منظر در ادامه به تجمیع و اجماع نظرات خبرگان و حذف و اضافات در این زمینه خواهیم پرداخت و در نهایت برای این یافته‌ها ذهنیاتی که این موارد می‌توان استخراج کرد سناریوسازی می‌شود. در این مسیر ابتدا روش‌شناسی پژوهش توضیح داده خواهد شد.

روش‌شناسی پژوهش

تصویری از آینده خود طبیعتاً نظام‌منداست، که از دانش ساختاری و اجتماعی تشکیل شده است و با تصورات غنی شده است. بنابراین، تصمیم‌گیرندگان را هدایت می‌کند و یا جنبه‌های مثبت در تصاویر آتی مطلوب را حفظ می‌کند (Rubin, 2013).

مشارکت‌کنندگان در زمینه‌های گوناگون، با دیدگاه‌های متفاوت نسبت به یک مسئله خاص متمرکز هستند. به همین ترتیب، ناهمگنی دانش، درک و دیدگاه در شکل‌گیری تصاویر آینده ضروری است (Rubin & Linturi, 2001). روش دلفی به‌طور گسترده‌ای به‌عنوان یک ابزار کارآمد برای استخراج اطلاعات موردنیاز از پانل‌های متخصص در موارد مختلف و خاص است. در این پژوهش برای این مهم از تکنیک دلفی استفاده شده است.

در این مطالعه، تصاویری از نقش اخلاق و رویکرد انتقادی در آموزش عالی بر اساس مواد جمع‌آوری شده از طریق پانل دلفی ایجاد شده است. رویکرد این مقاله عمدتاً توصیفی و اکتشافی است.

دلفی به‌عنوان یک روش برای درخواست تصاویر کارشناسان از آینده به‌صورت سیستماتیک با مجموعه‌ای از پرسشنامه‌ها و بازخورد کنترل‌شده مورد استفاده قرار می‌گیرد (Linstone ۲۰۱۱ & Turoff). در این مطالعه، از روش دلفی استفاده شده و انتخاب پانل بر اساس اهداف مطالعه انجام شده است.

روش دلفی بر این فرض استوار است که گروهی از کارشناسان برتر قادرند دیدگاه‌های مبتنی بر شواهد برای پیشرفت‌های آینده را از طریق بحث و نظر ایجاد کنند. با این حال، پویایی گروه می‌تواند اغلب نتایج پانل را بی‌اعتبار کند و بنابراین روند دلفی ناشناس است. این اجازه می‌دهد تا افراد نظرات خود را آزادانه‌تر بدون ترس از قضاوت توسط دیگران بیان کنند. اعضای گروه دلفی نیز در طی تکرار این فرآیند فرصتی برای یادگیری از یکدیگر دارند و نظراتشان را تغییر می‌دهند. تکرار راندهای دلفی نیز به معنای استدلال عمیق‌تر در مورد موضوع است و اجازه می‌دهد تا شرکت‌کنندگان به‌طور ناشناس نظرات خود را بر اساس نظر گروه بررسی کنند. بنابراین، روش دلفی به‌عنوان یک نسخه کنترل‌شده از یک بحث عمل می‌کند (Gordon, 2012). نتایج حاصل از مطالعه دلفی ارزیابی‌گزینه‌های مختلف آینده را در اختیار شما قرار می‌دهد، درحالی‌که دقت پیش‌بینی‌ها مهم نیست (Glenn, 2009).

انتخاب و جمع‌آوری اعضای پانل بخش چالش‌انگیز و وقت‌گیر یک مطالعه دلفی است (Millett & Honton, 1991). با این حال، همیشه مشخص نیست که چه کسی متخصص است. علاوه بر این، متخصصان برتر اغلب مشغول و درگیر مشاغل خود هستند. روش نمونه‌برداری گلوله برفی که در آن کارشناسان دیگر و در دسترس را نشان می‌دهند در این پژوهش استفاده شده است.

در این پژوهش از نظرات ۳۲ متخصص در راندهای دلفی استفاده شده است که در ابتدا ۶ نفر از اعضا انتخاب شدند و توسط نمونه‌گیری گلوله برفی نفرات بعدی معرفی شده‌اند و در فرایند پژوهش مشارکت کرده‌اند. در این پژوهش برای رسیدن به اجماع نظرات متخصصان از میانگین نظرات استفاده شده است که بر اساس طیف پاسخ‌گویی به سؤالات از بین ۵ کاملاً موافقم و ۱ کاملاً مخالفم بوده است و میانگین بالای ۳ حد قابل قبول تم در موارد بیان شده راندهای دلفی است و هر چه به ۵ نزدیک‌تر باشد می‌توان این‌گونه اظهار کرد که نظرات به اجماع بیشتری دست یافته است. در ابتدا بر اساس مطالعات پیشینه و ادبیات پژوهش تم‌های ابتدایی استخراج شدند و در اختیار اعضای پانل قرار گرفته است و تم‌های مختلف به اجماع گذاشته است (متن‌هایی بر اساس تم‌های مختلف ساخته شدند و متخصصان بر اساس تم‌های مورد نظر خود به متون مربوطه مواردی حذف و اضافه می‌کنند که بر اساس تم‌های مشخص شده هستند) و بر اساس نظرات خبرگان حذف و اضافه شده‌اند و در نهایت تم‌های نهایی و مورد اجماع استخراج شده است و سپس نظر تک‌تک افراد بر اساس نظر نهایی و اجماع رسیده برای بررسی روایی و پایایی پژوهش در نظر گرفته شده و تغییراتی اعمال شده است که نتیجه نهایی این تغییرات نیز به تأیید همگی رسیده است (اجماع انجام شده است) و بر اساس نظرات متخصصان بر اساس اجماع صورت گرفته تم‌های نهایی بیان شده است. هدف از انجام این پژوهش آینده‌نگاری و سناریوسازی زندگی کاری و ارتباط زندگی و کار در آینده در نظام جمهوری اسلامی ایران است.

یافته‌های پژوهش

سهم زنان در نیروی کار هنوز نسبتاً پایین است، که باعث ایجاد فرصتی برای افزایش تولید با وارد کردن زنان بیشتر به نیروی کار می‌شود.

مشارکت زنان در نیروی کار در دهه‌های گذشته به تدریج افزایش یافته است. با این حال، زنانه

شدن نیروی کار هم‌زمان با کاهش درآمد واقعی و افزایش شدت کار، ایجاد اختلافات در خانواده اتفاق می‌افتد. حتی اگر کارفرمایان به مسائل درگیری‌های خانوادگی بپردازند، در بسیاری از موارد، زنان هنوز مجبور هستند بین پیشرفت شغلی یا مسئولیت‌های خانوادگی یکی را انتخاب کنند. باین‌حال، تعداد زنان با تحصیلات عالی در حال افزایش است، و این به این معنی است که سهم زنان بسیار متخصص در نیروی کار اروپا افزایش خواهد یافت. همان‌طور که زنان بیشتر و بیشتری از تحصیلات بهتر برخوردار می‌شوند، می‌توانند از مردان در میانگین حقوق پیشه بگیرند، و مردان را مجبور کنند که بیشتر و بیشتر نقش مراقب را بگیرند. از دیدگاه اقتصادی، به‌سادگی عاقلانه‌تر است که زمانی که کودکان بیمار می‌شوند شخصی که درآمد کمتری دارد در خانه می‌ماند و از او مراقبت کند.

در ایران، گام‌هایی در راستای تطبیق قوانین برداشته‌شده‌اند تا مردان و زنان نقش‌های برابری در نقش مراقب داشته باشند. مردان تشویق می‌شوند که مرخصی بچه‌دار شدن بگیرند. آنچه در سراسر کشور موردنیاز است، امکانات مهدکودک و چارچوبی کلی است که به زنان اجازه می‌دهد که بهتر از مزایای نیروی کار بودن استفاده کنند. باین‌حال، در ایران، که این چارچوب‌ها تا حد زیادی وجود دارند، مشکلات جدید در رابطه با زنان تحصیل کرده با تحصیلات بیشتر به وجود می‌آیند.

مشاغلی که آموزش داده می‌شوند تا از همبستگی وضعیت رفاهی حمایت کنند، به‌طور سنتی مشاغلی برای زنان هستند: معلمان، معلمان مهدکودک، پرستاران، مراقبین شخصی و غیره. این مشاغل از چند جهت متضرر می‌شوند، چون زنان با تحصیلات عالی آن‌ها را ترک می‌کنند. به نظر می‌رسد ستونی که وضعیت رفاهی بر آن استوار است ناپدید می‌شود.

به لحاظ سنتی، مشاغلی مانند معلمان، معلمان مهدکودک، پرستاران، و مراقبان شخصی پیچیده‌تر از آن هستند که مکانیزه شوند. بنابراین پاسخ در کارگران خارجی بیشتر است یا در یک سناریو که مردان با تحصیلات کمتر مشاغل سنتی زنان را بگیرند-یعنی سرعت بخشیدن به تغییرات فرهنگی و نقش‌های جنسیتی. راه‌حلی دیگر ایجاد انعطاف‌پذیری بیشتر است که به کارکنان زن بهره می‌رساند و درعین‌حال باعث افزایش بهره‌وری و درآمد می‌شود.

اساساً، تعادل کار و زندگی واژه‌ای است که مستعد تفسیر ذهنی قابل توجهی است؛ زیرا آنچه تعادل را تشکیل می‌دهد، منوط به تنوع فرهنگی قابل توجهی است که توسط یک فرد و یا به‌طور

جمعی توسط دو نفر در یک رابطه تعریف می‌شود. تعریفی که ما در این مقاله از آن استفاده می‌کنیم این است که تعادل کار و زندگی، گویای آرزوی همه افراد - نه فقط افرادی که مسئولیت‌های خانوادگی دارند - برای به دست آوردن تعادل بین کاری که برایش حقوق می‌گیرند و زندگی آن‌ها خارج از کار است، از مراقبت از کودکان و کارهای خانه گرفته تا اوقات فراغت و پیشرفت خود.

تعادل کار و زندگی به‌طور سنتی تمرکز نسبتاً محدودی بر سلامت، فرسودگی شغلی مرتبط با استرس، ساعات کار، حقوق زایمان و اشتغال رسمی داشته است. با توجه به تحولات جمعیت شناختی و اجتماعی که قبلاً شرح داده شد، می‌دانیم که تعادل کار و زندگی محدود به این موارد نیستند.

در عوض، کار یک عنصر ابزاری است و وسیله‌ای است برای حمایت از یک شیوه زندگی و ایجاد شرایط مطلوب برای یک خانواده و / یا خود فرد. از این رو، تعادل کار و زندگی در مورد مدیریت فشار خارجی از یک محیط کار رقابتی با اوقات فراغت و / یا خانواده است.

با این حال، کار یک عنصر اجتماعی-روانی را ایجاد می‌کند که احترام و چالش‌های شخصی ایجاد می‌کند. بنابراین، تعادل کار و زندگی در مورد مدیریت فشار داخلی که حاصل انتظارات خود فرد و تعیین اهداف واقع‌گرایانه است که به‌طور مثال به مسئولیت خانوادگی ضربه وارد نمی‌کنند، هم هست. به عبارت دیگر، تعادل کار و زندگی تنها با فشار وارده بر فرد از طرف کارفرما تعریف نمی‌شود، بلکه به‌طور فزاینده‌ای تحت تأثیر سطح انگیزه خود کارکنان است - که می‌توان گفت تنها به‌طور غیرمستقیم از فشار خارجی توسط جامعه‌ای که فرهنگ عملکرد را ستایش می‌کند، به وجود آمده است.

مفهوم تعادل کار و زندگی نیز گسترش یافته است تا شامل مسئولیت‌های گسترده‌تر مراقبت، نیاز به ساعت‌های کاری انعطاف‌پذیر، پیگیری علایق فکری (یادگیری مادام‌العمر) و دیگر ترجیحاتی که مردم در مورد زمانی که می‌خواهند به کار اختصاص دهند دارند و چگونگی این کار، به‌خصوص از این جهت که این ترجیحات در طی زندگی یک فرد تغییر می‌کنند، شود. از این رو، تعادل کار و زندگی بیشتر و بیشتر از منظر طول عمر تقسیم می‌شود.

تعادل کار و زندگی بر پایه‌ی فرض جدایی کار و زندگی خصوصی است و این تعادل زمانی حاصل می‌شود که تقسیم برابر بین این دو وجود داشته باشد. تمایز کار و زندگی یک ساختار

جدید است و متفاوت از یکپارچگی کار و زندگی تا آغاز قرن بیستم است که خانواده‌ها با یکدیگر همکاری می‌کردند. این تمایز با عصر صنعت و توسعه کارخانه‌ها که در آن کارگران باید در زمانی خاص در مکان خاصی باشند، به وجود آمد. اما امروزه ما در معرض تغییرات رادیکالی قرار داریم که در آن دنیای سنتی شرکت‌ها شکسته می‌شود و به نوع جدیدی از سازمان‌ها مانند فیس بوک و موزیلا راه می‌افتند که به‌روش‌های متفاوت رادیکالی سازماندهی شده‌اند. این سازمان‌ها ساختارهای صاف و ارتباطی باز برای ارتقاء خلاقیت و نوآوری دارند. آن‌ها بر وابستگی متقابل، ایجاد شبکه و تشویق روابط کارکنان، مشتریان و فروشندگان تمرکز می‌کنند. و در نتیجه، آن‌ها موانع را می‌شکنند و یک‌بار دیگر کار و زندگی را یکپارچه می‌کنند. این امر با فناوری پیش می‌رود: مردم می‌توانند در خانه، در فضای باز یا در قسمت دیگری از جهان کار کنند. آن‌ها به یک برنامه کاری خاص محدود نمی‌شوند، بلکه هر زمان که بخواهند، می‌توانند کار کنند.

اظهار نظر آقای Welsh در مورد تعادل کار و زندگی با دیدگاه عمومی که تعادل کار و زندگی هم به نفع کارفرمایان و هم به نفع افراد است، همخوانی ندارد. کارفرمایان بهبود کیفی و کیفی در عرضه نیروی کار را به دست می‌آورند، زیرا تعادل کار و زندگی بر بهره‌وری کارکنان تأثیر می‌گذارد و آن‌ها را در بازار کار نگه می‌دارد (به‌عنوان مثال در اینجا سالمندان و زنان)، و افراد خود را انواع خواسته‌هایی که از آن‌ها می‌شود سازگار می‌کنند که منجر به بهبود کیفی زندگی آن‌ها می‌شود. یک نظرسنجی از ۳۰۰۰ فارغ‌التحصیل چینی، انگلیسی و آمریکایی نشان داد که ۹۰ درصد از پاسخ‌دهندگان آمریکایی و ۸۷ درصد از پاسخ‌دهندگان چینی می‌گویند که آن‌ها به‌طور فعال خواستار کارفرمایانی هستند که رفتار مسئولیت اجتماعی شرکتی‌شان رفتار خود آن‌ها را منعکس می‌کند، که این ادعا را ثابت می‌کند که تعادل کار و زندگی در نظر گرفته شده در زمینه CSR، در واقع می‌تواند به شرکت در مورد استخدام مزیت رقابتی دهد.

آشکار است که در نسل خود، استدلال Welsh دارای منطق واضحی بوده است: زمان منبعی کمیاب است و هر چه زمان بیشتری برای کار و حرفه اختصاص یابد، زمان کمتری برای اوقات فراغت، خانواده و پیشرفت خود وجود دارد. اما در آینده، فناوری و اشکال جدید سازمان‌ها می‌تواند ورق را برگرداند.

در دهه‌های گذشته، بخشی از نیروی کاری که به‌سرعت در حال رشد است از راه دور در یک

محیط کاری مرکزی کار می‌کند. ما تا حدودی به حالت قبل از صنعتی شدن برمی‌گردیم که جایی که زندگی می‌کنیم کار هم می‌کنیم. به‌غیراز کار در کارخانه‌ها و سایر مشاغل بدنی، اهمیت محل کار به‌طور فزاینده‌ای از بین خواهد رفت. علاوه بر این، تعدادی از شرکت‌هایی که علاقه‌مند به تمرکززدایی هستند، به علت درخواست‌های از راه دور به افزایش است و به همین دلیل موجب صرفه‌جویی در پول می‌شود. با پیشرفت تکنولوژی، فرصت‌های بهتر برای جذب کارکنان در جلسات مجازی و کنفرانس‌های تلفنی فراهم می‌شود. علاوه بر این، کارفرمایان می‌توانند با اجازه دادن به کارکنان تا وقت بیشتری را در خانه صرف کنند تا در دفتر کار، روحیه آن‌ها را بالا ببرند. این می‌تواند مقدار زیادی هزینه‌های اضافی را که صرف اجازه کردن دفاتر کار که کارکنان باید در آن حضور یابند کاهش دهد. این پیشرفت می‌تواند منجر به تعادل سالم‌تر زندگی و کار شود: این موجب هدر نرفتن وقت برای طی کردن راه کار و خانه می‌شود، به کارکنان زمان می‌دهد تا به مسائل شخصی یا خانه برسند و به‌طور کلی انعطاف‌پذیری بیشتری را فراهم می‌کند.

همیشه مشاغل وجود دارند که مستلزم حضور فیزیکی هستند. اما در آینده، کارهای کمتر و کمتری نیاز به حضور فیزیکی دارند، و بقیه مشاغل انعطاف‌پذیری و شخصی‌سازی بیشتری نسبت به امروز دارند. چون نسل جوان این دیدگاه جدید از کار را ترجیح می‌دهد، آن‌ها مفاهیمی مانند تعهد، موفقیت و سرگرمی، درک سنتی از تعادل و جداسازی کار و زندگی را تحسین خواهند کرد.

تغییرات در درک سنتی از کار و تعادل کار و زندگی با پیشرفت تکنولوژی ارتباط دارد. یکی از عواقب توسعه تکنولوژیک، سازمان‌های غیرمتمرکز بیشتر و از بین رفتن تفاوت بین کارفرمایان و کارکنان است. نیروهای تکنولوژیک و اقتصادی یک فضا برای سازمان‌های جدیدی ایجاد می‌کنند که خود سازمان‌یافته، خودمختار، هم‌تا به هم‌تا، مشارکتی و مردم محور است. سازمان‌های غیرمتمرکز بیشتری را خواهیم دید که به معنی سازمان‌ها و کار انعطاف‌پذیرتر است که در آن‌ها افراد در تصمیم‌گیری‌هایی که برایشان مهم است شرکت می‌کنند. این در حال حاضر درست در مورد شرکت‌های AES، یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان برق در جهان صدق می‌کند، که در آن کارکنان سطح پایین در تصمیم‌گیری‌های حساس چند میلیون دلاری برای موفقیت آینده‌ی شرکت گنجانده شده‌اند. با این حال، تمرکززدایی چیزی بیش از سازمان‌هایی

با سلسله‌مراتب سست و مسطح است. این تنها قدرت نیست که به سطوح پایین‌تر منتقل می‌شود؛ قدرت نیز می‌تواند به همان اندازه در سازمان‌ها شبیه به دموکراسی‌های کوچک نشأت بگیرد. اگر بخواهیم با دیدی مثبت چشم‌انداز به آینده نگاه کنیم، برای موفقیت در آینده، باید کارآفرینان کوچک‌ماهر با توانایی ایجاد تعادل پایدار بین کار و زندگی برای خودمان و مستقل از سازمان یا شرکتی که در آن کار می‌کنیم، تبدیل شویم. در مقابل بدبینان معتقدند که پایان تعادل کار و زندگی در یک اقتصاد سخت و غیرانسانی آینده ختم می‌شود که در آن هدف، بهره‌وری و سود بیشتر است، نه نفع کارکنان و تعادل.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های پژوهش، ادبیات و اجماع نظرات خبرگان و نهایی کردن تم‌های استخراجی از متن و دسته‌بندی ذهنیات مختلف ناشی از متون و جریان‌های مختلف در نهایت دو سناریو استخراج شد که در ادامه به آنها بحث درباره آن خواهیم پرداخت.

سناریو اول: تغییرات

دوره‌های طولانی بیکاری و ورشکستگی همراه با برنامه‌های اقتصادی مقاومتی باعث شد عموم مردم برای رشد اقتصادی ارزش قائل شوند و نیاز به تغییر در کشور را تشخیص دهند، به این ترتیب یک پنجره سیاستی ایجاد شد که در آن سیاست‌هایی برای افزایش رقابت به آرامی اجرا می‌شدند. این یک پلت فرم برای کشور به تازگی رقابتی شده بود و هنوز از هزینه‌های بالا برای تبدیل کردن جامعه به یک جامعه‌ی دانشی واقعی رنج می‌برد، ایجاد کرد. سیاست‌ها تا حد زیادی بر روی ایجاد انعطاف‌پذیری بیشتر و تحرک در نیروی کار، ریشه‌کن کردن شیوه‌های منسوخ‌شده و تغییر قوانینی که برای کاهش رقابت بودند و تنها به ظاهر برای ایجاد امنیت برای نیروی کار بودند، متمرکز شده‌اند؛ به عنوان مثال، اشتغال مادام‌العمر در کشور دیگر چیزی است که به گذشته تعلق دارد. این تغییرات، رقابت سازمانی را بهبود بخشیدند، درحالی که به ارزش‌های اساسی اجتماعی که به نظر می‌رسد در کشور حکمرانی می‌کنند، پایدار باقی ماندند. این تحول، نظامی را به وجود آورده است که قادر به ایجاد محصولات ارزشمند است، و از جهانی شدن سود می‌برد.

بیشتر زنان به نیروی کار پیوسته‌اند، و این نیاز به برنامه‌هایی برای حمایت از تعادل کار و زندگی

را تقویت کرده است. به‌طور فزاینده، تعادل کار و زندگی به‌عنوان یک مشکل اجتماعی و سازمانی دیده می‌شود و نه به‌عنوان یک مشکل فردی. برای ایجاد یک جامعه با شرایط بهتر برای کار زنان تلاش می‌شود. جامعه به‌طور فزاینده‌ای تلاش می‌کند تا تفاوت درآمد را با دادن سنوات در هنگام مرخصی زایمان به زنان جبران کند. این کار از طریق اخذ مالیات از کارکنان با حقوق بالا که برای فرزندانشان به مرخصی نمی‌روند انجام می‌شود؛ که معمولاً مرد هستند. این کار به دو صورت جواب می‌دهد: انگیزه زوجین برای داشتن فرزندان بیشتر می‌شود و جبران اینکه زنان مجبور به ترک کار خود هستند را می‌کند.

رشد اقتصادی با تغییرات بزرگ هم در نیروی کار و هم در چگونگی سازمان‌دهی کارها پیش برده شده است. شرکت‌های بسیار رقابتی روی ایجاد شرایط مطلوب برای کارکنان خود متمرکز شده‌اند. مریان، ساعت‌های انعطاف‌پذیر، تعطیلات با حقوق و غیره فراوان‌اند. کارمند یک دارایی ارزشمند محسوب می‌شود و بیشتر شبیه یک ورزشکار نخبه است تا یک کارمند ساده و قابل تعویض. باین‌حال، این مشکل تعادل کار و زندگی را حل نکرده است. کاملاً برعکس تمرکز اغراق‌آمیز بر منابع انسانی و توسعه استعداد، وضعیتی را ایجاد کرده است که شرکت‌ها برای ایجاد شرایط مناسب و مطلوب برای پیشرفت کارکنان خود، چنان سخت تلاش کرده‌اند که کارکنان اکنون فرسودگی ناشی از استرس وجودی را تجربه می‌کنند. این ناشی از فشار خارجی از کارکنان نیست، بلکه ناشی از اختلاف بین ارزش‌ها و زندگی آن‌ها است. تجربه کردن عدم تعادل کار و زندگی به دلیل اینکه مجبور هستید مخارج خانواده را تأمین کنید کاملاً متفاوت است از این که کار خود را به خانواده و کسانی که دوست دارید ترجیح دهید، حتی اگر مفهومی که درباره "زندگی خوب" دارید به‌طور نزدیکی با ارزش‌های خانوادگی متصل باشند. باین‌حال برای افراد منفرد از نسلی که می‌پندارند "دنیا متعلق به آن‌هاست" و توانسته‌اند به دلیل کمبود کارکنان جوان و کارآمد، آزادی انتخاب شغل داشته باشند، این پیشرفت بسیار شایع است و انتخاب کاملاً با خودشان بوده است.

در کار، کارکنان پاداش می‌گیرند، ستایش می‌شوند، احساس ارزش می‌کنند، و در میان دوستان خوب هستند، درحالی‌که در خانه، مشکلات روزمره زیاد است. بنابراین اگر مجبور به انتخاب باشند، بیشتر مواقع کار به عزیزان ترجیح داده می‌شود. نرخ طلاق بالا گویای این ماجراست. باین‌حال، شرکت‌ها به‌طور فزاینده‌ای ادعا می‌کنند که تعادل کار و زندگی در محل کار به پایان

نمی‌رسد. بنابراین، تلاش‌هایی برای انجام دادن کارهای خانگی کارکنان با ارزش انجام شده است، و برنامه‌ای کامل برای انجام کارخانه توسط خدمتکار به کارکنان ارائه می‌شود که بخشی از حقوق و دستمزد آن‌هاست. مریدان فقط در مورد چگونگی بهبود عملکرد در زمینه‌های مربوط به کار فعالیت نمی‌کنند، بلکه در مورد امور خانوادگی نیز کار می‌کنند و بر برنامه‌های کاری برای پیش‌بینی دوره‌های استرس نظارت می‌کنند و اطمینان حاصل می‌کنند که کارکنان پس از یک دوره اوج کار، برای تجدیدقوا وقت صرف می‌کنند. به این امر اذعان دارند که تنها «نه» گفتن به پروژه‌ها، همکاران و مدیریت، کافی نیست، بلکه کارکنان باید اول و مهم‌تر از همه به خودشان «نه» بگویند. منابع انسانی بیشتر متمرکز بر کاهش حجم کار برای فرد است تا فرد بتواند کارایی پایدار داشته باشد، اذعان می‌کنند که اوج یافتن شدت کار به‌سادگی منجر به زمان طولانی برای تجدیدقوا می‌شود و در نتیجه در بلندمدت باعث کاهش بهره‌وری می‌شود.

در این مورد که کار چگونه زندگی هر فرد را پر می‌کند و قطبی شدن قابل توجهی وجود دارد. بعضی افراد شیوه زندگی ساده‌تری را انتخاب کرده‌اند، با تمرکز بر ارزش‌های خانوادگی و در صورت امکان، کاهش ساعات کاری به‌منظور افزایش زمانی که برای فرزندان و همسرانشان صرف می‌کنند. این افراد عموماً دارای صلاحیت‌های تخصصی و بسیار ارزشمند هستند که آن‌ها را قادر می‌سازد کمتر کار کنند، آن‌ها هنوز به‌اندازه کافی برای یک زندگی راحت درآمد کسب می‌کنند یا از آنجا که واقعاً نیاز به حضور در شرکت به‌صورت فیزیکی نیست تصمیم می‌گیرند به حومه شهر، که در آن قیمت مسکن و نیازهای مادی پایین‌تر است، کوچ کنند.

سناریو دوم: اصلاحات

اصلاحات برای حصول اطمینان از پایداری اقتصادی و محیط‌زیست جهانی لازم هستند، در عین حالی که اطمینان حاصل می‌کنند که نهادها واقعیت‌های اقتصادی، مالی و سیاسی جهانی را منعکس می‌کنند. چالش‌های جهانی متعدد هستند، از تغییرات اقلیمی و مدیریت منابع گرفته تا جمعیت جهانی رو به‌پیر شدن و رشد سریع مناطق شهری در کشورهای با درآمد متوسط و کم‌درآمد. عرضه‌ی راه‌حل‌های تکنولوژیکی بیشتر از هر زمانی است. راه‌حل‌های دیجیتال در مقیاس جهانی به اجرا درآمده و موجب ایجاد راه‌های جدیدی برای همکاری با یکدیگر شده‌اند، اما بسیاری از انواع شغل‌ها را نیز از بین برده‌اند و نیاز به مهارت‌های تغییر شغل را افزایش داده‌اند. طبقه متوسط در آینده عمدتاً با طبقه مرفه قابل قیاس است به‌خصوص از نظر تحصیلات و

تخصص‌های فنی و مهارتی. درحالی‌که مرحله اول برون‌سپاری در درجه اول بر برون‌سپاری تولید و کارهای کارگری به کشورهای کم‌درآمد و نزدیک شدن به بازارهای جدید متمرکز بود، مرحله دوم، عمدتاً روی کارهای با پرستیژ بالا، به‌خصوص R & D (تحقیق و توسعه) و کارهای خدماتی خاص متمرکز بود. تحصیلات دیگر سپری در برابر از دست دادن شغل‌تان نیست. با کمک فن‌آوری، پزشکان متخصص به‌طور فزاینده‌ای عمل‌های ساده را از راه دور انجام می‌دهند و تحلیلگران پشت‌میزنشین، معماران و سایر متخصصان خدمات نیز می‌توانند از جایی در جای دیگر کار کنند.

نیاز به نوآوری بیش‌ازپیش مشخص است، اما هزینه تحول بالا است و بر رشد کلی در کشور فشار وارد کرده است. چالش‌هایی که کشور در سازگاری با واقعیت‌های جدید جهان با آن مواجه بوده است، بسیاری بوده‌اند و اجرای اصلاحات لازم سخت بوده‌اند. رشد جهانی توسط کشورهای درحال توسعه هدایت می‌شود. شرکت‌های چندملیتی همچنان به افزایش نیروی کار خود در کشورهای درحال توسعه ادامه می‌دهند به‌جای افزایش رشد بخش خدمات گرا در کشورهای غربی. درعین‌حال، به دلیل بالا بودن دستمزد، نیروی کار و منابع در کشور به‌اندازه کافی رقابتی نیست تا به میلیاردها مصرف‌کننده جدید در کشورهای درحال توسعه خدمات ارائه دهد. این افزایش قطبیت در میان کارگرانی که در دنیای جدید تلاش می‌کنند و آن‌هایی که نمی‌کنند را افزایش داده است. دومین دسته به‌طور فزاینده‌ای در خدمات غذایی و صنایع مراقبت کار پیدا می‌کند. سیستم‌های رفاه در دوره‌های رونق و شکوفایی عموماً بسیار رقابتی هستند، اما این سیستم گران‌تر از آن هستند که بتوانند در زمان رشد کم سر پا باقی بمانند.

اعتراضات قابل توجهی رخ داده است و سیاستمداران به‌طور کلی این تغییرات را در بحبوحه‌ی بحران انجام داده‌اند، به‌جای اینکه اقدامات پیش‌بینی‌شده برای جلوگیری از بحران باشند. نارضایتی قابل توجهی از سیاستمداران به وجود آمده است. سیاستمداران برای اینکه سریع عمل نکرده‌اند سرزنش می‌شوند و درعین‌حال به خاطر تغییراتی که به وجود آورده‌اند سرزنش می‌شوند.

تعادل کار و زندگی به‌طور طبیعی تحت تأثیر قرار گرفته است. مردم نگران از دست دادن شغل خود هستند و سخت‌تر و بیشتر کار می‌کنند. در زمانی که مردم به‌طور کلی فقط از داشتن یک شغل خوشحال هستند، به تعادل کار و زندگی توجه چندانی نمی‌شود. مفهوم "تعادل" به‌جای

اینکه یک فاکتور مشترک در زندگی کاری باشد، به یک کالای لوکس تبدیل شده است که کارکنان دارای زمان، امنیت کاری و منابع می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. در زمان تغییر اقتصادی و ناامنی شغلی، تعادل کار و زندگی یک سراب است، هرچند که مشکلات مربوط به تعادل کار و زندگی بیشتر از هر زمان دیگری است.

نقطه‌ی شروع دو سناریو در دو چهارچوب کاملاً متفاوت اقتصاد آینده و بازار کار است. بنابراین، آن‌ها منجر به دو سناریو بسیار متفاوت برای دستیابی به تعادل بین کار و زندگی در زمینه آینده‌ی کشور می‌شوند. در سناریو اول، تعادل کار و زندگی، یک نکته ضروری در زندگی کارکنان است و یک ارتباط نزدیک بین کارکنان و کارفرمایان ایجاد می‌کند. در سناریوی دوم، تعادل کار و زندگی برای اکثریت کارکنانی که تلاش می‌کنند شغل خود را حفظ کنند مهم نیست و از این رو تنها در دسترس کارکنان ممتاز و دارای مزایا است.

آینده تعادل کار و زندگی می‌تواند بسیاری اشکال دیگر به خود بگیرد، بسته به اینکه آینده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی چگونه شکل می‌گیرد. دو سناریو نشان داده شده تا حدی مبتنی بر دیدگاه خوش‌بینانه و بدبینانه درباره آینده‌ی کار هستند و تا حدودی مبتنی بر چالش‌ها و تحولات آینده مواجه است، مانند پیری، رکود اقتصادی، رقابت شدید جهانی و اشکال جدید سازمان‌ها که مفهوم سنتی تعادل کار و زندگی به چالش می‌کشند.

با توجه به این واقعیت که آینده تعادل کار و زندگی امری نامطمئن است و احتمالاً در شکل‌ها و شیوه‌های مختلف تکامل پیدا می‌کند، هدف اصلی این مقاله این نیست که سناریوهای "واقعیت سخت" برای آینده ارائه دهد. آینده در هر تعریفی نامطمئن است، بنابراین آینده تعادل کار و زندگی نامطمئن است. در عوض، هدف این است که زمینه‌های نامطمئن را که مفهوم تعادل کار و زندگی بر پایه آن‌هاست را مفهوم‌سازی کنیم: اولاً، تعادل کاری و زندگی به نفسه یک چیز خوب نیست، بلکه در واقع می‌تواند باعث استرس و فرسودگی زود هنگام شود، مثلاً این مفهوم با توسعه استعداد ارتباط بسیار نزدیکی دارد. دوم، و به‌رغم اعتقاد عامه، تعادل کار و زندگی "برای همیشه اینجا" نیست بلکه تغییر خواهد کرد- و اگر شرایط به‌اندازه کافی سخت باشد، ممکن است مزایای کاری و زندگی پس گرفته شوند.

- [1] N. Beck, **Shifting Gears: Thriving in the New Economy**, Harper Collins, Toronto, 1992.
- [2] O. Blanchard, **European Growth over the Coming Decade**, September 2003, <http://economics.mit.edu/files/751> (accessed 21.03.12).
- [3] W. Bridges, **Jobshift: How to Prosper in a Workplace Without Jobs**, Addison-Wesley Publishers, Reading, MA, 1994.
- [4] J.H. Boyett, J.T. Boyett, **Beyond Workplace 2000: Essential Strategies for the New American Corporation**, Dutton, New York, 1995.
- [5] J.L. Campbell, O.K. Pedersen, **Institutional competitiveness in the global economy: Denmark and United States**, Regulation & Governance 1 (3) (2007) 230–246.
- [6] Copenhagen Institute for Futures Studies, Scandinavian Way, **Members Report Copenhagen 5/2006**.
- [7] European Commission, Europe 2020: A European Strategy for Smart, Sustainable and Inclusive Growth, **EU Commission, Brussels**, 2010, http://ec.europa.eu/eu2020/index_en.htm (accessed 21.03.12).
- [8] **Europe's Energy Portal**, 2010, <http://www.energy.eu/#prices>.
- [9] A. Heisz, **Changes in the Job Tenure in Canada**, **Canadian Economic Observer, Statistics Canada**, Cat. No. 11-010, January 1996, pp. 3.1–3.9.
- [10] T. Hogarth, D. Bosworth, **Future Horizons for Work-Life Balance**, Institute for Employment Research, University of Warwick, 2009 (January).
- [11] IMD, **World Competitiveness Yearbook, Institute for Management Development**, Switzerland, 2006.
- [12] D. Indiviglio, **A Future of Work-Life Balance**, The Atlantic, 14 June 2009.
- [[14] G.S. Lowe, **The future of work: implications for unions**, Industrial Relations 53 (2) (1998) 235–257.
- [15] T.W. Malone, **The Future of Work: How the New Global Order of Business Will Shape Your Organization, Management Style, and Your Life**, Harvard Business School Press, 2004.
- [16] **Ministry of Finance in Denmark**, 2010, <http://uk.fm.dk/>.
- [17] D. Nobles, **Progress Without People: New Technology, Unemployment, and the Message Resistance**, Between the Lines Press, Toronto, 1995.
- [18] OECD, **Education at a Glance**, 2007.
- [19] **Olieindustriens landsforening publikation, Norsk økonomi: En konjunkturoversikt**, Oslo, 2010.

- [20] PricewaterhouseCoopers, **Managing Tomorrow's People: The Future of Work** 2020, 2007, <http://www.pwc.com/gx/en/managing-tomorrows-people/futureof-work/pdf/mtp-future-of-work.pdf>.
- [21] SSB Statistics Norway, 2010, <http://www.ssb.no/en/>.
- [22] Statistics Denmark, 2010, <http://www.dst.dk/>.
- [23] **Statistics Denmark and Nordea Economic Research**, 2010.
- [24] J. Rifkin, **The End of Work: The Decline of the Global Labor Force and the Dawn of the Post-Market Era**, G.P. Putnam's Sons, New York, 1995.
- [25] UN, **World Population Prospects: The 2008 Revision**, New York, 2009, http://www.un.org/esa/population/publications/wpp2008/wpp2008_highlights.pdf (accessed 21.03.12).
- [26] K. Wheeler, **Is There a Future for Work-Life Balance?** 2009, <http://www.ere.net/2009/08/19/is-there-a-future-for-worklife-balance/>.
- [27] World Economic Forum, **The Global Competitiveness Report 2009–2010**, Geneva, 2009, <https://members.weforum.org/pdf/> (accessed 21.03.12). 13] J.F. Kierkegaard, Proposition's Rebuttal Statement, in: *The Economist Debate: The Future of Work*, www.the.economist.com, July 11 2008

Intuitive work life and the relationship between work and life with the Delphi approach

Ehsan Namdar Joyami
Seyyed Aligholi Rowshan
Noor Mohammad Yaghoubi

Abstract

The goals of Iran in 2024 are to focus on three main goals: sustainable growth, comprehensive growth and a knowledge economy. In Iran, labor is under development through three main demographic trends: the aging of a generation that has been triggered by rapid population growth in the short term; female laboring; and increased cultural diversity with the arrival of migrant workers. According to these three perspectives, we will continue to consolidate the opinions of the experts and remove the additions in this field, and finally, for these findings, the subtext of which can be extracted scenario. In this research, 32 expert opinions about Delphi tracks were used. Six members were selected at the outset and selected by sampling the snowball of the next and participated in the research process. The method of this paper is mainly descriptive and exploratory. Finally, according to the research findings, two scenarios have been made: in the first scenario, the balance of work and life is an essential element of employee life and creates a close relationship between employees and employers. In the second scenario, the balance of work and life for the majority of employees who try to maintain their jobs is not important and hence is only available to privileged employees with benefits.

Keywords: Iran, labor, work, life, scenario.

Development of Personality Features of Entrepreneurship: An Analysis of the Content of the Workshop on Entrepreneurship and the Production of the Secondary School in terms of Reflection of the Personality Characteristics of Entrepreneurship

Javad Aghamohammadi

Abstract

The purpose of this research was to analyze the content of the book of the entrepreneurship workshop and to produce the second level of the secondary school (the theoretical branch) in terms of paying attention to the personality traits of entrepreneurship. The research method was descriptive and was a kind of content analysis. The statistical population of the research is the book of the entrepreneurship workshop and the production of the 10th grade of the second grade secondary school of the theoretical branch, which consists of 32 sections and 135 pages. The data gathering tool was a checking and content analysis tool whose validity was determined by expert opinion and its reliability was obtained using the Scott method (89.5), which is known by the agreement of the experts. The data obtained from content analysis, namely, personality characteristics of entrepreneurship, were extracted using valid sources and texts, and then analyzed using descriptive statistics and using the three steps of Shannon entropy. The results and findings of the research showed that the 7 characteristics of entrepreneurship emphasized in most sources and texts are risk taking, internal control source, success, independence, tolerance of ambiguity, creativity and self-confidence and In the quantitative part of content analysis conducted with Shannon Entropy, among the seven characteristics studied, entrepreneurship personality, creativity with information load was 0.766 and the importance coefficient of 20.33, the most attention and independence of independence with information load was 0.256 And the 0.068 importance factor has the least attention.

Keywords: entrepreneurship, entrepreneurial personality traits, entrepreneurship and production book.

Check the status of spatial development in the city of Rasht with an emphasis on the pattern of Regional Development Strategy (RDS)

Majid yasoori
Maryam sejodi

Abstract

Spatial development to the quality and placement of components in the region lines, planes and points Shaping Space Agency - pays. Based on spatial development documents for the emergence of a strong arm and powerful features of each region. Regional Development Strategy (RDS) in order to eliminate regional differences and create equal opportunities for all regions of structural and spatial organization plan been modified. The aim of this study is to investigate the spatial development of the city of Rasht with an emphasis on the pattern of regional development strategy. To achieve the purpose intended by identifying strengths and weaknesses in terms of developing the inner and outer city area was performed. By studying the documents and expert opinions and using the SWAT model and quantitative strategic planning matrix (QSPM) to provide strategic priority is the development of the region.

Research findings indicate that, the city of Rasht severely centralization and uneven development and underdevelopment in the province is a space balanced proportion That it would foreclose on the Competitiveness of the surrounding areas and hand over some of the tasks and powers of the city to the surrounding areas is very effective.

Given that the study area as well as competitive position, strategy and business development of economic relations between the Caspian littoral countries most points earned four strategies that emerged from situations.

Keywords: Spatial Development, Regional Development Strategy (RDS), technique SWOT, city of Rasht.

**Forecasting and scenario of the emergence of the old generation
in the future With attention and emphasis on the digitization of
welfare in the Islamic Republic of Iran**

Habibullah Salarzahi
Bagher Kord
Ehsan Namdar Jamei

Abstract

The generation of Iran is aging, that we look at the issue of aging as a crisis, the policies and programs of society for today's young people, who are the elderly, and also for the elderly. Elderly, however, like other periods of life, is an integral part of the lives of many people who have succeeded in reaching this age. This research focuses on the identification and categorization of different mindsets based on the research literature and the consensus of experts for the reflection on the events of the Etienne Generation with the emphasis on the digitization of welfare issues in the Islamic Republic of Iran. In this research, Delphi technique, which is technically elegant and based on expert opinions and community, is used. Future images include mental structures. The approach of this article is mainly descriptive and exploratory. In this research, 38 views of Delphi drivers have been used. At first, 12 members were selected and selected by sampling the snowball of the next and participated in the research process. In general, four scenarios in this research are based on the literature and consensus of expert opinions and ultimately based on different mentalities, which are: 1- Private view, 2- Government perspective, 3- The perspective of the academic perspective, 4- The view Social-material achievement floating in place and time.

Keywords: Aging, Aging, Future, Islamic Republic of Iran System, Scenario, Mind.

Development zoning from the perspective of regional planning of Sistan and Baluchestan province: the province's analysis model

Ehsan Dorostkar
Sirous Nabiouni
Alireza Abbasi

Abstract

Its development and ranking or zoning is considered as a major component of regional planning and the planners' attention to this is very high. In order to achieve a high level of quality of life, it is necessary to pay attention to the development of the province. In any case, the development of the province will be higher, we will see a rise in the living standards of the inhabitants of the province. Achievement of the developmental level of the expansion province to the indicators being evaluated. Investigating and evaluating the development of Sistan and Baluchestan province can be a key component in the proper planning of the province for the desire to achieve more prosperity and thus the satisfaction of the inhabitants of the province. The objective of macro-zoning of development of Sistan and Baluchestan province, the aim of the reason is to assess the development of the province in terms of socio-cultural, economic and infrastructural aspects, in this study. Question of the research, what is the development level of Sistan and Baluchestan province? It should be. The present research is based on the purpose of scientific research and is based on the nature and method of descriptive-analytical method. The nature of the data used is small and is a way of collecting data and information from the field and documents. The writing framework can be based on the interrelationship between development indicators in socio-cultural, economic and infrastructural dimensions, data collection through library studies and field research (interviewing), and preparation of a questionnaire. By examining the sum of coefficients of indicators for each city, Zahedan, Iranshahr, Khash, Delgan, Zabul have the highest development and priority in terms of priority.

Keywords: Development, Sistan and Baluchestan, numerical taxonomy, zoning of the province.

**Economic aspects of urban wastes
processing with attitude to the world's leading countries
(case study: Arak metropolis)**

Reza Ahmadi

Abstract

In current research, the economic aspects of municipal wastes recycling in order to supply the raw materials, compost and energy production have been studied. In this regard, the status of waste management in the world's progressive industrialized countries as suitable patterns has been studied to use their knowledge and experience as well as the returned economic incomes. To achieve the goal, the complete information was collected about the existent status of collection, separation procedure, recycling and disposal of Arak urban wastes through conducting some meetings and interviews with the authorities of the municipality, environmental protection and municipal wastes of Arak city. Also, field visits from recycling plant and disposal site of Arak municipal wastes were performed. The results of the research show that the best countries in the waste management are located in the west and north of the Europe, which land fill less than 5% of their wastes. Also according to valid international statistics, the highest percentage of recycling of municipal wastes is about 63% in Austria. In the case of Arak urban wastes, despite about 20% of them can be recyclable first and about 70% is converted to compost, due to the lack of proper waste management, it has little economic advantage. At present, the economic revenues of recycled materials at the waste recycling plant including metal containers, plastics and plastic bottles, paper wastes and cartons are insignificant with a low economic income, covering only the current costs of the landfill site.

Keywords: Waste management, Recycling, Economics, Arak metropolis.

The Impact of Human Development Indicators on Economic Growth among Islamic Countries

Alireza Tamizi

Abstract

Over the past few decades, human capital issues and its impact on economic growth have been of particular importance. The aim of this study is to investigate the relationship between human development indicators on economic growth. Meanwhile, human capital that plays an important role as one of the main dimensions of available capacity, reason can be access to plenty interests and benefits that realize in the process of growth. Therefore, by studying more employment, per capita income health and more efficient use of workforce. The human development index does not continue without improving human development with regard to basic components of health, education and in the areas of human development that are referred to in some texts as growth software. And human development is a prerequisite for sustainable growth. And so human development as a dynamic phenomenon is the process of improving the quality of life. In this research, the collected data are described by descriptive statistics and analysed by using inferential statistics and examined hypotheses. It is also noted that the education level has negative effect on economic growth between Islamic countries. And lastly It's noted that human capital index does not make sense for. Economic growth among Islamic countries. In general, by considering the study of hypotheses and confirming the positive and meaningful effects of per capita income and the rate of life expectancy among Islamic countries, we concluded that the human development index has positive effect on economic growth among Islamic countries. The study was conducted on the basis of the Human Development Report of the United Nations Program 2015-2000. And the statistical community includes the Gulf and Middle Eastern countries.

Keywords: Human development indicators, Economic growth, Islamic countries, Approach between countries.



Abstract

فرم اشتراک

نام و نام خانوادگی / مؤسسه:

شغل / نوع فعالیت:

نشانی:

.....

کد پستی:

صندوق پستی: تلفن:

شماره‌های درخواستی از: تا شماره:

تعداد درخواستی از هر شماره:

کد اشتراک (در صورتی که سابقاً مشترک بوده‌اید)

- حق اشتراک و هزینه پستی ۴ شماره فصلنامه ۴۰۰/۰۰۰ ریال
- شماره حساب ۰۳۰۸۷۲۷۱۶۵۰۰۹ شماره کارت ۶۰۳۷۹۹۱۸۹۰۵۹۵۱۹۶ بانک ملی
- ارسال تصویر فیش پرداختی به همراه برگه درخواست اشتراک به دفتر فصلنامه
- تهران، خیابان فلسطین شمالی، پایین تر از تقاطع زرتشت، پلاک ۵۵۴، طبقه سوم
- کد پستی ۱۴۱۵۷۵۴۳۹۴، مرکز پژوهشی مطالعات راهبردی توسعه
- تلفن: ۸۸۹۹۱۱۷۷ نمابر: ۸۸۹۹۱۸۰۲